



جمهوری اسلامی افغانستان

وزارت تحصيلات عالی

پوهنتون سلام

پوهنځی شرعیات

بورد ماستری

صفات و فضائل صحابه کرام در روشنی قرآن کریم

رساله ماستری

محقق: نور الله "نوری"

استاد رهنما: د. فصیح الله "عبدالباقي"

سال: ۱۳۹۲ هـ ش مطابق ۱۴۴۰ هـ ق



جمهوری اسلامی افغانستان

وزارت تحصیلات عالی

پوهنتون سلام

پوهنځی شرعیات

بورد ماستری

صفات و فضائل صحابه کرام در روشنی قرآن کریم

رساله ماستری

محقق: نور الله " نوری "

استاد رهنما: د. فصیح الله " عبدالباقی "

سال: ۱۳۹۷ هـ ش مطابق ۱۴۴۰ هـ ق





پوهنتون سلام



پوهنځی شرعیات و قانون

د پیاوړتیا تعلیمات اسلامي

بورده ماستري

تصدیق نامه

محترم نور الله ولد عبد محمد ID نمبر Sh-mst-95-170 (از دور نوم تعلیمات اسلامي) از پایان نامه ماستري خویش زیر عنوان: صفات و فضائل صحابه کرام در روشنی قرآن کریم به روز پنجشنبه تاریخ ۱۳۹۸/۳/۲ هـ ش موفقانه دفاع نمود، و از نظر هیات ژوری مستحق ۸۵ (نمره به عدد) هستارونج (نمره به حروف) گردید، موفقیت شان را از الله متعال خواهانیم.

امضاء اعضای هیات ژوری:

امضاء	عضویت	ردیف
	عضو هیات	۱ دکتور محمد اسماعیل لیبیب بلخی
	عضو هیات	۲ دکتور فضل الهادی وزین
	رهنما و رئیس جلسه دفاعیه	۳ دکتور فصیح الله عبدالباقي

..... معاون علمی

..... امر بورده ماستري

إهداء

این تحقیق را در قدم نخست به والدین گرامی ام که در طلب تحصیل علوم شرعی بنده را حمایت مادی و معنوی خستگی نا پذیر نموده اند إهداء می نمایم؛ هم چنان به استادان نهایت مهربانم و کسانی که در این رساله بنده را یاری نموده تقدیم می کنم، و از بارگاه ایزد منان استدعا دارم که ذوات فوق را کامیابی و سلامتی دارین نصیب بگردانند.

خلاصه بحث

خلاصه بحثی را که تحت عنوان (صفات و فضائل صحابه کرام در روشنی قرآن کریم) به شکل تفسیر موضوعی، جهت نیل به درجه ماستری عهده دار گردیده ام، قرار ذیل است:

مقدمه این رساله شامل تمام موارد است که در اصول تحقیق باید مراعات گردد از قبیل: حمد و ثنای الله متعال، درود بر پیامبر - صلی الله علیه وسلم -، سبب اختیار موضوع، اهداف تحقیق، سوالات را که این کتاب به آن جواب می دهد و خطه بحث.

قبل از شرح و مفهوم صفات و فضائل صحابه کرام در پرتو آیات قرآن کریم، یک فصل جداگانه تحت عنوان (فصل تمهیدی) نگاشته شده است که شامل موارد همچو:

شناخت و معرفت صحابه کرام، تعریف لغوی و اصطلاحی کلمه صحابی در معاجم لغت، طبقات صحابه کرام توسط علماء و سیره نگاران، تعداد صحابه کرام، تألیفات پیرامون زندگی نامه و شرح حال صحابه کرام و کاربرد کلمه ای (الصحبہ) در قرآن کریم مفصل بحث گردیده است؛ هم چنان پیرامون مرتبه و منزلت صحابه کرام و طرق شناخت آنها، عدالت صحابه کرام و دلایل عدالت و صداقت صحابه کرام مفصل بحث گردیده است.

در فصل اول این رساله صفات صحابه کرام در روشنی آیات قرآن کریم بحث گردیده است، که این صفات قرار ذیل است:

در قسمت صفات صحابه کرام در بندگی و عبادت الله متعال و برخورد با خالق، ایمان و یقین، عبادت و بندگی، اصلاح، اخلاص، خشنودی الله متعال از آنها، سبقت صحابه کرام در دین و متابعت آنها از پیامبر - صلی الله علیه وسلم -، توصیف آنها به نخستین هجرت کنندگان در راه دین الله متعال و صفت صحابه کرام به نصرت و دین الله - تبارک و تعالی - شامل می باشد، که این صفات و خصوصیت اصحاب گرامی آنحضرت - صلی الله علیه وسلم - هر یک در پرتو آیات قرآن کریم مفصل شرح و توضیح گردیده است.

هم چنان در قسمت صفات صحابه کرام در برخورد با مخلوق، وصف صحابه کرام به امر به معروف و نهی از منکر، جهاد و مبارزه بخاطر نصرت و حمایت دین و شریعت اسلام، صداقت و راستی، سخت گیری در مقابل دشمنان دین الله تعالی، الطاف و ترحم با مؤمنان، ایثار و فداکاری، و صف آنها به

وسطیت و اعتدال و صفت صحابه کرام به علم شامل است، این صفات صحابه کرام نیز در این فصل طی مطالب و موضوعات جداگانه در روشنی آیات قرآن کریم توضیح گردیده است.

عنوان فصل دوم این رساله (فضائل صحابه کرام در پرتو آیات قرآن کریم) می باشد، در این فصل فضائل صحابه کرام طی دو مبحث جداگانه ذیلاً شرح گردیده است:

نخست فضائل صحابه کرام به طور عام بیان گردیده است منجمله: فضیلت صحابه کرام به اجر عظیم، جنت، رزق و روزی طیب، سکون و آرامش، فتح و نصرت، انتخاب آنها از بیان سائر امت و فضیلت صحابه کرام به وعده خلافت روی زمین در روشنی آیات قرآن کریم بیان گردیده است.

بعداً پیرامون فضائل صحابه کرام بطور خاص بحث گردیده است که شامل: فضائل مهاجرین، فضائل انصار، فضائل مجاهدین، فضائل اهل بدر، فضائل اهل احد، فضائل صحابه کرام در غزوه خندق، فضائل صحابه در صلح حدیبیه، فضائل صحابه کرام که در غزوات حنین و تبوک شرکت نموده بودند و فضائل صحابه کرام که قبلاً اهل کتاب بودند و به دین مقدس اسلام مشرف گردیده اند، این همه فضائل آنها نیز در پرتو آیات قرآن کریم توضیح گردیده است.

هم چنان در راجع به موقف مسلمانان و مؤمنین در باره صحابه کرام در روشنی آیات قرآنی نیز در این تحقیق بحث گردیده است که شامل موارد همچو: اعتقاد و پیروی به امامت و متابعت از صحابه کرام در دین و شریعت اسلام، رضایت و خشنودی از صحابه کرام، طلب آمرزش و مغفرت برای صحابه کرام و اعتقاد به عدم عصمت آنها بحث شده است، در اخیر نتایج بحث، پیشنهادات بحث، فهرست آیات، فهرست احادیث، فهرست اعلام، فهرست مصادر و منابع و فهرست موضوعات بحث گنجانیده شده است.

شکران و سپاس گذاری

بر اساس مفهوم آیه کریمه ای که الله - تبارک و تعالی - می فرماید: ﴿ وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ ﴾ (النمل: ۴۰). یعنی: « و هرکس سپاس گذارد تنها برای خود سپاسگذاری می کند ».

هم چنان به تأسی از این فرموده ای رسول - صلی الله علیه وسلم - که می فرماید: « من لا يشكر الناس لا يشكر الله »^(۱). یعنی: « کسیکه مردم را سپاس نگوید ، الله متعال را هم سپاس نمی گوید ». بنا به ارشادات فوق، ایجاب می نماید تا سر آغاز سخن را با سپاس و قدر دانی از جناب استاد عالیقدر عالم متبحر در عرصه علوم شرعی، دکتور « فصیح الله عبدالباقی » استاد بخش تفسیر و حدیث پوهنحی شرعیات پوهنتون سلام بخاطر لطف و مرحمت ایشان به اشراف و همکاری بنده در این رساله نمایم، استاد گرامی در جریان ترتیب این بحث اوقات نهایت با ارزش خود را همیشه با پیشانی باز برای بنده وقف نموده که با نظریات نیک و نصائح کریمانه ای ایشان توانستم پایان نامه دوره ماستری را تحت عنوان (صفات و فضائل صحابه کرام در روشنی قرآن کریم) به اكمال برسانم.

هم چنان جا دارد که از استادان گرامی هریک: استاد «فضل الهادی وزین»، و استاد « محمد لیب بلخی »؛ که تقویم و مناقشه این بحث را عهده دار گردیده اند ابراز امتنان و تشکری نمایم؛ و از دولت جمهوری اسلامی افغانستان بخصوص وزارت جلیله تحصیلات عالی، بخاطر رشد و انکشاف بخش تعلیمات عالی خصوصی که پوهنتون سلام نیز شامل آن می گردد تشکری نمایم، هم چنان جا دارد تا از کدرهای علمی و استادان محترم پوهنتون سلام بالاخص برنامه ماستری بخش تفسیر و حدیث پوهنحی شرعیات قدر دانی خاص نمایم که وظیفه تدریس علوم اسلامی را در چوکات مقررات و لواحق ریاست تحصیلات عالی خصوصی عهده دار هستند، هم چنان از تمام دوستان و عزیزان که بنده را در این رساله کمک های مادی و معنوی نموده تشکر می کنم؛ در اخیر از خانواده نهایت علم پرورم بخاطر مساعد ساختن زمینه تربیه و تعلیم بنده قدر دانی می کنم، از بارگاه الله متعال تمنا دارم که ذوات فوق را کامیابی دنیا و آخرت نصیب فرماید.

(۱) الجامع الصحیح سنن الترمذی، محمد بن عیسیٰ أبو عیسیٰ الترمذی السلمی، الناشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت، تحقیق: أحمد محمد شاکر وآخرون، عدد الأجزاء: ۵ الأحادیث من ذیلها بأحكام الألبانی علیها، کتاب (البر و صله)، باب الشکر لمن احسن الیه، ج ۴، ص ۳۳۹، حدیث (۱۹۵۴): این حدیث را ابو عیسیٰ، حسن الصحیح گفته و آلبانی آنرا صحیح خوانده.

مقدمه

الحمد لله الذي خلق الجن والإنس ليعبدوه مخلصين له الدين وأرسل الرسل إليهم وأنزل الكتب عليهم هدايتهم بنور العلم واليقين، وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، الملك القدوس السلام المؤمن المهيم العزيز الجبار القهار الوهاب الرزاق ذو القوة المتين.

وأشهد أن محمداً عبده ورسوله الصادق الناصح الأمين؛ صلى الله عليه وعلى آله الأتقياء المخلصين وسلم تسليماً كثيراً إلى يوم الدين.

حقا که الله متعال قرآن کریم را منهج حیات برای بشریت تعیین نموده است، و بواسطه آن انسان را از قید ظلمات جاهلیت و بندگی برای بشریت نجات و خلاصی بخشیده است، و در آن بهترین عقیده و شریعت را مطابق با طاقت و توان بشری و نیاز مندی های انسانی انتخاب کرده است، و الله - تبارک و تعالی - این کتاب را بواسطه کوشش های فراوان و خستگی ناپذیری نخستین مسلمانان و یاران گرامی آنحضرت - صلی الله علیه وسلم - (صحابه کرام) از هرگونه تحریف و تغیر، تصحیف و تبدیل، زیادت و نقصان و هر آنچه که سبب تحریف و دگرگونی قرآن کریم می شود حفظ نموده است، زیرا الله متعال صحابه کرام را (خیر) این امت خطاب نموده و جهت حمایت و نصرت دین و شریعت الهی و پیامبر اش - صلی الله علیه وسلم - از میان بندگان انتخاب نمود است، چنانچه می فرماید:

﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ﴾ (آل عمران: ۱۱۰)
ترجمه: « شما بهترین امت بودید که برای مردم پدیدار شدید که به کار پسندیده فرمان می دهید و از کار ناپسند باز می دارید و به الله سبحان ایمان دارید ».

و در حضور داشت صحابه کرام، قرآن کریم را مصدر هدایت، خیر و سعادت دنیا و آخرت برای بندگان تعیین نموده است، چنانچه می فرماید:

﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا﴾ (الاسراء: ۹).

ترجمه: « این قرآن (مردمان را) به راهی رهنمود می کند که مستقیم ترین راهها (برای رسیدن به سعادت دنیا و آخرت) است، و به مؤمنان که (برابر دستورات آن) کارهای شایسته و پسندیده می کنند، مژده می دهد که برای آنان (در سرای دیگر) پاداش بزرگی (به نام بهشت) است ».

یعنی: قرآن کریم عادل ترین و اعلی ترین قانون و هدایت است در اعمال و اخلاق بندگان، و کسیکه به قرآن دعوت نماید و احکام آنرا بالای خود تطبیق کند از جمله ای انسانهای مکمل و هدایت شده نزد خداوند متعال محسوب می گردد؛ زیرا خدای سبحان انسان را برای عبادت و بندگی خود خلق نموده، می فرماید:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ (الذاریات: ۵۶).

ترجمه: « الله تبارک و تعالی می فرماید: و نیافریدیم جن و انس را مگر برای آنکه پرستند مرا ».

صحابه کرام معنی حقیقی وحدانیت و عبادت الله - تبارک و تعالی - را درک نموده، و با جان و دل در حمایت دین الله قرار گرفتند و مستحق والا ترین مرتبه بندگی نیز گردیدند، تاجای که بزرگترین فضل و مرحمت الهی شامل حال آنها شد، که عبارت از رضایت و خشنودی الله متعال از آنها و خشنودی آنها از الله سبحان گردید، چنانچه خداوند متعال می فرماید:

﴿رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ﴾ (التوبه: ۱۰۰).

ترجمه: « خداوند متعال از آنان خشنود است، و آنان از او تعالی خشنود اند ».

هم چنان پیامبر - صلی الله علیه وسلم - جایگاه و مرتبه صحابه کرام اش را چنین بیان نموده است: « خَيْرُ أُمَّتِي قَرْنِي ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ »^(۱).

ترجمه: « بهترین امت من قرن من است بعد از آن کسانی که به دنبال آنها می آیند و بعد از آن کسانی که به دنبال آنها می آیند ».

بنابر همین اساس این تحقیق پیرامون صفات و فضائل صحابه کرام در پرتو آیات قرآن کریم می باشد.

اسباب اختیار موضوع:

از اسباب مهم و اساسی انتخاب این موضوع موارد آتی می باشد:

- ۱- توضیح و تبیین جایگاه و مرتبه صحابه کرام در قرآن کریم.
- ۲- ترویج تحقیق پیرامون سلف صالح از منظر قرآن کریم در محدوده و منهج و روش تفسیر موضوعی.
- ۳- توضیح صفات و فضائل یاران گرامی آنحضرت - صلی الله علیه وسلم - از دید قرآن کریم.

(۱) صحیح البخاری، کتاب فضائل صحابه، باب فضائل أصحاب النبي - صلی الله علیه وسلم -، ج ۳، ۱۳۳۳، حدیث (۳۴۵۰)؛ و صحیح مسلم، کتاب فضائل صحابه، باب فضل الصحابة ثم الذين يلونهم ثم الذين يلونهم، ج ۷، ص ۱۸۳، حدیث (۶۶۳۳).

سوالات تحقیق:

این اثر تحقیقی در کل پاسخ گوی سؤالات ذیل می باشد:

- ۱- صحابی کی است و در قرآن کریم از چه جایگاه برخوردار می باشد؟
- ۲- صفات صحابه کرام در برخورد با خالق و مخلوق در پرتو آیات قرآن کریم کدام ها اند؟
- ۳- فضائل عام و خاص صحابه کرام در قرآن کریم کدام ها اند؟
- ۴- موقف مؤمنین و مسلمانان در قبال صحابه کرام چی باید باشد؟

اهمیت موضوع:

اهمیت این تحقیق قرار ذیل است:

- ۱- در نتیجه تحقیق پیرامون آیات مرتبط به صحابه کرام صفات و فضائل آنها توضیح می گردد.
- ۲- صحابه کرام دارای جایگاه ویژه ای در شریعت اسلام هستند، که با تفسیر آیات که به آنها اطلاق گردیده این جایگاه از دید قرآن کریم توضیح می گردد.
- ۳- اهمیت دیگری که این تحقیق را نسبت به تحقیق دیگران متمایز می سازد، بحث پیرامون آیات است که به صفات و فضائل صحابه کرام بطور جداگانه بحث گردیده است.
- ۴- راجع به صفات و فضائل صحابه کرام در قرآن کریم در حد اطلاع و آگاهی بنده کدام موضوع همانند این رساله تحریر نیافته که این از بارز ترین اهمیت این رساله می باشد.
- ۵- سهم شدن در تحقیق علمی.

اهداف تحقیق:

از اهداف اساسی این تحقیق موارد آتی می باشد:

- ۱- شناخت، جایگاه و عدالت صحابه کرام در باب روایت از رسول الله - صلی الله علیه وسلم - از خلال این تحقیق.
- ۲- توضیح صفات صحابه کرام در برخورد با (خالق) در پرتو آیات قرآن کریم.
- ۳- توضیح صفات صحابه کرام در برخورد با (مخلوق) در پرتو آیات قرآن کریم.
- ۴- بیان فضائل کلی صحابه کرام در قرآن کریم.
- ۵- بیان فضائل صحابه کرام در قرآن کریم بطور خاص.

۶- موقف مسلمانان در باره صحابه کرام از دید قرآن کریم.

پیشینه تاریخی تحقیق:

بعد از استفسار از طریق سوال از علماء کرام، دانشمندان، و اساتید گرامی علوم اسلامی و تفسیر موضوعی، و بحث و تحقیق از طریق معلومات خاص که مربوط به تحقیقات اکادمیک و متعلق به نهادهای علمی اسلامی عربی و غیر عربی می شود، هم چنان جستجو در شبکه های عمومی انترنتی، به این نتیجه رسیدم که الی اکنون بحث عنوان (صفات و فضائل صحابه کرام) به شکل جداگانه تحریر نیافته است، لکن در راستای معرفت صحابه و یاران گرامی پیامبر - صلی الله علیه وسلم - علماء کوشش های زیادی نموده اند و کتابهای خاص را راجع به اَسْمَاء، انساب، احوال، اماکن، غزوات، و دیگر مسائل مربوط به زندگی نامه صحابه کرام - رضی الله عنهم اجمعین - به رشته تحریر درآورده اند که این مصنفات از همان ابتداء دوره تدوین دیگر علوم شرعی آغاز یافته است، برخی از آنها قرار ذیل است:

۱- (الآحاد والمثانی): تصنیف ابی بکر أحمد بن عمرو الضحاک ابن ابی عاصم مشهور به (الشیبانی) درگذشت: سال (۲۸۷)، این کتاب را دکتور (باسم فیصل أحمد الجوابرة) تحقیق نموده است که در دار الریه ریاض سعودی در سال (۱۴۱۱ - ۱۹۹۱) در ۶ جلد به چاپ رسیده، و در مکتبه شامل نیز موجود می باشد، معرفی صحابه کرام را به ترتیب از عشره مبشره آغاز نموده.

۲- (الاستیعاب فی معرفة الاصحاب): تصنیف ابن عبدالبر الاندلسی درگذشت: (۴۳۰هـ)، این کتاب به اساس حروف اول معجم مرتب شده است.

۳- (أسد الغابة فی معرفة الصحابة): تألیف ابو الحسن علی بن محمد بن اثیر جزیری درگذشت: (۶۳۰هـ)، این کتاب جامع ترین کتاب در این زمینه است که به اساس حروف معجم مرتب شده، و از بین کتاب ابن منده و تعلیق ابو موسی، و کتاب ابو نعیم، و الاستیعاب و غیره جمع آوری کرده است؛ و جماعت مانند: حافظ ابو عبدالله ذهبی آن را تلخیص کرده اند، و زین الدین با چند نام بر آن تعلیق گذاشته است که تا آن وقت چنین تعلیقات وجود نداشت.

۴- (الاصابه فی معرفة الصحابه): تصنیف أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل العسقلانی الشافعی درگذشت: سال (۸۵۲ هـ)، این کتاب در (دار الجلیل بیروت)، در سال (۱۴۱۲ هـ ق) در ۸ جلد چاپ شده است، و آنرا علی محمد البجاوی تحقیق نموده است.

۵- (إتحاف ذوی النجابه بما فی القرآن والسنة من فضائل الصحابه): تصنیف محمد بن التبانى المغزى السطیفی، که آنرا محمد عبدالله ناصر الموزعی تدقیق نموده است.

۶- (معجم الصحابه): تصنیف ابی الحسن عبدالباقی بن قانع درگذشت: سال (۳۵۱هـ)، مؤلف در این کتاب أسماء صحابه کرام را به اساس حروف معجم رتبه بندی نموده و درضمن از هر صحابی یک یا دو حدیث را نیز با سند همان صحابی نقل نموده است.

۷- (معرفة الصحابه): تصنیف أبو نعیم أحمد بن عبد الله بن أحمد بن إسحاق بن موسى بن مهران الأصبهانی درگذشت: سال (۴۳۰هـ)؛ آنرا عادل بن یوسف العزازی تحقیق نموده است و در دار الوطن للنشر ریاض در سال: ۱۴۱۹ هـ مطابق ۱۹۹۸ م در ۷ جلد به چاپ رسیده است، این کتاب نیز در مکتبه شامله موجود می باشد.

۸- (فضائل الصحابة الكرام فی القرآن والسنة): تصنیف صالح عبدالغنی محمد الجلال، که جهت پایان نامه دوره ماستری در جامعة الإیمان در کشور یمن آنرا انتخاب نموده است. و دیگر کتابها و رسائل پیرامون معرفت، زندگی و جایگاه صحابه کرام در تاریخ اسلامی به زبان های مختلف و زنده دنیا به رشته تحریر درآمده.

روش تحقیق:

شکی نیست که هر تحقیق روش خاص خود را دارد، و روشی را که در تحقیق حوزه های تفسیر و علوم القرآن کریم، حدیث و علوم آن به کار برده می شود بیشتر روش استقرائی، وصفی و تحلیلی می باشد، که بنده نیز در این تحقیق خود از تتبع و استقراء کار گرفته و موضوعات را به شکل وصفی و تحلیلی مورد بررسی قرار دادم، و روش بحث در این تحقیق مطابق منهج و روش تفسیر موضوعی می باشد، که فشرده ای آن طی نکات ذیل بیان می دارم:

۱- در قدم نخست عنوان این رساله تحت نام (صفات و فضائل صحابه کرام در روشنی قرآن کریم) انتخاب و تعیین گردید است.

۲- بعداً پیرامون داشته های این تحقیق در کتاب خانه ها، مراکز علمی، مشوره با استادان، و مراجعه به سایت های انترنتی انجام یافته است.

- ۳- آیاتی که نحوی به صحابه کرام دلالت دارد جمع آوری گردیده است، که در این قسمت از دو روش استفاده شده اول اینکه به مصحف قرآن کریم مراجع گردیده و آیاتی مرتبط به صحابه کرام بیرون نویس شده، هم چنان به کتابهای معاجم بالاخص (معجم کلمات القرآن الکریم) نیز مراجعه گردیده است.
- ۴- سپس آیاتی جمع آوری شده در تفاسیر تحلیلی معتبر، بررسی گردیده، و از آن افکار گرفته شده است.
- ۵- این افکار بعد از تصنیف بندی خاص و منقطی به فصول، مباحث و مطالب ترتیب شده است.
- ۶- بعداً خطه موضوعات شامل در این تحقیق مانند: مقدمه، تمهید، سه فصل که هر فصل داری مباحث و مطالب جداگانه می باشد، خاتمه بحث که شامل خلاصه بحث، نتایج بحث، و پیشنهادات بحث می شود، فهرست آیات، فهرست احادیث، فهرست اعلام، فهرست منابع و فهرست موضوعات، ترتیب شده است.
- ۷- آیات حسب خطه بحث تقسیم بندی گردیده و در مطالب و مباحث مربوطه گنجانیده شده است.
- ۸- سپس تحریر و کتابت موضوع آغاز شده، که در آن محور اساسی بحث آیات مرتبط به صفات و فضائل صحابه کرام تفسیر گردیده، و اکثراً تفسیر آیات به آیات دیگری قرآنی شده، هم چنان از احادیث نیز جهت شرح موضوع استفاده شده است، لکن از احادیث ضعیف و اقوال بدون سند جداً پرهیز شده است.
- ۹- قبل از پرداختن به داشته های هر فصل یک مدخل بخاطر شرح ابعاد و جوانب مربوطه همان فصل ذکر شده است، تاخواننده بتواند راجع به فصل معلومات قبل از قبل داشته باشد.
- ۱۰- آیات مربوطه در داخل قوس کلان و مرجع آن آیه در مقابل همان قوس در داخل قوس خورد به این ترتیب که ابتداء نام سوره و بعداً شماره آیه ذکر شده است.
- ۱۱- ترجمه آیات عموماً از کتابهای تفسیر خرم دل و تفسیر محمد گل گمشاد زهی گرفته شده، هم چنان احیاناً ترجمه آیات از تفاسیر انوار القرآن و در بعضی موارد ترجمه آیات از تحلیل تفاسیر معتبر عربی نیز شده و ترجمه آیات در داخل علامه نشانی گردیده است.
- ۱۲- کلمات و مفاهیم شامل در این تحقیق اکثراً از کتاب های معتبر زبان عرب و مصطلحات مربوطه آن تعریف گردیده، و موارد ورود همان مفهوم در قرآن کریم نیز بیان شده است.

۱۳- در شرح آیات از اقوال مفسرین استفاده شده و احياناً اقوال راجح آنها نیز بیان شده، و نام کتاب تفسیر با ذکر صفحه و جلد آن بیان شده است.

۱۴- احادیث نخست از کتابهای معتبر حدیثی تخریج گردیده و کتاب و باب حدیثی آن با ذکر صفحه، جلد و شماره حدیث تخریج شده است.

۱۵- در مجموع مراجع این بحث ابتداء نام کتاب، نام مولف، مکان نشر، طبع کتاب، جلد و شماره صفحه ذکر گردیده است.

طرح تحقیق یا خطه بحث:

مقدمه که شامل عناصر ذیل می باشد:

اهمیت موضوع، اسباب اختیار موضوع، اهداف تحقیق، روش تحقیق، سوالات تحقیق و خطه بحث.

فصل تمهیدی

تعریف و جایگاه صحابه کرام

مدخل:

مبحث اول: شناخت و معرفت صحابه کرام

مطلب اول: معنی لغوی واصطلاحی لفظ صحابی

مطلب دوم: طبقات صحابه کرام

مطلب سوم: تعداد صحابه کرام

مطلب چهارم: برخی تألیفات در باره صحابه کرام

مطلب پنجم: کاربرد کلمه (الصحبه) درقرآن کریم

مبحث دوم: مرتبه و جایگاه صحابه کرام

مطلب اول: مرتبه صحبت

مطلب دوم: طرق معرفت صحابه کرام

مطلب سوم: عدالت صحابه کرام

مطلب چهارم: دلایل عدالت و صداقت صحابه کرام

فصل اول

صفات صحابه کرام در پرتو آیات قرآنی

مبحث اول: صفات صحابه کرام مرتبط به عبادت و بندگی و تعامل با خالق

مطلب اول: وصف صحابه کرام به ایمان و یقین

مطلب دوم: وصف صحابه کرام در عبادت

مطلب سوم: وصف صحابه کرام به اخلاص

مطلب چهارم: وصف صحابه کرام در رضا مندی و خوشنودی الله

مطلب پنجم: وصف صحابه کرام به ترس و خشت از الله

مطلب ششم: وصف صحابه کرام به سبقت در دین و متابعت از پیامبر

مطلب هفتم: وصف صحابه کرام به اولین هجرت کنندگان در راه الله

مطلب هشتم: وصف صحابه کرام به نصرت و یاری دین الله

مبحث دوم: صفات صحابه کرام در تعامل با مخلوق

مطلب اول: امر به معروف و نهی از منکر

مطلب دوم: جهاد و مبارزه

مطلب سوم: صداقت و راستی

مطلب چهارم: سخت گیری در مقابل دشمنان الله

مطلب پنجم: الطاف و ترحم با مؤمنین

مطلب ششم: ایثار و فداکاری

مطلب هفتم: وسطیت و اعتدال

مطلب هشتم: علم

فصل دوم

فضائل صحابه کرام در پرتو آیات قرآنی

مدخل:

مبحث اول: فضائل عموم صحابه کرام در قرآن کریم

مطلب اول: فضیلت صحابه کرام به اجر عظیم

مطلب دوم: فضیلت صحابه کرام وعده جنت

مطلب سوم: فضیلت صحابه کرام به عنایت سکون و آرامش

مطلب چهارم: مژده صحابه کرام به فتح و نصرت

مطلب پنجم: فضیلت صحابه کرام به انتخاب از بین امت

مطلب ششم: وعده صحابه کرام بر خلافت زمین

مبحث دوم: فضائل تعداد خاص صحابه در قرآن کریم

مطلب اول: فضائل مهاجرین صحابه کرام

مطلب دوم: فضائل انصار صحابه کرام

مطلب سوم: فضائل مجاهدین صحابه کرام

مطلب چهارم: فضائل اهل بدر از صحابه کرام

مطلب پنجم: فضیلت صحابه کرام در غزوه احد

مطلب ششم: نصرت الهی برای صحابه کرام در غزوه (خندق)

مطلب هفتم: اعلان رضامندی الله از اهل بیعة الرضوان و وعده غنائم به آنها

مطلب هشتم: عنایت الهی برای صحابه به فتح و پیروزی در غزوه حنین

مطلب نهم: فضائل صحابه کرام در غزوه تبوک

مطلب دهم: فضائل اهل کتاب صحابه کرام

مطلب یازدهم: فضائل تعداد از صحاب کرام در قرآن کریم

نتایج بحث

پیشنهادات

فهرست آیات

فهرست احادیث

فهرست اعلام

فهرست منابع ومصادر

فهرست موضوعات

مَا أَصَبْتُ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَخْطَأْتُ فَمِنَ نَفْسِي وَمِنَ الشَّيْطَانِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. (سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ،
سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ).

امید است الله - تبارک و تعالی - این تحقیق را جزء اعمال حسنه ای بنده و تمامی عزیزانی که در این راستا
راهنمایی و یاری ام نموده، قرار بدهد.

فصل تمهیدی

تعریف و جایگاه صحابه کرام

مدخل:

دین مقدس اسلام یک دین کامل و شامل در تمام امور و مراحل زندگی بشری بوده و می باشد، چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ (المائدة: ۳).

ترجمه: « امروز دین شما را برایتان کامل کردم و نعمت خود را بر شما تکمیل نمودم و اسلام را به عنوان دین و آئین که مورد قبول الله متعال است برای شما برگزیدم ».

الله سبحانه بخاطر تبلیغ احکام این کتاب بهترین بنده اش (حضرت محمد مصطفی - صلی الله علیه وسلم -) را مکلف و مبعوث ساخته تا شریعت الهی را برای بندگانش برساند، چنانچه الله سبحانه می فرماید: ﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ﴾ (النحل: ۴۴).

ترجمه: « وقرآن را بر تو نازل کرده ایم تا این که چیزی را برای مردم روشن سازی که برای آنان فرستاده شده است ».

و پیامبر - صلی الله علیه وسلم - مکلفیت را که الله متعال به وی سپرده بود به شکل اکمل به شاگردان اش (صحابه کرام) رسانید و صحابه پیامبر - صلی الله علیه وسلم - نیز احساس مسئولیت نموده و این علم مقدس را به شاگردان شان (تابعین) به طریقه احسن رسانیدند، که این مرحله را محدثین کرام بنام مرحله حفظ سینه به سینه (یعنی نقل احادیث پیامبر - علیه السلام - بدون کتابت و نوشتن در متون) نام نهادند. البته حفظ حدیث تازمانیکه مرحله تدوین و جمع آوری آن رسماً آغاز شد به همین منوال ادامه داشت، سپس دانشمندان مسلمان در ابعاد مختلف دین احادیث را جمع آوری نمودند^(۱).

هم چنان علماء امت مسلمه پیرامون یاران (اصحاب گرامی) پیامبر - صلی الله علیه وسلم - کتابها و مقالات علمی زیادی را به زبان های مروج دنیا به رشته تحریر در آورده اند، زیرا صحابه کرام مبلغین قرآن کریم هستند و همچنین این بزرگواران، رساننده هدایات و مرویات پیامبر - صلی الله علیه وسلم - و عاملین

(۱) مباحث فی التفسیر الموضوعی، الدكتور مصطفی مسلم، دار القلم دمشق طبع سوم ۱۴۲۱هـ - ۲۰۰۰م، ص ۱۳.

بر احکام و نصایح او بودند؛ و عمل به قرآن و سنت، و صورت مصداق این دو چشمه های نور(قرآن و سنت)، بدون از صحابه کرام ممکن نیست، و حیات صحابه کرام همه تصویر و تفسیر قرآن و حدیث است؛ چنانچه الله - تبارک و تعالی - ایمان صحابه کرام را مثال ایمان و معیار حق تعیین نموده می فرماید:

﴿وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ﴾ (البقره: ۱۳).

ترجمه: « و هنگامی که به آنان گفته شود، طوری که مردم ایمان آورده اند (صحابه کرام)، ایمان بیاورید ». و خداوند متعال دین ایشان را دین خود قرار داده می فرماید:

﴿إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ * وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا﴾ (النصر: ۱-۲).

ترجمه: « هنگامی که یاری الله متعال و پیروزی فرا رسد؛ و مردم را ببینی گروه گروه وارد دین خدای سبحان می شوند ».

الله متعال در این آیه به صحابه کرام وعده فتح و پیروزی در مقابل دشمنان عنایت نموده است.

الله سبحان صحابه کرام را تصدیق نموده و محبت اش را با آنها اعلان نموده می فرماید:

﴿يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ﴾ (المائدة: ۵۴).

ترجمه: « خداوند متعال ایشان(صحابه کرام) را دوست می دارد، و آنان الله متعال را دوست می دارند، در برابر مومنان نرم دل اند، و در برابر کافران سرسخت و شدید ».

هم چنان الله متعال اعلان رضایت خود را از این نفسهای مبارک نموده می فرماید:

﴿لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ﴾ (الفتح. ۱۸)

ترجمه: « همانا الله تعالی از مؤمنانی که در زیر آن درخت با تو بیعت کردند راضی و خشنود شد، و آن چه را در درون قلب های آنان نهفته بوده دانست ».

تحقیق هذا پیرامون اصحاب و یاران گرامی حضرت رسول الله - صلی الله علیه وسلم -، تحت عنوان (صفات و فضائل صحابه کرام در روشنی قرآن کریم) نیز یکی از نمونه های شرکت در گلستان حیات صحابه کرام می باشد؛ قبل از اینکه به اصل بحث داخل شویم، چون تعریف و تشریح مفاهیم و مصطلحات اساسی و مقدمه اولیه و لازمه هر علم و فن می باشد، بهتر است تا راجع به شناخت صحابی و جایگاه آنها در شریعت معلومات تقدیم و ارایه نماییم.

مبحث اول

شناخت و معرفت صحابه کرام

در این مبحث می خواهیم پیرامون معنی لغوی واصطلاحی لفظ صحابی، طبقات صحابه، تعداد صحابه و برخی از تصنیفات مهم که راجع به زندگانی صحابه رسول - صلی الله علیه وسلم - تألیف گردیده وضاحت دهیم:

مطلب اول: معنی لغوی واصطلاحی لفظ صحابی

أ: معنی لغوی صحابی

علماء کرام لفظ صحابی را در لغت به الفاظ مختلف بیان نموده اند که برخی آن قرار ذیل است:

۱- صاحب لسان العرب صحابی را چنین تعریف نموده: « کلمه اصحاب جمع صاحب است، و صاحب اسم فاعل از ریشه صَحَبَ يَصْحَبُهُ، و در جمع آن گفته می شود: أصحاب و أصحاب و صحب و صحبة و صحبان (به ضم) و صحابه (به فتح) و (صحابه به کسره)؛ به معنی رفیق، دوست و همراه می باشد خواه زیاد و طولانی باشد یا کم و کوتاه؛ کلمه (صحابی) در تمام معانی آن، ملازمت و همنشینی و اطاعت، مشترک است «(۱).

۲- صاحب الصحاح فی اللغة صحابی را در لغت چنین تعریف نموده است: « صَحْبُهُ يَصْحَبُهُ صُحْبَةٌ بالضم، وصحابة بالفتح؛ وجمع الصاحب صَحْبٌ وَصُحْبَةٌ، مثل راکبٌ و ركبٌ، والصحابة بالفتح: الأصحاب وهي في الأصل مصدرٌ؛ وجمع الأصحاب أصحابٌ أصحابٌ؛ واصطحب القومُ: صَحَبَ بعضهم بعضاً «(۲).

ترجمه: « کلمه صحب از (صَحْبُهُ يَصْحَبُهُ صُحْبَةٌ بالضم، وصحابة بالفتح) مشتق گردیده، که جمع آن (الصاحب صَحْبٌ وَصُحْبَةٌ) می باشد، مانند: راکب و ركب، و کلمه الصحابه بفتح به معنی اصحاب می باشد که در اصل مصدر است، و جمع اصحاب أصحاب می باشد، مثل گفته شود که فلان قوم یار و مصاحب یکدیگر شدند، یعنی: به دوستی گرفتند بعضی آنها بعضی دیگر شان را «.

(۱) لسان العرب، محمد بن مکرم بن منظور الأفريقي المصري، دار صادر - بیروت، طبع اول، کلمه (صحاب)، ج ۱، ص ۵۱۹.

(۲) الصحاح فی اللغة، اسماعیل بن حماد الجوهري، تحقیق عبدالغفور عطار، طبع دوم ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۱۶۱-۱۶۲.

۳- کلمه صحابی در مختار الصحاح چنین تعریف شده است: « صَحْبُهُ و صُحْبُهُ و صُحْبَةٌ بالضم و جمع الصَّاحِبِ صَحْبٌ کراکب و رُکب، و الأصحابُ جمع صَحْبٍ کفرخ و أفرخ و الصَّحَابَةُ بالفتح الأصحابُ وهي في الأصل مصدر، و جمع الأصحاب أصحابٌ »(۱).

ترجمه: « کلمه (صَحْبُهُ و صُحْبُهُ و صُحْبَةٌ به ضم) که جمع آن (صحابه و اصحاب) که مصدر نیز می باشد، جمع صاحب (صحاب) است مانند راکب و ركب، و اصحاب جمع صحب است مانند فرخ و افرخ، و جمع اصحاب اصحاب است، که به معنی به دوستی انتخاب نمودن کاربرد دارد. »

۴- صاحب مصباح المنیر می گوید: « أصحابه صحبة فأنا (صَاحِبٌ) و الجمع (صَحْبٌ) و (أَصْحَابٌ) و (صَحَابَةٌ) و الأصل في هذا الإطلاق لمن حصل له رؤية و مجالسة »(۲).

ترجمه: « کلمه أصحابه صحبة مانند که گفته شود من صاحب هستم، جمع آن (صحاب، اصحاب و صحابه است، که مفهوم این اطلاقات حصول رؤیت و مجالست می باشد. »

۵- هم چنان کلمه (صحبه) در کتاب معجم الوسيط چنین تعریف شده است: « صحابة و صحبة رافقه و يقال في الدعاء صحبك الله حفظك ورافقتك عنایتة »(۳).

ترجمه: « صحابه و صحبه به معنی رفیق و همنشین می باشد، چنانچه که در دعاء گفت می شود: در صورت که شخص مؤمن باقی بماند الله - تبارک و تعالی - را ملاقات خواهد نمود و فضل الله متعال به تو توفیق ملاقات را عنایت کرد. »

ب: معنی اصطلاحی صحابی

همان طوریکه علماء کرام کلمه صحابی را در لغت تعریف نموده است، آنرا در اصطلاح نیز تعریف کرده اند که بعضی از این تعریفات قرار ذیل است:

(۱) مختار الصحاح، محمد بن أبي بكر بن عبدالقادر الرازي، مكتبة لبنان، بيروت، طبع جديد ۱۴۱۵ - ۱۹۹۵، تحقيق: محمود خاطر، ص ۳۷۵، کلمه (صحاب).

(۲) المصباح المنیر في غريب الشرح الكبير للرافعي، أحمد بن محمد بن علي المقرئ الفيومي، مكتبة علمي بيروت، ج ۱، ص ۳۳۳، کلمه (صَحْبَةٌ).

(۳) المعجم الوسيط، إبراهيم مصطفى و أحمد الزيات و حامد عبد القادر و محمد النجار، دار الدعوة، تحقيق: مجمع اللغة العربية، باب (الصاد)، ج ۱، ص ۵۰۷.

- ۱- امام أحمد بن حنبل - رحمه الله - صحابی را در اصطلاح چنین تعریف نموده است: « أصحاب رسول الله - صلى الله عليه وسلم - كل من صحبه شهراً أو يوماً أو ساعة أو رآه »^(۱).
- ترجمه: « هرکس با پیامبر - صلى الله عليه وسلم - یکماه یا یک روز یا یک ساعت و یا هم هر آن کسی که او را مجرد ملاقات نموده باشد صحابی گفته می شود ».
- ۲- امام محمد بن إسماعیل (البخاري) - رحمه الله - صحابی را چنین تعریف نموده: « من صحب رسول الله - صلى الله عليه وسلم - أو رآه من المسلمين فهو من أصحابه »^(۲).
- ترجمه: « هر مسلمان که با رسول الله - صلى الله عليه وسلم - هم صحبت شده باشد و یا او را ملاقات نموده باشد آن شخص از جمله اصحاب نبی کریم - صلى الله عليه وسلم - محسوب می گردد.
- ۳- امام ابن حجر - رحمه الله - در تعریف اصطلاحی صحابی می گوید: « صحابي کسی است که رسول الله - صلى الله عليه وسلم - را ملاقات نموده، در حالی که به وي ایمان داشته و بر اسلام وفات کرده است؛ برابر است که مدت زمان طولانی با رسول الله - صلى الله عليه وسلم - مجالست داشته یا کم، از او حدیث روایت کرده یا نه، با او در غزوات شرکت داشته یا خیر، او را یک بار دیده و با ایشان مجالست نداشته است و همچنین کسی که به عارضی مانند ناپینائی او را ندیده است، همه این کسان صحابه هستند »^(۳).
- بنابراین تعریف، منافقان از جمله صحابه نیستند؛ چون قلباً به رسول الله - صلى الله عليه وسلم - ایمان نداشته اند و آنان که در زمان رسول الله - صلى الله عليه وسلم - یا پس از وي مرتد شده اند و در حال کفر مرده اند نیز صحابی محسوب نمی شوند.
- ۴- جمهور فقها و اصولیون در تعریف صحابی می گویند: « من لقي النبي - صلى الله عليه وسلم - يقظة مؤمناً به، بعد بعثة، حال حياة، وطالت صحبته وكثر لقاءه به، علي سبيل التبع له، والأخذ عنه، وإن لم يرو عنه شيئاً، ومات علي الإيمان »^(۴).

(۱) أسد الغابة: علامة عزالدین أبي الحسن علي بن محمد الجزري معروف به ابن (الأثیر الجزري)، طبع: دار الکتب العربي - بیروت لبنان، مقدمه.

(۲) مرجع سابق مقدمه، ص ۷.

(۳) الإصابة في تمييز الصحابة، أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي، دار الجیل - بیروت، طبع اول سال: ۱۴۱۲ هـ ق، تحقیق: علي محمد الجاوي، ج ۱، ص ۶.

(۴) مفهوم عدالة الصحابة، أبو عبد الله الذهبي، مكتبة: مشكات، ص ۱۰.

ترجمه: « کسی که در حالت هوشیاری با پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - برخورد کرده باشد، به او ایمان آورده باشد، بعد از بعثتش، در حال حیاتش و همراهی اش طولانی شده باشد و ملاقاتش با او بسیار باشد، و از او پیروی کرده باشد و دین را از ایشان فراگرفته باشد، هر چند حدیثی از ایشان روایت نکرده باشد، و بر ایمان مرده باشد.»

۵- ابن عثیمین - رحمه الله - صحابی را چنین تعریف کرده است: « صحابی کسی که با پیامبر - صلی الله علیه وسلم - بوده و او را ملاقت کرده باشد، یا پیامبر - صلی الله علیه وسلم - را دیدار کرده و به وی ایمان آورده و بر ایمان نیز از دنیا رفته باشد»^(۱).

با توجه به این تعریف؛ کسی که مرتد شده و بعداً دوباره ایمان می آورد، صحابی گفته می شود؛ مانند أشعث بن قیس، او جزو کسانی بود که پس از وفات پیامبر - صلی الله علیه وسلم - مرتد شد و بعدها در زمان ابوبکر صدیق - رضی الله عنه - اسیر گشته و توبه کرد و ابوبکر - رضی الله عنه - نیز از وی قبول می کند؛ ولی کسی که در زمان حیات پیامبر - صلی الله علیه وسلم - به ایشان ایمان می آورد ولی ایشان را ملاقات نمی کند؛ مانند نجاشی، و نیز کسی که بعد از ایمان مرتد می شود و بر ارتداد خود می میرد، از معنای صحبت خارج می شود، مانند عبد الله بن خطل (که در روز فتح مکه کشته می شود) و ربیع بن امیه بن خلف که در زمان خلافت عمر ابن خطاب - رضی الله عنه - مرتد می شود و بر ارتدادش می میرد»^(۲).

۶- جمهور محدثین صحابی را چنین تعریف نموده اند: « هو من لقي النبي - صلی الله علیه وسلم - يقظة، مؤمناً به، بعد بعثته، حال حیاته، ومات علي الإيمان»^(۳).

ترجمه: « صحابی کسی است که پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - را در حالت بیداری ملاقات کرده باشد، به او ایمان آورده باشد، بعد از بعثتش، در حال حیاتش، و بر ایمان مرده باشد.»

(۱) مصطلح حدیث (قواعد و ضوابطی که به وسیله ی آن حدیث صحیح از ضعیف تشخیص داده می شود)، علامه محمد بن صالح العثیمین، ترجمه و تعلیق و اضافات: محمد عبداللطیف، ج ۱، ص ۱۸۸.

(۲) مصطلح حدیث (قواعد و ضوابطی که به وسیله ی آن حدیث صحیح از ضعیف تشخیص داده می شود)، علامه محمد بن صالح العثیمین، ترجمه و تعلیق و اضافات: محمد عبداللطیف، ج ۱، ص ۱۸۸.

(۳) دیده شود: فتح المغیث شرح ألفیه الحدیث، شمس الدین محمد بن عبد الرحمن السخاوی، دار الکتب العلمیة - لبنان، طبع: اول، ۱۴۰۳ هـ، ۴، ص ۷۴؛ و الباعث الحثیث فی اختصار علوم الحدیث، ابن کثیر، موقع الوراق، ص ۱۶۹ و ۱۷۲؛ و الاصابه، ج ۱، ص ۶؛ دفاع عن السنة، د. محمد محمد أبو شهبة، دار اللواء، طبع: دوم، ریاض ۱۴۰۷ هـ. ص ۱۰۸.

تعریف راجح برای صحابی همان تعریف است که جمهور محدثین گفته اند، و دلیل آن هم سالم بودن ادله آنها و خالی بودن از انتقاد می باشد^(۱).

بنابر آنچه پیرامون معانی لغوی و اصطلاحی صحابی گفته شد، مدلول همه معانی لغوی کلمه (صحبت) به معنی اصطلاحی آن نمی باشد و اگر لفظ صحابی را براساس همه معانی لغوی آن معنی کنیم، همه ما نیز جزو صحابه خواهیم بود، زیرا ما نیز به رسول الله - صلی الله علیه وسلم - ایمان داریم، و یهود و نصاری و منافقان و مشرکان نیز که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - را دیده اند در شمار صحابه خواهند بود، زیرا در لغت برای لفظ صحابه، شروطی مانند دیدار همیشگی یا ایمان به الله واحد ولا شریک تا دم مرگ لحاظ نشده است؛ لذا مراد از صحابه در این جا معنای اصطلاحی آن هدف می باشد^(۲).

مطلب دوم: طبقات صحابه کرام

صاحب معجم الوسیط در تعریف طبقه می گوید: « (الطبقة) الجيل بعد الجيل أو القوم المتشابهون في سن أو عهد والحال والمنزلة والمرتبة والدرجة »^(۳).

ترجمه: « طبقه عبارت از نسل بعد از نسل یا قوم را گویند که در سن، عصر، زمانه، حالت، منزلت و مرتبه و درجه باهم متشابه باشند ».

یا به عبارت دیگر، طبقه مجموعه کسان را می گوید: که در یک سن و سال از دنیا وفات نموده باشد، یعنی: هرگاه چندین نفر در یک زمان مشخص وفات نموده باشد از جمله طبقه رجال یکدیگر محسوب می گردند، در حالی که محدودیت زمانی آن ده سال، بیست سال و ثلث قرن بوده باشد، و تعدادی حد زمانی طبقه را یک جیل یا نسل مکمل دانسته است^(۴).

تعداد اصحاب و یاران رسول الله - صلی الله علیه وسلم - زیاد بوده است و شمردن آنها یک کار مشکل است، زیرا پیامبر - علیه السلام - در طول بیست و سه سال بعثت اش بندگان خداوند سبحانه و تعالی را به دین مقدس اسلام دعوت نموده که در این مدت جمع کثیری مسلمان گردیدند، تعدادی از آنها بعد از قبولی اسلام همراه با رسول الله - صلی الله علیه وسلم - مقیم شدند، تعداد دیگری آنها بطرف وطن

(۱) مفهوم عدالة الصحابة، أبو عبدالله الذهبي، مكتبة: مشكات، ص ۱۰.

(۲) صحابه از دیدگاه قرآن و اهل بیت، عبدالله بن جوران الخضير، مترجم: مریم محمدی تحقیق: شیخ عبدالله عبدالرحمن الراشد، مقدمه.

(۳) معجم الوسیط، محمد النجار، ج ۲، ۵۵۱.

(۴) أرفیف ملتقى أهل التفسیر ۷، أعده أبو محمد المصری، ص ۱۷۳۲.

و جای که آمده بودند رفتند، برخی دیگر از صحابه کرام، در حضور رسول الله - صلی الله علیه وسلم - ایمان آوردند، تعداد دیگری در غیاب آن جناب اسلام آوردند، زیرا آنها نسبت عذر موجه نتوانسته با پیامبر - علیه السلام - ملاقات و صحبت نمایند مانند نجاشی پادشاه حبشه.

لذا علماء کرام اصحاب پیامبر - صلی الله علیه وسلم - را برای شناخت بهتر به گروه ها و طبقات درجه بندی کرده اند؛ مانند گروه های مهاجر، انصار، اهل بیت، اهل بدر، اصحاب بیعت رضوان (اصحاب حدیبیه)، خلفای راشدین، عشره مبشره و امثال آن.

کلی ترین تقسیم و دسته بندی که صحابه گرفته می شود تقسیم آنها به دو دسته است، یعنی: مسلمانان قبل از فتح مکه و مسلمانان بعد از آن می باشد که شامل جمعیت تمامی صحابه کرام می گردد.

لکن با وجود آن، نظریات و دیدگاه های علماء کرام پیرامون طبقه بندی صحابه - رضی الله عنهم - به چندین دسته تقسیم می شود که مشهورترین این نظریات قرار ذیل است:

- ابن حبان و هم نظران او معتقد اند که صحابه کرام در یک طبقه قرار داشته اند، و دارای فضیلت و افتخار می باشند که با هیچ فرد از مسلمان امت حضرت محمد - صلی الله علیه وسلم - قابل مقایسه نیست»^(۱).

بنابراین نظریه، همه صحابه کرام در یک طبقه قرار دارند، و آنها در یک مرتبه باهم مساوی می باشند و از دیدگاه این علماء هیچ یک از آنها بر دیگری برتری ندارند.

- ابن سعد در کتابش (طبقات الکبری)، به تقسیم صحابه کرام به طبقات موافق است، و توجیه او این است که گرچه صحابه - رضی الله عنهم - در افتخار صحابی بودن پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - مساوی هستند، اما بنا به اعتبارات دیگری متفاوت می باشند، مانند سبقت در اسلام آوردن، اشتراک در غزوات همراه با پیامبر - صلی الله علیه وسلم -، انفاق در راه الله، و امثال اینها»^(۲).

(۱) محاضرات فی علوم الحدیث، د. ماهر یاسین الفحل، رئیس قسم الحدیث - کلیة العلوم الإسلامیة - جامعة الأنبار، ندوة علوم

الحدیث علوم و آفاق ج ۱، ص ۱۵۲.

(۲) محاضرات فی علوم الحدیث، ماهر یاسین الفحل، ج ۱، ص ۱۵۳.

- ابن صلاح (۱) طبقات صحابه کرام پیامبر - صلی الله علیه وسلم - را به پنج طبقه تقسیم بندی نموده است (۲)، که شرح آن ذیلاً بیان می گردد:
- طبقه اول:** اهل بدر، مثل ابوبکر صدیق و علي بن ابي طالب و بلال بن رباح - رضي الله عنهم -، و کسانی دیگری که در غزوه بدر حضور داشته اند.
- طبقه دوم:** از کسانی که در اسلام پیشتاز بودند و عامه آنها به حبشه هجرت کردند و در جنگ احد و جنگ های بعد از آن شرکت کردند، مثل: عثمان بن عفان و همسرش رقیة - رضي الله عنهما - دختر رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - و زبیر بن عوام - رضي الله عنه - و غیره.
- طبقه سوم:** کسانی که در جنگ خندق و ما بعد آن حضور داشتند، از جمله: سلمان فارسی و سعد بن معاذ و غیره - رضي الله عنهم -.
- طبقه چهارم:** اسلام آورندگان بعد از فتح مکه، مثل: ابو سفیان بن حرب و حکیم بن حزام و غیره - رضي الله عنهم -.
- طبقه پنجم:** کودکان و اطفال که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - را دیده اند لکن در هیچ غزوه ای همراه با او شرکت نکرده اند، برابر است که از این ملاقات با نبی - علیه السلام - چیزی در ذهن دارد یا خیر.
- تعدادی علماء دیگر مانند: امام ابو عبدالله الحاکم النیشابوری - رحمه الله - طبقات صحابه کرام را دوازده طبقه خوانده اند (۳)، که تفصیل آن قرار ذیل است:

(۱) نام و نسبت وی، ابو عمرو عثمان ابن المفتی صلاح الدین عبدالرحمان بن عثمان بن موسی الکردی، الشهرزوری الموصلی، مشهور به ابن صلاح، یکی از علماء حدیث شریف است، ابن خلکان در باره او می گوید: ابن صلاح از جمله علماء فاضل عصر خود در علوم تفسیر، حدیث فقه و اسماء رجال بوده است، وی به بسیاری فنون دسترسی داشته است، در سال ۶۴۳ هـ وفات نموده است - رحمه الله - ؛ نکا: وفيات الأعیان و أبناء أبناء الزمان، أبو العباس شمس الدین أحمد بن محمد بن أبي بکر بن خلکان، تحقیق: إحسان عباس، دار صادر - بیروت، ج ۳، ص ۲۴۳، الاعلام قاموس تراجم اشهر الرجال والنساء من العرب والعجم والمستعمرین والمستشرقین، خیر الدین الزرکلی، دارالعلوم الملايين بیروت، لينا، طبع ششم سال ۱۹۸۴ م، ج ۴، ص ۳۶۹.

(۲) علوم الحدیث، الحافظ أبي عمرو بن الصلاح، مؤسسة الكتب الثقافية، بیروت، طبع: سوم، ۱۹۹۵ م، ص ۴۹۵.

(۳) معرفة علوم الحدیث، أبو عبد الله الحاکم محمد بن عبد الله بن محمد بن حمدويه بن نُعیم بن الحکم الضبی الطهماني النیشابوری مشهور به ابن البیع، درگذشت: ۴۰۵ هـ، تحقیق: السيد معظم حسین، دار الكتب العلمية - بیروت، طبع: دوم سال ۱۳۹۷ هـ - ۱۹۷۷ م، ص ۲۲-۲۴.

طبقه اول: جمعی که در مکه معظمه مسلمان شدند، مثل: حضرت ابوبکر، عمر، عثمان، علی و غیره
- رضي الله عنهم -.

طبقه دوم: اصحاب دارالندوة (خانه قصي بن كلاب)، یعنی: هنگامی که عمر بن خطاب - رضي الله عنه
- اسلامش را علناً آشکار کرد، پیامبر - صلى الله عليه وسلم - را به دار الندوة برد و در آنجا سعید بن
زید و سعد بن ابی وقاص و غیر از آنها - رضي الله عنهم - می باشند.

طبقه سوم: مهاجران به حبشه، مثل: حاطب بن عمرو بن عبد شمس و سهیل بن بیضاء و جعفر بن ابی
طالب - رضي الله عنهم -.

طبقه چهارم: کسانی که در عقبه با پیامبر - صلى الله عليه وسلم - بیعت کردند، از جمله: رافع بن مالک
و عبادة بن صامت و اسعد بن زرارة - رضي الله عنهم -.

طبقه پنجم: یاران عقبه دوم که اکثرشان از انصار بودند، زیرا آشکار و واضح است که همراه با یاران عقبه
اول و دوم غیر از انصار کسی مشارکت نداشته است، جز حضرت عباس - رضي الله عنه - که او هم
برای اطمینان و خاطر پیامبر - صلى الله عليه وسلم - حضور داشته است.

طبقه ششم: اول دسته از مهاجرینی که در قباء به پیامبر - صلى الله عليه وسلم - رسیدند، قبل از اینکه
وارد مدینه شوند و مسجد ساخته شود از جمله: ابو سلمه ابن عبد الأسد و عامر بن ربیع - رضي الله
عنهم -.

طبقه هفتم: اهل بدر که پیامبر - صلى الله عليه وسلم - در مورد آنان فرمود:

« لَعَلَّ اللَّهَ أَنْ يَكُونَ قَدْ اِطَّلَعَ عَلَى أَهْلِ بَدْرِ فَقَالَ اَعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ، فَقَدْ غَفَرْتُ لَكُمْ » (۱).

ترجمه: « قطعاً الله سبحانه به درون های اهل بدر آگاهی داشته که گفته است: هر کاری می خواهید
انجام دهید که من شما را بخشیده ام »؛ مثل: حاطب بن ابی بلتعنة و مقداد بن اسود و حباب بن منذر.

طبقه هشتم: مهاجرینی که در جنگ بدر و حدیبیه مهاجرت کردند، از جمله: مغیره بن شعبه - رضي الله
عنه -.

طبقه نهم: اهل بیعة الرضوان، که الله متعال در مورد آنان این آیه را نازل کرد:

(۱) صحیح البخاری، کتاب الجهاد والسير، باب الجاسوس، ج ۳، ص ۱۰۹۵، حدیث (۲۸۴۵).

﴿لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا﴾ (الفتح: ١٨).

ترجمه: « به درستی که الله متعال از مؤمنان راضی گردید هنگامیکه زیر آن درخت با تو (محمد - صلی الله علیه وسلم) بیعت می کردند، پس آنچه را که در دل هایشان بود دانست، در نتیجه بر آنان آرامش فرود آورد و فتح نزدیکی را پاداششان کرد ». از جمله آنان: سلمة بن الأكوع، ابن عمر، سنان بن ابی سنان - رضی الله عنهم -.

طبقه دهم: مهاجران مابین حدیبیه و فتح، از جمله: خالد بن ولید و عمرو بن عاص - رضی الله عنهما -.

طبقه یازدهم: کسانی که در روز فتح مسلمان شدند، مثل: ابو سفیان بن حرب و عتاب بن اسید و حکیم بن حزام و بدیل بن ورقاء و غیر از ایشان - رضی الله عنهم اجمعین -.

طبقه دوازدهم: کودکان و اطفالی که پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - را در روز فتح و حجة الوداع و غیره دیدند، که در میان صحابه بشمار هستند، از جمله: سائب بن یزید و عبد الله بن ثعلبة و ابو طفیل بن عامر بن واثلة و ابوجحیفه و هب بن عبد الله - رضی الله عنهم -^(۱).

- دسته ای از علما در تعداد طبقات صحابه به بیشتر از آن معتقد هستند، و تعداد طبقات صحابه را هفده طبقه گفته است^(۲).

طبقه اول: سابقین به اسلام، از مردان: حضرت ابو بکر، از اهل بیت: حضرت علی، از زنان: حضرت خدیجه، از موالی: حضرت زید بن حارثة و از حبشه: حضرت بلال و از فارس: حضرت سلمان - رضی الله عنهم -.

طبقه دوم: آنهایی که در هنگام اسلام آوردن عمر مسلمان شدند، مانند سعید بن زید و سعد بن ابی وقاص و غیر از آنها - رضی الله عنهم -.

طبقه سوم: مهاجران اول به حبشه، مثل: عثمان بن عفان و همسرش رقیة - رضی الله عنهما - دختر رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - و زبیر بن عوام - رضی الله عنه - و غیره.

(۱) معرفة علوم الحديث، ابن البيع، ص ۲۲-۲۴.

(۲) أصول الدين: ابو منصور عبدالقاهر بغدادی، دارالکتب العلمیه بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۰ هـ. ق، ص ۲۹۸-۳۰۳.

طبقه چهارم: یاران عقبه اول، که دوازده نفر از انصار بودند رافع بن مالک و عبادة بن صامت و اسعد بن زرارة - رضي الله عنهم - .

طبقه پنجم: یاران عقبه دوم، مثل: کعب بن مالک شاعر و عبدالله بن عمرو بن حرام، و براء بن معرور - رضي الله عنهم - و امثال آنها.

طبقه ششم: مهاجران همراه پیامبر - صلى الله عليه وآله وسلم - به مدینه، و کسانی که قبل از ورود به مدینه در قبا به پیامبر - صلى الله عليه وآله وسلم - رسیدند، مانند: ابوسلمة ابن عبد الأسد و عامر بن ربیعة - رضي الله عنهم - .

طبقه هفتم: مهاجران بین ورود به مدینه و بین بدر.

طبقه هشتم: اهل بدر، که تعداد شان (۳۱۳) نفر بودند.

طبقه نهم: اصحاب که در غزوه احد شرکت نموده بودند.

طبقه دهم: اصحاب خندق، که عبد الله بن عمر - رضي الله عنهما - از آنان شمرده شده است.

طبقه یازدهم: مهاجران بین خندق و حدیبیه.

طبقه دوازدهم: یاران بیعت رضوان در حدیبیه در تحت درخت.

طبقه سیزدهم: مهاجران بین حدیبیه و فتح مکه.

طبقه چهاردهم: کسانی که در شب و روز فتح مکه مسلمان شدند.

طبقه پانزدهم: کسانی که بعد از آن دسته دسته به دین اسلام گرویدند.

طبقه شانزدهم: کودکانی که پیامبر - صلى الله عليه وآله وسلم - را دیدند سائب بن یزید و عبد الله بن

ثعلبة و ابو طفیل بن عامر بن واثلة و ابوجحيفة وهب بن عبد الله - رضي الله عنهم - .

هفدهم: کودکانی که در سال حجة الوداع و کمی قبل از آن به دنیا آمدند.

آنچه که نزد علما در شمارش طبقات صحابه کرام مشهور است، دوازده طبقه است که حاکم به آن معتقد

بود؛ و این تقسیم همان تقسیمی است که اکثر کسانی که در مورد طبقات صحابه - رضي الله عنهم -

نوشته اند به آن عمل کرده اند و از حاکم پیروی کرده اند، و تقسیم صحابه به طبقات زیادی بر اساس آنچه که حاکم (۱) ذکر کرده اند در این مسأله قول راجح است» (۲).

مطلب سوم: تعداد صحابه کرام

اصحاب گرامی پیامبر - صلی الله علیه وسلم - بر علاوه از مکه معظمه و مدینه منوره به شهرهای مختلف دنیا جهت پیشبرد امورات یومیه زندگی خود و به خاطر وظائف سپرده شده به ایشان منتشر شدند، که تعداد مشخص و دقیق آنها در دست نیست، لکن باوجود آنهم برخی از علماء کرام به ذکر و معرفی تعداد معین و مشخص یاران پیامبر - علیه السلام - مبادرت ورزیده اند که آراء برخی از آنها قرار ذیل بیان می گردد:

۱- (عن عبد الله بن عباس - رضی الله عنهما - قال ثم مضى رسول الله - صلی الله علیه وسلم - وخرج لعشر ماضين من رمضان فصام رسول الله صلی الله علیه وسلم وصام الناس معه حتى إذا كان بالكديد ماء بين عسفان وأمج أفطر ثم مضى حتى نزل بمر الظهران في عشرة آلاف من المسلمين) (۳).
ترجمه: « از حضرت عبدالله من عباس - رضی الله عنهما - روایت است که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - در روز دهم ماه مبارک رمضان خارج شد و مردم نیز با او بیرون شدند تا اینکه به منطقه کدید (آب که در بین عسفان و أمج قرار دارد) رسیدند، سپس روزه خود را با مسلمانان که تعداد آنها به ده هزار نفر می رسید افطار نمود.»

(۱) محمد بن عبد الله بن محمد بن حمدويه بن نعيم بن الحكم أبو عبد الله مشهور به (حاکم) این لقب را بخاطر انتخاب او در قضاء اخذ نموده است، از جمله علماء مذهب شافعی بوده که لقب حافظ را در علوم حدیث اخذ نموده است، اصل وطن او نيسابور می باشد، به شهرهای خراسان، عراق، و ماوراء النهر جهت کسب علم سفرهای داشته است و به گفته خودش بیشتر از دو هزار نفر استادان کسب علم نموده است، او از جمله بحور علم و امام ثقه عصر خود در حدیث بوده است، تعداد مصنفات او (۵۰۰ یا ۱۰۰۰ یا ۱۵۰۰) گفته اند، از جمله تصانیف او مستدرک علی الصحیحین، تاریخ نيسابور، علوم حدیث و غیره می باشد، این ستاره درخشان امت اسلامی در بین سالهای (۳۲۱ - ۴۰۵ هـ، ۹۳۳ - ۱۰۱۵ م) می زیست؛ دیده شود: طبقات الشافعیة، أبو بکر بن أحمد بن محمد بن عمر بن قاضي شهبة، عالم الکتب - بیروت - ۱۴۰۷ هـ، طبع: اول، تحقیق: د. الحافظ عبد العليم خان، ج ۱، ص ۱۹۴.

(۲) الباعث الحثيث في اختصار علوم الحديث، ص ۱۸؛ گلزارهاي شاداب در دفاع از سنت ابوالقاسم - صلی الله علیه وآله وسلم - (با حواشی جماعتي از علماء از جمله امير صنعاني)، ترجمه: الروض الباسم في الذب عن سنة أبي القاسم - صلی الله علیه وآله وسلم -، امام مجتهد محمد بن ابراهيم الوزير (رحمه الله)، (۷۷۵ - ۸۴۰ هـ)، ج ۱، ص ۲۳۶.

البته این عدد، تعداد کُلّی صحابه نیست بلکه عددی است که با رسول الله - صلی الله علیه وسلم - در آن وقت بودند.

۲- ابو زرعہ رازی (۱) - رحمه الله - می گوید: «تعداد صحابه کرام، اعم از مردان و زنان که با رسول الله - صلی الله علیه وسلم - ملاقات و صحبت نموده اند و یا از او حدیث استماع نموده اند بیشتر از صد هزار انسان می باشد» (۲).

۳- امام ابن حجر عسقلانی - رحمه الله - در باره تعداد صحابه کرام می گوید: خطیب بغدادی - رحمه الله - با سند صحیح از سفیان ثوری - رحمه الله - چنین نقل می کند: «کسی که حضرت علی - رضی الله عنه - را نسبت به حضرت عثمان - رضی الله عنه - مقدم می داند، دوازده هزار صحابی را که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - از ایشان راضی بود طعن نموده است» (۳).

۴- وسیع ترین کتاب که در باره معرفت صحابه نوشته شده کتاب (الاصابه فی تمییز صحابه) تصنیف امام جلیل القدر ابن حجر عسقلانی - رحمه الله - می باشد، وی در این کتاب تعداد (۹۴۷۷) ترجمات که به اسمای شان شناخته می شود و تعداد (۱۲۶۸) نفر صحابه کرام را که به کنیه های شان شناخته می شوند، هم چنان تعداد (۱۵۲۲) تن صحابیات - رضی الله عنهم - را نیز معرفی نموده است» (۴).
لکن قول راجح پیرامون تعداد صحابه - رضی الله عنهم اجمعین - سخن ابوزرعہ رازی - رحمه الله - است، چنانچه او جمعیت صحابه - رضی الله عنهم - را هنگام وفات رسول الله - صلی الله علیه وسلم -، صد هزار نفر گفته است (۵).

(۱) ابو زرعہ رازی ملقب سید الحفاظ عبید الله بن یزید بن فروخ: از جمله محدثین (الری) است؛ امام نسائی درباره او گفته است که ابو زرعہ رازی (ثقه) است، ابو حاتم راجع به او گفته: ابوزرعہ رازی (امام) است، هم چنان خطیب بغدادی در باره او گفته است: وی (امام، حافظ، مکتب و صادق) بوده است؛ او در شهر (الری) در سال (۲۶۴هـ) وفات شده است رحمه الله؛ دیده شود: سیر اعلام النبلاء، امام شمس الدین محمد بن أحمد بن عثمان الذهبی درگذشت: ۷۴۸ هـ ۱۳۷۴ م، طبع: مؤسسة الرسالة بیروت - سوریه، فهرست: الفقیر إلى الله عبد الرحمن الشامي، موقع يعسوب، ج ۱۳، ۶۶؛ وتقريب التهذيب، ابن حجر عسقلانی، در گذشت سال: (۸۵۲ هـ) دراسة وتحقیق مصطفى عبد القادر عطا که آنرا به نسخه اصلی به خط مولف نیز تطبیق نموده است، دار المكتبة العلمية بیروت - لبنان، موقع يعقوب، ص ۳۷۳.

(۲) الاصابة فی تمییز الصحابه، ابن حجر، ج ۱، ص ۱۲۹.

(۳) الإصابة فی تمییز صحابه، ابن حجر، ج ۱، ص ۳.

(۴) دیده شود: الاصابة، ابن حجر، ج ۱، ص ۱۵۶.

(۵) بحوث في تاريخ السنة المشرفة: للدكتور أكرم ضياء العمري، طبع پنجم سال (۱۴۱۵هـ). مكتبة العلوم والحكم: المدينة، ص ۷۰.

مطلب چهارم: برخی تألیفات درباره صحابه کرام

در راستای معرفت صحابه رسول - صلی الله علیه وسلم - علماء کوشش های زیادی نموده و کتابهای خاص را راجع به اَسْمَاء، انساب، احوال، اماکن، غزوات، و دیگر مسائل مربوط به زندگی نامه صحابه کرام - رضی الله عنهم اجمعین - به رشته تحریر درآورده اند^(۱)؛ که این مصنفات از همان ابتداء دوره تدوین دیگر علوم شرعی آغاز یافته است؛ در این مطلب به برخی از این مصنفات ذیلاً می پردازیم:

۱- (الآحاد والمثانی): تصنیف ابی بکر أحمد بن عمرو الضحاک ابن ابی عاصم مشهور به (الشیبانی) درگذشت: سال (۲۸۷)، این کتاب را د. (باسم فیصل أحمد الجوابرة) تحقیق نموده است که در دار الریه ریاض سعودی در سال (۱۴۱۱ - ۱۹۹۱) در ۶ جلد به چاپ رسیده، و در (المکتبة الشاملة) نیز موجود می باشد، معرفی صحابه کرام را به ترتیب از عشره مبشره آغاز نموده^(۲).

۲- (معجم الصحابه): تصنیف ابی الحسن عبدالباقی بن قانع درگذشت: سال (۳۵۱هـ)، مؤلف در این کتاب اَسْمَاء صحابه کرام را به اساس حروف معجم رتبه بندی نموده و درضمن از هر صحابی یک یا دو حدیث را نیز با سند همان صحابی نقل نموده است.

۳- (معرفة الصحابه): تصنیف أبو نعیم أحمد بن عبد الله بن أحمد بن إسحاق بن موسی بن مهران الأصبهانی درگذشت: سال (۴۳۰هـ)؛ آنرا عادل بن یوسف العزازی تحقیق نموده است و در دار الوطن للنشر ریاض در سال: ۱۴۱۹ هـ مطابق ۱۹۹۸ مدر ۷ جلد به چاپ رسیده است، این کتاب نیز در مکتبه شامله موجود می باشد این کتاب دارای یک مقدمه که در آن مولف سبب تألیف کتاب و مسائل مربوط به مقدمه را توضیح کرده، بعداً به ذکر مناقب صحابه کرام پرداخته است، وی نیز عشره مبشره به جنت را نسبت به دیگران مقدم معرفی نموده است، و دیگر صحابه کرام را به اساس حروف معجم ذکر نموده است.

(۱) دیده شود: بحوث فی تاریخ السنة المشرفة، أكرم ضياء العمري، ص ۶.

(۲) الواضح فی فن التخریج و دراسة الأسانید، مؤلفون جمع من علماء الحدیث شریف، اصدار جمیعة الحدیث الشریف و إحياء التراث، دارالحامد للنشر والتوزیع، عمان اردن، محقق: عبدالرحمان النجدی، ص ۲۶۴؛ هم چنان مراجعه شود به مقدمه کتاب: الآحاد والمثانی، أحمد بن عمرو بن الضحاک أبو بکر الشیبانی، تحقیق: د. باسم فیصل أحمد الجوابرة، دار الراية - الرياض، طبع: اول سال: ۱۴۱۱ - ۱۹۹۱.

۴- (الاستيعاب في معرفة الاصحاب): تصنيف ابن عبدالبر الاندلسي درگذشت: (۴۳۰هـ)، این کتاب به اساس حروف اول معجم مرتب شده است، به خاطر ذکر و بیان مسائل اختلافی و مشاجرات که بین صحابه کرام رخ داده بالای این کتاب بعضی انتقادات نیز وجود دارد.

(أسد الغابة في معرفة الصحابة)^(۱): تألیف ابو الحسن علي بن محمد بن اثير جزري درگذشت: (۶۳۰هـ)، این کتاب جامع ترین کتاب در این زمینه است که به اساس حروف معجم مرتب شده، و از بین کتاب ابن منده و تعليق ابو موسي، و کتاب ابو نعیم، و الاستيعاب و غیره جمع آوری کرده است؛ و جماعت مانند: حافظ ابو عبدالله ذهبي آن را تلخیص کرده اند، و زين الدين با چند نام بر آن تعليق گذاشته است که تا آن وقت چنین تعليقات وجود نداشت^(۲).

۵- (الاصابه في معرفة الصحابه): تصنيف أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي درگذشت: سال (۸۵۲ هـ)، این کتاب در (دار الجليل بيروت)، در سال (۱۴۱۲ هـ ق) در ۸ جلد چاپ شده است، و آنرا علي محمد البجاوي تحقیق نموده است، وی در این کتاب تعداد (۹۴۷۷) تراجم که به اسمای شان شناخته می شود و تعداد (۱۲۶۸) نفر صحابه کرام را که به کنیه های شان شناخته می شوند، هم چنان تعداد (۱۵۲۲) تن صحابیات - رضی الله عنهم - را نیز معرفی نموده.

۶- (الرياض النضرة في مناقب العشرة للمحب الطبري): مؤلف در این کتاب ترجمه و فضائل عشره مبشره به جنت را معرفی نموده است، و در باره اختصاص آنها از جانب الله متعال صحبت نموده است.

۷- (فضائل صحابه): تصنيف امام احمد بن حنبل، مصنف در این کتاب حدود (۱۹۶۳) نفر صحابی را معرفی کرده است.

۸- (فضائل صحابه): این کتاب را امام دار قطنی - رحمه الله - تصنيف نموده است، گرچه از حیث حجم کوچک است، لکن مصنف منهج و طریقه را در آن بکار برده است که به لطافت آن افزود گردیده است، مانند بیان اقوال صحابه در مورد صحابی دیگر، که بیان نظریات حضرت علی - رضی الله عنه - و اولاد او در باره حضرت ابو بکر صدیق - رضی الله عنه - به اهمیت خاص این کتاب افزوده است.

(۱) نام این کتاب: (تجرید أسماء الصحابة) است که در دو جلد چاپ شده است، دیده شود: الإصابة في تميز صحابه، ج ۱، ص ۳.

(۲) سخاوي در الإعلان، ص ۱۶۲ آن را ذکر کرده است.

۹- (إتحاف ذوی النجابه بما فی القرآن والسنة من فضائل الصحابه): تصنيف محمد بن التبانى المغزى السطيفى، که آنرا محمد عبدالله ناصر الموزعى تدقيق نموده است.

۱۰- (فضائل الصحابة الكرام فى القرآن والسنة): تصنيف صالح عبدالغنى محمد الجلال، که جهت پايان نامه دوره ماسترى در جامعة الإيمان در کشور يمن آنرا انتخاب نموده است.

و ديگر کتابها ورسائل پيرامون معرفت، زندگى و جايگاه صحابه کرام در تاريخ اسلامى به زبان هاى مختلف و زنده دنيا به رشته تحرير درآمده که ذکر تمامى آنها هدف اين رساله نمى باشد خواننده مى تواند جهت معلومات بيشتر به سايتهاى انترنى، کتابخانه ها، و مکتبه هاى الکترونى مراجعه نمايد.

مطلب پنجم: کاربرد کلمه (الصحبة) در قرآن کریم

همان طوریکه در تعريف لفظ صحابی گفته شده، کلمه (الصحبة) در قرآن کریم به الفاظ متعدد استعمال گردیده است که در معنی متقارب باهم وجه مشترک دارد، که سر انجام آن معاشرت، ملازمت و ملاقات وهم صحبت شدن را افاده مى کند، که دراین معنی کلمه (الصحبة) مفهوم اعتقاد و ایمان مد نظر نمى باشد، چنانچه در قرآن کریم لفظ صحبه به معنی معاشرت میان مؤمن و مؤمن، معاشرت بین مؤمن و کافر و معاشرت بین کافر و کافر در (۲۶) إعراب (۹۶) مرتبه بیان گردیده است(۱)، که هریک را ذیلاً بیان مى کنیم:

۱- صحبت در بین مؤمن و مؤمن:

چنانچه الله - تبارک و تعالی - از صحبت میان موسى و خضر - علیهما السلام - حکایت نموده مى فرماید:

﴿ قَالَ إِنْ سَأَلْتِكِ عَنْ شَيْءٍ بَعْدَهَا فَلَا تُصَاحِبِي قَدْ بَلَغْتَ مِنْ لَدُنِّي عُذْرًا ﴾ (الكهف: ۷۶)

ترجمه: « موسى - علیه السلام - گفت: اگر بعد از این از تو دربار چیزی پرسیدم، با من همراهی مکن، بی گمان از سوي من معذور هستی ».

دراین آیه قصه صحبت میان موسى و خضر - علیهما السلام - بیان گردیده است.

۲- صحبت در بین اولاد ووالدین که در عقیده اختلاف دارند:

الله - تبارک و تعالی - می فرماید:

(۱) معجم کلمات القرآن الکریم، ا.د. محمد زکی محمد خضر، طبع: سال ۱۴۲۶هـ - ۲۰۰۵م، مصدر الکتاب: تحقیق: نور علی یف فردوسی، ج ۲، ص ۱۶.

﴿وَإِنْ جَاهَدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ (لقمان: ۱۵).

ترجمه: « هر گاه آن دو، تلاش و کوشش کنند که چیزی را شریک من قرار دهی که کمترین آگاهی از بودن آن و (کوچکترین دلیل بر اثبات آن) سراغ نداری، از ایشان فرمانبرداری مکن؛ با ایشان در دنیا به طرز شایسته و به گونه بایسته ای رفتار کن و راه کسانی را در پیش گیر که به جانب من (با یکتاپرستی و طاعت و عبادت) رو کرده اند؛ بعد هم همه به سوی من برمی گردید و من شما را از آنچه (در دنیا) می کرده اید آگاه می سازم و بر طبق اعمالتان پاداش و کیفرتان می دهم.»
در این آیه مصاحبت فرزند نیکو کار و مسلمان با پدر و مادر کافر ثابت می گردد.

۳- مصاحبت بین دو رفیق در سفر:

الله متعال می فرماید:

﴿وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ﴾ (النساء: ۳۶).

ترجمه: « و الله متعال را عبادت کنید، و با او چیزی را شریک قرار ندهید، و با پدر و مادر نیکی نمایید، و با خویشاوندان و یتیمان و درماندگان و بیچارگان و همسایه خویشاوند و همسایه بیگانه و همراه و مسافر و کنیزان و غلامان نیز نیکی کنید.»

مراد از مصاحبت در این آیه رفیق سفر و همسفر، همدم و همکار می باشد.

۴- مصاحبت بین تابع و متبوع:

الله - تبارک و تعالی - می فرماید:

﴿ثَانِيًا أَتَيْنَ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا﴾ (التوبة: ۴۰)

ترجمه: « هنگامی که آن دو در غار بودند، آنگاه که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - خطاب به رفیقش (ابوبکر صدیق - رضی الله عنه -) می فرمود: غم مخور، بی گمان الله - تبارک و تعالی - با ماست.»
از این آیه مصاحبت و هم نشینی پیامبر - صلی الله علیه وسلم - با حضرت ابو بکر صدیق - رضی الله عنه - ثابت می گردد.

۵- صحبت بین مؤمن و کافر:

خداوند - جل جلاله - می فرماید:

﴿ فَقَالَ لِصَاحِبِهِ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَنَا أَكْثَرُ مِنْكَ مَالًا وَأَعَزُّ نَفَرًا ﴾ (الکھف: ۳۴).

ترجمه: « پس به دوست خود درحالی که با وی گفتگو می کرد، گفت: من از تو ثروتمندتر و از لحاظ افراد (خانواده و خویش و رفیق) از تو بیشتر هستم ». و یا این قول الله - تبارک و تعالی - که می فرماید:

﴿ قَالَ لَهُ صَاحِبُهُ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَكَفَرْتَ بِالَّذِي خَلَقَكَ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْقَةٍ ثُمَّ سَوَّكَ رَجُلًا ﴾ (الکھف: ۳۷).

ترجمه: « دوستش در حالی که با او گفتگو می کرد به وی گفت: آیا منکر کسی شده ای که تو را از خاک و سپس از نطفه ای آفریده و بعداً تو را مرد کاملی کرده است ».

از این آیه مصاحبت مسلمان با کافر ثابت می گردد.

۶ - مصاحبت پیامبر - علیه السلام - با قومش ولو اگر کافر هم باشد:

چنانچه الله متعال می فرماید:

﴿ مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَى ﴾ (النجم: ۲).

ترجمه: « (که) رفیق شما (پیامبر - صلی الله علیه وسلم -) نه گمراه گشته و نه به بیراه رفته است ».

و یا این آیه قرآن کریم که الله - تبارک و تعالی - می فرماید:

﴿ قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ خِزْيَانٍ إِنْ تَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِكُمْ مِنْ جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ ﴾ (سباء: ۴۶).

ترجمه: « بگو تنها شما را به یک (سخن) نصیحت می کنم و آن این است که خالصانه برای الله متعال دونفر دونفر، و یا یک نفر یک نفر، برخیزید، سپس بیندیشید که هیچ دیوانگی ای در همنشین شما نیست، او برای شما جز هشدار دهنده ای پیش از فرارسیدن عذابی سخت نیست ».

از آیات فوق به این نتیجه می رسیم که مراد از کلمه (الصحبة) در قرآن کریم مکث و درنگ کردن و یا هم صحبت شدن است که در سیاقهای مختلف بیان گردیده است.

مبحث دوم

مرتبه و جایگاه صحابه کرام

این مبحث نیز من حیث بخت مقدماتی برای شناخت صحابی در قرآن کریم انتخاب گردیده است، که شامل مسائل همچو: مرتبه صحبت، طرق معرفت صحابه کرام، عدالت صحابه کرام و دلائل عدالت و صداقت صحابه کرام در شریعت اسلامی می باشد، که هر یک از موارد را طی مطالب جداگانه ذیلاً معرفی می نمائیم:

مطلب اول: مرتبه صحبت

صحابیت، شامخ ترین رتبه کمال انسانی پس از نبوت و رسالت است؛ اصولاً پس از انبیا و رسل - علیهم السلام -، برترین انسان ها کسانی اند که در زمان آنان به دعوتشان لبیک گفتند و از نزدیک با آنان تماس و مصاحبت و همکاری داشته اند.

از میان این دسته انسان های برتر، یاران رسول الله - صلی الله علیه وسلم - از همه افضل تر هستند؛ زیرا پیامبر اسلام - صلی الله علیه وسلم -، افضل رسل و امت او، از افضل ترین امم است، بنابراین، اولین افراد امت ایشان از اولین افراد امم پیامبران گذشته برتر هستند، به همین خاطر است که الله سبحانه و تعالی آنها را از میان امت انتخاب نموده می فرماید:

﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ﴾ (آل عمران: ۱۱۰).
ترجمه: « شما بهترین امت بودید که برای مردم پدیدار شدید که به کار پسندیده فرمان می دهید و از کار ناپسند باز می دارید و به الله سبحانه ایمان دارید ».

صحابی بودن مرتبه ای است که پس از فوت نبی - صلی الله علیه وسلم - نصیب هیچ کس نمی شود و به همین دلیل هیچ کس از سایر افراد امت ولو اینکه در بالاترین مدارج کمالات انسانی ایمانی قرار داشته باشد، به پایین ترین مدارج صحابیت نمی رسد، زیرا آنها در مقام قرار دارند که از الله متعال راضی هستند و الله - تبارک و تعالی - نیز از ایشان راضی می باشد، چنانچه این آیه به آن دلالت دارد:

﴿رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ﴾ (التوبه: ۱۰۰).

ترجمه: « خداوند متعال از آنان خشنود است، و آنان از او تعالی خشنود اند ».

یعنی: « الله - تبارک و تعالی - در این آیه خبر می دهد که او تعالی از مهاجرین و انصار و کسانی که از آنها به نیکی متابعت نمود اند خشنود و راضی است، هم چنان آنها (مهاجرین و انصار) از الله تعالی بخاطر انعام که برای شان داده شده راضی گردیده اند، این انعام عبارت از نصرت الهی و تمکین آنها در روی زمین و ثواب فراوان (جنت جاودان) در آخرت می باشد(۱).

هم چنان پیامبر - صلی الله علیه و سلم - جایگاه و مرتبه صحابه کرام اش را چنین بیان نموده است: « خَيْرُ أُمَّتِي قَرْنِي ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ »(۲).

ترجمه: « بهترین امت من قرن من است بعد از آن کسانی که به دنبال آنها می آیند و بعد از آن کسانی که به دنبال آنها می آیند ».

از نصوص فوق دانسته می شود که (صحابی) بر یار و همراه رسول الله - صلی الله علیه و سلم - فقط یک لقب تاریخی و محض برای تشخیص نیست، بلکه یک وصف استثنای و امتیاز دهنده و جامع است که تمام کمالات و صفات مطلوب انسانی را برای موصوف خود ثابت می کند؛ به همین دلیل هنگام که اسم صحابی به میان می آید، دایره نورانی از عظمت و قداست و شرافت غیر قابل توصیف دور شخصیت وی در ذهن مسلمان ایجاد می شود، و او به پیروی از خداوند متعال با گفتن (- رضي الله عنهم -) نسبت به وی مراتب احترام و محبت و اعتماد خویش را ابراز می کند.

مطلب دوم: طرق معرفت صحابه کرام

دو طریقه برای اثبات صحابی بودن وجود دارد: اول: اثبات مصاحبت به وسیله نص قرآن کریم که در این طریقه الله - تبارک و تعالی - صحابه کرام در آیات قرآنی معرفی نموده است، و طریقه دوم احادیث نبوی - صلی الله علیه و سلم -، اقوال صحابه کرام و قول تابعی می باشد، که این موارد ذیلاً بیان می گردد:

الف: قرآن کریم

الله - تبارک و تعالی - در قرآن کریم از صحابه کرام در بسا موارد یاد نموده و پیرامون آنها آیات زیاد را بالای پیامبر - صلی الله علیه و سلم - نازل نموده، چنانچه می فرماید:

(۱) تفسیر القرآن الکریم، ابن کثیر، ج ۷، ص ۲۷۰.

(۲) صحیح البخاری، کتاب فضائل صحابه، باب فضائل أصحاب النبي - صلی الله علیه و سلم -، ج ۳، ۱۳۳۳، حدیث (۳۴۵۰)؛ و صحیح مسلم، کتاب فضائل صحابه، باب فضل الصحابة ثم الذين يلونهم ثم الذين يلونهم، ج ۷، ص ۱۸۳، حدیث (۶۶۳۳).

﴿إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيًا إِنَّهُنَّ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا﴾ (التوبة: ٢٠).

ترجمه: « اگر او (پیامبر) - صلی الله علیه وسلم - را یاری نکنید، در حقیقت خداوند سبحان او را یاری کرد: بدانگاه کسانی که کفر ورزیده درحالی که یکی از دو تن بود از مکه بیرونش کردند، هنگامی که آن دو در غار بودند، آنگاه که (پیامبر) - صلی الله علیه وسلم - خطاب به رفیقش (ابوبکر صدیق) - رضی الله عنه - می فرمود: غم مخور، بی گمان الله - تبارک و تعالی - با ماست ». امام فخرالدین رازی می فرماید: « منظور از صاحب دراین آیه حضرت ابوبکر صدیق - رضی الله عنه - می باشد » (۱).

ب: احادیث نبوی

احادیث زیاد از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - ثابت گردیده است که دلالت به صحابی بودن تعداد از اصحاب کرام می نماید، که این احادیث به سه دسته قابل تحلیل می باشد، مانند، خبر متواتر، خبر مشهور و خبر آحاد، که تفصیل هر یک آن قرار ذیل است:

۱- خبر متواتر: مانند آنچه که درباره مصاحبت ابوبکر صدیق، عشرة مبشرة و سائر صحابه کرام از رسول - صلی الله علیه وسلم - ثابت گردیده است، و اخبار مربوطه به ثبوت مصاحبت آنها با پیامبر - صلی الله علیه وسلم - به حد تواتر رسیده است، چنانچه امام ترمذی - رحمه الله - روایت نموده می فرماید: « أن سعيد بن زيد حدثه في نفر: أن رسول الله صلى الله عليه و سلم قال عشرة في الجنة ابو بكر في الجنة و عمر في الجنة و عثمان و علي و الزبير و طلحة و عبد الرحمن و أبو عبيدة و سعد بن أبي وقاص قال فعد هؤلاء التسعة وسكت عن العاشر فقال القوم نشدك الله يا أبا الأعور من العاشر؟ قال نشدتموني بالله أبو الأعور في الجنة؛ قال أبو عيسى أبو الأعور هو سعيد بن زيد بن عمرو بن نوفل » (۲).

(۱) مفاتيح الغيب = التفسير الكبير، أبو عبد الله محمد بن عمر بن الحسن بن الحسين التيمي الرازي، ملقب به فخر الدين الرازي خطيب الري (درگذشت: ۶۰۶هـ)، دار إحياء التراث العربي - بيروت، طبع: سوم - ۱۴۲۰، ج ۱۶، ص ۶۵.

(۲) الجامع الصحيح سنن الترمذی، محمد بن عيسى أبو عيسى الترمذی السلمي، دار إحياء التراث العربي - بيروت، تحقيق: أحمد محمد شاکر وآخرون، امام آلبانی بالای احادیث این کتاب حکم نموده، کتاب المناقب، باب مناقب عبدالرحمان بن عوف رضی الله عنه ، ج ۵، ص ۶۴۸، حدیث (۳۷۴۸).

ترجمه: « از سعید بن زید - رضی الله عنه - روایت است که گفت: رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمود: ده نفر بهشتی هستند، ابوبکر، عمر، عثمان، علی، طلحه، زبیر بن عوام، سعد بن مالک، عبدالرحمن بن عوف - رضی الله عنهم اجمعین - بهشتی هستند؛ سعید بن زید این نه نفر را اسم برد و از گفتن نفر دهم ساکت شد. قوم گفتند: تو را به الله قسم می دهیم یا ابوالأعور (سعید بن زید) نفر دهم کیست؟ گفت: مرا به الله قسم دادید، ابوالأعور در جنت است؛ امام ترمذی - رحمه الله - می گوید سعید بن زید بن عمرو بن نوفل است.»

۲- خبر مشهور: « مانند اخباری که در مورد مصاحبت عکاشه بن محسن و ابوهریره و ابن عمر و ابو سعید خدری و ابوموسی اشعری و صحابه دیگر - رضی الله عنهم - که هیچ مسلمانی در اثبات صحابی بودن آنها شک ندارد»^(۱).

۳- خبر آحاد: در زیر این مجموعه چهار طریق ذیل می گنجد:

الف: روایت یک نفر از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - که معاصر با او بوده از طریق رؤیت یا سماع، مثلاً یکی از تابعین بگوید: فلانی به من خبر داد که او از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - شنیده است که چنین می گوید، یا پیامبر - صلی الله علیه وسلم - را دیدم که اینچنین کرد»^(۲).

ب: خبر دادن صحابی در مورد خودش که او صحابی است، علما در این مورد به چهار دسته تقسیم شده اند:

دسته اول: قول او به طور مطلق و بدون شرط قبول می شود، که ابن عبدالبر بر این باور است^(۳).

دسته دوم: قولش به دو شرط قبول می شود:^(۴)

اول: باید بعد از ثبوت عدالتش باشد.

دوم: باید بعد از ثبوت معاصر بودنش با پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - باشد.

(۱) دراسات تاريخية في رجال الحديث، ص ۳۹.

(۲) صحيح البخاري، محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار ابن كثير بجمامة بيروت، طبع: سوم، ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷ تحقيق : د. مصطفى ديب البغا أستاذ حديث وعلوم آن در بخش علوم شرعی پوهنتون دمشق، كتاب المغازی، ج ۳، ص ۹۷.

(۳) فتح المغیث، السخاوی، ج ۳، ص ۹۹.

(۴) مفهوم عدالة الصحابة، أبو عبد الله الذهبي، ج ۱، ص ۴.

از کسانی که بر این باورند و به آن اعتقاد دارند: «جمهور علمای اصول و حدیث است؛ دلیل صحت قبول خبر دادنش در مورد خودش که او صحابی است، این است که اگر او حدیثی از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - روایت می کرد، ما روایتش را قبول می کردیم، بنابراین اگر در مورد خودش خبر دهد که او صحابی است به طریق اولی قبول می کنیم»^(۱).

دسته سوم: عدم قبول اینکه او صحابی است، چنین استدلال کرده اند که: او متهم است به اینکه مدعی رتبه والایی است که برای خودش ثابت می کند و آن مقام صحابه است، و انسان فطرتاً خواستار مقام و بزرگی است»^(۲).

دسته چهارم: «قائل به تفصیل هستند به این ترتیب که اگر کسی ادعای مصاحبت کوتاه کند از او قبول می شود، به دلیل اینکه اثبات آن با نقل دشوار است، چون در بسا اوقات پیامبر - صلی الله علیه وسلم - در هنگام ملاقات کسی با او حضور نداشته یا کسی او را ندیده است، و اگر کسی ادعای مصاحبت طولانی و کثرت رفت و آمد در سفر و حضر کند، از او قبول نمی شود؛ چون چنین چیزی دیده و نقل می شود و مشهور می شود، بنابراین با قول خودش صحابی بودنش ثابت می شود»^(۳).

ج: گفته یکی از صحابه به صحابی بودن دیگری

و این یا تصریحی است، مثل اینکه صحابی بگوید: فلانی صحابی است یا از اصحاب است یا از کسانی است که با پیامبر - صلی الله علیه وسلم - مصاحبت داشته است.

و یا به طریق لزوم است، مثل اینکه بگوید: من و فلانی نزد پیامبر - صلی الله علیه وسلم - بودیم، یا فلانی با من این حدیث را از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - شنید، یا من و فلانی بر پیامبر - صلی الله علیه وسلم - وارد شدیم.

(۱) الاصابه فی تمیز صحابه، ابن حجر، ص ۱، ص ۸.

(۲) إرشاد الفحول إلی تحقیق الحق من علم الأصول، محمد بن علی بن محمد الشوکانی (درگذشت : ۱۲۵۰هـ)، تحقیق: الشیخ أحمد عزو عنایة، دمشق: دار الكتاب العربي، طبع «اول سال: ۱۴۱۹هـ - ۱۹۹۹م، ص ۷۱.

(۳) فتح المغیث، سخاوی، ج ۳، ص ۹۸-۹۹.

جز اینکه این روش اخیر تنها زمانی مصاحبت در آن ثابت می شود که اسلام شخص مذکور در آن حالت شناخته شده باشد؛ و در این مورد صحابی بودن حممة بن ابی حممة الدوسی را که در اصفهان وفات نموده، مثال زده اند، و ابوموسی اشعری برای او شهادت داده است^(۱).

علت قبول قول صحابی را در مورد شخص دیگر به اینکه صحابی است: این چنین بیان می کنند که: شخص صحابی عادل است و اگر صحیح باشد که ما سخن او را وقتی در مورد پیامبر - صلی الله علیه وسلم - خبر می دهد، قبول می کنیم، بنابر این قبول کردن سخن وی وقتی در مورد صحابی بودن شخص دیگر خبر می دهد، به طریق اولی صحیح است.

د: خبر دادن یکی از تابعین که در نزد اهل حدیث موثق است به اینکه فلانی صحابی است:

« محدثین و اصولین در آن اختلاف کرده اند، جماعتی از آنان معتقد به قبولی قول او هستند^(۲)؛ و جماعت دیگر معتقد اند که قولش مورد قبول نیست، و با آن صحابی بودن کسی که از او خبر داده، ثابت نمی شود^(۳)؛ و حجت شان در این نفی این است که « اگر تزکیه از جانب یک مزکی (تزکیه کننده) صادر شود مورد قبول نیست بلکه باید دو نفر باشد، چون تزکیه به شهادت ملحق می شود، پس همانطور که شهادت از دو نفر کمتر صحیح نیست و تحقق پیدا نمی کند، تزکیه هم قابل قبول نیست مگر از جانب دو نفر و بیشتر، و به دلیل اینکه شرط قرار دادن تعدد در تزکیه شایسته تر و محتاطانه تر از افراد است، چون در آن اطمینان بیشتری هست^(۴)».

مطلب سوم: عدالت صحابه کرام

اسلام که مجموعه ای محفوظ و مشخص از عقاید، تعالیم، آداب و اعمال در قالب کتاب الهی (قرآن کریم) و سنت نبوی - صلی الله علیه وسلم - (حدیث) است، توسط اصحاب رسول - صلی الله علیه وسلم - به نسل های پس از آنان منتقل شده است؛ و این حقیقت سرفصل موضوع عقیدتی و مهم در باب صحابه - رضی الله عنهم اجمعین - شده که در علم روایت و رجال به نام عدالت صحابه - رضی الله

(۱) الاصابه فی تمیز الصحابه، ابن حجر، ج ۱، ص ۳۵۵؛ و أخبار أصبهان، أبي نعيم الأصبهاني، موقع جامع الحديث ۱۳۵۰ هـ - ۱۳۵۳ هـ، ج ۱، ص ۷۱.

(۲) فتح المغیث، سخاوی، ج ۳، ص ۹۶؛ الاصابه فی تمیز صحابه، ابن حجر، ج ۱، ص ۸.

(۳) فتح المغیث، سخاوی، ج ۳، ص ۹۹.

(۴) تیسیر التحریر، محمد أمین . المعروف بأمیر بادشاه درگذشت: سا (۹۷۲ هـ)، دار الفکر، ج ۳، ص ۵۸.

عنهم - مطرح می شود و در این مورد گفته می شود: صحابه همه عادل هستند؛ این قول بیان می دارد که صحابه - رضي الله عنهم - افرادی مطمئن و صادق بودند و هیچگاه بر رسول الله - صلی الله علیه وسلم - افترا نمی کردند، بنابراین، باید یقین داشت که آن چه آنان از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - روایت کرده و به ما رسانده اند، عین حقیقت می باشد.

بنابر آن بهتر است که ابتداء عدالت را در لغت واصطلاح و مفهوم آنرا طی موضوعات جداگانه شرح نمائیم، که تفصیل آن قرار ذیل است:

۱- تعریف عدالت:

الف: معنی لغوی عدالت

صاحب الصحاح فی اللغة کلمه عدل را چنین تعریف نموده: « عدل متضاد جور است، گفته می شود: عدل علیه فی القضية فهو عادل» یعنی: «در پرونده با او عادلانه برخورد کرد بنابراین عادل است»؛ و گفته می شود: «فلان من أهل المعدلة» یعنی: از اهل عدل و داد است، و «رجل عدل» یعنی مورد رضا و قانع کننده در شهادت است؛ در اصل مصدر است و نیز «قوم عدل و عدول» جمع است و «قد عدل الرجل بالضم عدالة» آن مرد عدالت را برقرار کرد... تا آن جا که می گوید: «وتعدیل الشيء» تقویمه: یعنی راست کردن و برافراشتن، گفته می شود: «عدلته فاعتدل»: برخواستم و او نیز برخواست «^(۱)». هم چنان صاحب کتاب مصباح المنیر کلمه عدل را چنین تعریف کرده است: « عدلت الشاهد، یعنی: عدالت را به او نسبت دادم و وصف کردم »^(۲).

از این تعریف لغوی مشخص می شود که عدالت در لغت استقامت است، و همچنین شخص عادل کسی است که از او شبهه ای ظاهر نمی شود و کسی است که مردم از او راضی هستند و شهادتش را قبول می کنند و به آن قانع هستند.

ب: معنی اصطلاحی عدالت

عبارات علما در تعریف اصطلاحی عدالت متنوع است:

(۱) الصحاح فی اللغة، جوهری، ص ۴۱۵-۴۱۶.

(۲) المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، أحمد بن محمد بن علی المقرئ الفيومي، المكتبة العلمية - بیروت، ج ۲، ص ۳۹۷.

۱- خطیب بغدادی در تعریف عدالت می گوید: « شخص عادل کسی است که نسبت به انجام فرایض اش آشنا باشد و به آنچه امر شده ملتزم و از آنچه که نهي شده دوری جوید و از گناه صغیره و کبیره اجتناب ورزد و در افعال و معاملاتش خواهان حق و واجب باشد، و در الفاظ اش از سخنانی که مروت را لکه دار می کند اجتناب نماید؛ کسی که دارای چنین مواصفات باشد عادل و صدوق است.»^(۱).

۲- در یک تعریف دیگر مفهوم عدالت چنین است: « عدالت عبارت از محافظت دینی است که بر ملازمت، تقوی، راد مردی، ودوری از بدعت اطلاق می شود، که با اجتناب از گناهان کبیره و ترک اصرار بر گناهان صغیره و ترک بعضی از گناهان صغیره و بعضی از مباحات تحقق پیدا می کند.»^(۲).

۳- امام غزالی - رحمه الله - آن را چنین تعریف می کند: « عدالت عبارت است از استقامت سیرت و دین که حاصل آن برمی گردد به هیئت راسخ در نفس که حمل می شود بر ملازمت همیشگی تقوی و مروت تا اینکه مردم به صدق او اطمینان حاصل کنند، در غیر این صورت به قول کسی که از الله متعال ترسی ندارد دروغ می گوید، هیچ اعتمادی نیست، و در اینکه عصمت از تمام گناهان شرط نیست اختلاف وجود ندارد و همچنین پرهیز از گناهان کبیره کافی نیست بلکه باید از گناهان صغیره همچون دزدیدن یک پیاز و کاستن در دانه از روی عمد و به طور کامل هر چیزی که دلالت می کند بر ضعف دین او تا جائیکه به خاطر اهداف دنیوی جرأت دروغ گفتن پیدا کند پرهیزد. حتی دوری از بعضی از مباحات لطمه آور به مروت در عدالت شرط شده است؛ همچون خوردن غذا در حین راه رفتن و ادرار در سر راه و همنشینی با اراذل و شوخی زیاد، و ثابت شده که آنچه اجماع از آن چشم پوشی کرده است به اجتهاد حاکم و اگذار می شود، و اگر در نزد او چیزی دلالت کند بر جرأت شخص به دروغ گفتن شهادتش را رد می کند و گرنه خیر.»^(۳).

(۱) الکفاية في علم الرواية، أحمد بن علي بن ثابت أبو بكر الخطيب البغدادي، المكتبة العلمية - المدينة المنورة، تحقيق: أبو عبدالله السورقي، إبراهيم حمدي المدني، ص ۱۰۳.

(۲) ۲۱۴- مختصر المنتهى الأصولي، عثمان بن عمر بن الحاجب، تحقيق شعبان محمد إسماعيل، مكتبة الكليات الأزهرية قاهرة، ۱۳۹۳هـ، ج ۲، ص ۶۳.

(۳) المستصفي، أبو حامد محمد بن محمد الغزالي الطوسي (المتوفى: ۵۰۵هـ)، تحقيق: محمد عبد السلام عبد الشافي، الناشر: دار الكتب العلمية، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۳هـ - ۱۹۹۳م، ج ۱، ص ۱۵۷.

۴- حافظ ابن حجر - رحمه الله - می گوید: « مراد از عادل کسی است که در او توانایی ملازمت تقوی و جوانمردی باشد، و مراد از تقوی: پرهیز از اعمال بد از شرک یا فسق یا بدعت است »^(۱). اینها تعریفات علماء کرام، بود در تعریف اصطلاحی عدالت، اگر چه عبارات متنوع هستند ولی همه به یک معنی برمی گردند و آن اینست که عدالت: یک ملکه و قدرت است در نفس، که صاحبش را بر ملازمت تقوی و مروت وادار می کند، و این برای انسان محقق نمی شود، مگر با انجام مأموریه و ترک منهی عنه، و دوری از آنچه که در مروت اخلال ایجاد می کند، و نیز تحقق نمی یابد مگر با اسلام و بلوغ و عقل و سلامت از فسق؛ که مراد از فسق: ارتکاب گناهان کبیره و اصرار بر یکی از گناهان صغیره، زیرا اصرار بر گناهان صغیره آن را تبدیل به کبیره می کند.

و مروتی که اهل علم از آن یاد می کنند: آداب نفسانی است که صاحب آن را بر ایستادن در کنار اخلاق والا و عادات نیکو و امی دارد، و آنچه که در مروت اخلال وارد می کند به دو سبب برمی گردد: اول: ارتکاب گناهان صغیره ای که بر خست و پستی دلالت می کند مثل سرقت یک چیز کوچک همچون پیاز و غیره از روی عمد.

دوم: انجام بعضی از چیزهای مباح که کرامت و یا هیبت انسان را از بین می برد و باعث سبکی می شود، مثل زیاد شوخی کردن.

۲- مفهوم عدالت صحابه کرام

در علم روایت، چون دلیل صحت و قبول روایات، اعتماد بر روایت راوی است، فقط به یک چیز ثابت می شود: « البعد عن الکذب علی رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فی باب الروایة »^(۲)؛ یعنی: دوری از کذب به رسول الله - صلی الله علیه وسلم - قصداً و عمداً در باب روایت.

در پرتو این تعریف، عدالت در حق تمامی صحابه - رضی الله عنهم - ثابت می گردد؛ چون در این صورت، گناه به فرض وقوع هم منافی عدالت و مانع قبول روایت راویان نیست و ثابت شده که صحابه - رضی الله عنهم - هیچ گاه دروغ نمی گفتند؛ چه برسد به کذب بر رسول الله - صلی الله علیه وسلم

(۱) نزهة النظر فی توضیح نخبة الفکر فی مصطلح أهل الأثر، أبو الفضل أحمد بن علی بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلانی (درگذشت:

۸۵۲هـ)، تحقیق: عبد الله بن ضیف الله الرحیلی، طبع: اول، مطبعة سفیر ریاض سال (۱۴۲۲هـ)، ص ۲۹.

(۲) تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، عبد الرحمن بن أبی بکر السیوطی، مكتبة الرياض الحديثة، الرياض، تحقیق: عبد الوهاب عبد

اللطیف، ج ۲، ص ۲۱۵-۲۱۶.

– و این برای عدالت عموم آنان کافی است؛ هر چند صحابه – رضي الله عنهم – در تمام جوانب مزین به تقوا و وارستگی بودند؛ بنابراین، عدالت صحابه – رضي الله عنهم – در اصل به تمام معانی است و از دلایلی که إن شاء الله ارایه می شود عدالت همه جانبه ی آنان ثابت می گردد. ضرورت ثبوت عدالت راویان، به وجود آورنده علم ظریف و پر دامنه به نام (علم اسماء الرجال) و متمم آن (علم جرح و تعدیل) شده است.

درباره ی صحابه – رضي الله عنهم – این ضرورت وجود ندارد، « چون آنان همه عادل هستند و جرح و انتقاد بر آنان وارد نمی آید، زیرا خداوند متعال و رسول الله – صلی الله علیه وسلم – آنان را تزکیه و تعدیل نموده است که این سخن مشهور و مورد اتفاق تمام اهل سنت است »^(۱).

« مقتضای قبول عدالت صحابه – رضي الله عنهم – این است که وقتی اسم صحابی بیاید، بدون بحث و جست و جوی اسباب عدالت و طلب تزکیه، روایتش با اطمینان خاطر پذیرفته می شود »^(۲)؛ بر خلاف راویان دیگر که با معیارهای علم (جرح و تعدیل) شخصیت شان از هر نظر مورد ارزیابی قرار می گیرد و بعضاً ناموثق و روایات شان ضعیف یا مردود اعلام می شود.

مطلب چهارم: دلایل عدالت و صداقت صحابه کرام

مجموعه دلایل که باعث می شود عقیده داشته باشیم صحابه – رضي الله عنهم – عادل هستند مشتمل است بر آیه های قرآن کریم، احادیث نبوی – صلی الله علیه وسلم – ودلائل: عقلی، علمی و تاریخی اجماع امت مسلمه.

الف: تعدیل صحابه در قرآن کریم

دلایل از کتاب و سنت بر تعدیل صحابه زیاد است، به نحوی که برای فرد شکاک، شک را در تحقیق تعدیل آنها باقی نمی گذارد، هر حدیث که در بین راوی آن و بین پیامبر – صلی الله علیه وسلم – سند متصلی هست، عمل به آن لازم نیست مگر بعد از اینکه عدالت رجال آن حدیث ثابت شود، و نظر در احوال آنان واجب است بجز صحابی که حدیث را از پیامبر – صلی الله علیه وسلم – گرفته است،

(۱) أسد الغابة في معرفة الصحابة، عز الدين علي بن محمد بن الأثير الجزري، طبع: دار الشعب، القاهرة، ۱۳۹۰ / ۱۹۷۰، ج ۱، ص ۳.

(۲) ارشاد الفحول شوکانی، ص ۷.

چون عدالت صحابه با تعديل خداوند و خبر دادن از پاكي آنها و برگزیدنشان با نص قرآن کریم که به هیچ شکلي باطل در آن وارد نمی شود، ثابت و معلوم است، از جمله این آیات متبرکه قرار ذیل است:

۱ - ﴿ وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا ﴾ (البقرة: ۱۴۳).

ترجمه: « و اینچنین شما را امتی میانه قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید و پیامبر بر شما گواه باشد ». مفسرین در وجه استدلال این آیه گفته اند: « مفهوم کلمه (وَسَطًا) به معنی عدل و عدالت و نیکوی است، زیرا مخاطبین این آیه به طور مستقیم صحابه کرام هستند »^(۱)؛ گر چه لفظ این آیه عام است ولی مراد از آن خصوص است، و این آیه در حق صحابه کرام نازل شده است »^(۲).

۲ - ﴿ كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ ﴾ (آل عمران: ۱۱۰).

ترجمه: « شما بهترین امتی بودید که برای مردم پدیدار شدید که به کار پسندیده فرمان می دهید و از کار ناپسند باز می دارید و به الله سبحان ایمان دارید ».

وجه استدلال: این آیه بیانگر فضیلت مطلق امت محمدی - صلی الله علیه وسلم - بالای امت های پیشین می باشد، و اولین کسانی که در این خوبی، مخاطب هستند به طور مستقیم و در حین نزول وحی الهی، صحابه کرام - رضی الله عنهم - می باشند، و این استقامت آنها را که خداوند متعال در قرآن بیان کرده عبارت از فضیلت آنها بالای سائر امت و دلیل بر عدالت ایشان می باشد »^(۳).

(۱) دیده شود: تفسیر القرآن العظیم، أبو الفداء إسماعیل، بن عمر بن کثیر القرشی الدمشقی [۷۰۰ - ۷۷۴ هـ]، تحقیق ودراسه: سامی بن محمد سلامة، دارطیبة للنشر والتوزیع، طبع: دوم سال: ۱۴۲۰هـ - ۱۹۹۹ م، ج ۱، ص ۴۵۵؛ و تفسیر جامع البیان فی تأویل القرآن، محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب الأملی، أبو جعفر مشهور به طبری (درگذشت: سال ۳۱۰هـ)، تحقیق: أحمد محمد شاکر، مؤسسة الرسالة، طبع: اول سال: ۱۴۲۰ هـ - ۲۰۰۰ م، ج ۲، ص ۷؛ و تفسیر الجامع لأحكام القرآن (تفسیر القرطبی)، أبو عبد الله محمد بن أحمد بن أبی بکر بن فرح الأنصاری الخزرجی شمس الدین مشهور به قرطبی (درگذشت: سال: ۶۷۱هـ)، تحقیق: أحمد البردونی وإبراهیم أطفیش، دار الکتب المصریة - قاهرة، طبع: دوم، ۱۳۸۴هـ - ۱۹۶۴ م، ج ۲، ص ۱۵۳.

(۲) الکفایة فی علم الروایة، أحمد بن علی بن ثابت أبو بکر الخطیب البغدادی، المكتبة العلمية - مدینه منوره، تحقیق: أبو عبدالله السورقی، إبراهيم حمدي المدني، ص ۶۴.

(۳) الموافقات، إبراهيم بن موسى بن محمد اللخمي الغرناطي مشهور به امام شاطبي (درگذشت: سال: ۷۹۰هـ)، تحقیق: أبو عبيدة مشهور بن حسن آل سلمان، دار ابن عفان، طبع: اول سال: ۱۴۱۷هـ / ۱۹۹۷ م، ج ۴، ص ۴۰-۴۱.

۳- ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَا وَنَصَرُوا أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ﴾ (الأنفال: ۷۴).

ترجمه: « و کسانی که ایمان آوردند و مهاجرت کردند و در راه الله متعال جهاد کردند و آنهایی که پناه دادند و یاری کردند، آنانند که به راستی مؤمن اند و برای شان مغفرت و رزق و روزی کریمانه ای خواهد بود.»

در این آیه خداوند متعال عموم مهاجرین و انصار را به ایمان حقیقی وصف می کند و کسی که خداوند منان برایش چنین شهادت و گواهی بدهد به حقیقت به والاترین مرتبه عدالت رسیده است.

۴- ﴿وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ (التوبة: ۱۰۰).

ترجمه: « و پیشگامان نخستین از مهاجرین و انصار و کسانی که به نیکوکاری از آنان پیروی کردند، و راه ایشان را به خوبی پیمودند، خداوند متعال از آنان خوشنود است، و آنان از او خوشنود اند، و الله سبحانه برایشان باغهای آماده کرده است که از زیر (درختان) آن رودها روان است که در آنجا همیشه جاودان اند، این است کامیابی بزرگ.»

خداوند متعال در این آیه رضا مندی خود را از آنها اعلان داشته است، و رضایت او جز برای کسی که اهلیت رضایت را دارا باشد، ثابت نمی شود و اهلیت برای او به وجود نمی آید مگر برای کسی که در تمام امورش استقامت داشته باشد، و در دینش عدل داشته باشد.

۵- ﴿لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا﴾ (الفتح: ۱۸).

ترجمه: « به درستی که خداوند سبحانه از مؤمنان راضی گردید هنگامیکه زیر آن درخت با تو بیعت می کردند، پس آنچه را که در دل هایشان بود دانست، در نتیجه بر آنان آرامش فرود آورد و فتح نزدیکی را پاداششان کرد.»

این آیه به طور واضح دلالت دارد بر تعدیل آنعده صحابه کرام که در روز صلح حدیبیه با پیامبر - صلی الله علیه وسلم - حاضر بودند، و کیفیت دلالت آیه بر تعدیل آنان اینست که خداوند متعال به رضایتش از آنها خبر داده است و ایمان آنها را تضمین نموده است و آنها را با راستی و وفا و سمع و طاعت که در

دل‌هایشان مستقر است تزکیه داده است، و این تزکیه بزرگ از جانب الله متعال صادر نمی‌شود مگر برای کسی که به بالاترین درجه در تحقیق استقامت بر آنچه که خداوند سبحان به او امر کرده، رسیده باشد.

۶- ﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِّنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ﴾ (الفتح: ۲۹).

ترجمه: «محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - فرستاده الله متعال است، و کسانی که همراهی با او هستند بر کافران سخت گیر و با همدیگر مهربان اند. همواره آنها را در رکوع و سجود می بینی که فضل و خشنودی خداوند متعال را می جویند، نشانه (ایمان) آنها اثر سجده ای است که در چهره هایشان می باشد، این وصف ایشان در تورات و انجیل است.»

«با این توصیفی که خداوند متعال در کتابش از آنها کرده و این مدحی که با آن آنها را ستوده است، هیچ راهی را برای شک در عدالتشان باقی نمی‌گذارد» (۱).

ب: تعدیل صحابه در احادیث

رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - در احادیث بسیاری صحابه کرام را توصیف کرده و در تنظیم آنها تفصیل داده است و با الفاظ زیبا آنها تعدیل نموده است، تفصیل برخی از مثالهای آن قرار ذیل است:

۱- «أَلَا لِيَبْلُغَ الشَّاهِدُ مِنْكُمْ الْغَائِبَ» (۲).

ترجمه: «آگاه باشید کسانی که از شما حاضر هستید به کسانی که غایب هستند برسانند.»

این سخن را پیامبر - صلی الله علیه وسلم - در بزرگترین جمع صحابه در حجة الوداع بیان داشتند، و از جمله بزرگترین ادله ثبوت عدالت آنهاست، وقتی که از آنها خواست آنچه را که از او شنیده اند به کسانی که در آن جمع حضور ندارند برسانند بدون اینکه یک نفر از آنان را استثنا کند.

۲- «خَيْرُ أُمَّتِي قَرْنِي ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ» (۳).

ترجمه: «بهترین امت من قرن من است بعد از آن کسانی که به دنبال آنها می آیند و بعد از آن کسانی که به دنبال آنها می آیند.»

(۱) تفسیر القرطبی، ج ۱۶، ص ۲۹۹.

(۲) صحیح البخاری، کتاب العلم، باب لیبلغ العلم الشاهد الغائب، ج ۱، ۵۱، حدیث (۱۰۵).

(۳) صحیح البخاری، کتاب فضائل صحابه، باب فضائل أصحاب النبي - صلی الله علیه و سلم -، ج ۳، ۱۳۳۳، حدیث (۳۴۵۰)؛ و صحیح مسلم، کتاب فضائل صحابه، باب فضل الصحابة ثم الذين يلونهم ثم الذين يلونهم، ج ۷، ص ۱۸۳، حدیث (۶۶۳۳).

از حدیث فوق ثابت می شود وقتی که پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - به خیر بودن مطلق آنها گواهی می دهد می توانیم بگوییم که صحابه کرام به طور مطلق عادل هستند.

۳- عن أبي سعيد الخدري - رضي الله عنه - قال: « قال النبي - صلی الله علیه و سلم - لا تُسبُّوا أَصْحَابِي فَلَوْ أَنَّ أَحَدَكُمْ أَنْفَقَ مِثْلَ أُحُدٍ ذَهَبًا مَا بَلَغَ مُدَّ أَحَدِهِمْ وَلَا نَصِيفَهُ » (۱).

ترجمه: « ابوسعید خدری - رضی الله عنه - روایت می کند که گفت: پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمود: یاران مرا دشنام مدهید، به الله متعال قسم اگر یکی از شما به اندازه کوه احد طلا ببخشید به یک مد و حتی نصف یکی از آنها هم نمی رسد ».

از احادیث فوق ثابت می شود که وصف صحابه کرام به غیر از (عدل) در حق آنها بی اعتنائی و ظلم محسوب می گردد، زیرا تعدیل صحابه کرام توسط قرآن کریم و سنت نبوی - صلی الله علیه وسلم - شده.

ج: تعدیل صحابه نزد اجماع امت

اهل سنت و جماعت بر اینکه تمام اصحاب رسول الله - صلی الله علیه وسلم - بلا استثناء عادل هستند اجماع کرده اند و در بین آنها فرقی قائل نشده اند و نسبت به آنها حسن ظن دارند با نظر به اینکه خداوند متعال با دادن افتخار همصحبیتی با پیامبر - صلی الله علیه وسلم -، آنها را گرامی داشته است و نیز به خاطر مفاخر آشکاری که داشته اند از جمله یاری دادن پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - و هجرت با او و جهاد در حضور ایشان و محافظت از امر دین و با بر پا داشتن حدود آن؛ بنابراین شهادت و روایاتشان مقبول است بدون تکلف در مورد اسباب عدالت شان به اجماع کسی که قولش معتبر است. اجماع بر عدالتشان از جمع کثیری از علما نقل شده است؛ از جمله این نقلها:

۱- « خطیب بغدادی در کتابش (الکفایة) بعد از ذکر ادله ای از کتاب و سنت رسول الله - صلی الله علیه وسلم - که بر عدالت صحابه و عادل بودن تمام آنها دلالت می کند، می گوید: این دیدگاه عامه علما و فقهای است که قولشان معتبر است » (۲).

(۱) صحیح البخاری، کتاب فضائل صحابه، باب قول النبي صلی الله علیه و سلم (لو كنت متخذًا خليلاً)، ج ۳، ص ۱۳۴۳، حدیث (۳۴۷۰).

(۲) الکفایة فی علم الروایة، خطیب البغدادی، ص ۶۷.

۲- ابن عبد البر در الإستیعاب می گوید: اگرچه بحث احوال صحابه با اجماع اهل حق از مسلمانان یعنی اهل سنت و جماعت بر اینکه همه آنها عادل هستند ما را کفایت می کند، با این حال واجب است که بر اسامی شان واقف باشیم»^(۱).

۳- «حافظ ابن حجر در (الإصابة) می گوید: اهل سنت متفق هستند بر اینکه تمام صحابه کرام عادل هستند، و جز دسته خاصی از بدعتگران در این مورد اختلاف پیدا نکرده اند»^(۲).

و افراد دیگر غیر از اینها بسیار هستند که به تعدیل صحاب کرام حکم نموده اند»^(۳).
در تمامی این اقوال مبارک برای اجماع آن ائمه، بیان واضح و دلیل قاطعی هست بر اینکه ثبوت عدالت صحابه به طور عام، امری است قطعی و مسلم، پس بعد از تعدیل الله - جل جلاله - و رسول - صلی الله علیه وسلم - و اجماع امت بر آن برای کسی شک و تردیدی باقی نمی ماند.

د: همه صحابه کرام عادل هستند

عدالت بر همه صحابه - رضی الله عنهم - صدق می کند، زیرا الله متعال در قرآن کریم آنان را به اطلاق و بدون استثنا تزکیه و تعدیل نموده است، چنانچه قبلاً آیات و احادیث را در این مورد نقل نمودیم، هم چنان نصوص ذیل نیز به تعدیل تمامی صحابه به شکل واضح و آشکار وضاحت:

- ﴿وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ﴾ (الحجرات: ۷)

ترجمه: «مگر خداوند متعال ایمان را در نظران محبوب گرداند، و آن را در دل هایتان آراست و کفر و فسق و نافرمانی را در نظران زشت و ناپسند جلوه داد، اینها اند که از جمله راه یافته گان اند».

- ﴿لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ﴾ (آل عمران: ۱۶۴).

(۱) الإستیعاب فی معرفة الأصحاب، ابن عبد البر، مصدر الكتاب: موقع الوراق، ج ۱، ص ۸.

(۲) الإصابة فی تميز صحابه، ابن حجر عسقلانی، ج ۱، ص ۱۷.

(۳) فتح المغیث شرح ألفیه الحدیث، ج ۳، ص ۱۱۲؛ تدریب الراوی، سیوطی، ج ۲، ص ۲۱۴؛ المستصفی، امام غزالی، ج ۱، ص

۱۶۴؛ مقدمه ابن صلاح ص ۱۴۶ - ۱۴۷؛ نووی در شرح مسلم، ج ۱۵، ص ۱۴۷؛ التقریب، ج ۲، ص ۲۱۴؛ الباعث الخیث، ابن

کثیر، ص ۱۸۱ - ۱۸۲، شرح الفیه، عراقی، ج ۳، ص ۱۳ - ۱۴ و غیره.

ترجمه: « به راستی که الله سبحان بر مؤمنان منت نهاد، وقتی که در میان آنان از خودشان پیامبری مبعوث کرد تا آیات الله متعال را بر آنها بخواند، و ایشان را پاک بگرداند و کتاب و سنت را بدیشان بیاموزد.»
 - ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ* وَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْ بَعْدِ وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا مَعَكُمْ فَأُولَئِكَ مِنْكُمْ وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ (الأنفال: ۷۴ - ۷۵).

ترجمه: « و کسانی که ایمان آوردند، و هجرت نمودند، و در راه الله - جلا جلاله - جهاد کردند، و همچنین کسانی که پناه دادند و یاری نمودند، اینان به راستی مؤمنان اند، برای آنان آمرزش و روزی شایسته است؛ و کسانی که پس از این، ایمان آوردند و هجرت کردند و همراه با شما جهاد نمودند، آنان از شما هستند، و خویشاوندان در کتاب الله متعال نسبت به همدیگر (از دیگران) سزاوارترند، بی گمان خداوند منان به همه چیز دانا است.»

وجوه استدلال آیات متبرکه فوق از احادیث پیامبر - صلی الله علیه وسلم - و اقوال علماء کرام نیز ثابت می گردد، چنانچه احادیث و اقوال ذیل به تعدیل همه صحابه کرام دلالت دارد:

أ: احادیث وارده به عدالت تمامی صحابه کرام: رسول الله - صلی الله علیه وسلم - با پیروی از آیات فوق الهی تعدیل تمامی اصحاب اش را چنین بیان می کند:

- (تفتقر أمتي على ثلاث وسبعين ملة كلهم في النار إلا ملة واحدة قالوا ومن هي يا رسول الله قال ما أنا عليه وأصحابي) (۱).

ترجمه: « اُمت من به هفتاد و سه گروه تقسیم می شود، همه آنها در آتش اند به جز يك گروه، گفتند: ای رسول الله - صلی الله علیه وسلم - این گروه کدام است؟ گفت: آنچه من و اصحابم بر آن هستیم.»

- (عليكم بسنتي وسنة الخلفاء الراشدين المهديين بعدي) (۲).

ترجمه: « به سنت من و جانشینان هدایت یافته بعد از من تمسك جوئید.»

و سایر احادیثی که در آنها امر به اقتدا از صحابه - رضی الله عنهم - و ذکر فضایل مربوط به آنان، مطلقاً و بدون تبعیض آمده است.

(۱) سنن الترمذی، کتاب الایمان، باب افتراق الامه، ج ۵، ص ۲۶، حدیث (۲۶۴۱).

(۲) سنن أبي داود، أبو داود سليمان بن الأشعث السجستاني، دار الكتاب العربي. بيروت، مصدر الكتاب: وزارت اوقاف مصر، کتاب السنه، باب فی لزوم السنه، ج ۴، ص ۳۲۹، حدیث (۴۶۰۹).

ب: تعدیل همه صحابه کرام توسط علماء امت: علماء امت مسلمه نیز به عدالت همه صحابه کرام حکم نموده است که صرف به نقل دو مورد آن ذیلاً اشاره می کنیم:

- امام ابو زرعه رازی - رحمه الله - در بیان منزلت صحابه کرام می گوید: « وقتی دیدی کسی یکی از اصحاب رسول - صلی الله علیه وسلم - را تنقیص می کند، بدان که او زندیق است؛ زیرا خداوند متعال در قرآن کریم و رسول الله - صلی الله علیه وسلم - همه آنها را تعدیل نموده است، و کسانی که می خواهند (صحابه کرام) را جرح کنند تا کتاب و سنت را باطل نمایند از دایره اسلام خارج می شود»^(۱).

- امام سرخسی در اصول می فرماید: « همه اصحاب رسول الله - صلی الله علیه وسلم - عادل هستند و عدالت آنان معیار حقیقت و محکمی اسلام است این عدالت به اندازه ای قوی است که اجماع صحابه - رضی الله عنهم - در قطعیت مانند حکمی است که به کتاب و سنت ثابت باشد؛ به گونه ای که منکر آن تکفیر می شود و این (اجماع صحابه) قوی ترین نوع اجماع امت مسلمه است»^(۲).

(۱) الکفایه فی علم الروای، خطیب البغدادی، ص ۹۷.

(۲) أصول السرخسی، محمد بن أحمد بن أبي سهل شمس الأئمة السرخسی (درگذشت: سال: ۴۸۳هـ)، دار المعرفة - بیروت، ج ۱، ص

فصل اول

صفات صحابه کرام در پرتو آیات قرآنی

مدخل:

در مباحث قبلی پیرامون معنی لغوی و اصطلاحی کلمه صحابی، طبقات صحابه کرام، تعداد صحابه کرام، مرتبه صحبت در شریعت اسلامی، طرق معرفت و شناخت صحابه کرام، و عدالت اصحاب گرامی پیامبر - صلی الله علیه وسلم - مفصل بحث نمودیم.

در این فصل که از فصل های اساسی و بنیادی این رساله می باشد، می خواهیم پیرامون صفات صحابه کرام از دیدگاه قرآنی کریم طی مباحث و مطالب جداگانه بحث نمائیم.

مبحث اول: در این مبحث تحت عنوان (صفات صحابه کرام مرتبط به عبادت و بندگی و تعامل با خالق) که شامل موارد همچوا: صفت صحابه کرام به ایمان و یقین، عبادت، اصلاح، اخلاص، رضامندی و خشنودی الله متعال، ترس و خشیت از الله سبحان، سبقت در دین و متابعت از پیامبر - صلی الله علیه وسلم -، اولین هجرت کنندگان در راه الله تعالی، نصرت و یاری دین الله - تبارک و تعالی - و صفت صحابه کرام در آیات قرآن کریم در اسه گردیده است.

مبحث دوم: در این مبحث تحت عنوان (صفات صحابه کرام در تعامل با مخلوق) موضوعات ذیل گنجانیده شده است:

صفات صحابه کرام به (امر به معروف و نهی از منکر)، صفت صحابه کرام به جهاد و مبارزه علیه کفار و مشرکین، صفت صحابه کرام به صداقت و راستی، صفت صحابه کرام در سخت گیری در مقابل دشمنان دین الله تعالی، صفت صحابه کرام به الطاف و ترحم با مؤمنین، صفت صحابه کرام به ایثار و فداکاری، صفت صحابه کرام وسطیت و اعتدال و صفت صحابه کرام به علم.

مبحث اول

صفات صحابه کرام مرتبط به عبادت و بندگی و تعامل با خالق

الله - تبارک و تعالی - صحابه کرام و یاران گرامی پیامبر - صلی الله علیه وسلم - را به صفات نیک و پسندیده ستوده است، در این قسمت برخی از مواصفات صحابه کرام که مرتبط به عبادت و بندگی الله متعال و برخورد با الله - تبارک و تعالی - می باشد بحث گردیده است؛ طوریکه نخست معنی و مفهوم همان صفت از کتابهای معتبر لغوی و کتابهای مصطلح بیان گردیده است، بعداً آیات و موارد ورود آن که پیرامون همان صفت در قرآن کریم وارد گردیده نیز بحث شده است، هم چنان نظریات مفسرین و در بعضی موارد احادیث نبوی - صلی الله علیه وسلم - در شرح آیه استفاده گردیده است، که تفصیل آن قرار ذیل است:

مطلب اول: وصف صحابه کرام به ایمان و یقین

کلمه ایمان از آمن، أمان والأمانه مشتق گردیده؛ که صیغه (أمن وأمان) به معنی ضد خوف، (أمانه) به معنی ضد خیانت و کلمه (إيمان) بمعنی تصدیق که ضد آن کذب می باشد خوانده شده^(۱).
واژه مؤمن از کلمات اساسی قرآن کریم است، خداوند - تبارک و تعالی - کلمه ایمان را در قرآن کریم در بسا موارد بیان نموده است، زیرا هدف از خلقت انسان در روی زمین ایمان آنها به احکام و دستورات شرع است، و از انسان صرف ایمان آنها نزد الله - جل جلاله - مطلوب می باشد، چنانچه الله سبحانه و مؤمن) و مشتقات آنرا در قرآن کریم در (۱۳۱) صیغه (۸۷۹) مرتبه بیان نموده است^(۲).
هم چنان الله - تبارک و تعالی - صحابه و یاران پیامبر - صلی الله علیه وسلم - در بسیاری موارد قرآن کریم به (إيمان) توصیف نموده، برخی از این آیات قرار ذیل است:

﴿وَإِذْ عَدَوْتَ مِنْ أَهْلِكَ تُبَوِّئُ الْمُؤْمِنِينَ مَقَاعِدَ لِلْقِتَالِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ (آل عمران: ۱۲۱).

ترجمه: «و به یاد آور هنگامی را که سحرگاهان از میان خانواده ات بیرون رفتی و جایی مؤمنان را برای جنگ مشخص نمودی، و الله متعال شنوا و داناست.»

(۱) لسان العرب، ابن منظور الافریقی، ج ۱۳، ص ۲۱، کلمه (أمن)؛ معجم الوسیط، محمد النجار، ج ۱، ص ۲۸، کلمه (أمن).

(۲) معجم کلمات القرآن الکریم، د. محمد زکی محمد خضر، طبع: محرم ۱۴۲۶ هـ - آذر ۲۰۰۵ م، اعداد: نورعلی یف فردوسی، ج ۳، ص ۱۷، کلمه (أمن).

امام ابن کثیر - رحمه الله - در تفسیر این آیه می گوید: « به قول جمهور علماء مراد از این آیه غزوه احد می باشد »^(۱).

هم چنان الله متعال نصرت را که به صحابه کرام در غزوه بدر نموده بیان نموده، می فرماید:

﴿وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرِ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ * إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُدْعِيَكُمْ رِئُوسُكُمْ بِثَلَاثَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنَزَّلِينَ﴾ (آل عمران: ۱۲۳-۱۲۴).

ترجمه: « و الله سبحان شما را در غزوه بدر پیروز گردانید درحالی که تعداد تان اندک و ناچیز بود، پس از الله تعالی بترسید، تا باشد که سپاسگزار باشید؛ آنگاه که به مؤمنان می گفتی: آیا شما را بسنده نیست که پروردگارتان شما را با سه هزار فرشته که فرو فرستاده شده است، یاری کند ».

امام طبری - رحمه الله -^(۲)، در شرح این آیات می گوید: « الله تعالی خطاب به پیامبر - صلی الله علیه وسلم - و صحابه کرام اش می فرماید: شما در روز غزوه بدر نصرت و یاری یافتید در حالی که در مقابل دشمن ضعیف و ناتوان بودید، یاد آوری این نصرت الهی برای رسول الله - صلی الله علیه وسلم - و صحابه کرام بخاطر اطمینان آنها در روز بدر می باشد »^(۳).

الله - تبارک و تعالی - صحابه کرام را در صورت که مؤمن باشد، به دوری از غم و اندوه دلداری نموده می فرماید:

﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ (آل عمران: ۱۳۹).

ترجمه: « و اگر مؤمن هستید سست و ضعیف نشوید، و غمگین نگردید، که شما برتر هستید ».

(۱) تفسیر القرآن العظیم، بن کثیر، ج ۲، ص ۱۰۹.

(۲) محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب مشهور به امام ابو جعفر طبری (۲۲۴-۳۱۰) یکی از جمله امامان اهل سنت و جماعت می باشد، وی مفسر، مورخ فقیه و صاحب دو کتاب عظیم در تفسیر و تاریخ است، وی در احکام دین خود مجتهد بوده و از هیچ کسی تقلید نکرده است بلکه جمع کثیر از وی تقلید نموده و اقوال و آراء او را استدلال کرده است، امام نووی رحمه الله در باره وی می گوید: امت مسلمه به این اجماع دارند که همانند امام طبری کسی تصنیف نکرده است، هم چنان یاقوت الحموی در باره او می گوید: ابو جعفر طبری از جمله علماء: محدث، فقیه، مقرر، مورخ، مفسر مشهور بوده است، دیده شود: الاعلام قاموس تراجم اشهر الرجال والنساء من العرب والعجم والمستعمرین والمستشرقین، خیر الدین الزرکلی، ج ۶، ص ۶۹.

(۳) جامع البیان فی تأویل القرآن، محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب الأملی، أبو جعفر الطبري، تحقیق: أحمد محمد شاکر، مؤسسة الرسالة، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۰ هـ - ۲۰۰۰ م، ج ۷، ص ۱۷۳.

سعدی (۱)، در تفسیر این آیه می فرماید: «الله متعال در این آیه صحابه کرام به ایمان تشویق نموده و آنها را از حزن و غمگینی برحذر داشته و به برتری و نصرت دنیا و آخرت مژده داده است» (۲). مانند این آیه کریمه که خداوند - تبارک و تعالی - می فرماید:

﴿هُوَ الَّذِي أَيْدَكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ﴾ (الانفال: ۶۲).

ترجمه: «او تعالی همان کسی است که تو را با یاری خود و با مؤمنان توان داد و تقویت کرد.»
«نصرت و تقویت مهاجرین و انصار از جمله نعمت های الهی است که آنرا الله متعال در حق مؤمنین روا داشته است، یعنی: الله سبحانه و مهاجرین و انصار را نصرت سماوی نموده است که عبارت از نصرت و کامیابی در مقابل دشمنان می باشد» (۳).

هم چنان خداوند متعال صحابه کرام را در سوره های دیگر قرآنی نیز به ایمان داری توصیف نموده است، چنانچه در سوره انفال و سوره احزاب در بیشترین موارد صفات آنها را بیان نموده می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا﴾ (الاحزاب: ۹).

ترجمه: «ای مؤمنان! نعمت الهی را بر خود یاد کنید، آن گاهی که لشکرها به سراغ شما آمدند ولی ما توفانی را بر آنان فرستادیم و لشکرهایی را به سویشان روانه کردیم که شما آنان را نمی دیدید، و خداوند متعال به آنچه می کنید بینا است.»

امام ابن کثیر - رحمه الله - در تفسیر این آیه می گوید: «الله - تبارک و تعالی - در این آیه نعمت و فضل خود را برای صحابه کرام و مؤمنین بیان نموده است که عبارت از نصرت و کامیابی مسلمانان

(۱) شیخ العلامة ابو عبدالله عبدالرحمان بن ناصر بن عبدالله بن ناصر السعدی در روز ۱۲ محرم سال ۱۳۰۷ هجری در شهر عنیزه در قضیم متولد گردیده است، امام سعدی به آگاهی خاص وی در فقه، اصول و فروع فقهی از دیگر علماء متمایز گشته است، وی کتاب های زیادی را به رشته تحریر در آورده است که از جمله: (تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان در ۸ جلد) می باشد این کتاب را در سال ۱۳۴۴ تکمیل نموده است که در آن حالت ۶۶ سال عمر داشت وی در سال ۱۳۷۶ در شهر عنیزه قضیم وفات شده است، دیده شود: الاعلام زرکلی، ج ۳، ص ۳۴۰.

(۲) تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان، عبد الرحمن بن ناصر بن السعدی المحقق: عبد الرحمن اللویحی، مؤسسة الرسالة، طبع: اول سال: ۱۴۲۰ هـ - ۲۰۰۰ م، ج ۱، ص ۱۴۹.

(۳) تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر، ج ۴، ص ۸۴؛ تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان، السعدی، ص ۳۷۰.

بالای دشمنان شان درسال خندق می باشد، تا آنها هرچه بیش تر به شکرانه گوی الله - جلا جلاله - تشویق و ترغیب کردند»^(۱).

و در آیات بعدی نیز خداوند متعال صحابه کرام را به ایمان توصیف نموده می فرماید:

﴿هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زُلْزَالًا شَدِيدًا﴾ (الاحزاب: ۱۱).

ترجمه: « آنجا (بود که) مؤمنان مورد آزمایش قرار گرفتند و سخت متزلزل شدند ».

الله متعال وصف صحابه کرام را در مقابل شکستن عهد و پیمان از سوی منافقین نیز بیان نموده می فرماید:

﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَجْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا * لِيَجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ﴾ (الاحزاب: ۲۳-۲۴).

ترجمه: « از مؤمنان کسانی هستند که آنچه را با خداوند منان بر آن پیمان بسته بودند تحقق بخشیدند، پس برخی از آنان قرارشان را به انجام رساندند و برخی نیز در انتظارند و آنان هیچ گونه تغییر و تبدیلی (در عهد و پیمان خود) نداده اند؛ تا خداوند متعال راستگویان را به خاطر راستی شان پاداش بدهد و منافقان را هرگاه که بخواهد عذاب کند ».

و بخاطر ایمان صحابه کرام است که از میان امت محمدی - صلی الله علیه وسلم - انتخاب گردیده اند، الله - تبارک و تعالی - می فرماید:

﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ﴾ (آل عمران: ۱۱۰).

ترجمه: « شما بهترین امت بودید که برای مردم پدیدار شدید که به کار پسندیده فرمان می دهید و از کار ناپسند باز می دارید و به الله سبحان ایمان دارید ».

﴿الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا أَجْرٌ عَظِيمٌ * الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾ (آل عمران: ۱۷۲-۱۷۳).

ترجمه: « کسانی که پس از زخمها و جراحت های که به آنان رسیده بود دستور الله متعال و پیامبر - صلی الله علیه وسلم - را اجابت کردند، برای کسانی از آنان که نیکی کردند و تقوا پیشه نمودند، پاداش

(۱) تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر، ج ۶، ص ۳۸۳.

بزرگی است؛ کسانی که مردم به آنان گفتند: مردم بر ضد شما جمع شده اند، پس، از آنها بترسید، ولی (این امر) ایمانشان را افزود و گفتند: الله واحد ولا شریک ما را کافی است و او تعالی بهترین سرپرست است.»

این آیه کریمه بر مدح بزرگ و عظیم صحابه کرام - رضی الله عنهم - دلالت دارد، که شامل قوت ایمان، صبر و استقامت در راه دین الله متعال، تفویض تمامی امورات زندگی به الله - تبارک و تعالی - و هم چنان به وعده الهی در حق محسنین و متقین به ثواب بزرگ دلالت دارد، و علماء امت متفق هستند که این جزء آیه: ﴿الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ﴾ به مهاجرین و انصار که در غزوه أحد با رسول الله - صلی الله علیه وسلم - شرکت نموده بودند دلالت دارد «(۱)».

هم چنان امر به ایمان و یقین از سنت های الهی می باشد که الله - تبارک و تعالی - در بسا موارد قرآن کریم آنرا برای بندگانش دستور داده است، که صحابه و یاران گرامی پیامبر - علیه السلام - از مخاطبین اولی قرآن می باشند، الله متعال می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَى رَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ﴾ (النساء: ۱۳۶).

ترجمه: «ای کسانی که ایمان آورده اید! به الله سبحان و پیامبرش - صلی الله علیه وسلم - و کتابی که بر رسول الله - صلی الله علیه وسلم - نازل شده (قرآن کریم)، و به کتابهای دیگر آسمانی که قبل از او فرو فرستاده شده است، ایمان بیاورید.»

خداوند - تبارک و تعالی - در آیه دیگر برای صحابه کرام و سائر بندگان مؤمن روش و طریقه دعا و نیایش را چنین بیان کرده:

﴿إِنَّهُ كَانَ فَرِيقٌ مِنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ﴾ (المؤمنون: ۱۰۹)

ترجمه: «همانا گروه از بندگان من می گفتند: پروردگارا! ایمان آورده ایم، پس ما را بیامرز و به ما رحم فرما، و تو بهترین رحم کنندگان هستی.»

(۱) إتحاف ذوي النجابه بما في القرآن والسنة من فضائل الصحابه، محمد العربي بن التبانى المغزى السطيفى، مراجعة و تدقيق: محمد عبد

الله ناصر الموزعى، مؤسسة قرطبة، ص ۳۶.

صاحب تفسیر فتح البیان در تفسیر آیه: ﴿إِنَّهُ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِي﴾ می گوید: «آنها صحابه کرام از قبیل حضرت بلال، حضرت سهیل، حضرت عمار، حضرت خباب و همانند آنها از مستضعفین صحابه - رضوان الله عنهم اجمعین - می باشند»^(۱).

از آیات قبلی این آیه به وضاحت دانسته می شود که الله سبحانه می فرماید: این گروه از بندگان مؤمن من (که صحابه کرام نیز شامل آن می باشد) می گویند: پروردگارا! ایمان آورده ایم پس ما را پیامرز و به ما رحم کن تو بهترین مهربانانی، یعنی: ایشان مؤمنان هستند که در دنیا از خداوند متعال درخواست رحمت و مغفرت کرده بودند و به صفات مقدس الهی اقرار و اعتراف می کنند، که همین ایمان آنها از بهترین مواصفات نزد الله - تبارک و تعالی - محسوب می گردد.

از آیات که صحابه کرام در آن به ایمان و یقین توصیف گردیده است، موارد آتی ثابت می گردد:

۱- صحابه کرام الگوی ایمان برای بشریت:

بنده واقعی الله متعال در ایمان، صداقت، شجاعت، تقوا و اخلاص نسبت به الله ذوالجلال و پیامبرگرامی اش حضرت محمد - صلی الله علیه وسلم - باید خط و مشی مهاجرین و انصار را تعقیب نماید و از روش آنان تقلید نموده و عملکرد آنان را برای خویش الگو و نمونه قرار بدهند، زیرا یاران پیامبر - علیه السلام - امامان هستند که به آنان باید اقتدا کرد، خداوند متعال مسلمانان را به صراحت دستور می دهد تا از اولین مؤمنان صحابه کرام پیروی کنند، چنانچه می فرماید:

﴿فَإِنْ آمَنُوا بِمِثْلِ مَا آمَنْتُمْ بِهِ فَقَدْ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا هُمْ فِي شِقَاقٍ﴾ (البقره: ۱۳۷).

ترجمه: «پس اگر به آنچه شما بدان ایمان آورده اید ایمان آوردند بی گمان هدایت شده اند و اگر روی گردانند پس همانا آنان بی تردید در بدبختی و گمراهی بزرگی هستند».

خداوند متعال در این آیه مؤمنین عصر پیامبر - صلی الله علیه وسلم - یعنی: صحابه کرام را مورد خطاب قرار می دهد و اعلام می کند، اگر دیگر مسلمانان، ایمانی مانند ایمان شما و شبیه به آن و به همان چیزی که شما ایمان آورده اید بیاورند، پس هدایت یافته اند و جزء رستگاران می باشند، یعنی: نوع ایمان صحابه معیار و قبولی برای ایمان دیگران است.

(۱) فتح البیان فی مقاصد القرآن، محمد صدیق خان، ج ۹، ص ۱۵۵.

و اگر از شما روی بگردانند، یعنی اینکه شما را قبول نداشته باشند و به شما پشت کنند و ایمان آنها، ایمانی به غیر از ایمان شما باشد، پس جزء هدایت یافتگان نبوده و تنها در مخالفت با شما هستند؛ پس قبول شدن ایمان سایر مسلمین مربوط به قبول ایمان صحابه و تشابه با ایمان آنها می باشد و پشت نکردن به شیوه آنها و مخالفت نکردن با ایشان.

خطاب این آیه متوجه صحابه - رضی الله عنهم - است و از آن به صریح ترین وجه ثابت می شود که ایمان صحابه کرام دقیق ترین و تنها معیار تشخیص صحت و عدم صحت ایمان دیگران است؛ زیرا پیروی از صحابه کرام متضمن خوشنودی الله متعال است، زیرا خداوند - تبارک و تعالی - می فرماید:

﴿ وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ ﴾ (الحشر: ۱۰).

ترجمه: « و کسانی که پس از (مهاجرین و انصار) آمدند می گویند: پروردگارا! ما و برادران ما را که در ایمان آوردن از ما پیشی گرفته اند بیامرز و در دل های ما هیچ کینه ای در حق کسانی که ایمان آورده اند قرار مده، پروردگارا! تو دارای رأفت و رحمت فراوانی هستی ».

صاحب تفسیر (المنیر) در شرح این آیه می فرماید: « کسانی که پس از مهاجران و انصار آمده اند و ایشان تابعین هستند که تا روز قیامت از مهاجران و انصار به نیکویی پیروی کرده و می کنند، از این آیه ثابت می شود که مؤمنان متأخر در هر عصر و نسلی مأمور به این هستند که برای پیشینیان نخست از مهاجران و انصار آمرزش بخواهند؛ همچنین است کسی که اصحاب - رضوان الله علیهم اجمعین - را سب و لعن کند، یا به ایشان آزاری برساند، یا بخواهد که از قدر و منزلت ایشان بکاهد، فاسق است و چنین کسی از ادب اسلام و اخلاق آن به دور، از روح دین و صفای آن مهجور و مبتدع و گمراه می باشد زیرا قرآن کریم به آمرزش خواهی برای اصحاب امر کرده و از کینه و حسد ورزی بر مردان و زنان مؤمن نهی نموده است «(۱)».

﴿ وَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْ بَعْدُ وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا مَعَكُمْ فَأُولَئِكَ مِنْكُمْ وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴾ (الانفال: ۷۵).

(۱) التفسیر المنیر فی العقیدة والشريعة والمنهج، د وهبة بن مصطفى الزحيلي، دار الفكر المعاصر - دمشق، طبع: دوم، ۱۴۱۸ هـ،

ترجمه: « و کسانی که پس از این، ایمان آوردند و هجرت کردند و همراه با شما جهاد نمودند، آنان از شما هستند، و خویشاوندان در کتاب الله متعال نسبت به همدیگر (از دیگران) سزاوارترند، بی گمان خداوند متعال به همه چیز دانا است. »

امام ابن کثیر - رحمه الله - می گوید: « پیراوان و مؤمنین که راه پیامبر - علیه السلام - و صحابه کرام را در دنیا انتخاب و تعقیب نموده اند همراه با ایشان در آخرت نیز خواهند بود » (۱).

هم چنان الله - تبارک و تعالی - در آیه ای دیگری می فرماید:

﴿ وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ﴾ (التوبه: ۱۰۰).

ترجمه: « و پیشگامان نخستین از مهاجرین و انصار و کسانی که به نیکوکاری از آنان پیروی کرده اند، و راه ایشان را به خوبی پیموده اند، خداوند متعال از آنان خوشنود است، و آنان از او تعالی خوشنود اند، و الله سبحان برای شان باغهای آماده کرده است که از زیر (درختان) آن رودها روان است. »

« عن عبد الله بن مسعود - رضی الله عنه - قال: جاء رجل إلى رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فقال: يا رسول الله كيف تری فی رجل أحب قوما ولما يلحق بهم قال رسول الله - صلی الله علیه وسلم - : المرء مع من أحب » (۲).

ترجمه: « عبد الله بن مسعود - رضی الله عنه - روایت نموده که مردی نزد رسول الله - صلی الله علیه وسلم - آمد و گفت: ای رسول الله - صلی الله علیه وسلم - چه می گوی در مورد مردی که دسته ای را دوست دارد اما به آن ها ملحق نشده است رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمودند: هرکس با کسی است که او را دوست دارد. »

از آیات و حدیث متذکره ثابت می شود که مسلمان باید از صحابه کرام متابعت نموده و زندگی و کارنامه های آنها را در امورات دینی و دنیوی سرمشق زندگی خویش قرار دهند، زیرا متابعت از پیامبر - علیه السلام - و یاران باوفای اش بهترین الگو و نمونه برای مسلمانان می باشد.

(۱) تفسیر قرآن العظیم، ابن کثیر، ج ۴، ص ۹۹.

(۲) الجامع الصحیح المسمی صحیح مسلم، أبو الحسین مسلم بن الحجاج بن مسلم القشیری النیسابوری، دار الجلیل بیروت + دار الأفاق الجدیدة. بیروت، کتاب البر و الصله والادب، باب المرء مع من أحب، ج ۸، ص ۴۳، حدیث (۶۸۸۸).

۲- حب ایمان در قلب های صحابه کرام:

خداوند - تبارک و تعالی - ایمان قلبی را برای صحابه کرام محبوب گردانیده، می فرماید:

﴿وَأَعْلَمُوا أَنَّ فِيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِّنَ الْأَمْرِ لَعَنِتُّمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ﴾ (حجرات: ۷).

ترجمه: «و بدانید که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - در میانتان است، اگر در بسیاری از کارها از شما اطاعت کند به مشقت خواهید افتاد، ولی خداوند متعال ایمان را در نظرتان محبوب گرداند و آن را در دل هایتان آراست و کفر و فسق و نافرمانی را در نظرتان زشت و ناپسند جلوه داد ایناند که راه یافته اند.»

یعنی: اگر رسول الله - صلی الله علیه وسلم - در بسیاری از اخباری که به او می رسانید و در بسیاری از مشورت‌های ناصواب که به او می دهید، از شما اطاعت کند، شما خود در رنج و مشقت می افتید؛ ولی رسول رسول الله - صلی الله علیه وسلم - قبل از آن که حقیقت و توجیه قضایا بر وی روشن شود، از شما در غالب آنچه که می‌پردازید، اطاعت نمی‌کند و به تصمیم‌گیری و عمل براساس آنچه که به وی رسیده است، قبل از آن که در آن امر اندیشه و تأمل کند، شتاب نمی‌ورزد؛ و الله متعال ایمان را برای شما دوست داشتنی گردانید و آنرا دوست داشته‌ترین و خوشایندترین چیزها نزد شما گردانید پس از شما جز آن امور شا یسته‌ای که موافق ایمان و منطبق با مقتضای آن باشد، سر نمی‌زند و در نتیجه، شما شتاب و عجله در مورد اخبار واصله و عدم تحقیق و بررسی پیرامون آنها را فرومی‌گذارید و خداوند سبحان اینان را به رشد و هدایت رهنمون ساخته و استقامت بر راه حق به‌همراه سرسختی، پایداری و استواری بر آن اعطا نموده است»^(۱).

خداوند اصحاب محمد - صلی الله علیه وسلم - را به نور ایمان آراست و گناه و نافرمانی را در دیدگان آنها زشت جلوه داد، پس ایمان اصحاب که از حضور پیامبر - صلی الله علیه وسلم - در میان آنها سر چشمه می‌گیرد، یک ایمان الهی و آسمانی و رحمت از جانب خداوند رحمان بوده است؛ و اگر آنها به تبعیت از پیروان سایر پیامبران - علیهم السلام - در اموری نافرمانی کرده‌اند و دل به لذت‌های دنیوی می

(۱) دیده شود: مفاتیح الغیب، أبو عبد الله محمد بن عمر بن الحسن بن الحسين التیمی الرازی الملقب بفخر الدین الرازی خطیب الری

، دار إحياء التراث العربی - بیروت، طبع سوم سال ۱۴۲۰هـ، ج ۲۸، ص ۱۰۱.

بستند، الله تعالى آنها را به مشقت و زحمت می انداخت؛ ولی اصحاب به مشقت و گرفتاری دچار نشدند و پیروزی و فتح در تمامی امور در انتظار آنها بود، و راز موفقیت آنها این بود که رحمت خداوند متعال شامل حال آنها شد و نور ایمان در دل آنها جای گرفت، و خداوند منان تنها اصحاب پیامبر - صلی الله علیه وسلم - را به چنین منزلت و جایگاه انتخاب نمود است، زیرا الله تعالى اصحاب پیامبر - صلی الله علیه وسلم - را از میان سایر اقوام بخاطر یاری پیامبر - صلی الله علیه وسلم - برای کسب این منزلت و تابیدن نور الهی به قلوب شان برگزید و این امتیاز ویژه نصیب دیگر اقوام نشد، چنانچه الله متعال در جای دیگری می فرماید:

﴿إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ الْحَمِيَّةَ فَأُنزِلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا﴾ (فتح: ۲۶).

ترجمه: « آن گاه که کافران تعصب و نخوت جاهلیت را در دل هایشان جای دادند آن گاه الله تعالى آرامش خود را بر پیامبرش - صلی الله علیه وسلم - و بر مؤمنان نازل کرد و آنان را به کلمه تقوا ملزم ساخت، و آنها به آن سزاوارتر و اهل آن بودند و خداوند منان به همه چیز داناست.»

« کافران مکه می گفتند: مسلمانان فرزندان و برادران ما را کشته اند و باز بر منازل ما وارد می شوند تا اعراب بگویند که آنان برخلاف خواسته ما به مکه وارد شده اند؟ سوگند به لات و عزی که بر ما در مکه وارد نمی شوند. لذا این تعصب و غیرت و حمیت؛ همانا حمیت جاهلیت است که به دلهايشان درآمده است؛ الله - تبارک و تعالی - آرامش، اطمینان و وقار خود را بر پیامبر - علیه السلام - و بر مؤمنان فرو فرستاد و آنان را بر جاده رضا و تسلیم، ثابت قدم و استوار نگه داشت» (۱).

از آنچه گفته شد به خوبی دانسته می شود که خداوند متعال در برابر تعصب که کافران در نپذیرفتن اسلام، حقیقت ایمان را در قلوب صحابه کرام جای داده است و به پیامبر - صلی الله علیه وسلم - و یاران او اطمینان خاطر و یقین قلبی هدیه داد و آنها را به نور ایمان آراست، زیرا آنها شایستگی آن را داشتند و زمینه دانستن قدر چنین ایمانی در نزد آنها، بیش از دیگران بوده است، یعنی: منزلت اصحاب با آگاهی و اراده الهی تعیین شده است.

(۱) دیده شود: تفسیر المنیر، وهبة الزحیلی، ج ۲۶، ص ۱۹۲.

الله متعال ایمان اصحابی را که در صلح و بیعت حدیبیه شرکت نموده بودند که عشره مبشره و اصحاب بدر و احد نیز از جمله ای بیعت کنندگان بودند، چنین بیان نموده:

﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ﴾ (الفتح: ۴).

ترجمه: «او کسی است که آرامش را در دل های مؤمنان (بیعت کنندگان در صلح حدیبیه) نازل کرد تا ایمانی و یقینی بر ایمانشان بیافزایند.»

امام ابن کثیر - رحمه الله - در تفسیر این آیه می گوید: «الله متعال کسی است که اطمینان، رحمت، و وقار قلبی را بر قلوب مؤمنین نهاده است، که این مؤمنین عبارت از کسانی هستند که در روز صلح حدیبیه موجود بودند، وهنگام که اطمینان خاطر در قلبهای آنها ایجاد گردید ایمان شان تقویه گردید» (۱).
اصحاب که خداوند متعال در مورد آنها می فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ﴾ (الفتح: ۱۰).

ترجمه: «بی گمان کسانی که با تو بیعت می بندند به تحقیق که با الله متعال بیعت نموده اند، دست الله متعال بالای دست آنان است.»

یعنی: «﴿إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ﴾ به صحابه کرام که در بیعة الرضوان در صلح حدیبیه همراه با پیامبر - صلی الله علیه وسلم - شرکت نموده بودند اطلاق می گردد، که درحقیقت آنها با الله سبحان بیعت نموده (ایمان آورده اند)، خداوند متعال در جای دیگر می فرماید: ﴿مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ﴾ (النساء: ۸۰)؛ یعنی: هرکس از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - پیروی نماید به راستی که از الله - تبارک و تعالی - پیروی نموده است» (۲).

این بود آیات چند از قرآن کریم که پیرامون ایمان صحابه کرام فوقاً به آن اشاره نمودیم، در قرآن کریم آیات زیادی دیگر نیز موجود است که به ایمان صحابه کرام و مؤمنین دلالت دارد.

۳- صحابه کرام بندگان رستگار:

صحابه کرام را الله متعال بندگان رستگار و واقعی خطاب نموده می فرماید:

(۱) تفسیر قرآن العظیم، ابن کثیر، ج ۷، ۳۲۸.

(۲) تفسیر جلالین، جلال الدین محمد بن أحمد المحلی (درگذشت: ۸۶۴هـ) و جلال الدین عبد الرحمن بن ابی بکر السیوطی (درگذشت:

۹۱۱هـ)، دار الحدیث - القاهرة، طبع: اول، ص ۶۸۰.

﴿ وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِّمَّا أُوتُوا وَيُؤْتُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴾ (حشر: ۹).

ترجمه: « و کسانی که پیش از آنان خانه و کاشانه را آماده کردند و ایمان (نیز) در دلشان جای گرفت، کسانی را که به سوی آنان هجرت کنند دوست می دارند، و در دل های خود از آنچه (به مهاجران) داده اند احساس نیازی نکنند و (دیگران را) بر خودشان ترجیح می دهند هرچند که خود سخت نیازمند باشند، و کسانی که از آزمندی نفس خویش مصون باشند اینانند که رستگار اند. »

« حق تعالی در این آیه به مدح و ستایش انصار پرداخته و فضل و شرفشان را این گونه بیان می کند: انصاری که ساکن مدینه بوده و پایبند ایمان شده اند؛ به مهاجران احسان کرده و ایشان را در اموال و مسکنهای خویش شریک ساخته اند مراد از دار، دار هجرت است که انصار قبل از مهاجران در آن ساکن بودند و در آن به الله واحد و لا شریک و رسولش - صلی الله علیه وسلم - ایمان آوردند، انصار مدینه از دادن اموال خویش به مهاجران در سینه های خود حسد، یا غیظ، یا اندوه و درد و کینه ای که موجب ناراحتی قلب شود، نمی یابند بلکه دلهایشان بدان گوارا و خاطر های شان بدان خشنود است، که ایمان انصار نزد الله تعالی از جمله ای ایمان حقیقی محسوب می گردد »^(۱).

« انصار به اندازه با مهاجرین محبت داشتند تا جای که حتی یکی از انصار که دو زوجه داشت آنرا برای بردار مهاجر اش پیشنهاد نموده که حاضر است یکی از آن دو زن خود را طلاق دهند تا ایشان بعد از سپری شدن عده با او ازدواج نمایند »^(۲).

۴- تحمل مشقت صحابه جهت نائل آمدن به مدارج والای ایمانی:

صحابه و یاران گرامی حضرت محمد - صلی الله علیه وسلم - به این مقام عظیم بندگی و منزلت ایمانی بدون زحمت و مشقت نائل نگشته اند، بلکه آنها در این راستا مبارزات و زحمات زیادی را متقبل گشته اند، چنانچه خداوند متعال می فرماید:

(۱) المنتخب فی تفسیر القرآن الکریم، لجنة من علماء الأزهر، المجلس الأعلى للشؤون الإسلامية - مصر، طبع: مؤسسة الأهرام، طبع:

۱۸، ۱۴۱۶ هـ - ۱۹۹۵ م، ص ۸۱۶.

(۲) أوضح التفاسیر، محمد محمد عبد اللطیف بن الخطیب (درگذشت: ۱۴۰۲ هـ)، مطبعة مصر، طبع: ششم، رمضان ۱۳۸۳ هـ -

فبراير ۱۹۶۴ م، ص ۶۷۷.

﴿ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ﴾ (الأنفال: ٧٤).

ترجمه: « و کسانی که ایمان آورده اند، و هجرت نموده اند، و در راه الله - جلا جلاله - جهاد کردند، و همچنین کسانی که پناه دادند و یاری نمودند، اینان به راستی مؤمنان اند، برای آنان آمرزش و روزی شایسته است.»

یعنی: « اصحاب و یاران پیامبر - صلی الله علیه وسلم - بدون دلیل و به طوری اتفاقی به چنین منزلت نائل نگشته اند، بلکه اعمال آنها و تصمیم را سخ شان برای قرار گرفتن در راه حق و مجاهدتها و جانفشانی های بی پایان، سبب دست یابی به چنین جایگاهی گشت؛ هنگامی که ندای آزادی بخش اسلام توسط حضرت محمد - صلی الله علیه وسلم - طنین افکن گشت، اصحاب از زندگی، مقام، اعتقادات، باورها، اصالت قومی و خانوادگی و حتی فرزندان و والدین خود دل کردند و درخواست پیامبر - صلی الله علیه وسلم - را لیبیک گفتند، آنها هنگامیکه حقیقت زندگی و هستی را از دهان پیامبر اسلام - صلی الله علیه وسلم - شنیدند، خود را از بند تعصب و باورهای جهل آمیز گذشته و سنتهای اجدادی رها کرده و خالصانه خود را تسلیم الله یگانه کردند، اصحاب به پیامبر - علیه السلام - ایمان نیاوردند، مگر پس از رخ دادن یک تحول عظیم در درون یکایک آنها» (۱).

مطلب دوم: وصف صحابه کرام در عبادت

عبادت در لغت به معنی فروتنی و خاکساری گفته شده است، چنانچه صاحب صحاح فی اللغة آنرا تعریف نموده: « أصل العبودية الخضوع والذل » (۲)؛ یعنی اصل عبودیت به معنای فروتنی و خاکساری است. و در (المفردات فی غریب القرآن) عبادت چنین تعریف شده است: « العبودية إظهار التذلل، والعبادة أبلغ منها لأنها غاية التذلل ولا يستحقها إلا من له غاية الإفضال وهو الله تعالى » (۳).

(۱) دیده شود: الموسوعة القرآنية، إبراهيم بن إسماعيل الأبياري (درگذشت: ۱۴۱۴هـ)، مؤسسة سجل العرب، طبع سال: ۱۴۰۵ هـ، ج ۹، ص ۵۷۳.

(۲) الصحاح فی اللغة، جوهری، مطبعة الوراق، کلمه عبد.

(۳) مفردات فی غریب القرآن، المؤلف: أبو القاسم، الحسين بن محمد، تحقیق محمد سید کیلانی، دار المعرفة، لبنان، مادة العبد؛ و مفردات القرآن راغب اصفهانی، کتاب العین، ص ۳۱۹.

ترجمه: « عبادت به معنی اظهار خاکساری و ذلت است، و لفظ عبادت از لفظ عبودیت در فهماندن این معنا واضح تر است زیرا عبادت به معنای نهایت درجه بندگی و خاکساری است.»

إمام الماوردی^(۱) در تفسیر النکت والعیون کلمه (العبادة) را به سه معنی ذیل تفسیر نموده و می گوید: « أولاً: عبادت به معنی فروتنی است خضوع و فروتنی بجز الله واحد ولا شریک به دیگر کسی جواز ندارد و مستحق آن نمی باشد؛ دوم اینکه عبادت به معنی اطاعت است، و سوم عبادت به معنی تقرب به اطاعت است لکن معنی اولی را ظاهر و راجح دانسته»^(۲).

اما هدف اساسی از عبادت خداوند متعال معنی اصطلاحی آن می باشد، چنانچه شیخ الاسلام ابن تیمیه - رحمه الله - در کتابش (العبودية) عبادت را چنین تعریف نموده است: « العبادة هي اسم جامع لكل ما يحبه الله ويرضاه من الأقوال والأعمال الباطنة والظاهرة. فالصلاة والزكاة والصيام والحج وصدق الحديث وأداء الأمانة وبرّ الوالدين وصلة الأرحام والوفاء بالعهد والأمر بالمعروف والنهي عن المنكر والجهاد للكفار والمنافقين والإحسان للجار واليتيم والمسكين وابن السبيل والمملوك من الآدميين والبهائم والدعاء والذكر والقراءة وأمثال ذلك من العبادة وكذلك حب الله ورسوله وخشيته الله والإنابة إليه وإخلاص الدين له والصبر لحكمه والشكر لنعمه والرضا بقضائه والتوكل عليه والرجاء لرحمته والخوف من عذابه وأمثال ذلك هي من العبادة لله»^(۳).

ترجمه: « عبادت یک اسم جامع برای تمام اعمال است که سبب رضایت و خوشنودی الله - جل جلاله - میگردد، از قبیل اقوال و اعمال باطنی و ظاهری مانند نماز، زکات، روزه، حج، صداقت، سپردن امانت به اهل آن، احسان و نیکی به والدین، صلح رحم، وفای عهد، امر به معروف و نهی از منکر، جهاد در مقابل کفار و منافقین، احسان و نیکی با همسایه، صلح رحم بالای: یتیم، مساکین، مسافر، زیر دستان از جمله انسانها و بهائم، ذکر و تلاوت قرآن الکریم تمام این افعال نمونه های از عبادت الله متعال محسوب می گردد.

(۱) نام او علی بن محمد بن حبیب ابو الحسن الماوردی البصری، از جمله علماء ثقة مذهب امام شافعی رحمه الله می باشد، تصانیف زیادی در اصول فقه و فروع فقه دارد، در سال ۴۵۰ هـ وفات شده است؛ نگا: طبقات المفسرین، داودی، ج ۱، ص ۴۲۷.

(۲) النکت والعیون صفحه ۵۷ - ۵۸.

(۳) الكتاب: العبودية، المؤلف: تقي الدين أبو العباس أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحراني رحمه الله (درگذشت: ۷۲۸هـ)، تحقيق: محمد زهير الشاويش، المكتب الإسلامي - بيروت، طبع: هفتم سال: ۱۴۲۶هـ مقدمات.

هم چنان: محبت الله - جل جلاله - و رسول الله - صلی الله علیه وسلم -، ترس از الله تعالی و رجوع بسوی او تعالی، اخلاص در دین، صبر در مقابل مقررات خداوند سبحان، ادای شکر نعمات الهی، رضایت به قضا و قدر، توکل به الله، امید به رحمت الهی و خوف از عذاب الهی و امثال آن همه این اعمال نمونه از عبادت الله متعال است.

بنابراین! عبادت عبارت از نهایت درجه محبت الله - جل جلاله - و رضایت در مقابل تمام مقررات او تعالی می باشد، که الله متعال بندگان اش را بدان امر نموده که صحابه کارم نخست از همه آنرا لبیک گفته است، چنانچه خداوند متعال هدف اساسی از خلقت جنیات و انسان را عبادت خوانده می فرماید:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ (الذاریات: ۵۶).

ترجمه: «و نیافریدم جن و انس را مگر برای آنکه پرستند مرا».

هم چنان الله متعال اطاعت و فرمانبرداری از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - را اطاعت از خودش می داند و بندگان اش را به آن امر نموده، می فرماید:

﴿مَنْ يُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ﴾ (النساء: ۸۰).

ترجمه: «هرکس از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - پیروی نماید به راستی که از الله - جل جلاله - پیروی کرده است».

بنابر همین اساس صحابه کرام از همه اولتر و بهتر حق این عبادت را آداء نموده، زیرا آنها علاوه بر اینکه در خیر القرون زندگی می کردند شاگردان مدرسه نبوی - صلی الله علیه وسلم - نیز بودند، چنانچه آنها بواسطه عبادت الله - تبارک و تعالی - خشنودی و رضایت او تعالی را خواهان هستند، خداوند متعال می فرماید:

﴿تَرَاهُمْ رُكْعًا سَجْدًا يَتَّبِعُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ﴾ (الفتح: ۲۹).

ترجمه: «آنان را در حال رکوع و سجده می بینی که همواره فضل و خشنودی الله - تبارک و تعالی - را می جویند، نشانه ای ایشان بر اثر سجده در چهره هایشان نمایان است».

«الله متعال در این آیه از اکمال صفات پیامبر - علیه السلام - و اصحاب او اعم از مهاجرین و انصار خبر می دهد، یکی از صفت های صحابه کرام کثرت نمازهای آنها با آداء نمودن تمامی ارکان آن می باشد، که توسط همین عبادت رضایت خدای سبحان و رسیدن به ثواب الهی را می خواهند، و با آداء نمودن

این عبادت تأثیرات ظاهری در چهره های آنها که عبارت از نورانیت چهره و پاک بودن نفس های آنها در باطن نمایان می گردد، و همیشه فضل و رضایت الهی را می خواهند»^(۱).
 الله - تبارک و تعالی - به صحابه کرام خوشنودی اش را مژده داده، می فرماید:
 ﴿وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ﴾ (التوبة: ۷۲).

ترجمه: « از همه مهمتر خداوند متعال خوشنودی خود را به (مؤمنین و صحابه کرام) وعده داده است که خوشنودی الله متعال بالاتر از هر چیز است ».

امام ابن کثیر در شرح این جزء آیه: ﴿سَيَمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ﴾ می گوید: « ابن عباس - رضی الله عنه - آنرا به راه و روش نکو معنی کرده است، هم چنان مجاهد^(۲) آنرا به خشوع و تواضع معنی کرده است، زیرا صحابه کرام عبادت الله متعال را در نهایت درجه اخلاص نیت و عمل انجام می دادند و هرکه به زندگی نامه آنها نظر اندازد از هدایت و روش نیکوی آنها متأثر می گردد»^(۳).

امام ابن جوزی - رحمه الله -^(۴) در شرح این آیه: ﴿تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا﴾ می فرماید: « صحابه کرام بواسطه عبادت و کثرت نمازها، فضل و مرحمت الهی را خواهان هستند، که عبارت از جنت و رضامندی خداوند متعال از ایشان است، که وصف تمامی صحابه کرام نزد جمهور علماء می باشد»^(۵).

(۱) تیسیر الکریم الرحمان، عبدالرحمان السعدی، ص ۷۹۶؛ و جامع البیان فی تأویل القرآن، محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب

الأملي، أبو جعفر الطبري، تحقیق: أحمد محمد شاکر، مؤسسة الرسالة، طبع: اول سال: ۱۴۲۰ هـ - ۲۰۰۰ م، ج ۲۲، ص ۲۶۱.

(۲) مجاهد بن جبر ابو الحجاج المکی، المقرئ مفسر، امام، وی از عبدالله بن عباس احادیث روایت نموده و قرآن کریم را برای ابن عباس صاحب سه دفعه قرائت نموده است، از جمله تابعین می باشد، که در مکه معظمه در سال ۱۰۴ هـ وفات شده است؛ دیده شود: تقریب التهذیب، ابن حجر عسقلانی، ص ۵۲۰.

(۳) تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر ج ۷، ص ۳۶۱.

(۴) نام وی ابو الفرج عبدالرحمان بن ابی الحسن علی بن محمد القرشی التیمی البکری، از جمله فقهای ومحدثین مذهب حنبلی می باشد، در سال ۵۹۷ هـ در بغداد وفات نموده است، وی در خطابت، وعظ و نوشتن کتابها، به شهرت رسیده است، او به اکثر علوم اسلامی دسترسی داشته است، سلسله نسب اش به حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه می رسد؛ نکا: ترجمة الحفاظ، امام ذهبی، ج ۴، ص ۱۳۴۲.

(۵) زاد المسیر فی علم التفسیر، جمال الدین أبو الفرج عبد الرحمن بن علی بن محمد الجوزی، تحقیق: عبد الرزاق المهدي، دار الكتاب العربي - بیروت، طبع اول سال: ۱۴۲۲ هـ، ج ۴، ص ۱۳۸.

مطلب سوم: وصف صحابه کرام به اخلاص

إخلاص از پایه های اساسی شریعت الهی می باشد، زیرا اگر إخلاص در امور زندگی انسانها بخصوص در رابطه با خالق و معبود حقیقی در میان نباشد عبادت و زندگی آنها مفهومی نداشته می باشد؛ صحابه کرام اولین مخلصین دین مقدس اسلام هستند که جهت یاری آن حضرت - صلی الله علیه وسلم - از جانب پروردگار انتخاب گردیده اند، مفهوم اخلاص را برخی علماء چنین بیان نموده اند:

اخلاص: « از باب خالص یخلص خلوصاً و اخلص یخلص اخلاصاً گرفته شده و از حروف (خا، لام و صاد) متشکل می باشد، که به معنی سلامتی، صفا و نقاء از شر شوائب و عیوب استعمال و کاربرد دارد، مثلکه گفته شود: طلا خالص، از عیوب که به آن اثر می کند سالم است، و عمل خالص وقتی گفته می شود که به شروط وضع شده، مطابقت داشته باشد؛ و صیغه اسم فاعل آن (مخلص) است، که انجام دهنده یک عمل پسندیده از آن افاده می شود»^(۱).

هم چنان اخلاص در اصطلاح: « عبارت از سکون و حرکات بندگان، خاص بخاطر الله متعال است، و یا إخلاص در عمل این است که صاحب إخلاص إرادۀ عوض آنرا در دنیا و آخرت نداشته باشد، هم چنان إخلاص تصفیه اعمال انسان از کین و کدورات نیز گفته شده»^(۲).

از تعریف اخلاص ثابت می شود، که مفهوم اخلاص عبارت از یک و تنها قرار دادن حق تعالی در قصد به إطاعت و عبادت است و یا إخلاص عبارت از تصفیه فعل و عمل از ملاحظه مخلوق می باشد.

« اخلاص آن است که بنده دین و عمل خود را خاص برای الله رب العزت مختص نماید و در شریعت الهی و عبادت برای او تعالی هیچ کسی را شریک قرار ندهد»^(۳).

بنابر آنچه در تعریف کلمه اخلاص و مشتقات آن گفته شد، الله - تبارک و تعالی - این کلمه را در قرآن کریم در (۱۴) صیغه (۳۱) مرتبه بیان نموده است.

(۱) دیده شود: المعجم الوسیط، محمد النجار ج ۱، ص ۲۴۹، کلمه (خلص)؛ و معجم اللغة العربية المعاصرة، الاستاذ الدكتور احمد مختار عمر کلمه اخلاص.

(۲) الکشکول، الشیخ بهاء الدین محمد بن حسین العاملي، دار الکتب العلمیة - بیروت - لبنان سال - ۱۴۱۸ هـ - ۱۹۹۸ م، طبع اول، تحقیق: محمد عبد الکریم النمری، ص ۶۵.

(۳) الغنیة، شیخ عبد القادر جیلانی، ج ۲، ص ۶۶.

از طرف دیگر چون صحابه - رضي الله عنهم - در اثر صحبت با رسول الله - صلى الله عليه وسلم - به نهبی ترین مدارج صفای باطن و اخلاق تزکیه شدند از آثار تزکیه و اخلاص و یقین آنان بود که پیوسته در یاد و عبادت خداوند متعال مستغرق بودند، چون فایده و متاعی دنیوی به دست شان می رسید از بیم آن که شاید جزای عاجل اعمال شان باشد به هراس می افتادند، و با خواندن و شنیدن آیات قرآن کریم و مواعظ رسول الله - صلى الله عليه وسلم - و عبادت خالصانه ایمان شانرا تقویه می نمودند و در مقابل از الله سبحان فضل و مرحمت می طلبیدند؛ چنانچه الله - تبارک و تعالی - می فرماید:

﴿ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا ﴾ (الفتح: ۲۹).

ترجمه: « آنان را در حال رکوع و سجده می بینی که همواره فضل و خشنودی الله - تبارک و تعالی - را می جویند ».

امام ابن کثیر - رحمه الله - می فرماید: « بر علاوه اینکه الله متعال صحابه کرام را به کثرت اعمال صالح و اداء نمودن نمازها که از جمله بهترین عبادات است توصیف نمود است، هم چنان یاران پیامبر - صلى الله عليه وسلم - را به اخلاص در عبادت نیز توصیف نموده است، زیرا اخلاص در مقابل پروردگار ضروری و لازمی می باشد، و سرانجام بندگان مخلص در عبادت الله سبحان جنت جاودان است که در آن وسعت رزق و رضایت الله متعال نصیب بندگان می شود، و رضایت خداوند متعال در جنت از افضلترین و بزرگترین نعمات برای بندگان محسوب می شود »^(۱). چنانچه خدای سبحان در آیه دیگر می فرماید:

﴿ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ﴾ (التوبه: ۷۲).

ترجمه: « از همه مهمتر خداوند متعال خوشنودی خود را به (مؤمنین و صحابه کرام) وعده داده است که خوشنودی الله متعال بالاتر از هر چیز است ».

قصه ابوبکر صدیق - رضي الله عنه - و حضرت حنظله - رضي الله عنه - تصویر کاملی از حقیقت حال صحابه - رضي الله عنهم - در بعد معنوی و اخلاص بر ما می رساند که صحابه کرام در نهایت درجه اخلاص در مقابل الله متعال و رسول اش - صلى الله عليه وسلم - قرار داشتند، چنانچه امام مسلم - رحمه الله - آنرا روایت نموده:

(۱) تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر، ج ۷، ص ۳۶۱.

(عن حنظلة الأسیدی قال: وكان من كتاب رسول الله - صلى الله عليه وسلم - قال: لقيني أبو بكر - رضي الله عنه - فقال: كيف أنت يا حنظلة قال: قلت نافق حنظلة قال: سبحان الله ما تقول قال: قلت نكون عند رسول الله - صلى الله عليه وسلم - يذكرنا بالنار والجنة حتى كأننا رأى عين فإذا خرجنا من عند رسول الله - صلى الله عليه وسلم - عافسنا الأزواج والأولاد والضيقات فنسينا كثيرا قال أبو بكر فوالله إنا لنلقى مثل هذا. فانطلقت أنا وأبو بكر حتى دخلنا على رسول الله - صلى الله عليه وسلم - قلت نافق حنظلة يا رسول الله. فقال رسول الله - صلى الله عليه وسلم - « وما ذاك ». قلت يا رسول الله نكون عندك تذكرنا بالنار والجنة حتى كأننا رأى عين فإذا خرجنا من عندك عافسنا الأزواج والأولاد والضيقات نسينا كثيرا. فقال رسول الله - صلى الله عليه وسلم - « والذى نفسى بيده إن لو تدومون على ما تكونون عندي وفي الذكر لصافحتكم الملائكة على فرشكم وفي طرقكم » (١).

ترجمه: « از ابي ربي حنظله بن ربيع اسيدي يكي از كاتبان پيامبر - صلى الله عليه وسلم - روايت شده است كه گفت: حضرت ابوبكر - رضي الله عنه - با من ملاقات كرد و فرمود: حالت چطور است اي حنظله؟! گفتم: حالم حال منافق است و حنظله منافق شده است، حضرت ابوبكر - رضي الله عنه - گفت: سبحان الله، چه مي گويي؟! گفتم: نزد پيامبر - صلى الله عليه وسلم - هستيم كه بهشت و جهنم را براي ما توصيف مي كند به طوري كه تصور مي كنيم آنها را با چشم خود مي بينيم و وقتي كه از محضر پيامبر - صلى الله عليه وسلم - بيرون مي رويم، با زن و فرزند و تجملات و علايق زندگي سر و كار پيدا کرده، بسياري از حالات معنوي و صفاي دروني و روحي را كه در حضور پيامبر - صلى الله عليه وسلم - داريم، فراموش مي كنيم و از دست مي دهيم، حضرت ابوبكر - رضي الله عنه - گفت: به الله متعال سوگند! ما هم، چنين حالي داريم و من و ابوبكر به نزد پيامبر - صلى الله عليه وسلم - رفتيم؛ گفتم: اي رسول خدا! حنظله دچار نفاق شده است! پيامبر - صلى الله عليه وسلم - فرمودند: «موضوع چيست؟» عرض كردم: اي رسول الله - صلى الله عليه وسلم -! ما، در حضور تو هستيم و بهشت و جهنم را به گونه اي براي ما توصيف مي فرمايي كه از شدت يقين تصور مي كنيم آنها را با چشم خود مي بينيم، اما وقتي از محضر مبارك خارج مي شويم، زن و فرزند و علايق دنيا، طوري ما را به خود مشغول مي كند

(١) صحيح مسلم، كتاب التوبه، باب فضل دوام الذكر والفكر في أمور الآخرة والمراقبة وجواز ترك ذلك في بعض الأوقات والاشتغال بالدنيا، ج ٨، ص ٩٤، حديث (٧١٤٢).

که بسیاری از فرموده های شما را فراموش می کنیم، پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرمودند: سوگند به کسی که روح من در دست اوست، اگر بر آن حالی که در نزد من و در اثنای ذکر دارید، بمانید، فرشتگان بر فرش هایتان و در میان راه، با شما مصافحه می کنند.»

در این حدیث دو حقیقت به وضوح نمایان می شود: اول، صحابه - رضی الله عنهم - از کوچکترین مظهر نفاق در هراس بودند؛ به حدی که از دگرگونی های طبیعی درونی هم به وحشت می افتادند و آن را علامت نفاق تصور می کردند که این خود بیان گر علامت اخلاص کامل آنها است؛ دوم، صحابه - رضی الله عنهم - در اثر مجالست با رسول الله - صلی الله علیه وسلم - در بعد روحانی چنان رفعت و ملکوتیت یافته بودند که به عین الیقین و روحانیت بسیار عالی دست یافته بودند.

از این دو مطلب فوق و همچنین از جواب عام رسول الله - صلی الله علیه وسلم - بدون تخصیص این دو صحابی به این حقیقت راه می یابیم که ترس واجتناب از نفاق و حصول اخلاص و آمادگی های ملکوتی و روحانی از خصایل متقیانه و عرفانی همه اصحاب بود است.

لذا! صحابه و یاران گرامی رسول - صلی الله علیه وسلم - نخست از همه بندگان خداوند متعال، به اخلاص و عبادت خالصانه توصیف گردیده اند، و آیات قرآن کریم را بالای خویش عملی ساخته اند، چنانچه خداوند متعال می فرماید:

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ﴾ (زمر: ۲).

ترجمه: «ما این کتاب را بحق بر تو نازل کردیم؛ پس الله را پرستش کن و دین خود را برای او خالص بگردان.»
و این قول الله متعال که می فرماید:

﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ﴾ (البینه: ۵).

ترجمه: «و فرمان نیافتند جز آن که الله متعال را مخلصانه و حق گرایانه پرستند و نماز را برپا دارند و زکات را بپردازند و این است آئین راستین.»

مطلب چهارم: وصف صحابه کرام در رضامندی و خشنودی الله متعال

الله - تبارک و تعالی - صحابه کرام را به رضایت از خود اش توصیف نموده است، زیرا اصحاب کرام اعم از مردان و زنان همیشه در صدد رضایت و رحمت پروردگارشان بودند و تا آخرین لحظه ای حیات شان کوشش می نمودند تا به این مقام برسند؛ نایل آمدن به چنین منزلت پاکیزه به وسیله ایمانی بود که صحابه

کرام، خودشان را به آن کامل نموده بودند و دیگران را با فرامین الله متعال و پیامبر - صلی الله علیه وسلم - امر به معروف و نهي از منکر می کردند، که در نتیجه به بزرگ ترین نعمات الهی و برترین اهداف که همانا خشنودی و رضایت الله متعال است، رسیدند؛ خدوند متعال خشنودی و رضایت صحابه کرام را چنین بیان می دارد:

﴿رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ﴾ (التوبه: ۱۰۰).

ترجمه: « خدایند متعال از آنان خشنود است، و آنان از او تعالی خشنود اند، ».

یعنی: « الله - تبارک و تعالی - در این آیه خبر می دهد که او تعالی از مهاجرین و انصار و کسانی که از آنها به نیکی متابعت نموده اند خشنود و راضی است، هم چنان آنها (مهاجرین و انصار) از الله تعالی بخاطر انعام که برای شان داده شده راضی گردیدند، که این انعام عبارت از نصرت الهی و تمکین آنها در روی زمین و ثواب فراوان (جنت جاودان) در آخرت می باشد^(۱)، صحابه کرام در مقابل توفیق به ایمان و احسان که از جانب خدایند متعال برای شان داده شده از الله متعال راضی شدند^(۲)».

امام الماوردی - رحمه الله - می گوید: « در آیه: ﴿رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ﴾ سه وجه ذیل دلالت دارد: (۳).

۱ - الله - تبارک و تعالی - از صحابه کرام با قبولی ایمان راضی گردید، و صحابه کرام به نعمت ثواب از خدایند متعال راضی شدند.

۲ - الله متعال از صحابه کرام به عبادت آنها راضی و خشنود گردید، و صحابه - رضی الله عنهم - از الله - تبارک و تعالی - به جزاء و پاداش در عبادات شان خشنود گردیدند.

۳ - الله ذوالجلال از صحابه کرام بخاطر متابعت شان از نبی - علیه السلام - راضی و خشنود گردید، و یاران پیامبر - صلی الله علیه وسلم - از الله تعالی به انتخاب شان منحیث یاران پیامبر - علیه السلام - خشنود گردیدند.

(۱) تفسیر القرآن الکریم، ابن کثیر، ج ۷، ص ۲۷۰.

(۲) محاسن التأویل، محمد جمال الدین بن محمد سعید بن قاسم الحلاق القاسمی، تحقیق: محمد باسل عیون السود، دار الکتب العلمیه -

بیروت

طبع: اول - ۱۴۱۸ هـ، ج ۵، ص ۴۸۵.

(۳) النکت والعیون، الماوردی، ج ۲، ص ۳۹۵.

هم چنان، خداوند متعال رضایت و خشنودی اش را از ثمرات ایمان بندگان خوانده می فرماید:

﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ * وَعَدَّ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِينَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ (التوبة: ۷۲).

ترجمه: « و مردان و زنان با ایمان، یار و یاور یک دیگر اند؛ به کارهای نیک فرا می خوانند و از کارهای زشت باز می دارند و نماز برپا می کنند و زکات می دهند و از الله متعال و پیامبرش - صلی الله علیه وسلم - اطاعت می نمایند، الله سبحانه، ایشان را مشمول رحمت می گرداند؛ همانا خداوند - تبارک و تعالی - توانای قادر و حکیم است؛ الله متعال به مردان و زنان با ایمان باغهای وعده داده که از زیر آن جویبارها روان است و برای همیشه در آن می خواهند ماند و نیز مسکن های پاکیزه در باغ ها و بهشت های جاویدان و رضایت و خشنودی الله - تبارک و تعالی بزرگ تر است این است رستگاری عظیم ». رضایت الهی شامل حال مؤمنین صالحین گردیده است، که صحابه کرام از همه اول تر به این صفات متصف می باشد، الله متعال می فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ * جَزَاؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ﴾ (البینه: ۷-۸).

ترجمه: « در حقیقت کسانی که مؤمنند و کارهایی شایسته کرده اند، بهترین آفریدگانند، پاداش آنان نزد پروردگارشان باغ های همیشگی است که از زیر درختان آن نهرها روان است، جاودانه در آن می مانند، الله متعال از آنان خشنود است و آنان نیز از او تعالی خشنود است، این پاداش برای کسی است که از پروردگارش بترسد ».

و پیامبر - صلی الله علیه وسلم - نیز برای صحابه کرام تعلیم داده است تا رضامندی و خشنودی خداوند متعال را حاصل نمایند، چنانچه امام بخاری - رحمه الله - حدیثی را در این باره نقل نموده می فرماید:

(إن الله تعالی حرم علي النار من قال لا إله إلا الله يبتغي بذلك وجه الله) (۱).

(۱) صحیح البخاری، ابواب المساجد، باب المساجد فی البیوت، ج ۱، ۱۶۴، حدیث (۴۱۵).

ترجمه: « الله - تبارک و تعالی - آتش دوزخ را بر کسی که لایله إلا الله را مخلصانه و به خاطر خشنودی خداوند متعال بگوید، حرام کرده است ».

مطلب پنجم: وصف صحابه کرام به ترس و خشیت از الله تعالی

راغب اصفهانی در المفردات فی القرآن در تعریف کلمه خشیت می گوید: « خوف به معنی ترس و هراسی است که با تعظیم آمیخته شده و اکثراً این ترس از گناهی می باشد که انسان به آن علم داشته باشد^(۱) ».

خوف و ترس در قرآن کریم از مفاهیم است که آنرا الله سبحانه بخاطر هدایت بندگان اش به صراط مستقیم بیان نموده است، چنانچه کلمه (خوف) در قرآن کریم در (۴۶) صیغه (۱۲۴) مرتابه بیان شده (۲)؛ هم چنان کلمه (خشیت) در (۳۱) صیغه (۴۸) بار ذکر گردیده است^(۳).

که در اکثر این موارد الله متعال بندگانش را از عذاب بیم داده و در صورت تقوای الهی به بهشت جاودان و عدم ترس در دنیا و آخرت مژده می دهد.

خوف و ترس از الله متعال عامل باز دارنده ای است که انسان را از انجام هر گناه و عمل زشت منع می کند، که صحابه و یاران گرامی پیامبر - صلی الله علیه وسلم - در نهایت درجه این خشیت الهی قرار داشتند و در راستای کسب این صفت حاضر بودند تا جان و مال خویش را فدای آن نمایند، چنانچه الله تعالی این صفت آنها را در قرآن کریم بیان نموده می فرماید:

﴿ الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا ﴾ (الاحزاب: ۳۹).

ترجمه: « کسانی که پیام های خداوند متعال را می رسانند و از او تعالی می ترسند و جز الله متعال از کسی نمی ترسند و خداوند (به عنوان) حسابرس کافی است ».

امام ابن کثیر - رحمه الله - در تفسیر این آیه می فرماید: « ﴿ وَيَخْشَوْنَهُ ﴾ یعنی: آنها از الله سبحانه در هراس اند بدون اینکه از کسی دیگر هراس داشته باشند، که سید و سردار بندگان در مقام نبوت نبی - علیه السلام - می باشد، زیرا پیامبر - صلی الله علیه وسلم - مسؤولیت اداء رسالت الهی را عهده دار

(۱) مفردات غریب القرآن، راغب اصفهانی، ص ۱۴۹.

(۲) معجم کلمات القرآن الکریم، محمد زکی محمد خضر، الطبعة: محرم ۱۴۲۶ هـ - آذار ۲۰۰۵ م، ج ۹، ص ۱۰، کلمه (خوف).

(۳) همان، ج ۹، ص ۴.

گردید و دین خداوند - تبارک و تعالی - را به اهل شرق و غرب و جمیع مردم رسانید، که بعد از آنحضرت - صلی الله علیه و سلم - این وظیفه را صحابه کرام عهده گردیدند.

خداوند متعال در جای دیگر صحابه کرام را به ترس از خود چنین توصیف نموده:

﴿اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَابًا تَتَشَعَّرُ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ﴾ (الزمر: ۲۳).

ترجمه: «خداوند متعال بهترین سخن را نازل کرده است، کتابی که همگون و مکرر است، پوست های آنانکه از پروردگارشان می ترسند از (شنیدن) آن به لرزه می افتد».

امام ابن جریر طبری - رحمه الله - به روایت ابن عباس - رضی الله عنه - در بیان سبب نزول این آیه می گوید: «گروهی از اصحاب کرام گفتند: یا رسول الله - صلی الله علیه و سلم -! به ما با سخنان شیرین و نیکو از اخبار روزگاران حدیث بگوئید در این هنگام این آیه نازل شد»^(۱).

امام ابن کثیر - رحمه الله - می گوید: «خداوند متعال در این آیه صفت بندگان ابرار و نیکو را بیان نموده است که در هنگام شنیدن: وعد و وعید، خوف و تهدید چهره های آنها از ترس خدای سبحان به لرزه درمی آید و در هنگام شنیدن احکام الهی نهایت درجه ادب را در مقابل آن رعایت می نمودند، چنانچه صحابه کرام - رضی الله عنهم - در وقت شنیدن کلام الهی از زبان پیامبر - صلی الله علیه و سلم - چهره های شان دیگرگون می شدند و از ترس و خوف الله تعالی به لرزه می آمد، لکن در هنگام شنیدن آیات رحمت شاداب می شدند»^(۲).

اسماء دختر ابوبکر صدیق - رضی الله عنهما - می گوید: «چون بر یاران پیامبر - صلی الله علیه و سلم - قرآن خوانده می شد (چنانچه خداوند متعال توصیف شان کرده است) چشم هایشان اشکبار گشته و پوستهایشان به لرزه درمی آمد؛ به وی گفته شد: اما امروز مردمانی هستند که چون بر آنان قرآن خوانده شود، یکی از آنان بیهوش بر زمین می افتد، (و نعره می کشد)! گفت: اعوذ بالله من الشیطان الرجیم: پناه می برم به خدای سبحان از شیطان رانده شده!»^(۳).

(۱) دیده شود: التفسیر المنیر فی العقیة والشریعة والمنهج، وهبه الزحیلی، ج ۲۳، ۲۷۷؛ و جامع البیان فی تأویل القرآن، ابن جریر الطبری، ۲۱، ص ۲۸۰.

(۲) مرجع سابق: ج ۷، ص ۹۴.

(۳) التفسیر المنیر فی العقیة والشریعة والمنهج، وهبه الزحیلی، ج ۲۳، ۲۸۰.

صحابه کرام در موجودیت آنحضرت - صلی الله علیه وسلم - هر لحظه از خداوند متعال هراسان بودند، پیامبری که خداوند متعال وعده کرده است تاهنگام که او در میان شما باشد هیچ عذاب متوجه تان نمی گردد، چنانچه الله تعالی می فرماید:

﴿ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ ﴾ (الأنفال: ۳۳).

ترجمه: « و تا تو ای پیامبر - علیه السلام - درین شان هستی خداوند متعال آنان را عذاب نمی دهد، و نیز درحالی که آنان آمرزش می خواهند الله تعالی ایشان را عذاب نمی کند. »

لکن، با وجود این نص و اطمینان قلبی، صحابه کرام از الله تعالی هراسان بودند و همیشه درخوف و خشیت الهی قرار داشتند، که این خود علو منزلت و جایگاه آنها را در بین امت ثابت می کند.

مطلب ششم: وصف صحابه کرام به سبقت در دین و متابعت از رسول الله

راغب اصفهانی در تعریف کلمه (سبق) می گوید: « سبق به معنی پیشی گرفتن در رفتار گفته شده، چنانچه درآیه کریمه نیز به همین مفهوم آمده است، الله تعالی می فرماید: ﴿ فَالسَّابِقَاتِ سَبْقًا ﴾ (النازعات: ۴)؛ یعنی: « و سوگند به فرشتگانی پیشتاز »؛ هم چنان این کلمه به مفهوم قدم و گذشته نیز کاربرد دارد، الله متعال می فرماید: ﴿ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَفُضِي بَيْنَهُمْ فِيمَا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴾ (الشوری: ۱۴).

ترجمه: « واگر سخن پروردگارت از پیش بر این نرفته بود، حتماً میانشان بر سر آنچه در آن اختلاف می ورزند داوری می شد »؛ هم چنان کلمه (سبق) به معنی احراز و بدست آوردن فضیلت الهی نیز در قرآن کریم استعمال شده است، خداوند - تبارک و تعالی - می فرماید:

﴿ وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ * أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ ﴾ (الواقعه: ۱۰-۱۱).

ترجمه: « و پیشی گیرندگان که پیشتازند، این ها مقربان (درگاه خداوند متعال) هستند. »

﴿ وَالسَّابِقُونَ الْأُولُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ ﴾ (التوبة: ۱۰۰).

ترجمه: « و پیشگامان نخستین از مهاجرین و انصار. »

این آیات به تقدم و پیشی گرفتن در ثواب و جنت جاودان بواسطه اعمال صالحه دلالت دارد «(۱)».

(۱) مفردات غریب القرآن، راغب اصفهانی، ج ۱، ص ۲۳۳، کلمه (سبق).

از تعریف کلمه (سبق) در قرآن کریم واضح می‌گردد که صحابه کرام در طلب و کسب فضیلت و تقوای الهی توسط اعمال صالحه نسبت به سائر مسلمانان سبقت و پیشی نمودند اند، و آیات زیادی قرآنی به آن گواه می‌باشد که إن شاء الله در این مطلب بیان خواهد شد.

صحابه کرام بخاطر نجات شان از شر شیطان و رجوع به طرف الله متعال یقین کامل داشتند، و در این راستا به اعمال نیک، از قبیل نماز، روزه، صدقه، قرائت قرآن، امر به معروف و نهی از منکر، خوش رفتاری با مردم و رعایت حقوق والدین و همسایه ها و ... مبادرت زیاد می‌ورزیدند و در سبقت گرفتن در راه خیرسعی و تلاش فراوان نموده اند، و آنها از همه اولتر و بیشتر در این راستا کوشا بودند و همیشه وقت توجه خویش را به سبقت و پیشی گرفتن در امورات خیریه مبذول می‌داشتند، و مطابق دستورات الهی در امر خیر و تقرب بسوی او تعالی از هم دیگر سبقت می‌نمودند، و دستورات الهی را چنانچه خدای سبحان بندگان اش را به آن مامور نموده بالای خویش عملی می‌نمودند، الله متعال می‌فرماید:

﴿سَابِقُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ﴾ (الحديد: ۲۱).

ترجمه: « بشتابید به سوی آمرزشی از پروردگارتان، و به سوی بهشتی که پهنای آن به پهنای آسمان و زمین است آماده و مهیا شده برای کسانی که ایمان آورده اند به خداوند متعال و پیامبرانش - علیهم السلام - ».

﴿سَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ﴾ (آل عمران: ۱۳۳).

ترجمه: « و بشتابید به سوی آمرزش و عفو پروردگارتان و بهشت که پهنای آن (به اندازه) آسمانها و زمین است که برای پرهیزکاران آماده شده است ».

امام ابن کثیر - رحمه الله در تفسیر این آیه می‌فرماید: « خطاب این آیه به مهاجرین از صحابه کرام پیامبر - صلی الله علیه وسلم - می‌باشد »^(۱).

صحابه کرام از همه اولتر به اعمال نیک بسوی الله متعال می‌شتافتند، خداوند سبحان می‌فرماید:

﴿أُولَئِكَ يُسَارِعُونَ فِي الْحَيَاتِ وَهُمْ هَا سَابِقُونَ﴾ (المومنون: ۶۱).

ترجمه: « چنین کسانی برای انجام خوبیها می‌شتابند و در انجام آن پیشتازند ».

(۱) تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر، ج ۸، ۲۵.

اصحاب پیامبر - علیه السلام - از اولین مسلمانان هستند که نسبت به دیگر امتیان آنحضرت - صلی الله علیه وسلم - در ایمان داری و تقرب به الله متعال و مصاحبت با پیامبر اش - صلی الله علیه وسلم - سبقت نمودند، همین صفت آنها بود که الله متعال از آنها خوشنود گردید می فرماید:

﴿وَالسَّابِقُونَ الْأُولُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ (التوبة: ۱۰۰).

ترجمه: « و پیشگامان نخستین از مهاجرین و انصار و کسانی که به نیکوکاری از آنان پیروی کردند، و راه ایشان را به خوبی پیمودند، خداوند متعال از آنان خوشنود است، و آنان از او تعالی خوشنود اند، و الله تعالی برایشان باغهای آماده کرده است که از زیر (درختان) آن رودها روان است که در آنجا جاودان خواهند بود، این است کامیابی بزرگ.»

امام ابن کثیر - رحمه الله - می گوید: « الله - تبارک و تعالی - در این آیه خبر می دهد که او تعالی از مهاجرین و انصار و کسانی که از آنها به نیکی متابعت نموده اند خوشنود و راضی است، هم چنان آنها (مهاجرین و انصار) از الله تعالی بخاطر انعام که بالای شان از جانب اول تعالی شده راضی گردیدند، که این انعام عبارت از نصرت الهی و تمکین آنها در روی زمین و ثواب فراوان (جنت جاودان) در آخرت می باشد(۱).

خداوند متعال در این آیه رضا مندی خود را از آنها اعلان داشته است، و رضایت او تعالی صرف از کسان است که اهلیت و شایسته گی آنها داشته باشد، بناً صحابه و یاران رسول الله - صلی الله علیه وسلم - اولین کسانی بودند که در خوشنود الله سبحانه از همه اولتر سعی و تلاش نموده اند.

هم چنان در تفسیر این آیه گفته شده: « سابقون الاولون از مهاجران: پیشگامان و سبقت کنندگان نخستین از صحابه کرام اند که به هر دو قبله نماز خوانده اند، یعنی سابقه آنها در اسلام به عهدی می رسد که هر دو قبله را دریافته اند؛ یا کسانی اند که شاهد بیعت الرضوان بوده اند؛ یا اهل بدر اند؛ بهترین این صحابه کرام خلفای راشدین اند به ترتیب، سپس شش تن باقی مانده از عشره مبشره(۲)، بعد از آنها اهل

(۱) تفسیر القرآن الکریم، ابن کثیر، ج ۷، ص ۲۷۰.

(۲) عشره مبشره ده صحابی هستند که در دنیا برای شان بشارت جنت داده شده است که اسمای شان قرار ذیل می باشد: خلفای چهارگانه: ابوبکر، عمر، عثمان و علی، سپس سایر ده نفری که مژده بهشت به آنان داده شده که عبارتند از: طلحه، زبیر، عبدالرحمن

بدر، سپس مجاهدان احد، بعد از آن اهل بیعت الرضوان در حدیبیه؛ و سابقون الاولون از انصار: نخستین پیشگامانی از انصار هستند که با رسول الله - صلی الله علیه وسلم - در بیعت عقبه اول و دوم، بیعت کرده اند، که تعدادشان در بیعت عقبه اول هفت تن و در بیعت عقبه دوم، هفتاد دو تن بود؛ و نخستین مسلمانان که از مهاجر و انصار، پیروی کرده اند، ایشان دنباله روان صحابه کرام اند؛ از صحابه کرام و تابعین که بعد از ایشان آمده اند، یا تا روز قیامت می آیند، در صورتی که از نخستین پیشگامان دین و دعوت، با نیکوکاری در کردار و گفتار پیروی کنند؛ همین پیشگامان نخستین از مهاجران و انصار و پیروان راستین آنان هستند که: الله متعال از ایشان خوشنود شد و طاعات و عبادات شان را پذیرفت و از تقصیرات شان در گذشت و بر آنان خشم نگرفت و ایشان نیز از او تعالی خوشنود شدند بر آنچه که از فضل خویش به آنها عطا کرد و از نعمت دینی و دنیوی خویش بر آنان سرازیر نمود و به ایشان همراه با رضای خویش باغهایی آماده کرده که از زیر آن نهرها روان است، و همیشه و جاودان در آن خواهند ماند؛ زیرا آنها نسبت دوستی به الله سبحان و پیامبر - صلی الله علیه وسلم - از همه بیشتر اقدام نموده اند، هم چنان این آیه، گواهی و مژده و بشارتی است از سوی خدای منان به بهشت و رستگاری در آخرت برای پیشروان و پیشگامان از اصحاب پیامبر - صلی الله علیه وسلم - و برای کسانی نیز هست که رهرو راه ایشان بوده و ایشان را برای خود مقتدا و الگو قرار می دهند»^(۱).

امام ابن الجوزی - رحمه الله - می فرماید: « تمامی اصحاب رسول - صلی الله علیه وسلم - فضیلت سبقت در صحبت با پیامبر - علیه السلام - را حاصل نمودند، و الله متعال همه صحابه کرام را مغفرت نموده، و جنت را برای آنها وعده کرده است»^(۲).

اصحابه پیامبر - صلی الله علیه وسلم - از افضلترین بندگان خداوند متعال می باشد که جهت نصرت و یاری بهترین پیامبر انتخاب گردیده اند، و آنها حق این احسان الهی را نیز اداء نموده و تا آخرین لحظه

بن عوف، ابوعبیده بن جراح، سعد بن ابی وقاص، و سعید بن زید - رضی الله عنهم اجمعین -؛ دیده شود: (سنن الترمذی، کتاب المناقب، باب مناقب عبد الرحمن بن عوف بن عبد عوف الزهري - رضي الله عنه.

(۱) دیده شود: جامع البيان في تأويل القرآن، ابن جرير الطبري، ج ۱۴، ۴۳۵؛ تفسير القرآن العظيم، ابن كثير، ج ۴، ص ۲۰۳؛ تفسير المنير، وهبه الزحيلي، ج ۱۱، ص ۱۸.

(۲) زاد المسير، ابن الجوزي، ج ۲، ص ۲۹۲.

حیات شان از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - و دین مقدس اسلام دفاع نمودند، و رضایت خداوند سبحان را حاصل کردند، چنانچه الله - تبارک و تعالی - می فرماید:

﴿لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا﴾ (الفتح: ۱۸).

ترجمه: « به درستی که خداوند سبحان از مؤمنان راضی گردید هنگامیکه زیر آن درخت با تو بیعت می کردند، پس آنچه را که در دل هایشان بود دانست، در نتیجه بر آنان آرامش فرود آورد و فتح نزدیکی را پاداششان کرد.»

این آیه به طور واضح بر تعدیل آنعده صحابه کرام که در روز صلح حدیبیه با پیامبر - صلی الله علیه وسلم - حاضر بودند دلالت دارد، و کیفیت دلالت آیه بر تعدیل آنان این است که خداوند متعال به رضایتش از آنها خبر داده است و ایمان آنها را تضمین نموده است و آنها را با راستی و وفا و سمع و طاعت که در دل هایشان مستقر است تزکیه داده است، و این تزکیه بزرگ از جانب الله متعال صادر نمی شود مگر برای کسی که به بالاترین درجه در تحقق استقامت بر آنچه که خداوند سبحان امر کرده، رسیده باشد؛ که صحابه کرام بهترین الگو و نمونه آن می باشد، زیرا آنها همیشه وقت فضل و خشنودی الله متعال را می خواستند، چنانچه خداوند متعال می فرماید:

﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا﴾ (الفتح: ۲۹).

ترجمه: « محمد - صلی الله علیه وسلم - فرستاده الله متعال است، و کسانی که همراهی با او هستند برکافران سخت گیر و باهمدیگر مهربان اند؛ همواره آنها را در رکوع و سجود می بینی که فضل و خشنودی الله متعال را می جویند.»

« با این توصیفی که خداوند در کتابش از آنها کرده و این مدحی که با آن آنها را ستوده است، هیچ راهی را برای شک در عدالت صحابه کرام (و سبقت آنها در کارهای خیر) باقی نمی ماند»^(۱).

(۱) تفسیر القرطبی، ج ۱۶، ص ۲۹۹.

مطلب هفتم: وصف صحابه کرام به اولین هجرت کنندگان در راه دین

مفهوم کلمه هجره چنین است: « هجر و هجران به مفهوم مفارقت و جدایی انسان از غیر خودش می باشد، برابر است این جدایی بدنی باشد و یا هم لسانی و قلبی »^(۱)، چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿ وَاهْجُرُوهُمْ فِي الْمَضَاجِعِ ﴾ (النساء: ۳۴)؛ یعنی: « بستر خویش را از آنها جدا کنید»، مفهوم هجر در این آیه عدم قرب و یا مفارقت می باشد؛ هم چنان الله - تبارک و تعالی - می فرماید: ﴿ وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا ﴾ (الفرقان: ۳۰)؛ یعنی: « و پیامبر - صلی الله علیه وسلم - می گوید: پروردگارا! قوم من این قرآن را رها نموده و از آن دوری کرده اند ». که در این آیه مراد از هجر دوری لسانی و قلبی می باشد.

مهاجرت در اصل به معنی متارکه و مقاطعه می باشد، چنانچه این آیات قرآنی به آن گواه می باشد: ﴿ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ﴾ (البقره: ۲۱۸).

ترجمه: « همانا کسانی که ایمان آوردند و آنانی که در راه الله سبحانه جهاد کردند و هجرت نمودند ».

﴿ لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا ﴾ (الحشر: ۸).

ترجمه: « (همچنین غنائم) از آن فقراي مهاجريني است که از خانه هایشان و اموالشان رانده شده اند از خداوند متعال فضل و خشنودی می جویند ».

﴿ وَمَنْ يَهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاعًا كَثِيرًا وَسَعَةً وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ ﴾ (النساء: ۱۰۰).

ترجمه: « و هرکس در راه خدای سبحانه هجرت کند، اقامتگاههای زیاد و گشایشی (در مصالح دین و دنیا) در زمین خواهد دید، و هرکس از خانه خود بیرون آید و به سوی الله - تبارک و تعالی - و پیامبرش - صلی الله علیه وسلم - هجرت کند، سپس مرگ او را دریابد، اجر او بر عهده خداوند متعال است ». مفهوم هجرت در شریعت عبارت از مهاجرت در راه الله متعال و حمایت از دین او تعالی است، که شخص برای مسلمان زیستن یا ترویج توحید از دیار خویش هجرت می کند، اخراج از دیار آن است که شخص با طاغوت و منکرات نسازد و بخاطر آن حاضر باشد هر نوع مشقت و سختی را متحمل گردد، که این مشقت و اذیت در راه الله متعال شامل هر فشاری می شود که برای خشنودی الله متعال و پیامبر

(۱) مفردات غریب القرآن، اصفهانی، ص ۵۳۷، کلمه (هجر).

اش - صلی الله علیه وسلم - صورت گیرد، لذا صحابه کرام در این راستا از جمله متقدمین و اولین مسلمانان بودند که این فداکاری و امتیاز را نصیب خود نمودند، و بعد از آنها نظیر آن در جامعه اسلامی دیده نشده است، به همین خاطر صحابه اولین مسلمانان هستند که در راه دین خدای سبحان و در حمایت از پیامبر - علیه السلام - هجرت نمودند، که در این باره آیات زیادی قرآنی به هجرت صحابه کرام گواه است، چنانچه کلمه هجرت و مشتقات آن در (۱۹) صیغه (۳۱) مرتبه در قرآن کریم بیان گردیده است، و در اکثر این آیات متبرکه که امر به هجرت از طرف الله - تبارک و تعالی - نخست از همه متوجه صحابه کرام می باشد، زیرا آنها اولین کسانی بودند که مشمول این نعمت و امتیاز الهی گردیدند و این صفت را برای خویش در تاریخ اسلام رقم زدند.

بنابر همین اساس هنگام که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - دید که یارانش دچار گرفتاری و ناراحتی می شوند، و او نیز نمی تواند از آن جلوگیری نماید، دستور فرمود: که به سرزمین حبشه مهاجرت کنند؛ تا نزول وحی الهی و گشایشی از طرف خداوند سبحان.

یعنی: « چون رسول الله - صلی الله علیه وسلم - آسیب های را که به یارانش می رسید، ملاحظه کرد و دید که خود بنا به منزلت که نزد قریش بخصوص نزد عمویش ابوطالب دارد در عافیت بسر می برد ولی نمی تواند آسیب را از یارانش دفع کند، به صحابه کرام اش گفت اگر به سرزمین حبشه بروید از گرفتاریها نجات می یابید که در آن دیار پادشاهی فرمانروای می کند که در حکومت وی بر کسی ستم نمی شود و آنجا سرزمین انصاف است، در این هنگام گروه از مسلمانان و یاران پیامبر - صلی الله علیه وسلم - از اثر ناسازگاری رهسپار سرزمین حبشه شدند و برای حفظ دین شان نخستین هجرت را در اسلام پایه گذاری نمودند»^(۱).

هم چنان پیامبر - صلی الله علیه وسلم - به صحابه کرام و یارانش، دستور داد: که به مدینه مهاجرت کنند و به برادران انصارشان پیوندند؛ هجرت مسلمانان از مکه به مدینه سهل و آسان نبود، بلکه قریش در مسیر مکه به مدینه نگهبانانی گذاشته بودند، و هرکدام از مهاجرین را به انواع شکنجه ها آزار می دادند، اما مهاجرین پایداری می کردند و فکرشان تبدیل نمی شد و مورال شان بیشتر از پیش تقویه می گردید، و ماندن در مکه را در کنار خانواده خویش اهمیت نمی دادند، در این هنگام پیامبر اسلام صحابه

(۱) السیره النبویه، ابن هشام، دارالجلیل، بیروت، ۱۴۱۱ هـ، چاپ اول، تصحیح محمد سعید بسیونی زغلول، ج ۱، ۳۲۱-۳۲۲.

کرام را جهت هجرت به مدینه منوره تشویق و ترغیب می نمود، چنانچه امام بخاری - رحمه الله - از عائشه - رضی الله عنها - روایت می کند که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - به یارانش فرمود:

(قال النبي - صلی الله علیه وسلم - : أريت دار هجرتکم ذات نخل بین لابتین، فهاجر من هاجر قبل المدينة ورجع عامة من كان هاجر بأرض الحبشة إلى المدينة)^(۱).

ترجمه: « پیامبر - صلی الله علیه وسلم - می فرماید: به من منزل و محل هجرت شما نشان داده شد؛ آنجا نخلستانی است بین تپه ها؛ هر کس می خواهد می تواند به یثرب (مدینه) هجرت کند ». و از ابوموسی اشعری - رضی الله عنه روایت است که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرمود:

(رأيت في المنام أني أهاجر من مكة إلى أرض بها نخل فذهب وهلي إلى أنها اليمامة أو هجر فإذا هي المدينة يثرب)^(۲).

ترجمه: « در خواب دیدم که من از مکه به سرزمینی که دارای درخت خرما بود مهاجرت می کنم، ابتدا عقیده داشتم که این سرزمین یمامه یا هجر (شهر معروفی است در بحرین) می باشد، ولی بعداً دیدم که مدینه (همان یثرب قبلی) است ».

چون بحث هجرت صحابه کرام بطور خاص و هجرت مسلمانان در مجموع یک بحث طولیل و همه شمول در قرآن کریم واحادیث پیامبر - صلی الله علیه وسلم - می باشد، لذا از تعریف هجرت بخصوص توصیف صحابه کرام به لقب هجرت کنندگان و مسائل مربوطه آن موارد ذیل قابل بحث و مناقشه می باشد:

۱- جایگاه مهاجرین صحابه کرام در قرآن کریم:

﴿ وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنَبُوِّنَّهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَلَا جَزَاءَ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ * الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴾ (النحل: ۴۱-۴۲).

ترجمه: « و آنان که در راه الله متعال هجرت کردند پس از اینکه مورد ستم قرار گرفتند، در این دنیا جایگاه خوبی به آنان می دهیم و پاداش آخرت بزرگتر است اگر بدانند؛ کسانی که شکیبایی ورزیده، و بر پروردگارشان توکل می کنند ».

(۱) صحیح البخاری، کتاب فضائل صحابه، باب هجرت، ج ۳، ص ۱۴۰۵.

(۲) صحیح البخاری، کتاب فضائل الصحابه، باب هجرة النبي صلى الله عليه وسلم وأصحابه إلى المدينة، ج ۳، ص ۱۴۱۵.

امام قرطبی - رحمه الله - در تفسیر این آیه می فرماید: « هجرت به معنی ترک وطن، اهل و اقارب بخاطر الله متعال و یا دین خداوند - تبارک و تعالی - و ترک معاصی و گناه می باشد، قتاده - رحمه الله - می گوید: مراد از مهاجرین در این آیه اصحاب محمد - صلی الله علیه وسلم - می باشد اصحاب که مشرکین بالای آنها ظلم نمودند و آنها را از دیار شان (مکه معظمه) خارج نمودند و آنها در نخستین هجرت بسوی حبشه شتافتند و از مکه مهاجر شدند، که در این دیار هجرت، الله متعال برای مهاجرین صحابه کرام انواع از نعمت های اش را عنایت فرمود و مسلمانان زیادی را برای نصرت آنها انتخاب کرد» (۱).

﴿ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴾ (البقره: ۲۱۸).

ترجمه: « همانا کسانی که ایمان آوردند و آنانی که در راه خدا جهاد کردند و هجرت نمودند ایشان امید رحمت الهی را دارند و خداوند آمرزنده و مهربان است ».

امام شوکانی (۲) - رحمه الله - می فرماید: « هجرت به معنی انتقال از یکجای به جای دیگر می باشد، و کلمه (هجر) به مفهوم ضد وصل و تهاجر: به معنی قطع و ترک کردن چیزی می باشد، که در اینجا مراد معنی آخری است: یعنی هجرت نمودن از دار کفر به دار اسلام، و کلمه (المجاهده) استخراج جهد، جهد، مجاهده، جهاد، و جهادا، و الجهاد و التجاهد» (۳).

۲- قبولی توبه مهاجرین صحابه کرام در قرآن کریم:

﴿ لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ مِنْ بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبَ فَرِيقٍ مِنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ إِنَّهُ بِهِمْ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ ﴾ (التوبه: ۱۱۷).

ترجمه: « به درستی که الله متعال توبه پیامبر - صلی الله علیه وسلم - و توبه مهاجرین و انصار را پذیرفت، آنهایی که در هنگام سختی از او پیروی کردند بعد از آنکه نزدیک بود دلهاي گروهی از آنان منحصر صرف شود، سپس توبه آنان را پذیرفت، همانا او نسبت به آنان رؤوف و مهربان است ».

(۱) الجامع لاحکام القرآن، قرطبی، ج ۱۰، ص ۱۰۷.

(۲) نام او محمد بن علی بن محمد الشوکانی، یکی از بزرگان واعلام اهل سنت و الجماعت می باشد، هم چنان او از جمله فقهای اهل سنت محسوب می گردد، وی در سال ۱۱۷۳ هـ در شهر صنعا کشور یمن تولد شده است، که در سال ۱۲۲۹ هـ بر مسند قضاء نیز وظیفه نموده است، در سال ۱۲۵۰ هـ وفات شده است، او از جمله کبار علماء یمن می گویند؛ دیده شود: الاعلام، زرکلی، ج ۶، ص ۲۹۸.

(۳) فتح القدر، الشوکانی، ج ۱، ص ۲۵۱.

امام ابن کثیر - رحمه الله - به نقل از قتاده - رحمه الله - می گوید: « سبب نزول این آیه غزوه تبوک می باشد، زیرا در این غزوه صحابه کرام با پیامبر - علیه السلام - از مدینه منوره بخاطر جهاد خارج شده بود »^(۱).

امام ابن جریر طبری - رحمه الله - به نقل از عبدالله بن عباس - رضی الله عنه - در باره شدت و سختی غزوه تبوک می فرماید: « هنگامی بارسول الله - صلی الله علیه وسلم - به غزوه تبوک عازم شدیم، تابستان خیلی گرم بود، روزی از روزها در یک مکان فرود آمدیم، در آن هنگام تشنگی سختی به ما دست داد تا جای که گمان کردیم گردنهای ما بریده خواهد شد از شدت گرمی... در این اثنا ابو بکر صدیق - رضی الله عنه - گفت: رسول الله - صلی الله علیه وسلم -! الله - تبارک و تعالی - شما را به دادن خیر در دعایتان عادت داده است لذا تمنا می کنم برای ما دعا کنید، رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمودند: آیا دوست داری که چنین کنم؟ ابوبکر - رضی الله عنه - گفت: آری! پس رسول الله - صلی الله علیه وسلم - دستانشان را به آسمان جهت دعا برداشتند و هنوز دستان شانرا پایین نیاورده بودند که آسمان باریدن گرفت و باران پیوسته بارید، سپس آرام گرفت، و صحابه کرام ظروفي را که به همراه داشتند، از آب پر کردند؛ در این اثنا رفتیم تا بنگریم که گستره و میدان بارش باران تا کجا بوده است؟ با کمال شگفتی دیدیم که باران از محیط قرارگاه ما فراتر نرفته است »^(۲).

مطلب هشتم: وصف صحابه کرام به نصرت و یاری دین:

کلمه (النصر والنصرة) در قرآن کریم به معنی: معاونت، مساعدت، کامیابی و پیروزی وارد گردیده است، چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿ نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ ﴾ (الصف: ۱۳)، یعنی: « پیروزی و فتح از سوی الله سبحان نزدیک است، و به مؤمنان مژده ده »؛ و این قول الله - تبارک و تعالی - : ﴿ وَأَنْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴾ (البقرة: ۲۵۰)، یعنی: « و ما را بر قوم کافر پیروز بگردان »؛ کلمه نصرت و مشتقات آن در کتاب (مفردات ألفاظ القرآن) چنین تعریف شده است: « النصر والنصرة

(۱) نگاه: تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر، ج ۴، ص ۲۲۸.

(۲) جامع البیان فی تأویل القرآن، ابن جریر الطبری، ج ۱۴، ص ۵۴۱.

العون... ونصرة الله للعبد ظاهرة، ونصرة العبد لله هو نصرته لعباده، والقيام بحفظ حدوده، ورعاية عهده، واعتناق أحكامه، واجتناب نهيهِ»^(۱).

ترجمه: « نصر و نصرت به معنی معاونت و کمک می باشد؛ که نصرت الله - تبارک و تعالی - در حق بندگان اش ظاهر است، لکن نصرت بندگان در حق الله متعال عبارت از: یاری رساندن به بندگان او تعالی، مبارزه در حفظ حدود الهی، رعایت عهد و پیمان را که با الله تعالی بسته، هم چنان حمایت از احکام الهی و اجتناب از نواهی آن می باشد.»

چنانچه الله - جل جلاله - می فرماید: ﴿وَلْيَعْلَمْ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ﴾ (الحديد: ۲۵)، یعنی: « تا الله متعال بداند چه کسانی او تعالی را و فرستادگانش - عليهم السلام - را بگونه آشکارا و پنهان یاری می کنند.» و این قول الله متعال که می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾ (محمد: ۷).

ترجمه: « ای مؤمنان! اگر (دین) الله متعال را یاری کنید خداوند - تبارک و تعالی - (هم) شما را یاری می کند و گام هایتان را استوار می دارد؛ و در جای دیگر می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ﴾ (الصف: ۱۴).

ترجمه: « ای مؤمنان! یاوران (دین) الله متعال باشید.»

تعریف کلمه (نصرت) در قرآن کریم این را می رساند که، صحابه کرام بخصوص (انصار)، مدینه منوره از نخستین کسانی بودند که برادران مهاجر شانرا که از مکه معظمه هجرت نموده بودند استقبال کردند، و مهاجرین را با محبت و خوشحالی تمام در کنار خویش پذیرفتند، مال و دارایی خود را در خدمت ایشان قرار دادند، هم چنان آنها را در امر جهاد و نصرت دین خدای سبحان نیز با جان و دل در مقابل کفار و مشرکین یاری نمودند، انصار مدینه شهر خود را با تمام امکانات آن در خدمت برادران مهاجر شان بخاطر رضامندی الله سبحان و نصرت دین و شریعت الهی گذاشتند.

(۱) مفردات ألفاظ القرآن - نسخة محققة، الحسين بن محمد بن المفضل المعروف بالراغب الأصفهاني أبو القاسم، دار القلم - دمشق، ج ۲، ص ۴۳۳، کلمه (نصر).

ابو حیان - رحمه الله - در باره توصیف انصار می فرماید: « وثنی بالأنصار لأنهم ساووههم في الإيمان وفي الجهاد بالنفس والمال لكنه عادل الهجرة الإيواء والنصر وانفرد المهاجرون بالسبق »^(۱)، یعنی: « به نیکی یاد شده انصار، زیرا آنها در ایمان به الله متعال، جهاد در راه او تعالی با نفس و مال با مهاجرین مساوی هستند، و در هنگام هجرت مهاجرین به مدینه برای آنها مسکن و جای مناسب را آماده ساختند، لکن مهاجرین نسبت به انصار در نصرت دین الله متعال سبقت نمودند ».

انصار در کنار مهاجرین صحابه کرام در راستای دین خداوند متعال زحمات زیادی را متقبل شدند، به همین خاطر است که الله تعالی در قرآن کریم اجر و پاداش آنها را برای بندگان بعد از آنها ذکر نموده است، و این نصرت کنندگان دین و شریعت اسلامی را به الفاظ ملکوتی قرآنی مژده داده، و از آنها بار بار در قرآن کریم یاد نموده است.

الله - تبارک و تعالی - راجع به خود گذاری و فداکاری های انصار در عنایت به مهاجرین می فرماید:

﴿لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ * وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (الحشر: ۸-۹).

ترجمه: « (همچنین غنائم) برای فقیران مهاجرین است، کسانی که از دیار و اموال خود بیرون رانده شده‌اند، فضل و خشنودی پروردگار خویش را می‌طلبند و الله سبحانه و پیامبرش - صلی الله علیه وسلم - را نصرت می‌دهند این گروه، ایشانند صادقان؛ و کسانی که پیش از آنان خانه و کاشانه را آماده کردند و ایمان (نیز) در دلشان جای گرفت، کسانی را که به سوی آنان هجرت کنند دوست می‌دارند، و نسبت به آنچه که به ایشان داده شده است در سینه‌های خود حاجتی نمی‌یابند، و (دیگران را) بر خودشان ترجیح می‌دهند ولو خود نیازمندی داشته باشند و کسانی که از آزمندی نفس خویش مصون باشند اینانند که رستگارند ».

(۱) البحر المحیط فی التفسیر، أبو حیان محمد بن یوسف بن علی بن یوسف بن حیان أئیر الدین الأندلسی (المتوفی: ۷۴۵هـ)، تحقیق:

صلدقی محمد جمیل، دار الفکر - بیروت، طبع: (۱۴۲۰ هـ)، ج ۵، ص ۳۵۷.

امام ابن کثیر - رحمه الله - در تفسیر این آیه می فرماید: « الله - تبارک و تعالی - بعد از بیان حال مهاجرین که بخاطر خشنودی او تعالی و حمایت دین و شریعت الهی، از خانه و کاشانه شان بیرون شده بودند، مدح انصار را نموده و فضیلت، شرف، کرامت و عدم حسد آنها را درقبال مهاجرین بیان داشته است، زیرا انصار مهاجرین را از دل و جان دوست می داشتند، و خانه، مال و دارائی خود را در خدمت ایشان قرار داده بودند.»

از حضرت انس بن مالک - رضي الله عنه - روایت است که فرمود: « دعا النبي - صلى الله عليه وسلم - الأنصار إلى أن يقطع لهم البحرين فقالوا: لا إلا أن تقطع لإخواننا من المهاجرين مثلها قال: إما لا فاصبروا حتى تلقوني فإنه ستصيبكم بعدي أثره »^(۱).

ترجمه: « پیامبر اکرم - صلى الله عليه وسلم - خواست زمین های بحرین را به انصار، واگذار نماید؛ انصار گفتند: همان قدر که به هر کدام از ما می دهی، به برادران مهاجر ما نیز همان قدر، بده، رسول اکرم - صلى الله عليه وسلم - فرمود: تبعیض های زیادی بعد از من خواهید دید، پس صبر کنید تا اینکه مرا در روز قیامت، ملاقات نمائید.»

امام بخاری - رحمه الله - از خلیفه دوم اسلام حضرت عمر - رضي الله عنه - نقل نموده می فرماید: « أوصي الخليفة بالمهاجرين الأولين أن يعرف لهم حقهم وأوصي الخليفة بالأنصار الذين تبوءوا الدار والإيمان من قبل أن يهاجر النبي صلى الله عليه و سلم أن يقبل من محسنهم ويعفو عن سيئهم »^(۲).

ترجمه: « حضرت عمر - رضي الله عنه - می گوید: خلیفه بعد از خودم را به مهاجرین اولین وصیت می کنم که حق آنها را شناخته و حرمتشان را حفظ کند، و او را وصیت می کنم به نیکویی با انصار و کسانی که خانه و کاشانه را آماده کردند و در مدینه سکونت اختیار نمودند و ایمان در دل های آنان قرار داده شد که اعمال نیک آنها را قبول کند و در مقابل آنها عفو و گذشت نماید.»

انصار کسانی هستند که با مهاجرین مسؤلیت حمایت از شریعت الهی را پذیرفتند، الله متعال می فرماید: ﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنَّبُوءَةَ فَإِنْ يَكْفُرْ بِهَا هُوَ لَا فَهِيَ قَوْمًا لَيْسُوا بِهَا بِكَافِرِينَ﴾ (الانعام: ۸۹).

(۱) صحیح البخاری، کتاب فضائل صحابه، باب قول النبي صلى الله عليه و سلم للأنصار (اصبروا حتى تلقوني على الحوض) ، ج

۳، ص ۱۳۸۱، حدیث (۳۵۸۳).

(۲) صحیح البخاری، کتاب التفسیر، سوره حشر، ج ۴، ص ۱۸۵۴، حدیث (۴۶۰۶).

ترجمه: «ایشان کسانی اند که کتاب و داوری و نبوت را بدانان بخشیدیم، پس اگر ایشان نسبت به آن کفر بورزند ما کسانی را عهده دار آن می کنیم که به آن کفر نمی ورزند».

صاحب تفسیر (فتح القدیر) این جزء آیه: ﴿فَقَدْ وَكَّلْنَا بِهَا قَوْمًا لَّيْسُوا بِهَا بِكَافِرِينَ﴾ را چنین تعریف نموده است: «اگر کفار قریش و دیگر معاندان رسول الله - صلی الله علیه وسلم - به آیات قرآن کریم و بعثت پیامبر - صلی الله علیه وسلم - کافر شوند، بی گمان برای ایمان به آیات قرآنی، گروه دیگر از بندگان را گماردیم، که هرگز کافر نمی شوند و نه چیزی از قرآن کریم را انکار می کنند و نه يك حرف از آن را رد می نمایند، که ایشان صحابه کرام (انصار) اند که به برداشتن مسؤولیت این امانت الهی توفیق داده شدند تا بدانجا که گویی بر این کار گمارده شده اند»^(۱).

و به روایت ابن عباس - رضی الله عنه - می فرماید: «خداوند متعال در این آیه می فرماید: اگر کفار و مشرکین مکه از حقانیت قرآن کریم و بعثت پیامبر - صلی الله علیه وسلم - انکار نمودند، قوم دیگری را جهت حمایت و نصرت آن انتخاب می کنیم، که عبارت از اهل مدینه و انصار می باشد»^(۲).

هم چنان امام ابن کثیر - رحمه الله - این جزء آیه: ﴿فَقَدْ وَكَّلْنَا بِهَا قَوْمًا لَّيْسُوا بِهَا بِكَافِرِينَ﴾ را به انصار و مهاجرین صحابه کرام اطلاق نموده می فرماید: «یعنی: المهاجرین والأنصار وأتباعهم إلى يوم القيامة»^(۳).
الله متعال صحابه کرام را به ایمان توصیف کرده است، زیرا که صحابه کرام به هجرت در راه الله متعال، دفاع از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - اسلام عزیز، حاضر بودند تا از جان و مال خود بگذرند، در ضمن آنها عبادت و بندگی الله متعال را به وجه احسن آن بجا می آوردند، که این عبادت و سجده برای خداوند متعال در ظاهر سیمای شان نمایان بود، زیرا آنها عبادت و بندگی الله متعال را مخلصان بجا می آوردند، به سبب همین اخلاص صحابه کرام بود که الله متعال از آنها رضایت و خشنودی اش را اعلان نمود، لکن باوجود اینکه الله متعال از صحابه کرام رضایت خود را ابراز نمود آنها همیشه در خوف و ترس از او تعالی قرار داشتند، بلی این از صفات نیک و پسندیده مهاجرین و انصار بود، که بدان متصف شدند و الله متعال آنها را از جمله ای بندگان رستگار و کامیاب خطاب نمود.

(۱) تفسیر فتح القدیر، امام شوکانی، ج ۲، ص ۱۵۷.

(۲) فتح القدیر، شوکانی، ج ۲، ص ۱۵۷.

(۳) تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر، ج ۳، ص ۲۹۹.

مبحث دوم

صفات صحابه کرام در تعامل با مخلوق

در این مبحث آن‌عه صفات صحابه کرام بیان گردیده است که مرتبط با برخورد مخلوق می‌گردد، زیرا صحابه کرام بخاطر رساندن دین و شریعت اسلام و خدمت به مخلوقات خداوند - تبارک و تعالی -، امر به معروف و نهی از منکر، جهاد و مبارزه علیه منکرین دین اسلام، را بطور صادقانه انجام می‌دادند و بر کفار و مشرکین جهت (اعلای کلمة الله) سخت برخورد می‌نمودند، در مقابل با مؤمنین الطاف و ترحم می‌نمودند، که تفصیل این صفات صحابه کرام در پرتوی آیات قرآنی، احادیث نبوی - صلی الله علیه وسلم - و اقوال مفسرین قرار ذیل است:

مطلب اول: صفت صحابه کرام به امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر، پایه‌های اساسی و بنیادی دین اسلام و شریعت حضرت محمد - صلی الله علیه وسلم - را تشکیل می‌دهد، که صحابه کرام در این راستا نسبت به دیگر امتیان آنحضرت - صلی الله علیه وسلم - بیشتر و پیش قدم‌تر این مسؤلیت را به وجه احسن أداء نمودند، و به این صفت متصف گردیدند، لذا پیرامون صفت صحابه کرام به (امر به معروف و نهی از منکر) معلومات مفصل را در این مطلب إن شاء الله بیان خواهیم نمود.

از آیات و احادیث که راجع به (امر به معروف و نهی از منکر) در این مطلب بیان خواهد شد ثابت می‌گردد، که امر به معروف در شرائع و کتابهای آسمانی امر به توحید و سنت انبیاء - علیهم السلام - و منظور از نهی از منکر، بر حذر داشتن از شرك به الله متعال و دعوت بسوی یکتا پرستی می‌باشد. الله - تبارک و تعالی - امر به معروف و نهی از منکر را یکی از پایه‌های اساسی دین بیان نموده است، و آیات زیادی را پیرامون قصه‌های امت‌های قبلی پیرامون (امر به معروف و نهی از منکر) برای پیامبر - صلی الله علیه وسلم - بیان نموده است، تا رسول - صلی الله علیه وسلم - این مسؤلیت عظیم را به صحابه و یاران گرامی اش تعلیم دهد، هم‌چنان خداوند متعال در قرآن کریم در بسا موارد صحابه کرام را بطور مشخص و دیگر بندگان را به این صفت متصف نموده، و پیامبر - علیه السلام - نیز احادیث

زیادی را پیرامون (امر به معروف و نهی از منکر) برای صحابه کرام تعلیم داده است زیرا احکام آیات قرآن کریم و احادیث نبوی - صلی الله علیه وسلم - در قدم نخست متوجه صحابه کرام می شود. از سوی دیگر اگر تمامی اخبار جهان و فرقه ها و آئین حاکم بر آن، بررسی شود روشن می شود که به هیچ وجه، گروه یا طائفه ای بیشتر از صحابه کرام پیامبر - صلی الله علیه وسلم - بر هدایت و راهنمایی توافق و اتفاق نظر نداشته اند، و از فتنه و تفرقه و اختلاف به دور نبوده اند؛ به همین خاطر است که الله متعال در قرآن کریم صحابه کرام را به این صفت توصیف نموده و از میان امت محمدی - صلی الله علیه وسلم - آنها را جهت پیشبرد و وظیفه عظیمی دعوت انتخاب نموده است، چنانچه می فرماید:

﴿ كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ ﴾ (آل عمران: ۱۱۰).

« شما بهترین امت هستید که برای نجات مردم به میدان جهاد و دعوت آمده اید و امر به معروف و نهی از منکر می کنید و به الله ایمان دارید ».

« خطاب این آیه مستقیم به صحابه کرام است، زیرا آنها (امر به معروف و نهی از منکر) می نمودند، و منفعت آنها به مسلمانان نسبت به دیگران بیشتر می رسید، هم چنان هدف از (خیر الناس) نیز نفع رساندن انسان برای انسان دیگر گفته شده است »^(۱).

عبد الله بن عباس - رضی الله عنه - در تفسیر این آیه می فرماید: « آنها کسانی بودند که همراه با رسول الله - صلی الله علیه وسلم - یکجا از مکه به مدینه هجرت نمودند و در غزوات (بدر و حدیبیه) شرکت نمودند »^(۲).

صاحب تفسیر بحر المحیط در تفسیر این آیه می فرماید: « هر چند که خطاب ظاهری این آیه به صحابه کرام پیامبر - صلی الله علیه وسلم - می باشد، لکن هدف از (أُمَّةٍ) در مجموع امت محمد - علیه السلام - است، که صحابه کرام خیر آنها می باشد »^(۳).

« مراد از (أُمَّةٍ) در این آیه عام است و حکم آن در باره تمامی امت پیامبر - علیه السلام - می باشد،

(۱) تفسیر قرآن العظیم، ابن کثیر، ج ۲، ص ۹۳.

(۲) مسند احمد بن حنبل، ج ۴، ص ۲۷۲، حدیث (۲۴۶۳)؛ و تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر، ج ۳، ص ۱۴۲؛

(۳) بحر المحیط فی تفسیر، ابی حیان الأندلسی، ج ۳، ص ۲۹۹.

و برای قرون بعد از صحابه کرام نیز صدق می کند، که خیر القرون در آن، قرن و زمانه صحابه کرام می باشد»^(۱).

از ابي هريرة - رضي الله عنه - در تفسير اين آيه چنین روايت شده است: « قال خير الناس للناس تأتون بهم في السلاسل في أعناقهم حتى يدخلوا في الإسلام »^(۲).

ترجمه: « شما بهترين مردم براي مردم هستند (زيرا) مردم را با زنجيرهاي در گردنشان مي آورند، تا داخل اسلام (و بهشت) شوند ».

هر چند اين آيه خطاب به مسلمانان عصر پيامبر - صلى الله عليه وسلم - است، ولي در مقام بيان يك حكم كلي است، هرگاه در جامعه اسلامي اين دو ویژگی که عبارت از ايمان به الله متعال و امر به معروف و نهي از منکر حاکم باشد و اصول و مباني اسلامي و ارزشهاي دين جايبگاه خاص خود را در يابد اين جامعه، جامعه اي برتر خواهد بود، و نظام آن بر تمام جهان هستی حاکم خواهد شد.

الله - تبارک و تعالی - یکی از صفات مؤمنين را امر به کارهای پسندیده و نهي از کارهای ناپسند قلمداد نموده است که در اين صفت صحابه کرام نخست از همه مسلمانان شامل است، خداوند متعال می فرماید:

﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ (التوبه: ۷۱).

ترجمه: « مردان مؤمن و زنان با ايمان، دوستان يکديگرند به نيکي ها فرمان مي دهند و از زشتيها باز مي دارند ».

خداوند - تبارک و تعالی - در اين آيه از امر به معروف و نهي از منکر آغاز نموده که وظيفه لازمی بندگان است، زيرا خداوند سبحان بهتر می داند اگر اين فريضه بجاي آورده شود، ديگر واجبات چه آسان و چه دشوار بر پا خواهند شد، زيرا امر به معروف و نهي از منکر، دعوت به اسلام و دستورات الهی می باشد، که آنرا الله سبحان به بندگان اش امر نموده، چنانچه در آيه ديگر می فرماید:

﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (آل

عمران: ۱۰۴).

(۱) تفسير القرآن العظيم، ابن كثير، ج ۳، ص ۱۴۲؛ و مختصر تفسير البغوی، ج ۱، ص ۱۳۵ - ۱۳۶.

(۲) صحيح بخاری، كتاب التفسير، سورة آل عمران، ج ۴، ص ۶۶۰، حديث (۴۲۸۱).

ترجمه: « باید از میان شما گروهی باشند که تربیت لازم را ببینند و قرآن و سنت و احکام شریعت را بیاموزند و مردمان را دعوت به نیکی کنند و امر به معروف و نهي از منکر نمایند، و آنها خود رستگارند». هم چنان پیامبر - صلی الله علیه وسلم - صحابه کرام و امتیان اش را به امر به معروف و نهي از منکر دستور داده که احادیث ذیل به آن گواه می باشد، منجمله:

۱- عن أبي سعيد الخدري - رضي الله عنه - عن النبي - صلی الله علیه وسلم - قال (إياكم والجلوس في الطرقات)، فقالوا ما لنا بد إنما هي مجالسنا نتحدث فيها، قال (فإذا أبيتم إلا المجالس فأعطوا الطريق حقها) قالوا وما حق الطريق؟ قال: غض البصر وكف الأذى ورد السلام وأمر بالمعروف ونهي عن المنكر»^(۱). ترجمه: « از ابوسعید خدری - رضي الله عنه - روایت است که نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - فرمود: «از نشستن در معابر عمومی اجتناب کنید». مردم گفتند: یا رسول الله! چاره ای جز این نداریم زیرا آنجا، محل نشستن و سخن گفتن ما است. رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمود: «اگر چاره ای جز این ندارید، پس حق راه را مراعات کنید». پرسیدند: یا رسول الله! حق راه چیست؟ فرمود: «حفاظت چشمها، اذیت نکردن عابران، جواب دادن سلام و امر به معروف و نهي از منکر».

۲- « عن عبد الله بن مسعود - رضي الله عنه - أن رسول الله - صلی الله علیه وسلم - قال: ما من نبی بعثه الله في أمة قبلى إلا كان له من أمته حواريون وأصحاب يأخذون بسنته ويقتدون بأمره ثم إنها تخلف من بعدهم خلوف يقولون ما لا يفعلون ويفعلون ما لا يؤمرون فمن جاهدكم بیده فهو مؤمن ومن جاهدكم بلسانه فهو مؤمن ومن جاهدكم بقلبه فهو مؤمن وليس وراء ذلك من الإيمان حبة خردل»^(۲).

ترجمه: « از ابن مسعود - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: هر پیامبری که خداوند متعال قبل از من برای امتی مبعوث کرده است، در بین امتش، دوستان و یارانی نزدیک و مخلص داشته است که سنت و رفتار او را در پیش می گرفتند و به اوامر و سنت های او اقتدا می کردند، و سپس کسانی بعد از آنان جانشین شان می شدند که به گفته ای خود عمل نمی کردند و کاری می کردند که به آن امر نشده بودند، (چنین کسانی در امت من هم خواهند بود) هر کس با دست (عملی) با آنها جهاد و مبارزه کند، مؤمن و هر کس با زبانش (قولی) با آنها مبارزه کند، مؤمن

(۱) صحیح بخاری، کتاب المظالم، باب أفنية الدور والجلوس فيها والجلوس على الصعدات، ج ۲، ص ۸۷۰، حدیث (۲۳۳۳).

(۲) صحیح مسلم، کتاب الايمان، باب بیان کون النهی عن المنکر من الايمان وأن الإيمان يزيد وينقص وأن الأمر بالمعروف والنهي عن المنکر واجبان، ج ۱، ص ۵۰، حدیث (۱۸۸).

و هر کس در دل خود (قلبی) با آنها مخالفت کند، مؤمن است و بعد از مخالفت سوم (قلبی) حتی به اندازه دانه خردل (ذره ای) ایمان وجود ندارد.»

۳- « عن أبي سعيد الخدري - رضي الله عنه - أن النبي - صلى الله عليه وسلم - قال: إن من أعظم الجهاد كلمة عدل عند سلطان جائر »^(۱).

« از ابوسعید خدری - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر - صلى الله عليه وسلم - فرمودند: بزرگترین و برترین جهاد، سخن حقی است که نزد پادشاهی ستمکار گفته شود.»

هم چنان، رسول الله - صلى الله عليه وسلم - به امر به معروف و نهي از منکر صحابه کرام را تشویق و ترغیب نموده می فرماید:

۴- « من رأى منكم منكرا فليغيره بيده فإن لم يستطع فبلسانه فإن لم يستطع فبقلبه وذلك أضعف الإيمان »^(۲).

ترجمه: « کسی که از شما منکر و زشت و ناپسندی را دید آن را با دست خود تغییر دهد، و اگر نتوانست با زبان خود آن را تغییر دهد، و اگر با زبان هم نتوانست با قلب خود آنرا زشت و بد بداند و این (مرحله) ضعیف ترین (مرحله) ایمان است.»

الله متعال در آیه دیگر حال کسانی را که به منکر و راه شیطان دعوت می کنند، برای صحابه کرام و سائر مسلمانان بیان نموده می فرماید که همانند آنها نباشید، زیرا برای آنها عذاب درد ناک مهیا گردیده است، چنانچه می فرماید:

﴿ وَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ * وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴾ (آل عمران: ۱۰۴-۱۰۵).

ترجمه: « و باید از شما گروهی باشند که (مردم را) به خیر فرا بخوانند و به کار خوب فرمان دهند و از کار بد باز دارند و ایشان رستگارانند؛ و مانند کسانی نشوید که (با ترك امر به معروف و نهي از منکر) پراکنده

(۱) سنن الترمذی، کتاب الفتن، باب ما جاء أفضل الجهاد كلمة عدل عند سلطان جائر، ج ۴، ص ۴۷۱، حدیث (۲۱۷۴).

(۲) صحیح مسلم، کتاب الایمان، باب بیان کون النهی عن المنکر من الایمان وأن الایمان یزید وینقص وأن الأمر بالمعروف والنهی عن المنکر واجبان ج ۱، ص ۵۰، حدیث (۱۸۶).

شدند و اختلاف ورزیدند (آن هم) پس از آن که نشانه های روشن (پروردگارشان) به آنان رسید، و ایشان را عذاب بزرگی است.»

خداوند - تبارک و تعالی - برای صحابه کرام، اهل کتاب را که (امر به معروف و نهی از منکر) را در جامعه ترک نمودند تذکر نموده تا از این خطاء اهل کتاب عبرت گیرند، (ای صحابه کرام! همانند اهل کتاب امر به معروف و نهی از منکر را در جامعه ترک ترک نکنید)»^(۱).

هم چنان الله متعال بخاطر تشویق صحابه کرام و مؤمنین به (امر به معروف و نهی از منکر)، منافقینی را که به اعمال منکر امر می کنند، و از اعمال معروف و پسندیده منع می کند تذکر نموده، می فرماید:

﴿الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ (التوبة: ۶۷).

ترجمه: « مردان منافق و زنان منافق از همدیگرند، به کار زشت فرمان می دهند، و از کار خوب باز می دارند، و دستهایشان را (از بخشیدن) بسته می دارند، الله متعال را فراموش کرده اند خداوند متعال هم ایشان را فراموش کرده است، بی گمان منافقان فاسقند.»

خلاصه اینکه کسانی که وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را در جامعه اسلامی عهده دار می باشد باید به آیه ذیل عمل نماید، چنانچه الله متعال می فرماید:

﴿أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ * وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ﴾ (البقره: ۴۴-۴۵).

ترجمه: « آیا مردم را به نیکو کاری امر کرده و خودتان را فراموش می کنید حال آنکه شما کتاب را می خوانید؟! آیا نمی اندیشید؟»

هم چنان در حدیثی به روایت حضرت أسامه - رضی الله عنه - از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - نیز نقل شده، که می فرماید: « یجاء بالرجل یوم القیامة فیلقى فی النار فتندلق أقتابه فی النار فیدور کما یدور الحمار برحاه فیجتمع أهل النار علیه فیقولون أي فلانا ما شأنک؟ ألیس کنت تأمرنا بالمعروف وتنهانا عن المنکر؟ قال کنت آمرکم بالمعروف ولا آتیه وأنهاکم عن المنکر وآتیه»^(۲).

(۱) دیده شود: الدر المنثور، عبد الرحمن بن ابی بکر، جلال الدین السیوطی (المثوبی: ۹۱۱هـ)، دار الفکر - بیروت، ج ۲، ص ۲۸۹.

(۲) صحیح بخاری، کتاب بدء الخلق، باب صفة النار وأهل مخلوقة، ج ۳، ص ۱۱۹۱، حدیث (۳۰۹۴).

ترجمه: « اسامه - رضي الله عنه - مي گوید: شنیدم که رسول الله - صلى الله عليه وسلم - فرمود: روز قیامت، مردی را می آورند و در دوزخ می اندازند، روده هایش بسرعت، در آتش، بیرون می ریزد، و او همانند حمار که آسیا را می چرخاند، دور خود، می گردد، دوزخیان، اطراف او جمع می شوند و می گویند: فلائی! تو را چه شده است مگر تو ما را (امر به معروف و نهي از منکر) نمی کردی؟ می گوید: بلی، شما را امر به معروف می کردم ولی خودم آنرا انجام نمی دادم و شما را از منکر باز می داشتم اما خودم آنرا انجام می دادم.»

مطلب دوم: صفت صحابه کرام به جهاد و مبارزه

« کلمه جهاد از (جهد) گرفته شده و به معنی طاقت و مشقت است، (جاهد یجاهد جهادا و مجاهدة) یعنی تمام تلاش و توانائی خود را به کار برد و در جنگ با دشمن و دفاع از خود مشقات زیادی را تحمل کرد، در یک تقسیم کلی جهاد به سه قسم است، یا جهاد در مقابل دشمن ظاهری است، یا جهاد در مقابل شیطان است، و یا هم جهاد در مقابل نفس می باشد^(۱)، چنانچه الله متعال می فرماید:

﴿ وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ ﴾ (الحج: ۷۸).

ترجمه: « و در راه الله تعالی جهاد کنید، آن گونه که شایسته جهاد در راه او تعالی است.»

﴿ وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ﴾ (التوبه: ۴۱).

ترجمه: « و با مالها و جان هایتان در راه خدا جهاد کنید.»

و در حدیث شریف از پیامبر - صلى الله عليه وسلم - ثابت است که فرمود:

(عن أنس قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم جاهدوا المشركين بأموالكم وأنفسكم وألستكم)^(۲).

از تعریف جهاد، آیات قرآن کریم و احادیث که از پیامبر - صلى الله عليه وسلم - پیرامون جهاد و فضیلت آن روایت شده چنین ثابت می گردد که: جهاد صرف زمانی جهاد حقیقی نامیده می شود که هدف از آن کسب رضای الله متعال و إعلاى (کلمة الله) و به اهتزاز در آوردن پرچم حق، و از بین بردن باطل، و قربانی جان و مال در راه رضامندی الله - تبارک و تعالی - باشد، بنابر همین اساس گفته می توانیم که جهاد از آیات محکمات و از واجبات دین اسلام است، زیرا جهاد در قرآن کریم نسبت به

(۱) لسان العرب، ابن منظور، ج ۳، ۱۳۳، کلمه (جهد)؛ مفردات غریب القرآن، راغب اصفهانی، ج ۱، ص ۱۰۱، کلمه (جهد).

(۲) مسند احمد بن حنبل، ج ۱۹، ص ۲۷۲، حدیث (۱۲۲۶۶).

سائر عبادات، رکن اعظم و أصل اقوام اسلام محسوب می گردد، لذا الله متعال کلمه (جهاد) و مشتقات آنرا در قرآن کریم به (۱۹) صیغه (۴۱) مرتبه بیان نموده است، هم چنان کلمه (القتال) و مشتقات آن در (۱۰۳) صیغه (۱۷۰) مرتبه بیان گردیده است که در اکثر موارد مراد از آن جهاد در راه الله متعال می باشد.

همان طوریکه قبلاً نیز یاد آورد شدیم، آیات و احکام قرآن کریم در قدم نخست متوجه پیامبر - صلی الله علیه وسلم - و صحابه کرام بوده است، لذا صحابه کرام اولین کسانی بودند که صفت (مجاهد) را بخود اختصاص دادند و آنها مطابق دستورات قرآن کریم، در مبارزه راه دین و شریعت الله متعال، و خدمت به بندگان خداوند سبحان به اندازه ای محبت و فداکاری داشتند که در دفاع از آن حاضر بودند تا از جان و مال خود بگذرند و با دشمنان الله متعال و رسول اش - صلی الله علیه وسلم - دشمنی نمایند؛ به همین خاطر بود که صحابه کرام با دوستان الله متعال و رسول الله - صلی الله علیه وسلم - محبت می داشتند و از دشمنان او تعالی بیزاری می جستند و با آنها جهاد و مبارزه می نمودند، اصحاب کرام بدون هیچ منت و درنگ داشته های جانی، مالی خود را در راه الله متعال قربانی می نمودند، لذا این یک امر مسلم است که آنها از نخستین کسانی هستند که دوشا دوش رسول الله - صلی الله علیه وسلم - جهاد و شهادت طلبی را در جامعه اسلامی مطابق دستورات قرآن کریم عملی نمودند، و جهاد و قتال در راه دین مقدس اسلام را به بهترین وجه برای جامعه اسلامی پایه گذاری کردند، چنانچه الله متعال می فرماید:

﴿لَكِنَّ الرَّسُولَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأَوْلِيَّتِكَ هُمْ الْخَيْرَاتُ وَأَوْلِيَّتِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾
(التوبه: ۸۸).

ترجمه: « اما پیامبر و کسانی که با او ایمان آوردند با مال و جانشان جهاد کردند و همه خویبها و نیکی ها از آن ایشان است و اینانند که رستگارانند. »

« در این آیه حال صحابه کرام بیان گردیده است، اصحاب که در راه الله متعال صادقانه و مخلصانه جهاد می کردند، چون آنها جهاد و مبارزه در راه الله متعال را درست می دانستند از هیچ سرزنش و سرزنش کننده نمی هراسیدند و به راستی باور داشتند که برای احقاق حق و نابودی باطل قیام کرده اند. »^(۱).

(۱) تیسیر الکریم الرحمن، سعدی، ص ۳۴۷.

ابی جعفر طبری - رحمه الله - در تفسیر این آیه می فرماید: « الله متعال در این آیه می فرماید: منافقین و مشرکین به جهاد حاضر نشدند، در حالی که جهاد را پیامبر - صلی الله علیه وسلم - و صحابه و یاران گرامی اش در مقابل کفار، منافقین و مشرکین، با مال و جان خود جهاد نمودند»^(۱).

بلی هنگام که مشرکین و منافقین از جهاد ابا و ورزیدند، در مقابل صحابه کرام آنرا با دل و جان قبول نمودند، و بدون اینکه از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - در مورد بیرون شدن به جهاد و مبارزه در راه دین خداوند متعال اجازه بگیرند از خانه های شان خارج شدند، چنانچه الله متعال می فرماید:

﴿ لَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ ﴾ (التوبة: ۴۴).

ترجمه: « کسانی که به الله متعال و روز قیامت ایمان دارند (در مورد شرکت نکردن در جهاد) با مالها و جانهایشان از تو اجازه نمی خواهند، و خداوند - تبارک و تعالی - به پرهیزگاران داناست ».

الله - تبارک و تعالی - در جای دیگر می فرماید:

﴿ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ ﴾ (الحجرات: ۱۵).

ترجمه: « مؤمنان (واقعی) تنها کسانی هستند که به الله متعال و پیامبر - صلی الله علیه وسلم - ایمان آورده، سپس هرگز شک به دل راه نداده، و با مال و جانشان در راه الله متعال جهاد کرده اند اینان همان راستگویان اند ».

« صحابه کرام همراه با پیامبر - صلی الله علیه وسلم - با مال و جان در مقابل مشرکین بخاطر (اعلای کلمه الله) و نصرت دین الله متعال جهاد نمودند »^(۲).

از آیات فوق پیرامون صفت صحابه کرام به (جهاد) موارد ذیل مورد مناقشه و دراسته می باشد:

۱ - دستور جهاد به صحابه کرام:

﴿ انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكَُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴾ (التوبة: ۴۱).

(۱) جامع البيان فی تاویل القرآن، ابی جعفر طبری، ج ۶، ص ۱۴۳.

(۲) جامع البيان فی تاویل القرآن، ابن جریر طبری، ج ۲۲، ۳۱۸؛ و أيسر التفاسير لكلام العلي الكبير، الجزائري، ج ۵، ص ۱۳۳.

ترجمه: « (ای مؤمنان! هرگاه منادی جهاد، شما را به جهاد ندا کرد فوراً) به سوی جهاد حرکت کنید سبکبار و سنگین بار بیرون آید، و با مالها و جان هایتان در راه الله متعال جهاد کنید، اگر بدانید این برای شما بهتر است ».

امام ابن کثیر - رحمه الله - در تفسیر این آیه می فرماید: « الله متعال صحابه کرام را در غزوه تبوک بخاطر جهاد و مبارزه با دشمنان دین الله متعال با لشکریان رومی که اکثر آنها اهل کتاب نیز بودند امر نموده، تا همراه با پیامبر - ص الله علیه وسلم -، شاد و بانشاط، یا افسرده و بی نشاط، فقیر و غنی، پیر و جوان، پیاده و سواره، مجرد و متأهل و خلاصه همگی بیرون شوند »^(۱).

الله متعال در آیه دیگر چنین به جهاد امر نموده است:

﴿ وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِّلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ ﴾ (الحج: ۷۸).

ترجمه: « و در راه الله متعال جها کنید، آنگونه که شایسته جهاد در راه او تعالی است، الله متعال شما را برگزیده، و در دین کارهای دشوار و سنگین را بر دوش شما نگذاشته است، آیین پدرتان ابراهیم را (برای شما تشریح کرده است)، او (ابراهیم - علیه السلام - شما را پیش از این مسلمان نام نهاده است ».

هم چنان خداوند - تبارک و تعالی - جهاد را وسیله برای فلاح و رستگاری خوانده می فرماید:

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴾ (المائدة: ۳۵).

ترجمه: « ای کسانی که ایمان آورده اید! از الله متعال بترسید و برای تقرب به او وسیله بجوید، و در راه او تعالی جهاد کنید تا رستگار شوید ».

الله متعال در جای دیگر جهاد را وسیله ای خلاصی از عذاب درد ناک گفته می فرماید:

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِّنْ عَذَابِ أَلِيمٍ * تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴾ (صف: ۱۰-۱۱).

« ای کسانی که ایمان آورده اید! آیا شما را بر تجارتي رهنمون شوم که شما را از عذاب دردناک نجات می دهد؟؛ به خداوند متعال و پیغمبرش ایمان آورید و در راه الله تعالی با اموال و جان هایتان جهاد کنید، اگر بدانید این برایتان بهتر است ».

(۱) تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر، ج ۴، ص ۱۰۶.

۲- مأمور شدن صحابه به جهاد در برابر کفار:

آیات زیادی قرآنی به جهاد صحابه کرام در مقابل کفار دلالت دارد، که در این قسمت به یکی دو آیه اکتفا می‌نمایم، چنانچه الله متعال می‌فرماید:

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَعَلِمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ ﴾
(التوبة: ۱۲۳).

« ای کسانی که ایمان آورده اید! با کسانی از کافران بجنگید که به شما نزدیک‌ترند و باید از شما درشتی و خشونت بیابند، و بدانید که خداوند با پرهیزگاران است. »

امام ابن کثیر - رحمه الله - می‌فرماید: « مراد از قتال در این آیه (جهاد) پیامبر - صلی الله علیه وسلم - و صحابه کرام در مقابل کفار و مشرکین (جزیره العرب) می‌باشد »^(۱)

﴿ قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ ﴾ (التوبة: ۲۹).

ترجمه: « با کسانی از اهل کتاب پیکار کنید که به خدا و روز قیامت ایمان نمی‌آورند، و آنچه را که خدا و پیامبرش حرام نموده است حرام نمی‌شمارند، و دین حق را نمی‌پذیرند، تا با کمال حقارت و خواری به دست خویش جزیه پردازند. »

« این اولین آیه بود که الله متعال پیامبر - صلی الله علیه وسلم - و صحابه کرام اش به جهاد در مقابل اهل کتاب امر نمود، به همین خاطر بود که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - همراه با صحابه کرام جهت جهاد و مبارزه در مقابل رومیان آماده گئی گرفتند »^(۲).

۳- فرمان یافتن صحابه کرام به جهاد در برابر مشرکین:

﴿ وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً ﴾ (توبه: ۳۶).

ترجمه: « و با همه مشرکان بجنگید همانگونه که با همه شما می‌جنگند. »

(۱) تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر، ج ۴، ص ۲۳۷.

(۲) تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر، ج ۴، ص ۱۳۲.

« مراد از مشرکین در این آیه مشرکین هستند که در غزوه احزاب در مقابل پیامبر - صلی الله علیه وسلم - و صحابه کرام مبارزه می کردند، خداوند - تبارک و تعالی - در این آیه صحابه کرام به به قتال و جهاد در مقابل این مشرکین امر نموده است »^(۱).

چنانچه الله - تبارک و تعالی - در آیه دیگری همین سوره می فرماید:

﴿ فَإِذَا انْسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرْمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَأَحْصُرُوهُمْ وَأَقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصِدٍ فَإِن تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴾ (التوبة: ۵)

ترجمه: « پس وقتی که ماه های حرام به پایان رسید، مشرکان را هرکجا یافتید بکشید و بگیرید و محاصره کنید، و در هر کمین گاهی به کمین آنان بنشینید، پس اگر توبه کردند و نماز را بر پا داشتند و زکات را پرداختند راه را بر آنان باز بگذارید، همانا الله متعال آمرزنده و مهربان است ».

امام ابن کثیر - رحمه الله - در تفسیر این آیه می فرماید: « حضرت ابو بکر صدیق - رضی الله عنه - حکم جهاد در مقابل مشرکین و کسانی که از پرداخت ذکات امتناع می ورزیدند از همین آیه گرفته است »^(۲).

﴿ أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ ﴾ (الحج: ۳۹).

ترجمه: « به کسانی که از روی ستم (با آنان) جنگ می شود اجازه (جهاد) داده شده و الله متعال تواناست بر اینکه ایشان را پیروز گرداند ».

صاحب تفسیر (الکشاف) می گوید: « مراد از این آیه صحابه کرام می باشد، زیرا مشرکین مکه انواع مظالم را بالای آنها روا می داشت، در حالی که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - به آنها می گفت در مقابل این ظلم و ستم مشرکین صبر کنید، زیرا من تا هنوز اجازه (جهاد و قتال) در مقابل آنها را از جانب پروردگار دریافت نکرده ام، تا اینکه به مدینه منوره هجرت نمودند، و این آیه نخستین آیه بود که به مؤمنین اجازه جهاد در مقابل مشرکین داده شد »^(۳).

(۱) زهرة التفاسیر، محمد بن أحمد بن مصطفى بن أحمد المعروف بأبي زهرة، دار الفكر العربي، ج ۶، ص ۳۳۰۰.

(۲) تفسیر القرآن العظيم، ابن کثیر، ج ۴، ۱۱۱.

(۳) الکشاف عن حقائق غوامض التنزيل، جار الله زبخشری، ج ۳، ص ۱۶۰.

مطلب سوم: صفت صحابه کرام به صداقت و راستی

صاحب معجم الوسیط در تعریف کلمه (صدق) می گوید: «صدق عبارت از مطابقت کلام به واقعیت است با اعتقاد متکلم، مثله گفته شود: فلانی صادق است و یا فلان کار صالح می باشد یعنی در آن هیچ شک و شبهه، نقص و عیب و دروغی وجود ندارد»^(۱)؛ الله تعالی می فرماید:

﴿وَقُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ﴾ (الاسراء: ۸۰).

ترجمه: «بگو: پروردگارا! مرا صادقانه (به هر کاری) وارد کن، و صادقانه (از آن) بیرون آور، یعنی: و چنان کن که خط اصلی من در آغاز و انجام همه چیز، راستی و درستی باشد».

صداقت و راستی در اعمال بندگان بخصوص مسلمانان از اساسات و مبانی ایمان آنها می باشد، و الله متعال آنها در قرآن کریم بخاطر اصلاح اعمال بندگان و تشویق و ترغیب آنها به اعمال خیر و سعادت دنیا و آخرت بیان نموده می فرماید:

﴿وَأَنْفَعُوا مِنْ مَا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَّ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُنَّ مِنَ الصَّالِحِينَ﴾ (المنافقون: ۱۰).

ترجمه: از چیزهایی که به شما داده ایم بذل و بخشش و صدقه و احسان کنی، پیش از آن که مرگ یکی از شما در رسد و بگوید: پروردگارا! چه می شود اگر مدت کمی مرا به تأخیر اندازی و زنده ام بگذاری تا احسان و صدقه بدهم و در نتیجه از زمره صالحان و خوبان شوم! «.

صداقت و راستی در عبادت الله متعال و برخورد با مخلوقات و بندگان خداوند تعالی نخست از همه متوجه صحابه کرام بوده است، و آنها از اولین مسلمانان بودند که آیات صدق متوجه ایشان شده است، که تمامی صحابه کرام این صفت را در امور زندگی خویش مطابق دستورات الهی عملی ساخته و از آن به جان و دل حمایت نموده اند.

دین مقدس اسلام که از دو پایه اساسی تشکیل یافته است (قرآن کریم و سنت نبوی - صلی الله علیه وسلم -)، توسط صحابه کرام و یاران گرامی پیامبر - علیه السلام - با صداقت و امانت داری کامل برای ما رسیده است، زیرا اجماع امت بر آن است که در صداقت و عدالت صحابه کرام ذره شک و شبهه

(۱) معجم الوسیط، ابراهیم مصطفی. أحمد الزیات. حامد عبد القادر. محمد النجار، دار الدعوة، تحقیق: مجمع اللغة العربية، ج ۱، ص

هم وجود ندارد، و اندک ترین شک و شبهه در صداقت و راستی صحابه کرام شک و شبهه در نصوص شریعت محسوب می گردد.

هم چنان آیات و احادیث زیادی در صداقت و راستی صحابه کرام وارد شده است که دوست داشتن و دفاع از آنها، و دشمنی با کسانی که به ایشان توهین می کنند را بر ما واجب می کند. الله متعال می فرماید:

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ ﴾ (التوبه: ۱۱۹).

ترجمه: « ای کسانی که ایمان آورده اید! از الله متعال بترسید و با راستگویان باشید ».

یعنی: « مراد از صادقین در این آیه اصحاب محمد - صلی الله علیه وسلم - می باشد، و در صداقت آنها میان امت مسلمه هیچ اختلاف وجود ندارد، هم چنان صادق کسی است که به صدق صحابه کرام و متابعت از آنها ایمان داشته باشد، زیرا حقیقت قبولی صداقت صحابه کرام متابعت از آنها می باشد »^(۱).

عزالدین بن عبدالسلام^(۲) در شرح این آیه می فرماید: « مراد از آن پیامبر - صلی الله علیه وسلم - و صحابه کرام - رضی الله عنهم اجمعین - می باشد، که الله متعال آنها را در ایمان به پیامبر - صلی الله علیه وسلم - و عدم کذب به او و متابعت از دستورات اش در هنگام امر به جهاد، تشویق و ترغیب نموده است »^(۳).

امام ابن جریر الطبری - رحمه الله - در تفسیر این آیه می فرماید: « مراد از (صادقین) پیامبر - صلی الله علیه وسلم - و صحابه کرام است »^(۴).

(۱) إعلام الموقعین عن رب العالمین، محمد بن ابی بکر آیوب الزرعی أبو عبد الله، دار الجلیل - بیروت، ۱۹۷۳، تحقیق: طه عبد الرؤوف سعد، ج ۴، ص ۱۰۱.

(۲) نام او: ابو محمد عزالدین عبدالعزیز بن عبدالسلام بن ابی القاسم بن الحسن بن محمد بن مهذب السلمی، مغربی الاصل می باشد، در شهر حوران کشور سوریه امروزی در سال (۵۷۷ هـ) متولد گردیده است، و در همان جا زندگی نموده است، وی در دعوت اسلامی و فقه شهرت خاص داشت، او از جمله علماء متبحر، متواضع، دارای چهره حسین بوده است، بلاخره در سال (۶۶۰ هـ) در مصر وفات نموده است، دیده شود: طبقات الشافعیة، امام سبکی، ج ۸، ص ۲۰۹؛ و طبقات المفسرین، امام داودی، ج ۱، ص ۳۱۵.

(۳) دیده شود: تفسیر القرآن، ابی محمد عزالدین عبدالعزیز بن عبدالسلام السلمی الدمشقی ملقب به (سلطان العلماء)، تحقیق د. عبدالله بن ابراهیم الوهیبی، ج ۲، ص ۵۷.

(۴) جامع البیان فی تاویل القرآن، طبری، ج ۱۴، ص ۵۵۹.

صاحب تفسیر خازن می فرماید: « مراد از آیه: (وكونوا مع الصادقين) کسانی است که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - و صحابه کرام اش را تصدیق نموده اند، و همراه با ایشان در غزوات شرکت نمودند، و با مخالفین پیامبر و منافقین مخالفت نموده اند، حضرت ابن عباس - رضی الله عنه - می گوید: مراد از صدقین در این آیه کسانی هستند که در نیت شان صادق و در قلبها و اعمال شان در راه الله متعال مستقیم و استوار می باشند»^(۱).

هم چنان الله - تبارک و تعالی - صحابه کرام را در جای دیگر نیز به صداقت و راستی در مقابل دین اش و بر خودر با مخلوقات و بندگانش توصیف نموده می فرماید

﴿أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ﴾ (الحشر: ۸).

ترجمه: « اینها (صحابه کرام) راست گویان هستند ».

امام بغوی - رحمه الله - در تفسیر این آیه می فرماید: « صحابه کرام بسوی دار هجرت از منازل و امکان شان بخاطر طلب و کسب رضای الهی خارج شدند، و بخاطر مدد و کمک دین الله سبحانه و رسول اش - صلی الله علیه وسلم - با ایمان کامل و عقیده راسخ و صداقت واقعی خارج شدند، زیرا آنها در ایمان شان به الله متعال و رسول - صلی الله علیه وسلم - صادق بودند»^(۲).

امام ابن کثیر - رحمه الله - در تفسیر این آیه می گوید: « آنها از دیار و مسکن خویش خارج شدند و با قوم خود بخاطر کسب رضایت الله - تبارک و تعالی - مخالفت نمودند، و به این عمل شان دین خداوند سبحانه و رسول الله - صلی الله علیه وسلم - را نصرت و یاری نمودند، زیرا که قول آنها با فعل شان در صداقت و راستی قرار داشت و آنها از جمله سادات مهاجرین بودند»^(۳).

قتاده - رحمه الله - می گوید: « این مهاجرین خانه، اموال، اهل، دیار و خانواده خود را بخاطر حب الله متعال و رسول اش - صلی الله علیه وسلم - ترک نمودند، و اسلام را با تمام مشکلات که در پیش رو

(۱) لباب التأویل فی معانی التنزیل، علاء الدین علی بن محمد بن ابراهیم بن عمر الشیخی أبو الحسن، المعروف بالخازن (المتوفی: ۷۴۱هـ)، تصحیح: محمد علی شاهین، دار الکتب العلمیة - بیروت، طبع اول سال: ۱۴۱۵ هـ، ج ۳، ص ۱۶۴؛ و النکت والعیون، امام ماوردی، ج ۲، ص ۴۱۴.

(۲) معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، امام بغوی، ج ۵، ص ۵۸.

(۳) تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر، ج ۱۳، ص ۴۸۷.

داشت برگزیدند، تاجای که گفته شده صحابه کرام از اثر شدت گرسنگی سنگ ها را در شکم های شان بسته می کردند تا احساس گرسنگی نکنند» (۱).

هم چنان صداقت و راستی صحابه کرام را پیامبر - صلی الله علیه وسلم - سبب امنیت امت مسلمه دانسته، می فرماید:

(النجوم أمانة للسماء فإذا ذهب النجوم أتى السماء ما توعد وأنا أمانة لأصحابي فإذا ذهب أتى أصحابي ما يوعدون وأصحابي أمانة لأمتي فإذا ذهب أصحابي أتى أمتي ما يوعدون) (۲).

ترجمه: « ستارگان نگهبان آسمانها هستند، و هرگاه ستارگان رفتند آنچه بر آسمانها وعده شده خواهد آمد، و من نیز حافظ و نگهبان یاران خود هستم و هرگاه من رفتم آنچه بر یاران من وعده داده شده میاید، و اصحاب من نگهبان امتم هستند پس هرگاه اصحاب من رفتند امتم بدانچه وعده داده شده اند دچار خواهند شد ».

مطلب چهارم: صفت صحابه کرام به سخت گیری و شدت در مقابل کفار

راغب اصفهانی در تعریف کلمه (شد) می فرماید: « الشد، به معنی عذاب و شکنجه استعمال می شود» (۳)، چنانچه الله متعال می فرماید:

﴿ فَإِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّىٰ إِذَا أَنحَنَتُهُمْ فَشُدُّوا الْوَتَاقَ ﴾ (محمد: ۴).

ترجمه: « پس هنگامی که با کافران روبرو شدید گردن هایشان را بزنید و هم چنان ادامه دهید تا به اندازه ای کافی دشمن را (با کشتن و زخمی کردن) ضعیف نمایید و درهم بکوبی؛ در این هنگام اسیران را محکم ببندید ».

﴿ مَلَأْنَا كَلْبَةَ غِلَاطٍ شِدَادًا ﴾ (التحریم: ۶).

ترجمه: « فرشتگانی بر آن گماره شده اند که خشن و سخت گیر و زورمند و توانا هستن ».

﴿ الَّذِي جَعَلَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَأَلْقِيَاهُ فِي الْعَذَابِ الشَّدِيدِ ﴾ (ق: ۲۶).

(۱) البحر المحیط فی التفسیر، أبو حیان محمد بن یوسف بن علی بن یوسف بن حیان أثير الدين الأندلسي، تحقیق: صدقی محمد جمیل، دار الفکر - بیروت، ج ۵، ص ۳۵۷.

(۲) صحیح مسلم، کتاب فضائل الصحابة، باب بیان أن بقاء النبي - صلی الله علیه وسلم - أمان لأصحابه وبقاء أصحابه أمان للأمة، ج ۷، باب، ص ۱۸۳، حدیث (۶۶۲۹).

(۳) مفردات الغریب القرآن، راغب اصفهانی، ج ۱، ص ۲۵۶.

ترجمه: « آن کسی که معبود دیگری را با الله واحد و لا شریک برگزیده است پس او را در عذاب سخت (دوزخ) بیندازید ».

یکی از صفات صحابه و یاران گرامی پیامبر - صلی الله علیه وسلم - این بوده است که بر کافران و دشمنان دین حق سخت گیر و درشت خوی بودند، همان طوریکه در بین خود با همدیگر مهربان بودند، یعنی: آنها با مخالفان دین حق؛ شدید، با صلابت و خشن برخورد می نمودند.

چنانچه حسن بصری - رحمه الله - می فرماید: « سخت گیری و تشدد مؤمنان بر کفار به حدی بود که ایشان از این امر که جامه شان به جامه کفار بچسبد، پرهیز می کردند چه رسد به تماس بدن هایشان »^(۱).

﴿ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ ﴾ (الفتح: ۲۹).

ترجمه: « محمد - صلی الله علیه وسلم - فرستاده الله است، و کسانی که با او هستند بر کافران سخت گیر و درمیان خود مهربان اند ».

امام ابن کثیر - رحمه الله - می گوید: « مراد از (اشداء علی الکفار) یکی از صفت های صحابه کرام این بوده که آنها بالای کفار شدید و سخت گیر بوده و هنگام مقابله به آنها قهر و غضب می باشند، در حالی که در مقابل برادران مسلمان خود بشاش، خندان، و با مهربان برخورد می نمودند »^(۲).

سعدی می گوید: « صحابه کرام در مقابل کفار سختی می نمودند و بخاطر دشمنی به آنها از هر طریقه و روش استفاده می نمودند، به همین خاطر بود که کفار در مقابل مسلمانان هیچ قدرت و سلطه نداشتند »^(۳).

الله - تبارک و تعالی - در آیه دیگر بندگان اش را به شدت و سخت گیری در مقابل کفار دستور داده می فرماید:

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ﴾ (المائدة: ۵۴).

(۱) تفسیر المنیر، د. وهب الزحیلی، ج ۲۶، ص ۲۰۶؛ تفسیر الکشاف، زمخشری، ج ۴، ص ۳۴۸.

(۲) تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر، ج ۷، ص ۳۶۱.

(۳) تفسیر الکریم الرحمان، سعدی، ص ۷۹۸.

ترجمه: « ای کسانی که ایمان آورده اید! هرکس از شما از دینش برگردد و مرتد شود، الله متعال قومی را می آورد که آنها را دوست دارد و آنان (نیز) او تعالی را دوست دارند، و نسبت به مؤمنان نرم و فروتن و نسبت به کافران سخت و نیرومند اند در راه الله تعالی جهاد می کنند و از سرزنش هیچ سرزنش کننده ای نمی ترسند.»

هم چنان، خداوند متعال بندگان اش را در هنگام برخورد و قتال با کفار هدایت نموده، می فرماید:

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلِيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً ﴾ (التوبة: ۱۲۳).

ترجمه: « ای کسانی که ایمان آورده اید! با کسانی از کافران بجنگید که به شما نزدیکتر اند و باید از شما درشتی و خشونت ببیند.»

امام ابن جریر طبری - رحمه الله - می فرماید: « محمد - صلی الله علیه وسلم - و کسانی که به دین او هستند، قلب های آنها در برابر کفار سخت می باشد» (۱).

فشرده اینکه، یکی از صفات صحابه کرام سخت گیری و برخورد درشت آنها در مقابل کفار بخصوص هنگام جهاد و قتال می باشد، صحابه کرام برای کفار در هیچ عرصه مهلت نمی دادند تا در امور زندگی مسلمانان مداخله و دست درازی نمایند، به همین خاطر در عصر صحابه کرام نظام مملکت و امور جامعه هر وقت در دست مسلمانان قرار داشت، که این از برکت موقف اسلامی و قرآنی آنها بوده است.

مطلب پنجم: صفت صحابه کرام به الطاف و ترحم با مؤمنین

کلمه (رحم) در کتاب لسان العرب چنین تعریف شده است: « رحمت و رحمت، به معنی رقت و عطوفت می باشد، چنانچه گفته شده: (وقد رحمته وترحمت علیه) یعنی: به او ترحم و عطوفت نمودی، (وتراحم القوم رحم بعضهم بعضاً) یعنی قومی بر یک دیگر شان مهربانی و عطوفت نمودند، و (مرحمه) نیز همانند رحمت است» (۲)؛ چنانچه الله - تبارک و تعالی - می فرماید:

﴿ ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ * أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ ﴾ (البلد: ۱۷-۱۸).

ترجمه: « پس از آن از کسانی است که ایمان آورده و همدیگر را به صبر و شکیبایی توصیه کرده و همدیگر را به مهربانی سفارش نموده اند؛ ایشان اهل سعادتند.»

(۱) جامع البيان فی تأویل القرآن، ابن جریر الطبری، ج ۲۲، ص ۲۶۱.

(۲) لسان العرب، ابن منظور، ج ۱۲، ص ۲۳۰.

یعنی: الله متعال بعضی بندگان را بر بعضی دیگر آنها به ترحم و عطوفت امر نموده است.
و این قول الله تعالی:

﴿إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ﴾ (الاعراف: ۵۶)

ترجمه: «همانا رحمت الله تعالی به نیکوکاران نزدیک است».

یکی از صفات صحابه کرام و یاران گرامی پیامبر - صلی الله علیه وسلم - در برخورد با مخلوقات، ترحم و عطوفت آنها در مقابل یکدیگر می باشد، زیرا صحابه کرام نسبت به هر بنده خداوند متعال در اخوت و برادری پیش قدم هستند، و آنها اولین اساس اخوت و برادری را در جامعه اسلامی بنیان گذاری نمودند، چنانچه ترحم صحابه کرام در مقابل یکدیگر شان چنین بیان گردیده است، الله متعال می فرماید:

﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾ (الفتح: ۲۹).

ترجمه: «محمد - صلی الله علیه وسلم - فرستاده الله است، و کسانی که با او هستند بر کافران سخت گیر و درمیان خود مهربان اند».

«رحما جمع رحیم است، یعنی: صحابه و مؤمنین بالای کفار سخت گیر و در بین خود مهربان بودند» (۱).

یعنی: «صحابه کرام با یکدیگر محبت داشتند، و در بین خود با مهربانی و ترحم برخورد می نمودند، و مانند جسم و جسد واحد یک دیگر را می شناختند، آنها چیزی را که به خود می پسندید به برادر مسلمان خود نیز پسند می نمود، این معامله آنها با مخلوق بود» (۲).

حسن بصری - رحمه الله - می فرماید: «مهربانی شان در میان همدیگر به جایی رسیده بود که هیچ مؤمنی مؤمن دیگری را نمی دید مگر این که با وی مصافحه می کرد و او را در بغل می گرفت» (۳).

صحابه کرام چون شاگردان مدرسه نبوت بودند بهترین الگو و نمونه اخلاق و مهربانی در جامعه اسلامی می باشند، و باید هر مسلمان برخورد و معامله متقابل را از آنها بیاموزد و آنرا سرمشق زندگی خویش قرار دهد، چنانچه امام زنجشیری - رحمه الله - می فرماید: «حقیقت این است که مسلمانان باید در هر

(۱) زاد المسیر فی علم التفسیر، جمال الدین أبو الفرج عبد الرحمن بن علی بن محمد الجوزی (المتوفی: ۵۹۷هـ)، تحقیق: عبد الرزاق المهدي

دار الكتاب العربي - بیروت، طبع اول سال: - ۱۴۲۲ هـ، ج ۴، ص ۱۳۸.

(۲) تیسیر الکریم الرحمان فی تفسیر کلام المنان، سعدی، ص ۷۹۸.

(۳) تفسیر الکشاف، زنجشیری، ج ۴، ص ۳۴۸.

زمان و مکان با همدیگر معامله و معاشرت نیکو، مهربانانه، و بر یکدیگر رحیم باشند؛ و اخلاق نامناسب را در مقابل دیگر مسلمانان اختیار نکند»^(۱).

امام بغوی - رحمه الله - می گوید: « صحابه کرام به اندازه با یکدیگر محبت داشتند و یکدیگر را دوست می داشتند، گویا اینکه برخورد آنها همانند اولاد در مقابل والدین اش باشد»^(۲).

صحابه کرام این فرموده الله متعال را که مؤمنین را به اخوت و برادری امر نموده است بالای خویش عملی ساختند، به همین خاطر مستحق رحمت الهی قرار گرفتند، چنانچه الله متعال می فرماید:

﴿ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴾ (الحجرات: ۹-۱۰)

ترجمه: « هر آینه مؤمنان برادران یکدیگر اند میان برادران تان آشتی و صلح نمائید و از الله متعال بترسید، تا باشد که مستحق رحمت الهی قرار گیرید».

یعنی: هرگاه مسلمان با مسلمان در فضای اخوت و برادر زندگی نماید، مستحق پاداش دنیوی و اخروی می گردد، و مستحق رحمت الهی قرار می گیرد.

هم چنان پیامبر - صلی الله علیه وسلم - نیز صحابه کرام و یاران گرامی شانرا به اخوت و برادری تشویق و ترغیب نموده است، تا با هم در فضای صلح، اخوت، ترحم، عطف و صمیمیت کامل زندگی نمایند، چنانچه این دو حدیث ذیل به آن گواه است:

« عن النعمان بن بشير - رضي الله عنه - قال: قال رسول الله - صلی الله علیه وسلم - : تری المؤمنین فی تراحمهم وتوادهم وتعاطفهم كمثل الجسد إذا اشتكى عضوا تداعى له سائر جسده بالسهر والحمى»^(۳).

ترجمه: « نعمان بن بشير - رضي الله عنه - می گوید: رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمود: مؤمنان در شفقت، دوستی و مهربانی با یکدیگر مانند اعضاي يك پيكر اند که اگر عضوي از آن بدرد آید، سایر اعضاء بي قرار مي گردند و تب مي شوند».

« عن أبيه أبي موسى - رضي الله عنه - قال: قال: عن النبي - صلی الله علیه وسلم - قال: المؤمن للمؤمن كالبنيان يشد بعضه بعضا، ثم شبك بين أصابعه»^(۴).

(۱) مرجع سابق.

(۲) معالم التنزيل في تفسير القرآن، امام بغوی، ج ۲، ص ۸۷۶.

(۳) صحيح بخاری، كتاب الادب، باب رحمة الناس والبهائم، ج ۵، ص ۲۲۳۸، حدیث (۵۶۶۵).

(۴) صحيح البخاری، كتاب الادب، باب تعاون المؤمنین بعضهم بعضا، ج ۵، ص ۲۲۴۲، حدیث (۵۶۸۰).

ترجمه: « از ابوموسی اشعری - رضي الله عنه - روایت است که رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - فرمود: مؤمن برای مؤمن، بمنزله يك ساختمان است که هر قسمت آن، موجب تقویت قسمت دیگر آن می شود، و برای نشان دادن حالت آن، انگشتان دستهای خود را تشبیه کرد؛ (یعنی: آنرا در یک دیگر داخل نمود) ».»

بنابراین هر مسلمان باید در هر لحظه زندگی خود بخصوص در هنگام دعاهایش طلب رحمت الهی را نماید، و این آیه کریمه را بیاد داشته باشد، چنانچه الله متعال می فرماید:

﴿ رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴾ (البقرة: ۲۸۶).

ترجمه: « پروردگارا! آنچه تاب و توانش را نداریم بر دوش ما مگذار و از ما درگذر، و ما را بیامرز، و بر ما رحم فرما، تو سرور ما هستی، پس ما را بر قوم کافران پیروز گردان ».»

امام ابن جریر طبری - رحمه الله - در تفسیر (وارحمننا) می فرماید: « بار الهی اگر تو بالای ما رحمت فرمای اعمال ما در حدی نیست که ما را از عذاب دوزخ نجات دهد، و اگر رحمت الهی شامل حال ما نباشد هیچ بنده ای بواسطه اعمال خود نجات پیدا کرده نمی تواند ».»^(۱).

مطلب ششم: صفت صحابه کرام به ایثار و فداکاری

آیات زیادی در قرآن کریم است که در آن الله - تبارک و تعالی - از ایثار و فداکاری صحابه کرام در مقابل دیگران خبر داده است، و لو اگر صحابه کرام در حالت فقر و بیچاره گی هم قرار می داشت در مقابل دیگران تا آخرین سرحد فداکاری می نمودند، که ایثار و فداکاری انصار صحابه کرام در مقابل مهاجرین که از مکه معظمه به مدینه هجرت نموده بودند در تاریخ اسلام بی نظیر می باشد.

ایثار، عبارت از مقدم داشتن مصلحت دیگران بر مصلحت خویش در روی گردانی از دنیا است. بخیل آن است که نه خود می خورد و نه به دیگران می خوراند و در مقابل، سخی: کسی است که هم خود می خورد و هم به دیگران می خوراند، اما جواد: کسی است که خود نمی خورد ولی به دیگران می خوراند، که انصار مدینه از ایشان بودند^(۲).

(۱) جامع البیان فی تاویل القرآن، ابن جریر الطبری، ج ۶، ص ۱۴۱.

(۲) فتح القدر، امام شوکانی، ج ۵، ص ۲۳۹.

الله متعال می فرماید:

﴿ وَيُؤْتُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴾ (الحشر: ۹)
ترجمه: « و دیگران را بر خودشان ترجیح می دهند هرچند که خود سخت نیازمند باشند، و کسانی که از آزمندی نفس خویش مصون باشند اینانند که رستگارانند.»

ابن کثیر - رحمه الله - در تفسیر این آیه می فرماید: « صحابه کرام نیاز مندی ها و حاجات مردم را نسبت به حاجات خود مقدم می دانستند، و به مشکلات مردم قبل از مشکلات خود اقدام می نمودند.»^(۱)

امام ابن جریر طبری - رحمه الله - می فرماید: « الله - تبارک و تعالی - در این آیه توصیف انصار صحابه کرام را نمود است، زیرا آنها خانه و کاشانه ای شانرا در خدمت مهاجرین صحابه کرام قرار دادند، و نیاز مندی های و مشکلات مهاجرین را نسبت به ضروریات خود برتر می دانستند.»^(۲)
صحابه کرام بهترین مال و دارائی شانرا بنام خداوند متعال صدیقه می کردند، و این آیه کریمه را بر خویشان عملی نمودند، چنانچه الله متعال می فرماید:

﴿ وَآتَى الْمَالَ عَلَىٰ حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ ﴾ (البقره: ۱۷۷).

ترجمه: « و مال (خود را) با وجود دوست داشتن آن به خویشاوندان، یتیمان، بینوایان بخشید.»
در مورد اموال که باید جهت رضامندی الله متعال صدقه شود در حدیثی چنین وارد شده است:
« عن أبي هريرة - رضي الله عنه - أنه قال: يا رسول الله - صلى الله عليه وسلم - أي الصدقة أفضل؟ قال: جهد المقل وابدأ بمن تعول.»^(۳)

ترجمه: « ابو هریره - رضي الله عنه - می گوید: گفتند ای رسول الله - صلى الله عليه وسلم - چه صدقه ای بیشتر فضیلت دارد؟ فرمود: صدقه اندکی که از دست رنج فرد باشد؛ و از خانواده ات شروع کن.»
هم چنان، امام بخاری - رحمه الله - در سبب نزول آیه: ﴿ وَيُؤْتُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ ﴾، حدیثی را از پیامبر - صلى الله عليه وسلم - چنین روایت نموده است:

(۱) تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر، ج ۸، ص ۷۰.

(۲) جامع البیان فی تأویل القرآن، ابن جریر الطبری، ج ۲۳، ص ۲۸۴.

(۳) مسند احمد بن حنبل، ج ۱۴، ص ۳۲۴، حدیث (۸۷۰۲).

(عن أبي هريرة - رضي الله عنه - : أن رجلا أتى النبي - صلى الله عليه و سلم - فبعث إلى نسائه فقلن ما معنا إلا الماء فقال رسول الله - صلى الله عليه و سلم - (من يضم أو يضيف هذا)؛ فقال رجل من الأنصار أنا فانطلق به إلى امرأته فقال: أكرمي ضيف رسول الله - صلى الله عليه و سلم - فقالت: ما عندنا إلا قوت صبياني فقال: هيئي طعامك وأصبحي سراجك ونومي صبيانك إذا أرادوا عشاء، فهيات طعامها وأصبحت سراجها ونومت صبيانها ثم قامت كأنها تصلح سراجها فأطفأته فجعلوا يريانها أنهما يأكلان فباتا طاويين فلما أصبح غدا إلى رسول الله - صلى الله عليه و سلم - فقال: (ضحك الله الليلة أو عجب من فعالكما)، ﴿ فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى وَيُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يَرْقُ شَحْ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمَفْلُحُونَ ﴾ (١).

ترجم: « از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت کرده است که فرمود: مردی نزد رسول الله - صلی الله علیه و سلم - آمد و گفت: یا رسول الله! به من گرسنگی و فقر رسیده است، آنحضرت - صلی الله علیه و سلم - نزد همسران خویش فرستادند و لی نزد ایشان چیزی نیافتند، آن گاه فرمودند: آیا مردی نیست که امشب او را مهمان کند، الله متعال بر وی رحم نماید! در این اثنا مردی از انصار بپا ایستاد و گفت: یا رسول الله - صلی الله علیه و سلم -! من او را مهمان می کنم، پس او را به خانه اش برد و به زنش گفت: این شخص مهمان رسول اکرم - صلی الله علیه و سلم - است لذا چیزی از وی ذخیره نکن و هر چه داری پیش بیاور، زنش گفت: به الله متعال که نزد من جز قوت (غذای) کودکان چیز دیگری نیست، مرد گفت: بسیار خوب! چون کودکان غذای خود را خواستند، آنان را به خواب کن آن گاه غذا را نزد مهمان می بریم و بعدا بیا و چراغ را خاموش کن و خود ما نیز امشب بر شکمهایمان چیزی می بندیم تا گرسنگی آزارمان ندهد، پس آن زن چنین کرد، چون صبح شد آن مرد نزد رسول الله - صلی الله علیه و سلم - آمد و همین که رسول اکرم - صلی الله علیه و سلم - او را دیدند، فرمودند: خداوند متعال را خوش آمد، یا الله تعالی از کار فلان مرد و فلان زن خندید، پس این آیه نازل شد: (وَيُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ)، البته در بیان سبب نزول این آیه روایات دیگری نیز به همین معنی آمده است.»

(١) صحیح البخاری، کتاب الفضائل الصحابة، باب قول الله ﴿ وَيُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ ﴾، ج ٣، ص ١٣٨٢، حدیث (٣٥٨٧).

ایثار و فداکاری صحابه کرام از عالی ترین جایگاه نزد الله متعال محسوب می گردد، چنانچه الله متعال می فرماید:

﴿ وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا ﴾ (الانسان: ۸).

ترجمه: « و خوراک با این که دوستش دارند به بینوا و یتیم و اسیر می دهند ».

در این قسمت صرف به ایثار و فداکاری حضرت ابوبکر صدیق - رضی الله عنه - که تمامی مال خود را در راه الله متعال صدقه نمود اکتفا می کنیم:

« عن زيد بن أسلم عن أبيه قال: سمعت عمر بن الخطاب - رضی الله عنه - يقول أمرنا رسول الله - صلی الله علیه وسلم -، أن نتصدق فوافق ذلك ما لا فقلت اليوم أسبق أبا بكر إن سبقته يوماً قال: فحئت بنصف مالي فقال: رسول الله - صلی الله علیه وسلم - ما أبقيت لأهلك؟ قلت مثله، وأتى أبو بكر - رضی الله عنه - بكل ما عنده، فقال: يا أبا بكر - رضی الله عنه - ما أبقيت لأهلك؟ قال: أبقيت لهم الله ورسوله، قلت: والله لا أسبقه إلى شيء أبداً »^(۱).

ترجمه: « از حضرت عمر بن الخطاب - رضی الله عنه - روایت شده که گفت: رسول الله - صلی الله علیه وسلم - ما را به دادن صدقه امر نمود، نزد من در آن هنگام مقداری مالی بود پس با خود گفتم: امروز از ابوبکر - رضی الله عنه - سبقت می گیرم و اگر قرار باشد سبقت بگیرم امروز همان روز است و با نصف مال خود آمدم که رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: چقدر برای اهلت باقی گذاشتی؟ گفتم: به همین مقدار (نصف مال خود را آوردم)، در این هنگام ابوبکر - رضی الله عنه - با همه مالش آمد و رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمودند: ای ابابکر! چی مقدار مال برای اهلت باقی گذاشتی؟ او گفت: الله متعال و رسول اش - صلی الله علیه وسلم - را نزد آنها باقی گذاشتم؛ با خود گفتم: به الله که دیگر نخواهم توانست ابدا در چیزی از ابوبکر - رضی الله عنه - سبقت گیرم ».

مطلب هفتم: صفت صحابه کرام به وسطیت و اعتدال

راغب اصفهانی کلمه (وسط) چنین تعریف نموده: « وسط شی عبارت از آن است که هر دو طرف و اندازه آن مساوی باشد، و امکان دارد که دو طرف یک قضیه در مواردی مذموم باشد، و یا در افراط و

(۱) سنن الترمذی، کتاب المناقب، باب فی مناقب ابی بکر و عمر رضی الله عنهما، ج ۵، ص ۶۱۴، حدیث (۳۶۷۵).

تفریط قرار داشته باشد، یعنی: در افعال سوء و عدل باهم مقایسه گردد؛ و امکان دارد که یک طرف محمود و طرف دیگر مذموم باشد مانند خیر و شر و نیکی و بدی «(۱)».

صاحب معجم الوسیط در تعریف کلمه (وسط) می گوید: « وسط عبارت از کسی است که در مورد یک قضیه وساطت و میان جگری نماید، مثل گفته شود: فلانی وسط را در بین جید و ردی انتخاب نموده است، و یا معتدل و میانه هر چیز را وسط می گویند «(۲)».

صاحب لسان العرب کلمه (وسط) را چنین تعریف نموده: « وسط به معنی عدالت و فضیلت می باشد «(۳)».

از تعاریفات فوق ثابت می شود که وسط در لغت عبارت میانه یا مرکز دایره یک چیز است، سپس برای صفات پسندیده عاریت گرفته شده، زیرا هر صفت پسندیده ای در میانه افراط و تفریط قرار دارد، پس وسط یعنی برگزیده و بهتر، یا میانه رو و عادل می باشد.

چون حضرت محمد - صلی الله علیه وسلم - آخرین پیامبر مرسل الهی برای هدایت بشریت می باشد، الله - تبارک و تعالی - امتیان و یاران او را برگزیده ترین امتها خوانده است، و آنها را امت (وسط) انتخاب نمود است، که در رأس آن صحابه کرام قرار دارد، یعنی: صحابه و یاران گرامی آنحضرت - صلی الله علیه وسلم - نسبت به دیگر مسلمانان از همه اولتر امت وسط می باشد، به همین خاطر است که الله متعال کلمه (وسط) را در (۵) صیغه (۵) بار در قرآن کریم بیان نموده است، چنانچه می فرماید:

﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ﴾ (البقرة: ۱۴۳).

ترجمه: « و اینگونه شما را امت میانه و معتدل گردانیدیم تا گواهان بر مردم باشید و پیامبر - صلی الله علیه وسلم - بر شما گواه باشد «.

خطیب بغدادی در کتاب اش (الكفاية في علم الرواية) می گوید: « با وجود که لفظ (امة وسطا) عام است لکن مراد از آن خاص می باشد که عبارت از (صحابه کرام) می باشد نه غیر از آنها «(۴)».

(۱) مفردات غریب القرآن، راغب اصفهانی، ج ۱، ص ۵۲۲.

(۲) المعجم الوسیط، محمد النجار، ج ۲، ص ۱۰۳۱.

(۳) لسان العرب، ابن منظور، ج ۷، ۴۲۶.

(۴) الكفاية في علم الرواية، أحمد بن علي بن ثابت أبو بكر الخطيب البغدادي، المكتبة العلمية - المدينة المنورة، تحقيق: أبو عبد الله السورقي و إبراهيم حمدي المدني، باب ما جاء في تعديل الله ورسوله للصحابة، ص ۴۶.

امام ابن قیم الجوزی - رحمه الله - در تفسیر این آیه می فرماید: « الله متعال در این آیه خبر می دهد که (صحابه کرام) را امت مخیر و عادل انتخاب نمودیم، که حقیقت و سطیت نیز همین مفهوم می باشد، زیرا صحابه کرام خیر این امت است، صحابه کرام در اقوال، اعمال، إرادة، نیت خود عادل و صادق هستند، آنها مستحق آن هستند که بالای پیامبران قبلی - علیهم السلام - بر امت های شان شاهد و گواه باشند، و الله متعال گواهی و شهادت صحابه کرام را در حق استدلال پیامبران قبلی - علیهم السلام - می پذیرد»^(۱).

امام ابن جریر الطبری - رحمه الله - می فرماید: « صحابه و یاران پیامبر - صلی الله علیه وسلم - بخاطر به امت وسط مسمی گردیده اند که، آنها مانند نصاری در دین غلو و افراط نمی کردند چنانچه نصاری در حق حضرت عیسی - علیه السلام - افراط نمودند، هم چنان آنها همانند یهود تفریط و تقصیر نیز را در دین روا نمی داشتند، زیرا یهود کتاب آسمانی (تورات) را تحریف نمودند و انبیاء - علیهم السلام - را به قتل می رساندند، و به الله متعال کافر شدند، لکن صحابه کرام اهل توسط و اعتدال بودند به همین خاطر الله متعال آنها را به امت وسط توصیف نمود، بهترین اعمال و امور نزد الله متعال وسط آن است»^(۲).

« عن أبي سعيد - رضی الله عنه - قال: قال رسول الله - صلی الله علیه وسلم -، یجیء نوح وأمته فيقول الله تعالى هل بلغت؟ فيقول نعم أي رب فيقول لأمته هل بلغكم؟ فيقولون لا ما جاءنا من نبي فيقول لنوح من يشهد لك؟ فيقول محمد - صلی الله علیه وسلم - وأمته فنشهد أنه قد بلغ وهو قوله جل ذكره ﴿ وكذلك جعلناكم أمة وسطا لتكونوا شهداء على الناس ﴾^(۳).

ترجمه: « از ابوسعید خدری - رضی الله عنه - روایت شده است که گفت: پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرمودند: روز قیامت نوح - علیه السلام - و امتش به حضور پروردگار می آیند؛ خداوند متعال می فرماید: ای نوح - علیه السلام -! آیا دین و شریعت مرا به مردم رساندی و آن را تبلیغ کردی؟ نوح - علیه السلام - جواب می دهد: الهی! بله، الله متعال خطاب به امت نوح می فرماید: آیا نوح - علیه

(۱) إعلام الموقعین، ابن قیم الجوزیه، ج ۴، ص ۱۳۳.

(۲) جامع البیان فی تأویل القرآن، ابن جریر الطبری، ج ۳، ص ۱۴۲.

(۳) صحیح بخاری، کتاب الأنبياء، باب قول الله تعالى: (إنا أرسلنا نوحا إلى قومه أن أنذر قومك من قبل أن يأتهم عذاب أليم)، ج ۳،

ص ۱۲۱۵، (۳۱۶۱).

السلام - دین مرا به شما رساند؟ جواب می دهند: نه خیر، هیچ پیامبری به سوی ما نیامد؛ خداوند متعال به نوح - علیه السلام - می گوید: شاهد و گواه تو در امر تبلیغ کیست؟ جواب می دهد: محمد - صلی الله علیه وسلم - و امت او؛ پس ما شهادت می دهیم که او دین الله متعال را تبلیغ کرد و آن را به قومش رساند و این است معنی این قول الله متعال که می فرماید: ﴿جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَىٰ﴾.

هم چنان الله متعال صحابه کرام را از میان امت انتخاب نموده می فرماید:

﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ (آل عمران: ۱۱۰).

« عن ابن عباس في قوله عز وجل قال هم الذين هاجروا مع محمد - صلی الله علیه وسلم - إلى المدينة «(۱)».

ترجمه: « حضرت عبدالله بن عباس - رضی الله عنه - در تفسیر این آیه می گوید: آنها (صحابه کرام) کسان هستند که همراه با رسول الله - صلی الله علیه وسلم - یکجا از مکه معظمه به مدینه منوره هجرت نمودند.»

مطلب هشتم: صفت صحابه کرام به علم

راغب اصفهانی در تعریف علم می گوید: « علم عبارت از فهم و درک شیء به حقیقت آن» (۲). صاحب لسان العرب در تعریف علم می گوید: « علم عبارت از شناخت معلوم بر وجه و وصفی که در عالم واقع است، و گفته شده که عالم کسی است که به آنچه که علم دارد عمل می کند، علم یکی از صفات الله متعال نیز می باشد» (۳).

الله - تبارک و تعالی - می فرماید:

﴿وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ﴾ (یس: ۸۱).

ترجمه: « و او تعالی آفریننده ای عالم و دانا است.»

(۱) مسند امام احمد بن حنبل، احمد بن حنبل، المحقق: شعيب الأرنؤوط وآخرون، مؤسسة الرسالة، طبع: دوم ۱۴۲۰ هـ، ۱۹۹۹ م،

موقع الإسلام، ج ۴، ص ۲۷۲، حدیث (۲۴۶۳).

(۲) مفردات غریب القرآن، راغب اصفهانی، ج ۱، ۳۴۳.

(۳) لسان العرب، ابن منظور، ج ۱۲، ص ۴۱۶.

اطلاق عالم به انسان نیز شده است، زیرا الله متعال انسان را به علم که برایش اعطا نموده توصیف نموده است، چنانچه می فرماید:

﴿إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ﴾ (فاطر: ۲۸).

ترجمه: « تنها بندگان دانا از الله متعال بیم دارند ».

علم یکی از شروط و ارکان اساسی عبادت بندگان محسوب می گردد، که این خود از جایگاه و منزلت علم را در قرآن کریم نشان می دهد، هم چنان پیامبر - صلی الله علیه وسلم - احادیث را پیرامون فضیلت علم و علماء بیان نموده، چنانچه امام بخاری - رحمه الله - ، کتاب را تحت عنوان (کتاب العلم) در صحیح البخاری نام گذاری نموده و در آن احادیث را از آن حضرت - صلی الله علیه وسلم - روایت نموده است.

یکی از صفات اصحاب و یاران گرامی پیامبر - صلی الله علیه وسلم - علم می باشد، زیرا علم صحابه کرام عبارت از علم قرآن کریم و احادیث نبوی - صلی الله علیه وسلم - بوده است، و آنها این علم را به نسلهای بعدی منتقل نمودند، در حقیقت امت مسلمه در این بخش بعد از فضل و مرحمت الهی که برای هدایت بشریت بهترین کتاب آسمانی (قرآن کریم) را بالای بهترین پیامبر حضرت محمد - صلی الله علیه وسلم - نازل نمود، مدیون و سپاس گزار تلاشهای صحابه کرام هستند، زیرا صحابه کرام اولین کسانی بودند که امت مسلمه از آنها طلب علم نمودند، الله متعال در قرآن کریم آیات زیادی را پیرامون علمیت صحابه کرام بیان نموده، چنانچه می فرماید:

﴿وَيَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِي أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ هُوَ الْحَقُّ﴾ (سبأ: ۶).

ترجمه: « و دانش یافتگان آنچه را که از سوی پروردگارت به سوی تو فرستاده شده است حق می بینند ».

قتاده - رحمه الله - در تفسیر این آیه می فرماید: « مراد از آیه ﴿ وَيَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِي أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ هُوَ الْحَقُّ ﴾ صحابه و یاران گرامی پیامبر - صلی الله علیه وسلم - می باشد » (۱).

امام زحشری - رحمه الله - می فرماید: « ﴿ وَيَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِي أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ هُوَ الْحَقُّ ﴾ یعنی: اهل علم آنرا حق می دانند، که اهل علم در این آیه اصحاب رسول الله - صلی الله علیه وسلم - می باشد » (۲).

هم چنان الله - تبارک و تعالی - صحابه کرام در جای دیگر به علم چنین توصیف نموده می فرماید:

﴿ حَتَّى إِذَا خَرَجُوا مِنْ عِنْدِكَ قَالُوا لِلَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مَاذَا قَالَ أَنفَا ﴾ (محمد: ۱۶).

ترجمه: « اما هنگامی که از نزد تو بیرون می روند به کسانی که بدیشان علم و دانش بخشیده شده است می گویند: کمی پیش چه گفت ».

امام ابن جوزی - رحمه الله - می فرماید: « مراد از (أوتوا العلم) در این آیه علماء صحابه کرام است » (۳).

﴿ يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ ﴾ (المجادلة: ۱۱).

ترجمه: « الله متعال به کسانی از شما که ایمان آورده اند و بهره ای از علم دارند درجات بزرگی می بخشد ».

امام قرطبی - رحمه الله - در تفسیر این آیه می فرماید: « از یحیی بن یحیی روایت است که امام مالک - رحمه الله - در تفسیر آیه ﴿ يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ ﴾ می فرمود: مراد از آن صحابه کرام و یاران گرامی پیامبر - صلی الله علیه وسلم - می باشد » (۴).

در مصاحبت با پیامبر - صلی الله علیه وسلم - برای صحابه - رضوان الله علیهم اجمعین - تزکیه نفس و علم حاصل گردید، چنانچه آنرا الله متعال در قرآن کریم بیان نموده می فرماید:

﴿ هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴾ (الجمعة: ۲).

(۱) دیده شود: جامع البیان فی تأویل القرآن، امام طبری، ج ۲۰، ص ۳۵۲؛ و مختصر تفسیر البغوی، ج ۲، ص ۷۵۷؛ و النکت والعیون، ماوردی، ج ۴، ص ۴۳۳.

(۲) الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، جار الله زحشری، ج ۳، ص ۵۶۸؛ فتح القدر، امام شوکانی، ج ۴، ص ۳۵۹.

(۳) زاد المسیر، ابن جوزی، ج ۴، ص ۱۱۸.

(۴) الجامع الاحکام، قرطبی، ج ۱۷، ص ۲۹۹.

ترجمه: « او تعالی است کسی که در میان درس ناخوانندگان پیامبری از خود آنان برانگیخت که آیات اش را بر آنان می خوانند و آنان را پاک می دارد و به آنان کتاب و حکمت می آموزد، هرچند که پیش از این در گمراهی آشکار بودند.»

از این آیه ثابت می گردد که آنها قبل از نزول رحمت الهی (قرآن کریم) و مصاحبت با پیامبر - صلی الله علیه وسلم - در گمراهی قرار داشتند، که با قبولی اسلام وهم نشینی با رسول - علیه السلام - تزکیه نفس و علم به کتاب و سنت برای شان میسر گردید، که بعداً صحابه کرام این تزکیه و علم را برای نسل های بعد از خود شان به وجه احسن بیان نمودند، به همین اساس آنها نخست از تمامی بندگان به علم متصف گردیدند.

﴿لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ﴾ (آل عمران: ۱۶۴).

ترجمه: « به راستی که الله متعال بر مؤمنان منت نهاد، وقتی که در میان آنان از خودشان پیامبری مبعوث کرد تا آیات الهی را بر آنها بخواند، و ایشان را پاک بگرداند و کتاب و سنت را بدیشان بیاموزد گرچه پیش از آن در گمراهی آشکاری به سر می بردند.»

امام ابن جریر طبری - رحمه الله - در تفسیر این آیه می فرماید: « مردم قبل از وحی الهی و بعثت پیامبر - صلی الله علیه وسلم - در جهالت قرار داشتند، لکن با آمدن دین مقدس اسلام و وحی الهی، الله متعال توسط پیامبر - صلی الله علیه وسلم - به آنها علم و حکمت آموخت» (۱).

(۱) الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، جار الله زنجشیری، ج ۱، ۴۳۶.

فصل دوم

فضائل صحابه کرام در پرتو آیات قرآنی

مدخل:

در مباحث قبلی پیرامون شناخت و جایگاه صحابه کرام، هم چنان راجع به برخی از صفات بارز و مشهور اصحاب و یاران آنحضرت - صلی الله علیه وسلم - از منظر قرآن کریم و احادیث نبوی - صلی الله علیه وسلم - صحبت نمودیم.

اکثراً سیره نگاران و مؤرخین جهان اسلام معمولاً (صفات و فضائل صحابه کرام) را یکجا و همزمان بحث نموده اند، مگر از خصوصیات بارز این رساله تحقیق پیرامون (صفات و فضائل صحابه کرام در پرتو آیات قرآن کریم) بطور جداگانه می باشد که آنرا نسبت به دیگر تحقیقات در باره صحابه کرام متمایز ساخته است.

در شریعت مقدس اسلام بر هر فرد مسلمان واجب است که معترف به رفعت مقام اصحاب پیامبر - صلی الله علیه وسلم - و برتری آنها بر سایر افراد امت باشد، و اینکه دوره آنها بهترین دوران اسلام بوده است، که این مقام به دلیل سبقت آنها در پذیرش اسلام و افتخار هم صحبتی با حضرت محمد - صلی الله علیه وسلم - و مبارزات آنها به همراه او، و انجام مسئولیت انتقال شریعت به آیندگان و تبلیغ کامل (و موفقیت آمیز آن) بوده است.

به عنوان نمونه، مسلمانان مهاجرین را بر انصار و شرکت کنندگان در غزوه بدر را بر بیعت الرضوان و مسلمین و مجاهدین قبل از فتح مکه را بر مسلمین و مجاهدین پس از فتح مکه، ترجیح می دهند، و این برتری بخشیدن بر مبنای دلایل و تفصیلات وارده در قرآن کریم و سنت نبوی - صلی الله علیه وسلم - می باشد، در مجموع همه ای صحابه کرام و یاران گرامی آنحضرت - صلی الله علیه وسلم - در قرآن کریم دارای فضیلت خاصی می باشند.

که در حقیقت رسول الله - صلی الله علیه وسلم - و اصحاب ایشان ثمره ای دعای حضرت ابراهیم - علیه السلام - و فرزندش حضرت اسماعیل - علیه السلام - بودند و الله متعال دعای آنها را در حق

صحابه کرام مستجاب نمود است، چنانچه حضرت ابراهیم و حضرت اسماعیل - علیهما السلام - هنگام که بنای بیت الله شریف را تمام نمودند، چنین دعا نمودند:

﴿ رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴾ (البقره: ۱۲۹).

ترجمه: « پروردگارا، مبعوث فرما در نسل ما رسولي از خودشان تا تلاوت کند بر آنان آیات تو را و بیاموزد آنان را کتاب و حکمت و آنها را تزکیه نماید. »

این دعای آنها از جانب الله - تبارک و تعالی - به طور کامل مستجاب گردید، طوریکه الله - تبارک و تعالی - خطاب به اصحاب آخرین پیامبرش - صلی الله علیه وسلم - در آیه دیگر می فرماید:

﴿ كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ ﴾ (البقره: ۱۵۱).

ترجمه: « فرستادیم در میان شما پیامبری از خودتان که تلاوت می کند بر شما آیات ما را و تزکیه می کند شما را و آموزش می دهد شما را کتاب و حکمت و آنچه که قبلاً نمی دانستید. »

پس وجود صحابه - رضی الله عنهم - در اسلام مانند خود رسول - صلی الله علیه وسلم -، از آثار دعای حضرت ابراهیم - علیه السلام - است، بنابر این، همان طوریکه ابراهیم - علیه السلام - از الله متعال خواسته بود، صحابه کرام افرادی مزکی عادل و قدوه حسنه برای جامعه اسلامی شدند (۱).

الله متعال در آیه ای دیگر صحابه کرام را در اثر این دعا مؤمن گفته و چنین می فرماید:

﴿ لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴾ (آل عمران: ۱۶۴).

ترجمه: « و محققاً الله متعال بر مؤمنان منت نهاد که در میان شان پیامبری از خودشان مبعوث کرد که بر آنان آیات او را تلاوت می کند و تزکیه شان می نماید و کتاب و حکمت می آموزد. »

صاحب تفسیر (الکشاف و روح البیان) در تفسیر این آیه می فرماید: « خطاب این آیه به صحابه کرام و مسلمانان که با پیامبر - صلی الله علیه وسلم - ایمان آوردند می باشد، و یا خطاب این آیه مستقیم به اولاد اسماعیل - علیه السلام - می باشد، یعنی: الله - تبارک و تعالی - بر صحابه کرام و مؤمنین با

(۱) دیده شود: تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر، ج ۱، ص ۴۴۳.

بعثت حضرت محمد - صلی الله علیه وسلم - که از جنس خود آنها می باشد انعام نموده است، تا دعوت او را بسوی وحدانیت الله متعال به آسانی درک کرده بتوانند» (۱).

بناءً فضیلت صحابه کرام در قرآن کریم محور اصلی این فصل است که بر اساس مباحث و مطالب جداگانه ذیلاً ترتیب و دسته بندی گردیده است.

مبحث اول: فضائل عموم صحابه کرام در قرآن کریم.

مبحث دوم: فضائل تعداد خاص صحابه کرام در قرآن کریم.

مبحث سوم: موقف مسلمانان و مؤمنین در باره صحابه کرام.

که اینک تفصیل هر کدام این موارد را طی مباحث و مطالب جداگانه مورد بحث قرار می دهیم:

(۱) الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، جار الله زنجشیری، ۱، ص ۴۳۵؛ و تفسیر روح البیان، ج ۲، ص ۱۲۰.

مبحث اول

فضائل عموم صحابه کرام در قرآن کریم

در قرآن کریم آیاتی زیادی بر فضیلت و برتری صحابه کرام نسبت به سائر امت دلالت دارد، الله متعال فضیلت آنها را به ایمان بیان نموده می فرماید:

﴿وَأَعْلَمُوا أَنَّ فِيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِّنَ الْأَمْرِ لَعَنِتُّمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ * فَضَلَّأَ مِنَ اللَّهِ وَنِعْمَةً وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾ (الحجرات: ۷-۸).

ترجمه: «و بدانید که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - در میانتان است، اگر در بسیاری از کارها از شما اطاعت کند به مشقت خواهید افتاد، ولی خداوند متعال ایمان را در در نظرتان محبوب و گرامی داشته است، و آنرا در دل هایتان زیبا جلوه داده و کفر و فسق و نافرمانی را در نظرتان زشت و ناپسند جلوه داد، اینانند که راه یافته اند، این فضل و نعمت از سوی الله متعال می باشد، و الله متعال دارای آگاهی فراوان و حکمت بیشمار است.»

امام ابن جریر الطبری - رحمه الله - در تفسیر این آیه می فرماید: «الله - تبارک و تعالی - در مجموع تمام بندگان را به تقوی و ایمان به الله واحد و لاشریک دستور داده است و از افتراء، کذب و سخنان باطل و منکر منع نموده است که در رأس این بندگان صحابه کرام قرار دارند، یعنی: الله متعال ایمان را برای صحابه کرام نخست از همه انعام نموده و آنها را فضیلت داده است، و صحابه کرام را از جمله ای بندگان رستگار خطاب نموده است، که این خود فضیلت آنها را نسبت به سائر امت نشان می دهد»^(۱).

هم چنان صحابه کرام از مسلمانان نخستین بودند که در موجودیت و حضور داشت آنها دین مقدس اسلام منحیث یک شریعتی که مورد پسند و قبول الله متعال می باشد تکمیل گردید، چنانچه الله متعال می فرماید:

﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ (المائدة: ۳).

(۱) دیده شود: جامع البیان فی تاویل القرآن، ابن جریر الطبری، ج ۲۲، ص ۲۸۹-۲۹۰.

ترجمه: « امروز دین را برایتان کامل، و نعمت خود را بر شما تکمیل نمودم، و اسلام را به عنوان آیین برایتان پسندیدم ».»

امام ابن جریر الطبری - رحمه الله - در تفسیر این آیه می فرماید: « این آیه در روز عرفه بالای پیامبر - صلی الله علیه وسلم نازل گردید، و با نزول این آیه الله متعال در کنار اینکه دین و شریعت را برای بندگان اش تکمیل نمود، بنیاد شرک و کاخ مشرکین را از بین برد و صحابه کرام را از مشرکین نجات داد، و در گرد خانه کعبه فقط موحدین به عبادت و طواف پرداختند »^(۱).

یعنی: الله متعال بهترین (دین و شریعت) را توسط بهترین کتاب (قرآن کریم) بالای افضلترین بنده و رسول اش - صلی الله علیه وسلم - در موجودیت بهترین بندگان اش (صحابه کرام) تکمیل نموده است، که این فضیلت و برتری نخست تر از دیگر امتیان آنحضرت - صلی الله علیه وسلم - نصیب صحابه کرام می گردد.

بنابراین اساس در این مبحث فضائل صحابه کرام در مجموع در قرآن کریم بطور عام طی مطالب جداگانه که ذیلاً تحقیق می گردید توضیح شده است.

مطلب اول: فضیلت صحابه کرام به اجر عظیم

﴿ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا ﴾ (الفتح: ۲۹).

ترجمه: « محمد فرستاده ای الله متعال است، و کسانی که با او هستند بر کافران سخت گیر و در میان خود مهربان اند، آنها را در حال رکوع و سجده می بینی که همواره فضل و خشنودی الله سبحانه را می جویند، نشانه ای ایشان بر اثر سجده در چهره هایشان نمایان است، این وصف آنان در تورات است، و اما توصیف ایشان در انجیل چنین است که همانند کشتزاری هستند که جوانه هایش را بیرون زده و آن ها را نیرو داده و سخت نموده، پس بر ساقه های خویش راست ایستاده باشد، به گونه ای که کشاورزان

(۱) جامع البیان فی تأویل القرآن، ابن جریر الطبری، ج ۹، ص ۵۲۲.

را شگفت زده می سازد تا کافران را به سبب آنان خشمگین کند، الله متعال به کسانی از آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند آموزش و پاداش بزرگ وعده نموده است.»

امام ابن کثیر - رحمه الله - در تفسیر ﴿وَأَجْرًا عَظِيمًا﴾ می فرماید: « یعنی: ثواب جزیل، رزق کریم، و وعده حق و صدق که هرگز تغیر و تبدیل پذیر نمی باشد به صحابه کرام از جانب الله متعال عنایت گردید است، و برای آنها فضیلت و سبقت در دین است که هیچ کسی دیگر مستحق آن نشده است، و در آخرت مأوای آنها جنت فردوس می باشد»^(۱).

هم چنان پیامبر - صلی الله علیه وسلم - در احادیث زیادی فضیلت صحابه کرام را بیان است، چنانچه می فرماید:

« عن أبي سعيد الخدري - رضي الله عنه - قال: قال النبي - صلی الله علیه و سلم - لا تَسُبُّوا أَصْحَابِي فَلَوْ أَنَّ أَحَدَكُمْ أَنْفَقَ مِثْلَ أُحُدٍ ذَهَبًا مَا بَلَغَ مُدًّا أَحَدِهِمْ وَلَا نَصِيفَهُ»^(۲).

ترجمه: « ابوسعید خدری - رضي الله عنه - روایت می کند که گفت: پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرمود: یاران مرا دشنام مدهید، به الله متعال قسم اگر یکی از شما به اندازه کوه احد طلا انفاق و صدقه نماید، انفاق و بخشش او به مقدار انفاق و بخشش يك كف دست آنها و حتی نصف آن نمی رسد»^(۳). همان طوریکه الله متعال در قرآن کریم فضیلت صحابه کرام را ذکر نموده است، هم چنان فضائل صحابیات (زنان که با آنحضرت - صلی الله علیه وسلم - صحبت نموده و ایمان آورده اند) نیز بیان نموده است، هرچند حکم آن در مورد فضیلت زنان مسلمان در مجموع می باشد، لکن شأن نزول آن به زنان عصر پیامبر - صلی الله علیه وسلم - دلالت دارد، چنانچه می فرماید:

﴿إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا﴾ (الاحزاب: ۳۵).

(۱) تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر، ج ۷، ص ۳۶۳.

(۲) صحیح البخاری، کتاب فضائل صحابه، باب قول النبي صلی الله علیه و سلم (لو كنت متخذًا خليلاً)، ج ۳، ص ۱۳۴۳، حدیث (۳۴۷۰).

(۳) (مد، پیمانہ ای است که برخی آن را به اندازه ی پُری دوکف دست دانسته اند).

ترجمه: « بدون شک مردان مسلمان و زنان مسلمان، مردان با ایمان و زنان با ایمان، مردان فرمان بردار خداوند متعال و زنان فرمان بردار دستورات الله سبحانه، و مردان و زنان راستگو، و مردان و زنان بردبار، و مردان فروتن و زنان فروتن و مردان صدقه دهنده، و زنان صدقه دهنده و مردان روزه دار و زنان روزه دار، و مردان پاکدامن و زنان پاکدامن، و مردان و زنانی که خداوند را بسیار یاد می کنند خداوند برای آنان آمرزش و پاداشی بزرگ فراهم دیده است.»

امام ابن کثیر - رحمه الله - در سبب نزول این آیه می فرماید: « قتاده می گوید: تعدادی از زنان به زنان پیامبر - صلی الله علیه وسلم - گفتند: الله - تبارک و تعالی - نام و فضائل شما را در قرآن کریم ذکر و بیان نموده است، لکن یادی از ما در قرآن کریم نشده است، در این هنگام الله متعال این آیه را نازل نمود، و برای آنها اجر عظیم را که عبارت از (جنت) می باشد، داده است؛ هم چنان در سبب نزول این آیه یک قول دیگری نیز نقل گردید است: أم سلمة - رضی الله عنها - می گوید: به پیامبر - صلی الله علیه وسلم - گفتم چرا در هر امر و کاری مردان ذکر می شوند و ذکری از ما نمی شود الله متعال این آیه را نازل نمود»^(۱).

امام ابن کثیر - رحمه الله - می گوید: « مراد از (اجراً عظیماً) جنت می باشد»^(۲)
یعنی: همان طوریکه الله متعال برای مردان مؤمن و مسلمان در مقابل اعمال نیک و شائسه ایشان فضیلت داده است برای زنان مؤمنه و مسلمه نیز فضیلت داده است.

مطلب دوم: فضیلت صحابه کرام به وعده جنت

صحابه کرام نخستین مسلمانان و مؤمنین بودند که به الله متعال و پیامبر اش - صلی الله علیه وسلم - ایمان کامل آوردند، به همین خاطر است که الله متعال در آیات متعددی از بهشتی بودن صحابه کرام یاد نموده است، چنانچه می فرماید:

﴿ وَقِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا مَاذَا أَنْزَلْ رُبُّكُمْ قَالُوا خَيْرٌ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ وَلَنِعْمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ * جَنَّاتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا يُجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ هُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ كَذَلِكَ يَجْزِي اللَّهُ الْمُتَّقِينَ * الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴾ (النحل: ۳۰-۳۲).

(۱) جامع البيان في تاويل القرآن، ابن جرير الطبري، ج ۲۰، ص ۲۶۹-۲۷۰.

(۲) تفسير القرآن العظيم، ابن کثير، ج ۶، ص ۴۲۱.

ترجمه: « و به پرهیزگاران می گویند: پروردگارتان چه چیزی را نازل کرده است؟ آنها جواب می دهند: خیر و خوبی را، برای نیکوکاران در همین دنیا نیکی است و سرای آخرت بهتر خواهد بود، و چه خوب است سرای پرهیزگاران! باغهای بهشتی که به آن متقیان وارد می شوند جویبارها در زیر درختان آن روان است، در آنجا هر چه بخواهند دارند الله متعال این چنین به پرهیزگاران پاداش می دهد، آنان که فرشتگان در حالی جانشان را می گیرند که پاک اند و به آنها می گویند: سلام بر شما باد به خاطر کارهای نیک که می کردید به بهشت وارد شوید.»

امام فخر الدین الرازی^(۱) در تفسیر این آیه می فرماید: « هنگام که مردم در ایام حج به مکه می آمدند، از مشرکین راجع به پیامبر - صلی الله علیه وسلم - و آنچه بالای او نازل شده است می پرسیدند، مشرکین پیامبر - صلی الله علیه وسلم - را جادوگر و دروغگو معرفی می نمودند، لکن هنگام که از صحابه کرام در باره حضرت محمد - صلی الله علیه وسلم - و آنچه بالای او نازل شده، می پرسیدند صحابه کرام جواب می دادند: الله - تبارک و تعالی - بالای حضرت محمد - صلی الله علیه وسلم - خیر و نیکی را فرو فرستاده است که عبارت از قرآن کریم و وحی الهی می باشد»^(۲).

بخاطر همین دفاع صحابه کرام از نصوص قرآن کریم و ایمان به بعثت پیامبر - صلی الله علیه وسلم - بود، که الله متعال در آیات زیادی قرآن کریم جنت جاودان را برای آنها وعده نموده است، و هنگام که ملائکه روح آنها را می گیرد به ایشان سلام نموده و به جنت داخل می گرداند.

الله متعال به صحابه کرام وعده ای بهشت داده است، که این برترین خصوصیت اصحاب کرام می باشد و آنرا الله متعال در قرآن کریم بیان نموده است، چنانچه می فرماید:

(۱) أبو عبد الله محمد بن عمر بن الحسن بن الحسين التيمي الرازي (ملقب به فخر الدين رازي)، در شهر (ری طبرستا) در سال ۵۴۴ هـ مطابق ۱۱۵۰ م متولد گردیده است، علوم متداوله را از علماء عصر خود اخذ نموده است که از آنجمله پدرشان نیز از جمله استادان وی محسوب می گردد، تا اینکه به یک شخصیت علمی در علوم مختلفه ظهور نمود، و شاگردان زیادی را تربیه نموده است، امام رازی عالم تفسیر، کلام، فلسفه، اصول و غیره بوده است، تألیفات زیادی را از خود به میراث مانده است که این فه جایگاه علمی وی دلالت دارد که (تفسیر مفاتیح الغیب = تفسیر الکبیر) از مشهور ترین مؤلفات وی می باشد، بلاخره در سال (۶۰۶ هـ مطابق ۱۲۱۰ م) وفات نمود است؛ دیده شود: هدیه العارفين في اسماء المؤلفين و آثار المصنفين، اسماعيل باشا البغدادي، مطبعة استانبول سنه ۱۹۵۱، ج ۲، ص ۱؛ و مقدمه تفسیر مفاتیح الغیب.

(۲) مفاتیح الغیب فخر الدین الرازی، ج ۲۰، ص ۲۰۱.

﴿ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ * جَزَاؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ عَدْنٌ يَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ ﴾ (البينه: ۷-۸).

ترجمه: « آنانکه ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند اینها بهترین مخلوقات هستند، پاداش آنها نزد پروردگارشان باغ های بهشتی است که از زیر آن رودها روان است، جاودانه و برای همیشه در آن خواهند ماند، الله متعال از آنها راضی و ایشان هم از الله متعال خشنود اند این از آن کسی خواهد بود که از پروردگار خویش هراس داشته باشد.»

صاحب تفسیر بحر العلوم در تفسیر آیه ﴿ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ﴾ می گوید: « آنها اصحاب پیامبر - صلی الله علیه وسلم - می باشند، زیرا آنها وحدانیت الله متعال را تصدیق نموده است و در مقابل دین و شریعت اسلام اخلاص قلبی داشتند»^(۱).

﴿ لَكِنَّ الرَّسُولَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْخَيْرَاتُ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ * أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴾ (التوبه: ۸۹).

ترجمه: « اما پیامبر - صلی الله علیه وسلم - و کسانی که با او ایمان آوردند با مال و جانشان جهاد کردند و همه خویبهها و نیکی ها از آن ایشان است و اینانند که رستگاران می باشند، الله متعال برای آنان باغهایی را آماده نموده است که جویبارها از زیر (درختان و کاخهای) آن روان است و در آن جاودانه می ماند، این است کامیابی بزرگ.»

در قرآن کریم آیاتی فراوان دیگری نیز است که به بهشتی بودن صحابه کرام و یاران پیامبر - صلی الله علیه وسلم - دلالت دارد در اینجا صرف به دو مثال آن که فوقاً تحریر یافت اکتفا می نمائیم. هم چنان الله - تبارک و تعالی - صحابه کرام را به رزق و روزی پاکیزه و گوارا در جنت وعده نموده است، چنانچه می فرماید:

﴿ وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوا أَوْ مَاتُوا لَيَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا وَإِنَّ اللَّهَ هُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ ﴾ (الحج: ۵۸).

ترجمه: « و کسانی که در راه الله متعال هجرت کرده و سپس کشته شده یا مرده اند، بدون شك الله - تبارک و تعالی - به آنان روزی پسندیده می دهد و به یقین خداوند متعال بهترین روزی دهندگان است.»

(۱) بحر العلوم، أبو الليث نصر بن محمد بن أحمد بن إبراهيم السمرقندي، ج ۳، ص ۶۰۴.

امام ابن جریر الطبری در سبب نزول این آیه می فرماید: « این آیه در مورد یک گروه یا قومی از صحابه کرام نازل گردیده است، چنانچه آنها در حکم کسی که در راه الله متعال کشته شده باشد اختلاف نمودند، و برخی از آنها گفتند مقتول در اجر و فضیلت مانند میت است، در این هنگام این آیه کریمه نازل گردید؛ یعنی: الله متعال برای آنها در جنت رزق و روزی حسن و پسندیده مهیا نموده است»^(۱).

هم چنان الله متعال در آیه دیگر رزق و روزی صحابه کرام در جنت چنین بیان نموده می فرماید:

﴿ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ﴾ (الانفال: ۷۴).

ترجمه: « و کسانی که ایمان آوردند، و هجرت نمودند، و در راه الله متعال جهاد کردند، و همچنین کسانی که پناه دادند و یاری نمودند، اینان به راستی مؤمنان اند، برای آنان آمرزش و روزی شایسته است.»

« مراد از این آیه پیامبر - صلی الله علیه وسلم - و کسانی که همراه با او است (صحابه کرام) می باشد، الله - تبارک و تعالی - برای آنها در جنت طعام و شراب خوشمزه و گوارای آماده نموده است، که دارای بوی و طعم لذیذ و گوارا می باشد»^(۲).

چنانچه در حدیثی به روایت امام مسلم نیز راجع به طعام اهل جنت چنین روایت شده است:

« عن جابر - رضی الله عنه - قال: سمعت النبی - صلی الله علیه وسلم - يقول: إن أهل الجنة يأكلون فيها ويشربون ولا يتفلون ولا يبولون ولا يتغوطون ولا یمتخطون، قالوا: فما بال الطعام قال: جشاء ورشح کرشح المسك»^(۳).

ترجمه: « از جابر - رضی الله عنه - روایت است که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمودند: همانا اهل بهشت در بهشت می خورند و می آشامند و آب دهان ندارند و قضای حاجت و آب بینی نیز ندارند، گفتند: پس آنچه از غذا ضایع می گردد چه می شود؟ فرمودند: به صورت صدای تنفس خوش بو که از معده می آید (عاروق) و مانند عرق مشک خوشبو است از بدن دفع و خارج می گردد.»

(۱) دیده شود: جامع البیان فی تاویل القرآن، ابن جریر الطبری، ج ۱۸، ص ۶۷۴؛ و تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر، ج ۵، ص ۴۴۷-۴۴۸.

(۲) جامع البیان فی تاویل القرآن، ابن جریر الطبری، ج ۱۴، ص ۸۸.

(۳) صحیح مسلم، کتاب الجنة و نعيمها، و اهلها، باب فی صفات الجنة و اهلها و تسبیحهم فیها بکرة و عشا، ج ۸، ص ۱۴۷، حدیث (۷۳۳۱).

الله متعال رزق و روزی صحابه کرام، و در کل بندگان را تضمین نموده، و اجر و پاداش آخرت را بزرگ و با اهمیت دانسته است، چنانچه می فرماید:

﴿ وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنُبَوِّئَنَّهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَلَا جَزَاءَ الْآخِرَةِ أَكْبَرَ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ *
الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴾ (النحل: ۴۱-۴۲).

ترجمه: « و آنان که در راه الله متعال هجرت کردند پس از اینکه مورد ستم قرار گرفتند، در این دنیا جایگاه خوبی به آنان می دهیم و پاداش آخرت بزرگتر است اگر بدانند، کسانی که شکیبایی ورزیده، و بر پروردگارشان توکل می کنند. »

مطلب سوم: فضیلت صحابه کرام به عنایت سکون و آرامش

سکون و آرامش قلبی بزرگترین فضیلت و نعمت است که از جانب الله متعال به صحابه کرام و یاران گرامی آنحضرت - صلی الله علیه وسلم - داده شده، آیات زیادی قرآن کریم به فضیلت صحابه کرام دلالت دارد.

چنانچه الله متعال صحابه کرام را هنگام صلح حدیبیه به سکون و آرامش مژده داده می فرماید:

﴿ إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالزَّمِيمِمْ
كَلِمَةَ التَّقْوَىٰ وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ﴾ (الفتح: ۲۶).

ترجمه: « آن گاه که کافران تعصب و نخوت جاهلیت را در دل هایشان جای دادند، در این هنگام الله متعال آرامش خود را بر پیامبر اش - صلی الله علیه وسلم - و بر مؤمنان نازل کرد و آنها را به کلمه تقوا ملزم ساخت و آنها به آن سزاوارتر و اهل آن بودند و الله متعال به همه چیز داناست. »

یعنی: « هنگام که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - صحابه و یاران گرامی شان در سال صلح حدیبیه قصد زیارت بیت الله شریف نمودند؛ کفار و مشرکان حمیت و عصیبت جاهلیت را که در دلهای شان داشتند ابراز نمودند، و هنگام ورود پیامبر - صلی الله علیه وسلم - و صحابه کرام به مکه می گفتند: مسلمانان (صحابه کرام) فرزندان و برادران ما را کشتند و باز دوباره بر ما در منازل ما وارد می شوند تا دیگر اعراب بگویند که آنان برخلاف خواسته ما به مکه وارد شده اند؟ سوگند به لات و عزی که بر ما در مکه وارد شده نمی توانند؛ لذا این تعصب و غیرت و حمیت؛ همانا حمیت جاهلیت است که به کفار و مشرکین در آمده است؛ در این هنگام الله متعال إطمنان، وقار و آرامش قلبی را بر پیامبر - صلی الله

علیه وسلم - و صحابه کرام فرو فرستاد، و از آنها حمیت و غیرت جاهلانہ ای را کہ بر کافران غلبه نموده بود، دور نمود، و آنها را بر جاده رضا و تسلیم به ایمان به الله متعال و رسول اش - صلی الله علیه وسلم -، ثابت قدم و استوار نگهداشت و پایبند کلمه ای تقوی گردانید کہ عبارت از: (کلمه طیبہ لا اله الا الله محمد رسول الله) است؛ زیرا مؤمنان نسبت به کفار به کلمه ای تقوی سزاوارتر بودند «(۱)».

الله متعال در در جای دیگر سکون و آرامش صحابه کرام را در صلح حدیبیہ چنین بیان نموده است:

﴿لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ﴾ (الفتح: ۱۸).

ترجمه: « به راستی کہ الله متعال از مؤمنان راضی گردید هنگامیکہ زیر آن درخت با تو بیعت می کردند، پس آنچه را کہ در دل هایشان بود دانست، در نتیجہ بر آنان آرامش و سکون فرود آورد.»

هم چنان الله متعال خوف و بیم را از صحابه کرام نفی نموده می فرماید:

﴿الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ (البقره: ۲۷۴).

ترجمه: « کسانی کہ شب و روز و پنهان و آشکار اموال خود را انفاق می کنند پاداش آنها نزد پروردگارشان است و نہ ترسی بر آنهاست، و نہ اندوهگین می شوند.»

امام ابن کثیر - رحمه الله - در تفسیر این آیه می فرماید: « الله - تبارک و تعالی - در این آیه فضیلت و برتری صحابه کرام را کہ در جهاد شرکت نمودند و در راه الله متعال انفاق نموده بیان نموده است «(۲)».

یعنی: « پاداش صحابه کرام نزد پروردگارشان محفوظ است، نہ بیمی بر آنهاست و نہ اندوهگین می شوند و از هول و هراسهای روز قیامت در امان هستند و لذت‌های دنیوی را کہ از دست داده‌اند، اندوهگین نمی شوند، یا نگران این امر نیستند کہ سرنوشت فرزندانشان بعد از فوتشان چه خواهد شد زیرا اینان به رستگاری بزرگ رسیده اند «(۳)».

(۱) فتح القدیر، امام شوکانی، ج ۵، ص ۶۴-۶۵؛ و تفسیر: أیسر التفاسیر لکلام العلی الکبیر، جابر بن موسی بن عبد القادر بن جابر أبو بکر الجزائری، ج ۵، ص ۱۱۲.

(۲) تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر، ج ۱، ص ۷۰۷.

(۳) التفسیر المنیر فی العقیدة والشریعة والمنهج، وهبة الزحیلی، ج ۳، ص ۷۱-۷۹.

هم چنان الله متعال این فضیلت صحابه کرام (وقار و سکون آنها را در مقابل مشکلات دنیوی) در جای دیگر نیز بیان نموده می فرماید:

﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزِدُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ﴾ (الفتح: ۴).

امام ابن کثیر - رحمه الله - به نقل از قتاده - رحمه الله - در تفسیر این آیه می فرماید: «مراد از این آیه وقار و سکون در قلبهای صحابه کرام که در صلح حدیبیه شرکت نموده بودند می باشد، زیرا آنها به اطاعت از احکام الهی و پیروی از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - انقیاد بودند و فرمانبردار بودند» (۱).

مطلب چهارم: مزده صحابه کرام به فتح و نصرت

یکی از فضائل دیگری که آنرا الله متعال به صحابه کرام در قرآن کریم عنایت نموده، عبارت از: فلاح و رستگاری، نصرت و پیروزی آنها در مقابل کفار و مشرکین و إعطای غنائم کفار می باشد، چنانچه خداوند - تبارک و تعالی - صحابه کرام را به فلاح و رستگاری فضیلت داده می فرماید:

﴿لَكِنَّ الرِّسُولَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأَوْلِيَاءِكُمْ هُمُ الْخَيْرَاتُ وَأُولِيَاءِكُمْ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (التوبة: ۸۹).

ترجمه: «اما پیامبر - صلی الله علیه وسلم - و کسانی که با او ایمان آوردند با مال و جانشان جهاد کردند و همه خوبیها و نیکی ها از آن ایشان اند و نیز آنها رستگاری گشتند».

صاحب تفسیر بحرالعلوم در تفسیر این آیه می فرماید: «الله - تبارک و تعالی - در این آیه قباحت مشرکینی را که از شرکت در غزوه تبوک ابا ورزیدند بیان نموده؛ سپس فضیلت و رستگاری پیامبر - صلی الله علیه وسلم - و صحابه کرام را ذکر می کند، و صحابه کرام را از جمله ای رستگاران خوانده است» (۲).

هم چنان الله - تبارک و تعالی - صحابه کرام را به فتح و کامیابی بزرگ بالای کفار و غنائم زیاد وعده و فضیلت داده می فرماید:

﴿لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَنْتَابَهُمْ فَتَحًّا قَرِيبًا * وَمَعَانِمَ كَثِيرَةً يَأْخُذُونَهَا وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا * وَعَدَّكُمْ اللَّهُ مَعَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا فَعَجَّلَ لَكُمْ

(۱) تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر، ج ۷، ص ۳۲۸.

(۲) البحر المحیط فی التفسیر، أبو حیان محمد بن یوسف بن علی بن یوسف بن حیان أثیر الدین الأندلسی، محقق: صدقی محمد جمیل، دار الفکر - بیروت، طبع سال: ۱۴۲۰ هـ، ج ۵ ص ۴۷۵.

هَذِهِ وَكَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنْكُمْ وَلِتَكُونَ آيَةً لِلْمُؤْمِنِينَ وَيَهْدِيَكُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا * وَأُخْرَى لَمْ تَقْدِرُوا عَلَيْهَا قَدْ أَحَاطَ اللَّهُ بِهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا * وَلَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا الْأَذْبَارُ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ﴿الفتح: ١٨-٢٢﴾.

ترجمه: « به درستی که الله متعال از مؤمنان راضی گردید هنگامیکه زیر آن درخت با تو بیعت می کردند، پس آنچه را که در دل هایشان بود دانست، در نتیجه بر آنان آرامش فرود آورد و فتح نزدیکی را پاداش شان کرد؛ و غنیمت های فراوانی که آنها به دست خواهند آورد، و خداوند متعال پیروزمند فرزانه است؛ الله متعال غنیمت های فراوانی را به شما وعده داده است که آنها را به چنگ می آوريد و یا آن (غنائم) را هرچه زودتر به شما داد و دست تعدی مردم را از شما باز داشت؛ تا نشانه ای برای مؤمنان باشد و شما را به راه راست رهنمود کند؛ و غنیمت های دیگری (را نیز نصیب شما خواهد کرد) که هنوز بر آن دست نیافته اید، به راستی که الله متعال بر آن احاطه دارد و خداوند - تبارک و تعالی - بر هر چیزی تواناست؛ و اگر کافران با شما می جنگیدند به یقین پشت می کردند آنگاه کارساز و یاور می یافتند ».

امام ابن جریر الطبری - رحمه الله - در تفسیر این آیه می فرماید: « مراد این آیه صحابه کرام که در بیعت الرضوان شرکت نموده بودند می باشند، الله - تبارک و تعالی - آنها را به فتح نزدیک (فتح خیبر) مژده داده است »^(۱).

امام ابن کثیر - رحمه الله - می گوید: « مراد از فتح در این آیه فتح خیبر، فتح مکه و فتح سائر بلاد و شهرهای است که فتح و غنائم آنها الله - تبارک و تعالی - به صحابه کرام وعده نموده است »^(۲). صحابه کرام کسانی بودند که دین اسلام و پیامبر - صلی الله علیه وسلم - را در دشوارترین حالات و مراحل زندگی یاری می نمودند، چنانچه هنگام که آنها تازه از غزوه احد برگشت نمودند و هنوز خستگی و مشقت غزوه احد در پیکر های مبارک شان نمایان بود، به دستور پیامبر - صلی الله علیه وسلم - لبیک گفتند و برای نبرد دیگری خود را آماده نمودند، و به سبب همین قربانی های آنها بود که الله متعال ایشان را به فضل عظیم مژده داده می فرماید:

(۱) دیده شود: جامع البیان فی تاویل القرآن، ابن جریر الطبری، ج ۲۲، ص ۲۲۸.

(۲) تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر، ج ۷، ص ۳۴۰.

﴿الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا أَجْرٌ عَظِيمٌ﴾ (آل عمران: ۱۷۲).

ترجمه: « کسانی که پس از زخمها و جراحت هایی که به آنان رسیده بود دستور الله متعال و پیامبر - صلی الله علیه وسلم - را اجابت کردند، برای کسانی از آنان که نیکی کردند و تقوا پیشه نمودند، پاداش بزرگی است ».

امام ابن جریر الطبری - رحمه الله - به نقل از ابن عباس - رضی الله عنه - در بیان سبب نزول آیه کریمه می گوید: « غزوه احد در ماه شوال رخ داد و تجار در ماه ذی القعدة به حوالی مدینه آمده و در محل (بدرالصغری) اردو می زدند و بازاری را بر پا می کردند، آنان در این سال نیز، بعد از واقعه احد به آنجا آمده بودند و در حالی که مؤمنان از احد زخم ها بر تن و جان خویش داشتند، رسول الله - صلی الله علیه وسلم - از ایشان جهت تعقیب دشمن داوطلب خواستند... و فرمودند: من خود رونده ام، هرچند هیچ کس با من همراه نشود: پس ابوبکر، عمر، عثمان، علی، زبیر، سعد، طلحه، عبدالرحمن بن عوف، عبدالله بن مسعود، حذیفه و ابوعبیده با هفتاد تن از صحابه کرام - رضوان الله عنهم اجمعین - آمادگی شان را اعلان کردند و داوطلبانه بیرون آمدند و در تعقیب ابوسفیان حرکت کردند تا به منطقه (صفراء) رسیدند، در این هنگام الله - تبارک و تعالی - این آیه نازل فرمود «(۱)».

یعنی: هنگام پیامبر - صلی الله علیه وسلم - صحابه کرام را در حالی که هنوز زخم های از غزوه احد در پیکر های شان بود به تعقیب ابوسفیان و لشکریان قریش فراخواند، تا قوت و نیروی مندی مسلمین را به آنها نشان دهد، صحابه کرام به این دستور پیامبر - صلی الله علیه وسلم - لبیک گفتند و با همان پیکرهای رنجور و زخمی، به تعقیب دشمن پرداختند؛ نسبت همین قربانی صحابه کرام، الله متعال برای آنها اجر و فضیلت عظیمی را وعده نموده است «(۲)».

صحابه کرام این فضائل را در مقابل مشقات و قربانی های زیاد مستحق گردیدند، زیرا یگانه تکیه گاه و توکل صحابه کرام در هنگام مقابله با مشکلی و یا دشمنی الله متعال بود و بس، چنانچه آیه ذیل به آن گواه می باشد:

(۱) جامع البیان فی تأویل القرآن، ابن جریر الطبری، ج ۷، ص ۴۰۲.

(۲) جامع البیان فی تأویل القرآن، ابن جریر الطبری، ج ۷، ص ۳۹۹.

﴿الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾
(آل عمران: ۱۷۳).

ترجمه: « کسانی که مردم به آنان گفتند: مردم بر ضد شما جمع شده اند، پس، از آنها بترسید، ولی (این امر) ایمانشان را افزود و گفتند: الله متعال ما را کافي است و او تعالی بهترین سر پرست است ». حضرت عبد الله ابن عباس - رضی الله عنه - در بیان سبب نزول این آیه کریمه نیز می فرماید: ابوسفیان وقتی خواست تا از احد برگردد، خطاب به رسول الله - صلی الله علیه وسلم - گفت: وعده ما و شما سال آینده در بدر است، همان جایی که یارانمان را به قتل رساندید، رسول الله - صلی الله علیه وسلم - نیز فرمودند: اگر الله تعالی خواست، وعده ما با شما در همانجاست، پس چون سال بعد فرا رسید، ابوسفیان با اهل مکه بیرون آمده در محلی به نام (مجنه) از ناحیه (مرالظهران) فرود آمد، اما حق تعالی در دل وی رعب و وحشت افکند و باز گشت به مکه را به مصلحت خویش دانست، در این اثنا با نعیم بن مسعود اشجعی که از عمره باز گشته بود، بر خورد، پس به او گفت: من با محمد و یارانش در موضع بدر وعده گذاشته بودم، ولی از آنجا که امسال؛ سال قحطی و خشکسالی است، صلاح نیست که ما با آنان در گیر شویم، این کار باید سالی باشد که در آن از گیاهان بچرانیم و شیر بنوشیم، اما من دوست ندارم که محمد به وعده گاه آید، ولی ما نیامده باشیم، لذا به مردم مدینه پیوند و آنان را از خارج شدن به میدان سست و منفعل گردان و در برابر این خدمت، ده شتر پاداش داری، نعیم به مدینه آمد و این مأموریت خود را برعکس و بر علیه ابو سفیان انجام، در این هنگام این آیه نازل شد «(۱)».

یعنی: ابوسفیان و سپاهش از باب جنگ روانی و فریب کارانه علیه مسلمانان، این پیام را به طور غیر مستقیم از طریق نعیم بن مسعود اشجعی به پیامبر - صلی الله علیه وسلم - و مؤمنان فرستاد، اما به جایی ترس و جبن، این کار بر ایمان صحابه کرام افزود و هیچ تزلزلی در عزم و اراده صحابه کرام ایجاد نکرد و گفتند: الله تعالی ما را بس است، او تعالی شر این کفار و مشرکین را از ما دفع می کند و او ما را بسنده است و ما بر او تعالی توکل می کنیم و تمام امورمان را به او می سپاریم، به همین خاطر بود که آنها به دست مملو از غنائم به مدینه منوره برگشتند، و ابوسفیان و لشکریانش در حالت ذلت و شکست

(۱) دیده شود: جامع البیان فی تأویل القرآن، ابن جریر الطبری، ج ۷، ص ۱۰۵ - ۱۰۶.

به مکه برگشت نمودند و مردم مکه ابو سفیان و لشکریانش را بنام (جیش السویق) مسخره می نمودند «(۱)».

الله متعال فضیلت را که برای صحابه کرام وعده نموده در آیه دیگر چنین بیان نموده است:

﴿فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَّمْ يَمَسَّ لَهُمْ سُوءٌ وَاتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ﴾ (آل عمران: ۱۷۴).

ترجمه: « پس آنها با نعمت و بخششی از جانب خدا بازگشتند، و هیچ آسیبی به آنان نرسید، و خشنودی خداوند را به دست آوردند، و خداوند دارای فضلی بزرگ است.»

امام بغوی - رحمه الله - در تفسیر این آیه می گوید: « بعد از آن که صحابه کرام برای رویارویی با لشکر قریش از مدینه منوره خارج شدند، دو باره در حالت نعمت، سلامتی و عافیت از گزند دشمن شان به مدینه منوره بازگشتند، و الله متعال فضل و پاداش بزرگ از جانب خود برای آنها عنایت نمود» (۲).

این همه عزت و فضیلت است که آنرا الله - تبارک و تعالی - به صحابه کرام و یاران گرامی پیامبر - صلی الله علیه وسلم - بخشیده است، چنانچه می فرماید:

﴿وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ﴾ (المنافقون: ۸).

ترجمه: « عزت از آن خدا و رسول و مؤمنان است.»

یعنی: عزت از آن الله متعال و پیامبر - صلی الله علیه وسلم - و مؤمنان است که در رأس این مؤمنان صحابه کرام قرار دارد.

مطلب پنجم: فضیلت صحابه کرام به خیر اُمت

راغب اصفهانی در تعریف کلمه ای (خیر) می گوید: «رغبت و علاقه مندی کلی بطرف یک شیء را خیر می گویند، مانند عدل، فضل و چیزی که به انسان نفع می رساند، که ضد آن (شر) می باشد» (۳).

الله متعال صحابه کرام و یاران گرامی آنحضرت - صلی الله علیه وسلم - را بهترین و افضل ترین افراد این اُمت خوانده است؛ زیرا آنها به الله متعال و پیامبر - صلی الله علیه وسلم - ایمان کامل داشتند و از احکام و فرامین الهی سرکشی نمی نمودند.

(۱) الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، جار الله زحشری، ج ۱، ص ۴۴۱.

(۲) معالم التنزیل فی تفسیر القرآن = تفسیر البغوی، ج ۱، ص ۵۴۲.

(۳) مفردات غریب القرآن، راغب اصفهانی، ج ۱، ص ۱۶۰.

صحابه کرام در رأس امت پیامبر - صلی الله علیه وسلم - قرار داشتند که نسبت همین خصوصیت صحابه کرام نخستین کسانی هستند که در نزد الله متعال به لقب (خیر أمة) مسمی شدند، چنانچه الله - تبارک و تعالی - می فرماید:

﴿ كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ ﴾ (آل عمران: ۱۱۰).

ترجمه: « شما بهترین امتی هستید که برای (سود و منفعت) مردم آفریده شده اید، ».

امام ابن کثیر - رحمه الله - می فرماید: « خطاب این آیه مستقیم به صحابه کرام است، زیرا منفعت آنها نسبت به دیگر مسلمانان بیشتر به مردم می رسید، هم چنان هدف از (خیر الناس) نفع رساندن انسان برای انسان دیگر گفته شده است که در رساندن این نفع صحابه کرام از همه اولتر می شناختند » (۱).
عبد الله بن عباس - رضی الله عنه - در تفسیر این آیه می فرماید: « مراد از (خیر أمة) مسلمانان بودند که همراه با رسول الله - صلی الله علیه وسلم - یکجا از مکه به مدینه هجرت نمودند و در غزوات (بدر و حدیبیه) شرکت نمودند » (۲).

« مراد از (أُمَّةٍ) در این آیه عام است و حکم آن در باره تمامی امت پیامبر - علیه السلام - می باشد، و برای قرون بعد از صحابه کرام نیز صدق می کند، که خیر القرون در آن، قرن و زمانه صحابه کرام می باشد » (۳).

از ابی هریره - رضی الله عنه - در تفسیر این آیه چنین روایت شده است: « قال خیر الناس للناس تأتون بهم فی السلاسل فی أعناقهم حتی یدخلوا فی الإسلام » (۴).

ترجمه: « شما بهترین مردم برای مردم هستید (زیرا) مردم را با زنجیرهایی در گردنشان می آورید، تا داخل اسلام (و بهشت) شوند ».

پیامبر - صلی الله علیه وسلم - نیز از خیر و بهتری صحابه کرام یاد نموده چنین می فرماید:

(۱) تفسیر قرآن العظیم، ابن کثیر، ج ۲، ص ۹۳.

(۲) مسند احمد بن حنبل، ج ۴، ص ۲۷۲، حدیث (۲۴۶۳)؛ و تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر، ج ۳، ص ۱۴۲؛

(۳) تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر، ج ۳، ص ۱۴۲؛ و مختصر تفسیر البغوی، ج ۱، ص ۱۳۵ - ۱۳۶.

(۴) صحیح بخاری، کتاب التفسیر، سوره آل عمران، ج ۴، ص ۶۶۰، حدیث (۴۲۸۱).

« عن عمران بن حصين - رضي الله عنهما - يقول: قال رسول - الله صلى الله عليه وسلم - خير أمتي قرني ثم الذين يلونهم ثم الذين يلونهم »^(١).

ترجمه: « از عمران بن حصين - رضي الله عنهما - روایت است که پیامبر - صلى الله عليه وسلم - فرمود: بهترین امت من قرن من است بعد از آن کسانی که به دنبال آنها می آیند و بعد از آن کسانی که به دنبال آنها می آیند ».

هم چنان در حدیثی دیگری فضیلت صحابه کرام و برتری آنها را از میان امت مسلمه پیامبر - صلى الله عليه وسلم - چنین بیان نموده است:

« عن عبد الله بن مسعود - رضي الله عنه -: أن النبي - صلى الله عليه وسلم قال: خير الناس قرني ثم الذين يلونهم ثم الذين يلونهم ثم يجيء قوم تسبق شهادة أحدهم يمينه ويمينه شهادته »^(٢).

ترجمه: « از عبد الله بن مسعود - رضي الله عنه - روایت است: که رسول الله - صلى الله عليه وسلم - فرمود: بهترین مردم، مردمان قرنی هستند که من در آن بسر می برم و مردمان بعد از آن و مردمان بعد از آنها هستند، و بعد از آنان، کسانی می آیند که گاهی قبل از سوگند خوردن، گواهی می دهند و گاهی قبل از گواهی دادن، سوگند می خورند ». یعنی تقوا ندارند و براحتی گواهی می دهند و سوگند می خورند.

مطلب ششم: وعده صحابه کرام بر خلافت زمین

سلطه و خلافت بندگان صالح و نیکو کار بالای زمین یکی دیگر از نعمات است که آنرا خدای سبحان برای آنها وعده نموده، هرچند خطاب این آیات برای عام بندگان است، لکن چون صحابه کرام کسانی هستند که در عصر نزول وحی بالای آنحضرت - صلى الله عليه وسلم - حضور داشتند و مطابق به دستورات قرآن کریم بشکل واقعی آن عمل می نمودند و خلافت روی زمین را هم نصیب گردیدند بنابراین همین اساس نخست تر از دیگر مسلمانان مستحق این نعمت و فضیلت گردیدند چنانچه می فرماید:

﴿ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴾ (النور: ٥٥).

(١) صحیح بخاری، کتاب فضائل صحابه، باب فضائل أصحاب النبي - صلى الله عليه وسلم -، ج ٣، ١٣٣٣، حدیث (٣٤٥٠)؛

وصحیح مسلم، کتاب فضائل صحابه، باب فضل الصحابة ثم الذين يلونهم ثم الذين يلونهم، ج ٧، ص ١٨٣، حدیث (٦٦٣٣).

(٢) صحیح بخاری، کتاب فضائل صحابه، باب فضائل أصحاب النبي - صلى الله عليه وسلم -، ج ٣، ١٣٣٥، حدیث (٣٤٥١).

ترجمه: « الله متعال به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند وعده داده است که قطعاً آنان را در زمین جانشین خواهد کرد، چنانکه کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین ساخت، و دینشان را که برایشان پسندیده است پا برجا و برقرار خواهد ساخت، و خوف و بیم شان را به امن و آرامش تبدیل خواهد نمود (به گونه ای که) مرا بپرستید و چیزی را با من شریک ن سازند، و کسانی که پس از این کفر ورزند این ها فاسق اند.»

صاحب تفسیر (الکشاف) می فرماید: « خطاب این آیه به پیامبر - صلی الله علیه وسلم - و صحابه کرام می باشد، الله - تبارک و تعالی - در این آیه آنها را به پیروزی اسلام در برابر کفر خبر می دهد، هم چنان الله سبحان پیامبر - صلی الله علیه وسلم - و صحابه کرام را به خلافت و میراث زمین مژده می دهد، چنانچه پیامبر - صلی الله علیه وسلم - و صحابه کرام مدت ده سال نخست را در مکه معظمه در حالت خوف سپری نمودند، در حالی که بعد از هجرت به مدینه منوره آنها در نهایت رفاه و آسایش زندگی می نمودند، (خلاصه اینکه مراد از " استخلاف " در این آیه خلافت صحابه کرام در روی زمین می باشد) «(۱)».

چنانچه الله متعال خلافت زمین را که برای بندگان صالح و نیکو کار بنی اسرائیل وعده نموده بود، برای صحابه کرام و یاران پیامبر - صلی الله علیه وسلم - و بندگان نیکو کار بیان نموده و آنها را در ایمانداری تشویق و ترغیب نموده است، چنانچه از زبان موسی - علیه السلام - نقل نموده می فرماید:

﴿ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ﴾

(الاعراف: ۱۲۸).

ترجمه: « موسی - علیه السلام - به قومش گفت: از الله متعال یاری بجوئید، و شکیبای کنید، همانا زمین از آن الله است، هرکسی از بندگان را که بخواد وارث آن قرار می دهد و سر انجام از آن پرهیزگاران است.»

(۱) الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، جار الله زنجشیری، ج ۳، ص ۲۵۱.

مبحث دوم

فضائل تعداد خاص صحابه کرام در قرآن کریم

راجع به فضائل تعدادی خاص صحابه کرام و یا هر فرد صحابه در قرآن کریم آیات و روایات زیادی وجود دارد، چنانچه شأن نزول آیات قرآن کریم معمولاً در باره صحابه کرام بوده است، که در این راستا محدثین کرام باب خاص در کتب شان تحت عنوان (فضائل صحابه) نام گذاری نموده اند و در آن احادیث را جابجا کرده اند که به فضیلت و برتری صحابه کرام دلالت دار؛ لکن در این قسمت می خواهیم راجع به برخی از فضائل که مربوط به تعدادی خاص صحابه کرام می شود، طی مطالب جداگانه پردازیم.

مطلب اول: فضائل مهاجرین صحابه کرام

صحابه کرام که همراه با پیامبر - صلی الله علیه وسلم - از مکه معظمه به مدینه منوره هجرت نمودند، آنها در راه هجرت زحمات و قربانی های زیادی را متحمل گردیدند، تا جای که آنها: وطن، قوم، مال و دارائی، حتی اولاد و فامیل های شانرا بخاطر حمایت و نصرت دین الله متعال و متابعت از رسول الله - صلی الله علیه وسلم ترک نمودند، و در این راستا از ملامتی هیچ ملامت کننده ای پروا نکردند، بنابر همین الله متعال فضیلت این صحابه کرام را در مقابل هجرت آنها در قرآن کریم در بسا موارد بیان نموده است چنانچه می فرماید:

﴿ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ * يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَّهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ ﴾ (التوبه: ۲۰-۲۱).

ترجمه: « کسانی که ایمان آوردند و هجرت نمودند و در راه الله متعال با مال و جانشان جهاد کردند، دارای منزلت والاتر و بزرگتری در پیشگاه الله متعال هستند، و اینان همان رستگارانند، پروردگارشان آنان را به رحمت و خشنودی خود و به باغهای که در آنها نعمت های پایدار دارند، مژده می دهد ». صاحب تفسیر (الکشاف) به نقل از عبد الله ابن عباس - رضی الله عنه - در تفسیر این آیه می فرماید: « این آیه در مورد مهاجرین صحابه کرام بطور خاص می باشد، زیرا الله متعال مهاجرین صحابه کرام را بخاطر هجرت که در راه الله متعال نموده اند به فلاح و رستگاری خاص عنایت نموده است » (۱).

(۱) الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۲، ص ۲۵۶.

فضیلت دیگری که الله - تبارک و تعالی - به مهاجرین صحابه کرام عنایت نموده عبارت از بدست آوردن غنائم و فلاح و رستگاری آنها در مقابل دشمنان می باشد، چنانچه می فرماید:

﴿لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ﴾ (الحشر: ۸).

ترجمه: « (هم چنین غنائم) از آن فقراي مهاجريني است که از خانه هایشان و اموالشان رانده شده اند و آنها از خداوند متعال فضل و خشنودی می جویند و خداوند سبحان و پیغمبرش - صلی الله علیه وسلم - را یاری می دهند اینها راست گویان اند.»

امام بغوی - رحمه الله - در تفسیر این آیه می گوید: « صحابه کرام بسوی دار هجرت از منازل و اماکن شان بخاطر طلب وکسب رضای الهی خارج شدند، و بخاطر مدد وکمک دین الله سبحان و رسول الله - صلی الله علیه وسلم -، با ایمان کامل و عقیده راسخ و صداقت واقعی خارج شدند، به همین خاطر الله متعال آنها را به فلاح و رستگاری در مقابل دشمنان شان مژده داده است» (۱).

امام ابن جریر الطبری - رحمه الله - در تفسیر این آیه می گوید: « صحابه کرام که بخاطر هجرت از دیار و مسکن خود خارج شدند و با قوم خود، بخاطر کسب رضایت و خشنودی الله - تبارک و تعالی - و پیامبرش - صلی الله علیه وسلم - مخالفت نمودند، و به این عمل شان دین خداوند سبحان و رسول الله - صلی الله علیه وسلم - را نصرت و یاری نمودند، زیرا که قول آنها با فعل شان در صداقت و راستی قرار داشت و آنها از جمله ای سادات مهاجرین بودند، آنها راستگویان در گفتار و عمل بودند» (۲).

قتاده - رحمه الله - می گوید: « این مهاجرین خانه، اموال، اهل، دیار و خانواده خود را بخاطر حب الله متعال و رسول اش - صلی الله علیه وسلم - ترک نمودند، و اسلام را با تمام مشکلات که در پیش رو داشت برگزیدند، تاجای که گفته شده صحابه کرام (در غزوه احزاب) از اثر شدت گرسنگی سنگ ها را در شکم های شان بسته می کردند تا احساس گرسنگی نکنند» (۳).

(۱) معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، امام بغوی، ج ۵، ص ۵۸.

(۲) جامع البیان فی تأویل القرآن، ابن جریر الطبری، ج ۲۳، ص ۲۸۱.

(۳) البحر المحیط فی التفسیر، أبو حیان محمد بن یوسف بن علی بن یوسف بن حیان أثير الدين الأندلسي، تحقیق: صدقي محمد جمیل،

دار الفکر - بیروت، ج ۵، ص ۳۵۷.

هم چنان الله متعال در آیه دیگر فضیلت و وپاداش مهاجرین صحابه کرام را در قرآن کریم جنت جاودان بیان نموده می فرماید:

﴿ فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِّنْكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ بَعْضُكُم مِّنْ بَعْضٍ فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُودُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ بَّحْرِيٍّ مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ ﴾ (آل عمران: ۱۹۵).

ترجمه: « پس پروردگارشان دعای ایشان را پذیرفت و پاسخ شان داد که من عمل هیچ کسی از شما را که به کار خاسته باشد خواه زن باشد یا مرد ضایع نخواهم کرد پاره ای از شما از پاره دیگر هستید (و همگی هم نوع و هم جنس می باشید) آنان که هجرت کردند، و از خانه های خود رانده شدند، و در راه من اذیت و آزارشان رساندند و جنگیدند و کشته شدند هر آینه گناهان شان را می بخشم و به بهشت در می آورم، بهشت که رودخانه ها در زیر (درختان) آن روان است، این پاداش از سوی الله متعال (ایشان را) است و پاداش نیکو تنها نزد الله متعال است.»

الله متعال صحابه کرام را مورد لطف و عنایت ویژه قرار می دهد و در باره آنها اظهار می دارد که کارهای بد آنها را نادیده می گیرم و آنها را در بهشت های وارد می کنم که نهرها از زیر آن جاری است و این پاداش از جانب خداوند است و این الله متعال است که پاداش نیکو نزد اوست.

الله - تبارک و تعالی - در شان این بزرگواران در آیه دیگر می فرماید:

﴿ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَّغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ﴾ (الأنفال: ۷۴).

ترجمه: « بی گمان کسانی که ایمان آورده اند و مهاجرت کرده اند و در راه الله متعال جهاد نموده اند و همچنین کسانی که پناه داده اند و یاری کرده اند (هر دو گروه) آنان حقیقتاً مومن و با ایمان هستند، برای آنان آموزش (گناهان از سوی یزدان منان) و روزی شایسته (در بهشت جاودان) است.»

در این آیه، الله متعال صحابه کرام مهاجرین را یاد نموده آنها که ایمان آوردند و هجرت و جهاد کردند و آنها که به مسلمانان مهاجر پناه دادند و کمک کردند، به راستی که مؤمنان واقعی هستند و ایمان حقیقی دارند.

الله متعال صحابه كرام را كه همراه با پيامبر - صلى الله عليه وسلم - هجرت نمودند، به خشنودى و رضائت از خود مژده مى دهد كه اين فضيلت براى هيچ كسى ديگر از امت داده نشده است و صرف خاصه صحابه كرام مى باشد بخصوص مهاجرين، چنانچه خداوند متعال مى فرمايد:

﴿وَالسَّابِقُونَ الْأُولُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ (التوبه: ۱۰۰).

ترجمه: « و پيشگامان نخستين از مهاجرين و انصار و كساني كه به نيكوكاري از آنان پيروي کرده اند، و راه ايشان را به خويي پيموده اند، الله متعال از آنان خشنود است، و آنان از او تعالى خشنود اند، و الله سبحانه براي شان باغهاي آماده کرده است كه از زير (درختان) آن رودها روان است ».

يعنى: آنان كه ايمان آوردند و مهاجرت كردند و در راه الله متعال با مال و جان خويش جهاد كردند، در نزد الله - تبارك وتعالى - درجه اي عظيمى دارند، زيرا اين جهاد براي بر پا داشتن حكومت و شريعت اسلامى در زمين بوده است كه توسط ياران جان فداى آنحضرت - صلى الله عليه وسلم - و اولين مسلمانان تحقق يافته است.

مطلب دوم: فضائل انصار صحابه كرام

همان طوريكه الله متعال مهاجرين صحابه كرام را فضيلت و برترى داده است، هم چنان اصحاب كه در مدينه منوره زندگى مى كردند (انصار) را نيز فضيلت خاص داده است؛ چنانچه الله - تبارك وتعالى - راجع به فضيلت انصار در قرآن كريم مى فرمايد:

﴿وَالسَّابِقُونَ الْأُولُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ (التوبه: ۱۰۰).

امام بخارى - رحمه الله - در وجه تسميه (انصار) از حضرت انس بن مالك - رضى الله عنه - روايت نموده مى فرمايد:

« حدثنا غيلان ابن جرير قال: قلت لأنس: أ رأيت اسم الأنصار كنتم تسمون به أم سماكم الله ؟ قال: بل سمانا الله » (۱).

(۱) صحيح بخارى، كتاب فضائل الصحابه، باب فضائل الانصار ج ۳، ص ۱۳۷۶، حديث (۳۵۶۵)؛ و الجامع لأحكام القرآن = تفسير القرطبي، ج ۸، ص ۲۳۶.

ترجمه: « غیلان ابن جریر می گوید: به انس بن مالک - رضی الله عنه - گفتم: آیا انصار اسم است که شما در جاهلیت یکدیگر را به آن صدا می کردید و یا الله متعال شما را بدان مسمی نموده است؟ حضرت انس - رضی الله عنه - گفت: الله متعال ما را در قرآن کریم به این اسم مسمی نموده است. »

هم چنان فضیلت دیگری انصار عبارت از قبولی توبه آنها از جانب الله متعال می باشد، چنانچه خدواند - تبارک و تعالی - می فرماید:

﴿لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ مِنْ بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبَ فَرِيقٍ مِنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ إِنَّهُ بِهِمْ رَءُوفٌ رَحِيمٌ﴾ (التوب: ۱۱۷).

ترجمه: « به درستی که الله متعال توبه پیامبر - صلی الله علیه وسلم - و توبه مهاجرین و انصار را پذیرفت، آنهایی که در هنگام سختی از او پیروی کردند بعد از آنکه نزدیک بود دلهای گروهی از آنان منحصر شود. سپس توبه آنان را پذیرفت، همانا او تعالی نسبت به آنها رئوف و مهربان است. »

انصار صحابه کرام مهاجرین را بی نهایت دوست داشتند و در دلهای خود هیچ گمان و تردید راجع به مهاجرین نداشتند، چنانچه الله متعال می فرماید:

﴿وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْتُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (الحشر: ۹).

ترجمه: « و کسانی که پیش از آنان خانه و کاشنه را آماده کردند و ایمان (نیز) در دلشان جای گرفت، کسانی را که به سوی آنان هجرت کنند دوست می دارند، و در دل های خود از آنچه (به مهاجران) داده اند احساس نیازی نکنند و (دیگران را) بر خودشان ترجیح می دهند هرچند که خود سخت نیازمند باشند. و کسانی که از آزمندی نفس خویش مصون باشند این ها رستگار اند. »

در مقابل همین از خود گذری های انصار بود که الله متعال فضیلت آنها را چنین بیان نموده است:

﴿وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا هُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ﴾ (الأنفال: ۷۴).

هم چنان راجع به فضائل انصار احادیث زیادی از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - روایت شده است که در این قسمت نقل احادیث ذیل از کتاب (صحیح بخاری) اکتفا می نمائیم:

۱- « عن البراء - رضي الله عنه - قال: قال النبي - صلى الله عليه وسلم - الأنصار لا يحبهم إلا مؤمن ولا يبغضهم إلا منافق فمن أحبهم أحبه الله ومن أبغضهم أبغضه الله »^(۱).

ترجمه: « از حضرت براء - رضي الله عنه - روایت است که پیغمبر - صلى الله عليه وسلم - فرمود: هر کس انصار را دوست داشته باشد مؤمن است و هر که نسبت به آنها کینه و عداوت داشته باشد منافق است، کسی که انصار را دوست داشته باشد الله متعال او را دوست دارد، و کسی که با انصار کینه و دشمنی داشته باشد الله - تبارک و تعالی - با او عداوت می ورزد ».

۲- « عن أنس بن مالك - رضي الله عنه - قال: قال النبي - صلى الله عليه وسلم - آية الإيمان حب الأنصار وآية النفاق بغض الأنصار »^(۲).

ترجمه: « از حضرت انس - رضي الله عنه - روایت است که پیغمبر - صلى الله عليه وسلم - فرمود: محبت و دوست داشتن انصار نشانه ایمان است، و کینه و بغض با انصار نشانه منافقت می باشد ».

۳- « عن أنس بن مالك - رضي الله عنه - قال: جاءت امرأة من الأنصار إلى رسول الله - صلى الله عليه وسلم - ومعها صبي لها فكلمها رسول الله - صلى الله عليه وسلم - فقال: والذي نفسي بيده إنكم أحب الناس إلي مرتين »^(۳).

ترجمه: « انس بن مالك - رضي الله عنه - روایت می کند: يك زن انصاری که پسر بچه ای همراه داشت پیش پیامبر - صلى الله عليه وسلم - آمد پیامبر - صلى الله عليه وسلم - با او به گفتگو پرداخت، و به او فرمود: قسم به ذاتی که جان من در دست او است شما (انصار) محبوب ترین مردم به نزد من می باشید، و این جمله را دوبار تکرار نمود ».

مطلب سوم: فضائل مجاهدین صحابه کرام

چون جهاد و قتال بخاطر اعلاى کلمة الله و نصرت دین الله متعال افضلترین عبادات نزد الله متعال محسوب می گردد، به همین خاطر جهاد فی سبیل الله در قرآن کریم از جایگاه خاص برخوردار می باشد، هم چنان یکی از صفات صحابه کرام جهاد است، زیرا آنها نخستین مسلمانان بودند که در راه دین الله سبحانه مبارزه نمودند، در قرآن کریم الله - تبارک و تعالی - آیات زیادی را پیرامون فضیلت جهاد و مجاهد بیان

(۱) صحیح مسلم، کتاب الایمان، باب حب الانصار من الایمان، ج ۱، ص ۶۰، حدیث (۲۴۶).

(۲) صحیح البخاری، کتاب فضائل الصحابة، باب حب الانصار من الایمان، ج ۳، ص ۱۳۷۹، حدیث (۳۰۷۳).

(۳) صحیح البخاری، کتاب فضائل الصحابة، باب حب الانصار من الایمان، ج ۳، ص ۱۳۷۹، حدیث (۳۰۷۵).

نموده است، هم چنان پیامبر - صلی الله علیه وسلم - احادیثی زیادی را پیرامون فضیلت (جهاد و قتال) در مقابل کفار و مشرکین ایراد فرموده است، تا جای که محدثین یک یک کتاب شان را در فضل آنها نام گذاری نمودند، که در این مطلب صرف برخی از آنها طی عناوین ذیل مورد بحث قرار می دهیم:

۱- فضیلت مجاهدین صحابه کرام به اجر اعظیم:

الله - تبارک و تعالی - فضیلت جهاد و قتال صحابه کرام در مقابل کفار و مشرکین را در بسا موارد بیان نموده است، چنانچه می فرماید:

﴿ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴾ (التوبة: ۲۰).

ترجمه: « کسانی که ایمان آوردند و هجرت نمودند و در راه الله متعال با مال و جانشان جهاد کردند، دارای منزلت والاتر و بزرگتری در پیشگاه خداوند متعال اند، و اینان همان رستگاران اند.»

هم چنان فضائل مجاهدین در حدیث شریف ذیلاً بیان گردیده است:

« عن المقدم بن معد یكرب قال: قال رسول الله - صلی الله علیه و سلم - للشهيد عند الله ست خصال يغفر له في أول دفعة ويرى مقعده من الجنة ويجار من عذاب القبر ويأمن من الفزع الأكبر ويوضع على رأسه تاج الوقار الياقوتة منها خير من الدنيا وما فيها ويزوج اثنتين وسبعين زوجة من الحور العين ويشفع في سبعين من أقاربه»^(۱).

ترجمه: « شهید نزد الله متعال شش خصلت دارد: با ریخته شدن اولین قطره خون او گناهان اش بخشیده می شود، و جایگاهش را در بهشت می بیند، و از عذاب قبر محفوظ می ماند، و از فزع اکبر (هول قیامت) در امان می ماند، و بر سرش تاج وقار گذاشته می شود، که تنها یک یاقوت از آن از دنیا و آنچه در آن است بهتر است، و هفتاد و دو زن از حوریان (چشم درشت) بهشتی را به ازدواج اش درمی آورند، و برای هفتاد نفر از نزدیکانش شفاعت می کند.»

الله متعال اصحاب کرام که به الله متعال ایمان آوردند، همراه با پیامبر - صلی الله علیه وسلم - هجرت نمودند، و در راه الله متعال با مال و جانشان جهاد نمودند، فضیلت و اجر عظیم وعده نموده است، که

(۱) سنن ترمذی، کتاب فضائل الجهاد، فی ثواب الشهید، ج ۴، ص ۱۸۷، حدیث (۱۶۶۳).

در آیه کریمه که بیان گردید، یکی از فضائل صحابه کرام در جهاد و نصرت دین الله متعال می باشد،
طوریکه الله متعال در آیه دیگر نیز فضیلت صحابه کرام را در جهاد بیان نموده می فرماید:

﴿ لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا ﴾ (النساء: ۹۵).

ترجمه: « مؤمنانِ خانه نشین که عذری (برای عدم شرکت در جهاد) ندارند با کسانی که در راه او تعالی با مال و جانشان جهاد می کنند، برابر نیستند، الله متعال کسانی را که با جان و مالشان جهاد می کنند بر کسانی که نشسته اند و به جهاد نرفته اند برتر قرار داده، و به هر یک وعده نیکو داده است، و الله متعال مجاهدین را نسبت به کسانی که نشسته اند با دادن اجر فراوان و بزرگ برتری داده است.»

صاحب تفسیر (الکشاف) به روایت ابن عباس - رضی الله عنه - می فرماید: « کسانی که در غزوه بدر شرکت نکردند هرگز برابر نیست با کسانی که در آن شرکت نمودند، و یا مراد از آن غزوه تبوک می باشد، لکن سخن اینجا است که هیچگاه کسانی که در خان های شان نشسته و بدون کدام عذر معقول و شرعی در جهاد شرکت نمی کنند با مجاهدین برار نمی باشند، یعنی: (مراد از مجاهدین در این آیه صحابه کرام که در بدر و یا هم در تبوک شرکت نموده بودند می باشد)»^(۱).

۲- فضیلت مجاهدین صحابه کرام به رحمت:

الله - تبارک و تعالی - مجاهدین صحابه کرام را در مقابل هجرت و جهاد شان به رحمت از جانب اش مرثه داده می فرماید:

﴿ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴾ (البقره: ۲۱۸).

ترجمه: « همانا کسانی که ایمان آوردند و آنانی که در راه الله متعال جهاد کردند و هجرت نمودند ایشان امید رحمت الهی را دارند و خداوند - تبارک و تعالی - آمرزنده و مهربان است.»

امام ابن جریر الطبری - رحمه الله - در بیان سبب نزول این آیه کریمه می فرماید: « این آیه درباره سریه (گروه) عبدالله بن جحش - رضی الله عنه - نازل شد زیرا ایشان گفتند: یا رسول الله - صلی الله علیه

(۱) الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، جار الله زنجشیری، ج ۱، ص ۵۵۳.

وسلم - آیا می‌توانیم امیدوار باشیم که حمله به کاروان حضرمی برای ما غزوه‌ای به حساب می‌آید که در آن، مستحق دریافت اجر مجاهدان باشیم؟ همان بود که الله متعال از این حقیقت که ایشان به دلیل ایمان، هجرت و جهاد خویش، باید امیدوار پاداش الهی باشند، خبر داد»^(۱).

رسول الله - صلی الله علیه وسلم - دو ماه قبل از غزوه بدر، سریه‌ای را به فرماندهی عبدالله بن جحش - رضی الله عنه - برای ترصد (کمین) کاروانی از قریش اعزام کردند، آنها با کاروان (عمروبن حضرمی) که از طایف به مقصد مکه روان بود، روبرو شدند، شب اول ماه رجب المرجب بود، اما مسلمانان از حلول ماه حرام آگاه نبودند، پس به آن کاروان حمله برده عمروبن حضرمی را کشتند و اموال کاروان را به غنیمت گرفتند و چون نزد رسول الله - صلی الله علیه وسلم - آمدند، آنحضرت - صلی الله علیه وسلم - به آنها فرمود: سوگند به الله متعال که من شما را به جنگیدن در ماه حرام دستور نداده بودم، آنحضرت - صلی الله علیه وسلم -، غنایم را نیز از ایشان تحویل نگرفتند، از سوی دیگر، مشرکان هم این موضوع را دست‌آویز خویش قرار داده، پیامبر - صلی الله علیه وسلم - را مورد سرزنش قرار می‌دادند که مقدسات را زیر پا می‌گذارد و حرمتها را می‌شکند! همان بود که آیه کریمه نازل شد آن‌گاه رسول الله - صلی الله علیه وسلم - غنایم را تحویل گرفتند»^(۲).

امام شوکانی - رحمه الله می‌گوید: «حکم این آیه کریمه به آیه (۵) سوره (توبه) منسوخ شده، زیرا در آن سوره الله متعال جنگیدن با مشرکان در ماههای حرام را مباح گفته است»^(۳)؛ چنانچه الله متعال می‌فرماید:

﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا دِينَ أَبِي تَالِبٍ الَّذِي هُوَ الدِّينُ الْقَدِيمُ الَّذِي مَلَأَ الْكُتُبَ﴾ (التوبه: ۵).

ترجمه: «مشرکان را هرکجا یافتید بکشید».

۳- فضیلت مجاهدین صحابه کرام به مغفرت و آسایش:

الله - تبارک و تعالی - در قرآن کریم صحابه کرام را در بدل جهاد شان در حمایت دین و شریعت الهی و نصرت پیامبر - صلی الله علیه وسلم - به مغفرت مژده داده می‌فرماید:

(۱) جامع البیان فی تاویل القرآن، ابن جریر الطبری، ج ۴، ص ۳۱۹.

(۲) تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر، ج ۱، ص ۵۷۴.

(۳) فتح القدیر، امام شوکانی، ج ۱، ص ۲۵۱.

﴿ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ * وَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْ بَعْدُ وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا مَعَكُمْ فَأُولَئِكَ مِنْكُمْ وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴾ (الانفال: ٧٤-٧٥).

ترجمه: « و کسانی که ایمان آوردند، و هجرت نمودند، و در راه الله متعال جهاد کردند، و همچنان کسانی که پناه دادند و یاری نمودند، اینان به راستی مؤمنان اند، برای آنان آمرزش و روزی شایسته ای است؛ و کسانی که پس از این، ایمان آوردند و هجرت کردند و همراه با شما جهاد نمودند، آنان از شما هستند، و خویشاوندان در کتاب الله متعال نسبت به همدیگر (از دیگران) سزاوارترند، بی گمان الله متعال به همه چیز دانا است.»

هم چنان الله متعال در آیه دیگر چنین می فرماید:

﴿ وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوا أَوْ مَاتُوا لَيَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ * لِيَدْخُلَنَّهُمْ مُدْخَلًا يَرْضَوْنَهُ وَإِنَّ اللَّهَ لَعَلِيمٌ حَلِيمٌ ﴾ (الحج: ٥٨-٥٩).

ترجمه: « و کسانی که در راه الله متعال هجرت کرده و سپس کشته شده یا مرده اند، بدون شك الله - تبارک و تعالی - به آنان روزی پسندیده می دهد و به یقین خداوند متعال بهترین روزی دهندگان است، قطعاً الله متعال آنها را به جایگاه که آن را می پسندند وارد خواهد کرد، و بی گمان خداوند متعال دانا و شکبیا است.»

الله - تبارک و تعالی - در این آیه فضیلت صحابه کرام را که در حمایت و نصرت دین الله متعال جهاد و قتال نمودند بیان کرده است، چنانچه تفسیر آن در مطالب قبلی بیان گردید، چنانچه این فضیلت مجاهدین را پیامبر - صلی الله علیه و سلم - چنین بیان نموده است:

« عن مسروق قال: سألتنا عبد الله عن هذه الآية (ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله أمواتا بل أحياء عند ربهم يرزقون) قال: أما إنا قد سألتنا عن ذلك فقال: أرواحهم في جوف طير خضر لها قناديل معلقة بالعرش تسرح من الجنة حيث شاءت ثم تأوى إلى تلك القناديل فاطلع إليهم ربهم اطلاعاً فقال هل تشتبهون شيئاً قالوا أى شىء نشتهى ونحن نسرح من الجنة حيث شئنا ففعل ذلك بهم ثلاث مرات فلما رأوا أنهم لن يتركوا

من أن يسألوا قالوا يا رب نريد أن ترد أرواحنا في أجسادنا حتى نقتل في سبيلك مرة أخرى، فلما رأى أن ليس لهم حاجة تركوا»^(۱).

ترجمه: « ارواح آنها در شکم پرندگان سبز رنگ قرار دارد، و برای آنها قندیلها (چراغهای) است که به عرش آویخته شده اند، و در هر جای بهشت که بخواهند می روند، سپس به طرف این قندیلها (چراغها) برمی گردند، پروردگارشان به آنان نگاهی می کند، و می فرماید: آیا چیزی میل دارید؟ می گویند: اشتهاهی چه چیزی را داشته باشیم در حالی که در هر جای بهشت، که بخواهیم می رویم، الله متعال این سؤال را سه بار تکرار می کند، وقتی که (شهداء) می بینند رها نمی شوند مگر اینکه چیزی را درخواست کنند، می گویند: پروردگارا! می خواهیم ارواح ما به اجسادمان برگردانده شود تا یک بار دیگر در راه تو کشته شویم، وقتی الله متعال می بیند هیچ نیازی ندارند، آنان را به حال خود رها می کند.»

۴- فضیلت مجاهدین صحابه کرام به وعده جنت:

همان طوریکه الله متعال صحابه کرام را در بسا موارد به جنت جاودان که صفات آن نیز بیان گردید، وعده نموده است، لکن آنها را در مقابل جهاد بطور مشخص به جنت وعده نموده است که این خود به فضیلت مجاهدین که بخاطر اعلاى کلمة الله مبارزه می کنند دلالت دارد و در رأس این مجاهدین صحابه کرام قرار دارد، چنانچه الله متعال می فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ هُمْ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْقَوْلُ الْعَظِيمُ﴾ (التوبه: ۱۱۱).

ترجمه: « همانا الله متعال از مؤمنان جان های شان و اموال شان در بدل بهشت برای آنها خریده است، آنه در راه دین الله متعال پیکار می کنند، پس می کشند و کشته می شوند، این وعده ای است که (الله متعال آنرا) در تورات و انجیل و قرآن (به عنوان سند معتبری ثبت کرده است) و وعده راستین آن را داده است، و چه کسی از الله متعال به وعده خود وفاکننده تر است؟! پس به معامله ای که کرده اید شاد باشید و این همان کامیابی بزرگ است.»

(۱) صحیح مسلم، کتاب الامارة، باب فی بیان أن ارواح الشهداء فی الجنة وأهم أحياء عند رهم بيزقون، ج ۶، ص ۳۶، حدیث)

پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فضیلت جهاد و مجاهدین را در کل برای تمامی امت مسلمه و بالاخص صحابه کرام چنین بیان نموده است:

« عن ابی هريرة - رضی الله عنه - قال: سمعت رسول الله - صلی الله علیه وسلم - يقول: إن فی الجنة مائة درجة أعدھا الله للمجاهدين فی سبیل الله ما بین الدرجتين كما بین السماء والأرض فإذا سألتم الله فاسألوه الفردوس فإنه أوسط الجنة وأعلى الجنة - أراه - فوقه عرش الرحمن ومنه تفجر أنهار الجنة»^(۱).

ترجمه: «همانا در بهشت صد درجه است که الله تعالی آنها را برای مجاهدین در راه الله متعال آماده کرده است، فاصله هر دو درجه مانند فاصله آسمان و زمین است، لذا هرگاه از الله متعال در خواست جنت نمودید، جنت فردوس را بخواهید که بهترین و بالاترین قسمت بهشت است و بالای آن عرش رحمان قرار دارد و رودهای بهشت از آن سرچشمه می گیرند.»

چنانچه در حدیث دیگر فضیلت مجاهد را پیامبر - صلی الله علیه وسلم - چنین بیان نموده:

« أن أبا هريرة - رضی الله عنه - قال: سمعت رسول الله - صلی الله علیه وسلم - يقول مثل المجاهد فی سبیل الله، والله أعلم بمن یجاهد فی سبيله كمثل الصائم القائم وتوکل الله للمجاهد فی سبيله بأن يتوفاه أن یدخله الجنة أو یرجعه سالما مع أجر أوغنیمة»^(۲).

ترجمه: «مثال مجاهد در راه الله متعال مانند روزه دار و نماز گزار با خشوعی است که با تلاوت آیات قرآنی شب زنده داری می کند، و از نماز و روزه خسته نمی شوند تا وقتی که مجاهد در راه الله متعال از جهاد برگردد.»

امام ابن کثیر - رحمه الله - در بیان سبب نزول این آیه می فرماید: «آیه کریمه در شأن هفتاد تن از انصاری نازل شد که با آن حضرت - صلی الله علیه وسلم - در (عقبه کبری) بیعت کردند؛ عبدالله بن رواحة - رضی الله عنه - در بیان این رخداد می گوید: در آنجا من به رسول الله - صلی الله علیه وسلم - گفتم: هرچه می خواهید برای پروردگار متعال و برای خود شرط نمائید، آنحضرت - صلی الله علیه وسلم - فرمودند: برای پروردگار شرط می نمایم که او را عبادت کنید و چیزی را با او شریک نیاورید و برای

(۱) صحیح بخاری، کتاب الجهاد و السیر، باب درجات المجاهدین فی سبیل الله . يقال هذه سبيلي وهذا سبيلي ، ج ۳، ص ۱۰۲۸، حدیث (۲۶۳۷).

(۲) صحیح بخاری، کتاب الجهاد و السیر، باب أفضل الناس مؤمن یجاهد بنفسه وماله فی سبیل الله ، ج ۳، ص ۱۰۲۷، حدیث (۲۶۳۵).

خودم شرط می نمایم که آنچه را از جانها و مالهایتان باز می‌دارید، از من نیز باز دارید، بیعت کنندگان گفتند: اگر چنین کنیم، پادشاهان چیست؟ رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمودند: «پاداش شما بهشت است». انصار گفتند: معامله سود کرد، نه فسخ می‌کنیم و نه طالب فسخ آن می‌شویم! همان بود که این آیه کریم نازل شد «(۱)».

الله متعال در آیات قبل از این آیه رسوایی منافقان را شرح داد، در اینجا فضیلت جهاد را بیان نموده است، یعنی: مجاهدین، جان‌های شانرا در راه الله متعال در بدل بهشت فروخته اند، زیرا جانها و مالهایشان را به جهاد بخشیده اند و الله متعال هم در مقابل، بهشت را به ایشان بخشیده است، زیرا آنها در میدانهای جنگ به قصد کشتن کفار پیش می‌تازند و در این راه، حتی خود نیز تن به کشته شدن می‌دهند، که بی‌گمان در مقابل سزاوار بهشت گردیده اند.

چنانچه الله متعال در آیه دیگر فضیلت صحابه کرام را به هدایت در راه مستقیم بیان نموده می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾ (العنكبوت: ۶۹).

ترجمه: «و کسانی که در راه ما کوشش کنند قطعاً آنان را به راه‌های خویش رهنمود می‌گردانیم، و قطعاً الله متعال با نیکوکاران است».

امام ابن کثیر - رحمه الله - در تفسیر این آیه می‌فرماید: «الله متعال پیامبر - صلی الله علیه وسلم - صحابه کرام و کسانی را که بعد از آنها در راه الله متعال جهاد می‌کنند، به راه‌های خیر که ایشان را به سرمنزل خشنودی و رضای الهی در دنیا و آخرت میرساند رهنمون می‌کند» (۲).

«و بی‌گمان خدا با نیکوکاران است» با نصرت و یاری خویش در دنیا و دادن پاداش نیک در آخرت و هر کس که خدأ با او باشد، هرگز خوار و ذلیل نمی‌شود.

«مراد از جهاد در آیه کریمه، فقط جنگیدن با کفار نیست بلکه یاری دادن دین الله - تبارک و تعالی - مبارزه با باطل اندیشان، سرکوب ستمگران و در رأس همه، امر به معروف و نهي از منکر و مجاهده با نفس در طاعت حق تعالی است» (۳).

(۱) دیده شود: تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر، ج ۸، ص ۲۶۷.

(۲) تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر، ج ۶، ص ۲۹۶.

(۳) دیده شود: فتح القدیر، امام شوکانی، ج ۴، ص ۲۴۵؛ التفسیر المنیر فی العقیة والشریعة والمنهج، وهبه الزحیلی، ج ۲۱، ص

۵- فضیلت مجاهدين صحابه كرام به فتح و كاميابی:

در کنار ديگر فضائل يکی از فضائل بزرگ را که صحابه كرام نصيب گرديده اند، فتح و پيروزی آنها در مقابل كفار و مشرکين می باشد، چنانچه الله متعال می فرماید:

﴿ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ * الْآنَ خَفَّفَ اللَّهُ عَنْكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفِينَ بِاللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ ﴾ (الانفال: ۶۵-۶۶).

ترجمه: اي پيامبر! - صلى الله عليه وسلم - مؤمنان را به جنگ تشوی می کن، اگر بيست نفر شکیبا از شما باشند، بر دو صد نفر پيروز می شوند، و اگر از شما صد نفر باشد بر هزار نفر از کافران چيره می گردند، به خاطر اينکه کافران گروهی هستند که نمی فهمند، هم اينک الله متعال از (مسئوليت) شما کاست، و دانست که در شما ضعفي است، پس اگر صد نفر شکیبا از شما باشند بر دو صد نفر از کافران چيره می شوند، و اگر هزار نفر صابر و شکیبا از شما باشند، بر دو هزار نفر به اذن و ياری خداوند متعال چيره می گردند، و خداوند متعال با شکیبایان است.»

الله - تبارک و تعالی - پيامبر - صلى الله عليه وسلم - امر نموده تا مؤمنان و صحابه كرام را به جهاد تشويق و ترغيب نمايد، رسول الله - صلى الله عليه وسلم - نیز به پيروی از اين فرمان الهی، همیشه صحابه كرام را به جهاد تشويق و تحريك می کردند، چنان که در حديث شريف آمده است که آنحضرت - صلى الله عليه وسلم - در روز بدر به صحابه كرام فرمودند:

« فقال: رسول الله - صلى الله عليه وسلم - قوموا إلى جنة عرضها السموات والأرض »^(۱).

ترجمه: « بپاخييزيد به سوي بهشت که پهنای آن به وسعت همه آسمانها و زمين است»

چنانچه الله - تبارک و تعالی - راجع به وسعت بهشت در جای ديگر می فرماید:

﴿ وَسَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ ﴾ (آل عمران: ۱۳۳).

ترجمه: « و بشتاييد به سوي آمرزش و عفو پروردگارتان و بهشتی که پهنای آن (به اندازه) آسمانها و زمين است ».

(۱) صحيح مسلم، كتاب الاماره، باب ثبوت الجنة للشهيد، ج ۶، ص ۴۴، حديث (۵۰۲۴).

« خداوند متعال برای پایداری و سکون دلهای صحابه کرام، در صورت که آنها بیست تن باشند به پیروزی در برابر دو صد تن مژده می دهد، تا جای که آنها را در صورت که صد تن باشند، بر پیروزی هزار تن از کافران مژده می دهد، زیرا کفار فقط به قصد برتری جوی و توسع طلبی می جنگند، در حالی که صحابه کرام صرف بخاطر اعلاي کلمه الله متعال و نصرت دین الله متعال، جهاد می کنید پس آنها بدون داشتن بینش و درکی اسلامی و حقیقی از جنگ و اهداف آن می جنگند و هر کس این چنین باشد، او اکثرا مغلوب است»^(۱).

هم چنان الله متعال نصرت و کامیابی صحابه کرام را در آیه دیگر چنین بیان نموده است:

﴿إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُرَدِّينَ﴾ (الانفال: ۹).

ترجمه: « (به یاد آورید) زمانی را که از پروردگارتان طلب یاری و کمک نمودید، و او تعالی درخواست شما را پذیرفت که: من شما را با هزار فرشته که پشت سر یکدیگر قرار دارند، یاری می دهم».

« حدیثی عمر بن الخطاب - رضی الله عنه - قال: لما كان يوم بدر نظر النبي - صلى الله عليه وسلم - إلى أصحابه، وهم ثلاثمائة ونيف، ونظر إلى المشركين فإذا هم ألف وزيادة، فاستقبل النبي - صلى الله عليه وسلم - القبلة، ثم مد يديه، وعليه رداؤه و إزاره، ثم قال: اللهم أين ما وعدتني، اللهم أنجز لي ما وعدتني، اللهم إن تهلك هذه العصابة من أهل الإسلام فلا تعبد في الأرض أبداً، قال: فما زال يستغيث ربه عز وجل ويدعوه حتى سقط رداؤه، فأتاه أبو بكر فأخذ رداءه فراه، ثم التزمه من ورائه، ثم قال: يا رسول الله، كفاك مناشدتك ربك، فإنه سينجز لك ما وعدك، فأنزل الله، عز وجل إذ تستغيثون ربكم فاستجاب...^(۲)».

ترجمه: « از عمر پسر خطاب - رضی الله عنه - روایت کرده است که گفته است: زمانی که جنگ بدر فرا رسید، پیامبر - صلی الله علیه وسلم - سوی صحابه کرام دیدند که تعداد آنها (سه صد و چند) نفر بودند، و طرف مشرکین دیدند که تعداد آنها (از هزار نفر) بیشتر بودند، سپس رو به قبله نمود، در حالی که عبا و پیراهن بر تن داشت فرمود: (بار خدایا به وعده ای وفا کن که به من داده ای، خداوندا اگر این دسته از مسلمانان را هلاک سازی دیگر در زمین هرگز پرستش نمی گردی؛ حضرت عمر - رضی الله

(۱) تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر، ج ۴، ص ۸۶-۸۷.

(۲) مسند احمد ابن حنبل، ج ۱، ص ۳۳۴، حدث ۲۰۸؛ و تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر، ج ۴، ص ۱۸.

عنه - می گوید: پیامبر - صلی الله علیه وسلم - پیوسته پروردگارش را به فریاد می خواست و به کمک می طلبید تا بدانجا که عبا و پیراهن اش از دوشهایش فرو افتاد، حضرت ابوبکر صدیق - رضی الله عنه - به خدمت او آمد و عباي او را برداشت و آن را بر دوشهای پیامبر - صلی الله علیه وسلم - انداخت، سپس پشت سر وی ایستاد، بعد به او عرض کرد: تضرع و زاری به درگاه الله متعال، این اندازه تو را بس است، الله متعال قطعاً به وعده ای که به تو داده است وفا می کند، در این بین اثنا بود که الله متعال این آیه کریمه را نازل نمود.»

۶- مژده صحابه کرام به فتح مکه:

فتح مکه و عاری نمودن بیت الله شریف از عبادت اصنام بزرگترین اهداف بود که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - و صحابه کرام جهت آزادی آن جهاد و مبارزه می نمودند، الله متعال فتح آنرا به آنها مژده داده می فرماید:

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ * تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ * يَعْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ * وَأُخْرَىٰ تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ ﴾ (الصف: ۱۰-۱۳).

ترجمه: « ای کسانی که ایمان آورده اید! آیا شما را بر تجارت رهنمون شوم که شما را از عذاب دردناک نجات می دهد؟ به خداوند متعال و پیامبر - صلی الله علیه وسلم - ایمان آورید و در راه الله متعال با اموال و جان هایتان جهاد کنید، اگر بدانید این برایتان بهتر است، تا گناهانتان را برایتان بیامرزد و شما را به باغ هایی درآورد که از زیر (کاخ ها و درختان آن) رودها روان است، و جایگاه های پاکیزه ای در بهشت های جاودان به دست آورید، این است کامیابی بزرگ، و (نعمتی) دیگر (به شما می دهد) که آن را دوست می دارید پیروزی از سوی الله متعال و فتحي نزدیک است و به مؤمنان مژده ده.»

امام ابن کثیر - رحمه الله - در سبب نزول این آیه می گوید: « صحابه کرام - رضی الله عنهم - از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - خواست که بهترین اعمال نزد الله متعال کدام است تا به آن عمل نمائیم،

این آیه نازل گردید، و الله متعال پیامبر - صلی الله علیه وسلم - را در مقابل این جهاد، به فتح عظیم (فتح مکه) مژده می دهد^(۱)، چنانچه در سوره دیگر می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾ (محمد: ۷).

ترجمه: « ای مؤمنان! اگر (دین) الله متعال را یاری کنید خداوند - تبارک و تعالی - (هم) شما را یاری می کند و گام هایتان را استوار می دارد. »

۷- تعقیب راه صحابه سبب فلاح و رستگاری است:

الله متعال در جای دیگر پیروی از راه پیامبر - صلی الله علیه وسلم - و صحابه کرام را برای بندگانش تعلیم داده می فرماید:

﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي﴾ (یوسف: ۱۰۸).

ترجمه: « بگو: این راه من است، با آگاهی و بینش به سوی الله متعال دعوت می کنم و پیروان من هم (باید چنین باشند) ». »

« این آیه نیز به حقیقت راه و رسالت پیامبر - صلی الله علیه وسلم - و یاران و پیروان او (اصحاب کرام) اشاره دارد و از زبان حضرت محمد - وصلي الله علیه وسلم - اعلام می کند که این رسالت و این دعوت و این جنبش عقیدتی از بصیرت و آگاهی من سر چشمه می گیرد؛ یعنی چه من و چه کسانی که به پیروی از من برخاسته اند این کار را از روی جهالت و نادانی نکرده ایم، بلکه در آن روشنی و آگاهی نهفته است و این فرقی است با کسانی که اعمال خود را از روی جهالت و تعصب انجام می دهند^(۲). همان طوریکه راه صحابه رسول الله - صلی الله علیه وسلم - راه هدایت و اتباع آن موجب فلاح است، هم چنان عدم اتباع آن موجب ورود به جهنم می شود، چنانچه الله - جل جلاله - می فرماید:

﴿وَمَنْ يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصَلِّهِ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا﴾ (النساء: ۱۱۵).

(۱) تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر، ج ۸، ص ۱۱۲.

(۲) دیده شود: تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر، ج ۴، ص ۴۲۲.

ترجمه: « و هرکس با پیامبر - علیه السلام - مخالفت کند پس از اینکه هدایت برای او روشن شده است، و راهی غیر از راه مؤمنان را درپیش گیرد، او را به همان جهت که روی خود را بدان کرده است رها می کنیم، و او را وارد جهنم می کنیم، و او را در آن می سوزانیم و چه بد جایگاهی است ». امام ابن کثیر - رحمه الله - در تفسیر این آیه می گوید: « کسیکه طریقه و راه غیر شریعت محمدی - صلی الله علیه وسلم - را انتخاب نماید در مخالفت با او قرار می گیرد، و از راه اصلی شریعت اسلامی خارج می گردد در آن صورت جزای آنها جهنم و آتش دوزخ است، و کسیکه با اجماع مسلمانان مخالفت ورزد در خطا واقع گردیده است، چنانچه تعدادی از علماء متابعت از اجماع امت را از همین آیه ثابت می کنند»^(۱).

مطلب چهارم: فضائل اهل بدر از صحابه کرام در غزوه بدر

غزوه بدر نخستین نبرد مسلحانه مسلمانان با مشرکان، و نبردی سرنوشت ساز بود که برای مسلمانان یک پیروزی چشم گیر به ارمغان آورد، به گونه ای که قوم عرب یکپارچه به این پیروزی و تفوق قطعی پیامبر - صلی الله علیه وسلم - و صحابه کرام اعتراف نمودند، و سخت ترین ناخوشایندی این نبرد را مشرکان متحمل گردیدند^(۲).

سرانجام در این نبرد لشکر مسلمانان پیروز گردیدند، و الله متعال در این نبرد صحابه کرام را فضائل زیاد عنایت نموده است که برخی از آن قرار ذیل بیان می گردد:

﴿وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرِ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّبِعُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ * إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُدْعِيَكُمْ رِزْقُكُمْ بِثَلَاثَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنَزَّلِينَ * بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّنْ فَوْرِهِمْ هَذَا يُدْعِيكُمْ رِزْقُكُمْ بِخَمْسَةِ

(۱) تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر، ج ۲، ص ۴۱۳.

(۲) این غزوه در روز هفدهم ماه رمضان سال دوم هجری انجام شد، علت غزوه (بدر کبری) به این قرار بود که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - چند نفر از اصحابش را فرستاد تا در کمین کاروان مشرکان که به سرکاروانی ابوسفیان از شام به طرف مکه حرکت کرده بود قرار گیرند و اموال آنان را بگیرند اما پیامبر - صلی الله علیه وسلم - در این اقدام قصد جنگ با کافران را نداشت ولی ابوسفیان کسی را نزد قریش فرستاد و آنان را برای دفاع از کاروان دعوت نمود مشرکان قریش با لشکری شامل هزار سرباز جنگجو، یکصد اسب و هفتصد شتر برای جنگ با مسلمانان حرکت کردند اما لشکر مسلمانان شامل سیصد و چهارده نفر مرد بود که بیشتر آنان از انصار بودند در لشکر مسلمانان فقط هفت شتر و دو اسب وجود داشت، دیده شود: سیره ابن هشام، أبو محمد عبد الملك بن هشام بن أيوب الحميري المصري، موقع الإسلام، ج ۱، ص ۶۰۸. و کتاب: خورشید نبوت (الرحيق المختوم)، شیخ صفی الرحمن مبارکفوری ترجمه فارسی، ترجمه: دکتر محمدعلی لسانی فشارکی، ج ۱، ص ۴۱۳.

آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ * وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُم بِهِ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ﴿آل عمران: ۱۲۳-۱۲۶﴾.

ترجمه: « و الله متعال شما را در روز (بدر) پیروز گردانید در حالی که تعداد افراد تان اندک و کم بود، پس از الله متعال بترسید تا باشد که سپاسگزار باشید؛ آنگاه که به مؤمنان می گفتی: آیا شما را بسنده نیست که پروردگارتان شما را با سه هزار فرشته که فرو فرستاده شده است، یاری کند؟؛ آری! اگر صبر پیشه کنید و پرهیزگاری نمایید و آنان (دشمن) به مجرد که بر شما بتازند، خداوند متعال شما را با پنج هزار فرشته نشان دار، یاری خواهد کرد؛ و الله متعال آنرا جز مژده ای برای شما نگرداند، و تا دلهایتان با آن آرام گیرد، و پیروزی جز از جانب خداوند متعال و حکیم نیست.»

امام ابن کثیر - رحمه الله - در تفسیر این آیه می فرماید: « الله متعال در روز (بدر) مصادف است به روز جمعه تاریخ (۱۷) رمضان سال دوم هجری، پیامبر - صلی الله علیه وسلم - و صحابه کرام را عزت بزرگ نصیب نمود، که این عزت عبارت از نخستین نصرت و کامیابی گروه اندک و قلیل صحابه کرام در مقابل لشکر بزرگ مشرکین مکه می باشد»^(۱).

هم چنان الله متعال در فضیلت اصحاب بدر در جای دیگر چنین می فرماید:

﴿وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِن كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقَىٰ الْجُمُعَانَ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿الانفال: ۴۱﴾.

ترجمه: « و بدانید هر غنیمت که به دست آورید یک پنجم آن از آن الله متعال و پیامبر - صلی الله علیه وسلم - و خویشاوندان و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان است، اگر به الله متعال و آنچه بر بنده خود در روز جدایی (حق از باطل) نازل کردیم ایمان دارید، روزی که آن دو گروه به هم رسیدند، و خداوند متعال بر هر چیزی تواناست.»

صاحب تفسیر (الکشاف) می گوید: « مراد از (یوم الفرقان) روز بدر می باشد، و مراد از (الجمعان) مقابل شدن دو گروه (مسلمان و کافر) است، چنانچه این دو گروه در غزوه بدر در مقابل هم قرار گرفتند، یعنی: اینکه الله متعال به هر امری قادر و توانا است، طوریکه تعدادی اندک صحابه کرام را در

(۱) تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر، ج ۲، ص ۱۱۱.

مقابل گروه زیادی از مشرکین نصرت و کامیابی نصیب نمود، و به حمایت آنها ملائکه از آسمان فرو فرستاد و پیرامون فضیلت جهاد صحابه کرام آیات قرآن کریم را نازل فرمود»^(۱).

الله متعال در این آیه فضیلت صحابه کرام را در غزوه بدر با فرو فرستادن ملائکه از آسمان، شکست مشرکین و غنائم زیاد بیان نموده است.

چنانچه الله - تبارک و تعالی - این فضیلت و نصرت صحابه کرام را در غزوه بدر در آیه دیگری چنین بیان نموده است:

﴿وَاذْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ فَآوَاكُمْ وَأَيَّدَكُمْ بِنَصْرِهِ وَرَزَقَكُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ (الانفال: ۲۶).

ترجمه: «و به یاد آورید هنگامی را که شما در زمین اندک و مستضعف بودید، و می ترسیدید که مردم شما را برابند، پس الله متعال به شما جای داد، و شما را با یاری خود نیرو بخشید، و از چیزهای پاکیزه به شما عنایت کرد، تا سپاسگزاری کنید.»

امام ابن جریر الطبری - رحمه الله - می فرماید: «الله - تبارک و تعالی - در این آیه فضیلت را که در حق اصحاب پیامبر - صلی الله علیه وسلم - نموده ذکر و بیان نموده است، چنانچه الله متعال آنها را در مقابل مشرکین نصرت و یاری نموده و از غنائم حلال و طیب مستفید گردانید»^(۲).

یکی از فضائل را که الله متعال به پیامبر - صلی الله علیه وسلم - و اصحابه گرامی اش عنایت فرموده نزول ملائکه در حمایت و نصرت آنها می باشد، چنانچه در حدیث شریف از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - ثابت است که می فرماید:

«عن ابن عباس رضي الله عنهما أن النبي صلى الله عليه وسلم قال يوم بدر هذا جبريل أخذ برأس فرسه عليه أداة الحرب»^(۳).

ترجمه: «عبد الله بن عباس - رضی الله عنهما - می گوید: نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - روز بدر فرمود: این جبرئیل است که با لباس رزمی (آمادگی جنگی) آمده تا شما را در این غزوه کمک و نصرت نماید.»

(۱) الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، جار الله زمخشری، ج ۲، ص ۲۲۳.

(۲) جامع البیان فی تاویل القرآن، ابن جریر الطبری، ج ۱۳، ص ۴۷۷.

(۳) صحیح بخاری، کتاب المغازی، باب شهود الملائکه بدر، ج ۴، ص ۱۴۶۸، حدیث (۳۷۷۳).

مطلب پنجم: فضیلت صحابه کرام در غزوه احد

الله - تبارک و تعالی در غزوه احد^(۱) نیز فضائل صحابه کرام را بیان نموده که آیات زیادی قرآن کریم به آن گواه می باشد، و در این مطلب به آن می پردازیم، طوری که الله متعال بعد از مشقت و سختی های را که صحابه کرام در غزوه (أحد) متقبل شدند، سکون و آرامشی را که به آنها نازل فرموده چنین بیان می کند:

﴿ ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ بَعْدِ الْغَمِّ أَمْنَةً نُبَاسًا يَعْنِي طَائِفَةً مِنْكُمْ وَطَائِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنْفُسُهُمْ ﴾ (آل عمران: ۱۵۴).

ترجمه: « سپس بعد از آن غم (شکست)، آرامشی به صورت خواب سبک بر شما فرود آورد که گروهی از شما را فراگرفت، و گروهی دیگر تنها در فکر خودشان بودند ».

امام ابن کثیر - رحمه الله - از زبیر بن عوام - رضی الله عنه - در بیان سبب نزول آیه کریمه روایت نموده می فرماید: « در روز احد سرم را بلند کردم و همین طور به اطرافم می نگریستم، پس کسی از اصحاب نبود مگر این که سرش بر اثر خواب سبک به گریانش فرو می افتاد؛ یعنی: الله متعال بعد از آن اندوه و محنت آرامش و سکون را بر صحابه کرام نازل کرد با وجود آن که اسباب ترس و هراس فراهم بود، که این آرامش به صورت خواب سبک و خفیف بود که به آنها نازل گردید، زیرا آنها مؤمنان بودند که در طلب پاداش الهی به جنگ رفته بودند، پس این خواب سبک سبب آرامش و سکون دل و زوال غم و پایداریشان در نبرد گردید »^(۲).

چنانچه این واقعه را امام ترمذی - رحمه الله - چنین روایت نموده است:

(۱) غزوه (أحد) در سال سوم هجری صورت گرفت، پیامبر - صلی الله علیه وسلم - شخصاً در این غزوه حضور داشتند، چنانچه تعداد مسلمانان تقریباً (۱۰۰۰) نفر بودند که (۳۰۰) نفر با عبدالله ابن ابی منافق) برگشتند، در حالی که تعداد مشرکین (۳۰۰۰) نفر بود، مسلمانان ابتدا پیروز شدند ولی بعد چون نگهبانان دره را گذاشتند تلفات زیادی دادند، منجمله دندان مبارک پیامبر - صلی الله علیه وسلم - شهید شد و چهره مبارک زخم های برداشت، هم چنان (۷۰) نفر منجمله (همزه ابن عبدالمطلب) نیز به شهادت رسیدند و از مشرکین (۲۲) نفر کشته شدند، دیده شود: خورشید نبوت (الرحیق المختوم)، شیخ صفی الرحمن مبارکفوری ترجمه فارسی، ترجمه: دکتر محمدعلی لسانی فشارکی، ج ۱، ص ۴۹۵؛ امام ابن کثیر - رحمه الله - می فرماید: « غزوه احد در روز شنبه روز (۱۱) ماه شوال سال سوم هجری رخ داده است »، دیده شود: تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر، ج ۲، ص ۱۱۰.

(۲) تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر، ج ۲، ص ۱۴۴.

« عن أنس عن أبي طلحة - رضی الله عنهما - قال: رفعت رأسي يوم أحد فجعلت أنظر وما منهم يومئذ أحد إلا يمد تحت حجفته من النعاس فذلك قوله عز و جل: ﴿ثم أنزل عليكم من بعد الغم أمانة نعاسا﴾^(۱).

ترجمه: « حضرت انس از ابی طلحه روایت نموده که فرمود: در روز غزوه أحد سر خود را بلند نمودم تا ببینم که مردم در چی حالت قرار دارند، دیدم که همه ای کسانی که در این غزوه شرکت نمودند به شکل آرام و با سکون کامل در یک خواب سبک و خفیف قرار دارند، و این قول الله متعال را تلاوت نمود: ﴿ثم أنزل عليكم من بعد الغم أمانة نعاسا﴾.»

هم چنان الله متعال به ادامه آیات گذشته فضائل صحابه کرام و یاران گرامی آنحضرت - صلی الله علیه وسلم - را به مغفرت و رحمت در غزوه احد بیان نموده می فرماید:

﴿وَلَئِنْ قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مُتُّمْ لَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَحْمَةٌ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ﴾ (آل عمران: ۱۵۷).

ترجمه: « و اگر در راه الله متعال کشته شوید یا بمیرید، آمرزش و عفو و رحمت او تعالی بهتر از چیزی است که آنان جمع آوری می کند.»

یعنی: الله - تبارک و تعالی - در این آیات بعد از سکون و آرامش سبک و خفیف، خطاب به پیامبر - صلی الله علیه وسلم - و صحابه کرام می فرماید: که اگر شما در راه الله متعال جهاد نمایند و کشته شوید، از جانب الله متعال مستحق اجر و پاداش و رحمت قرار می شویند.

« این آیه به تشویق و ترغیب صحابه کرام به جهاد و قتال در راه الله متعال دلالت دارد، چنانچه او تعالی قتل و مرگ در راه الله متعال و حمایت دین و شریعت الهی را سبب رسیدن به مغفرت و رحمت دانسته است، و آنرا از تمام دنیا و مافیها بهتر دانسته است»^(۲).

از این آیه ثابت می گردد که مزیت کشته شدن، یا مردن در راه الله متعال و تأثیر آن در جلب مغفرت و رحمت الهی، بهتر از آن چیزهایی است که مردم از دنیا و منافع آن جمع آوری می کنند، پس برای مؤمن

(۱) سنن ترمذی، کتاب التفسیر، باب سورة آل عمران، ج ۵، ص ۲۲۹، حدیث (۳۰۰۷). ابو عیسی این حدیث را حسن صحیح گفته است.

(۲) تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان، السعدی، ج ۱، ص ۱۵۳؛ و التفسیر المنیر فی العقیدة والشریعة والمنهج، د. وهبه، ج ۴، ۱۳۷.

شایسته نیست که آمرزش خدای عزوجل و رحمت وی را بر بهره‌های فانی دنیا ترجیح دهد زیرا آنچه باقی و ماندگار است، بهتر از چیزهای گذرا و فانی است.

گرچه این آیات به فضیلت صحابه کرام دلالت دارد لکن حکم آن جمیع بندگان خداوند متعال نیز شامل می‌گردد.

هم چنان الله متعال فضیلت صحابه کرام را که در غزوه احد شرکت نمودند در آیه دیگر چنین بیان نموده، می‌فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَسَيُنْفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ وَالَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ يُخْشَرُونَ﴾ (الانفال: ۳۶).

ترجمه: «همانا کافران اموال خود را خرج می‌کنند تا (مردم را) از راه الله متعال باز دارند، آنها اموالشان را خرج خواهند کرد اما بعداً مایه پشیمانی آنان خواهد بود، سپس شکست خواهند خورد، و کافران به سوی جهنم رانده می‌شوند».

امام ابن کثیر - رحمه الله - می‌گوید: «این آیه در مورد ابوسفیان نازل شد، زیرا آنها بعد از شکست در غزوه بدر به مدینه برگشتند و قریش را در مقابل مسلمانان بخاطر انتقام کشته شدگان غزوه بدر تشویق و ترغیب می‌نمود، که بعداً الله متعال در این آیه صحابه کرام را مژده می‌دهد که کفار و مشرکین با وجود این همه کوشش‌های آنها در مقابل لشکر اسلام مغلوب می‌گردند» (۱).

زیرا الله - تبارک و تعالی - کامیابی انبیاء - علیهم السلام - و مسلمانان را از قبل تضمین نموده است، چنانچه پیروزی و نصرت آنها را در مقابل کفار چنین بیان نموده است:

﴿كَتَبَ اللَّهُ لِلَّهِ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾ (المجادله: ۲۱).

ترجمه: «الله - تبارک و تعالی - مقرر داشته است که من و پیامبرانم - علیهم السلام - پیروز می‌شویم بی‌گمان الله تعالی توانای پیروزمند است».

در حدیث شریف از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - ثابت است که نزد قبور شهدای احد رفتند و برای آنها چنین دعا نمود:

(۱) تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر، ج ۴، ص ۵۳.

« عن عقبه بن عامر - رضی الله عنه - قال: صلی رسول الله - صلی الله علیه وسلم - علی قتلی أحد بعد ثمانی سنین کالمودع للأحیاء والأموات ثم طلع إلى المنبر فقال: إني بین أیدیکم فرط وإني علیکم لشهید وإن موعدکم حوض وإني لأنظر إليه من مقامي هذا و إني لست أخشى علیکم أن تشرکوا ولکنی أخشى علیکم الدنيا وتنافسوها»^(۱).

ترجمه: « از عقبه بن عامر - رضی الله عنه - روایت شده است که گفت: پیامبر - صلی الله علیه وسلم - بعد از گذشت هشت سال، بر نزد قبر شهدای أحد رفته و مانند دعا و نماز انسان که از مردگان و زندگان الله حافظی می کند، برای آنان دعا و از آنها خداحافظی کرد، سپس بر منبر رفت و گفت: من پیشاپیش شما (به بهشت و حضور پروردگار) هستم و بر شما شاهدم و وعده گاه شما حوض کوثر است که من از همین محل آنرا می بینم و از آن نمی ترسم که شما مشرک شوید اما ترس آن دارم که برای دنیا و به دست آوردن دنیا با هم رقابت و در این خصوص زیاده روی کنید.»

مطلب ششم: نصرت الهی برای صحابه کرام در غزوه (خندق)

یکی از فضائل دیگر صحابه کرام پیروزی آنها در غزوه خندق می باشد، چنانچه لشکر کفار و مشرکین در مقابل پیامبر - صلی الله علیه وسلم - و صحابه کرام شکست خوردند و دوباره به خانه های خویش برگشتند، که این پیروزی و نصرت الهی نیز بر فضیلت صحابه کرام دلالت دارد^(۲)؛ چنانچه الله متعال می فرماید:

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا * إِذْ جَاءَكُمْ مِنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونًا * هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زِلْزَالًا شَدِيدًا ﴾ (الاحزاب: ۹- ۱۱).

ترجمه: « ای مؤمنان! نعمت الله متعال را بر خود یاد کنید، آن هنگام که لشکرها به سراغ شما آمدند ولی ما توفانی را بر آنان فرستادیم و لشکرهای را به سویشان روانه کردیم که شما آنان را نمی دیدید، و خداوند

(۱) صحیح بخاری، کتاب المغازی، باب غزوه تبوک، ج ۴، ص ۱۴۸۶، حدیث (۳۸۱۶).

(۲) غزوه احزاب یا غزوه (خندق) در شوال سال پنجم صورت گرفت، و قبیله قریش، غطفان و یهود مدینه اراده کردند مسلمانان را محاصره کنند، تعداد آنها (۱۰۰۰۰) ده هزار نفر بود، در حالی که تعداد صحابه کرام (۳۰۰۰) سه هزار نفر بودند، در این هنگام، سلمان فارسی پیشنهاد کرد که خندقی حفر کنند، پیامبر - صلی الله علیه وسلم - به پیشنهاد او عمل کرد، مسلمانان خندق را کردند، نعیم بن مسعود مسلمان شد و کفار را در هدفشان فریب داد، شب هنگام چون کفار خواستند بر مسلمین حمله کنند طوفانی برخاست و لشکر آنها را تار و مار کرد، دیده شود: الریح المخبوم، مبارکفوری، ترجمه: دکتر محمدعلی لسانی فشارکی، ج ۲، ص ۹۹-۱۱۰.

متعالم به آنچه مي کنيد بيناست، آنگاه که از طرف بالا و پايين شما به سويتان آمدند و آنگاه که چشم ها خيره شدند و دل ها به حنجره ها رسيدند و گمان هاي گوناگوني نسبت به الله متعال مي برديد، آنجا (بود که) مؤمنان مورد آزمایش قرار گرفتند و سخت متزلزل شدند.»

غزوه خندق نیز نبرد سرنوشت ساز برای مسلمانان و صحابه کرام بوده است، و در شدت و سختی آن روايات مختلف نقل گردیده است^(۱)، الله متعال در اين غزوه نیز صحابه کرام را به فتح و پیروزی وعده نموده است، چنانچه می فرماید:

﴿وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا﴾ (الاحزاب: ۲۲).

ترجمه: « و هنگامی که مؤمنان لشکرهاي (کافران) را دیدند، گفتند: اين همان چیزی است که الله متعال و پیامبر - صلی الله عليه وسلم - به ما وعده داده بودند، و الله متعال و پیامبر - صلی الله عليه وسلم - راست فرموده اند، و اين به آنان جز ایمان و تسلیم نیافزود.»

(۱) مفسرين می گویند: « الله - تبارک و تعالی - در این آیات یکی از فضائل دیگری صحابه کرام را که عبارت از کامیابی و نصرت بالای کفار در غزوه (خندق) می باشد یادو آور می شود؛ مراد از آن لشکرهای قبایل و طوایف اند که علیه رسول الله - صلی الله عليه وسلم - با هم پیمان بسته بودند و در ماه شوال سال پنجم هجری به جنگ با پیامبر - صلی الله عليه وسلم - و صحابه کرام آمدند و مدینه را در محاصره خویش گرفتند، که این غزوه به نام (غزوه خندق) یا (غزوه احزاب) نامیده شده است، این لشکرها مرکب بودند از لشکر قریش به رهبری ابوسفیان بن حرب، لشکر غطفان به رهبری عیینه بن حصن فزاري، لشکر بني اسد به رهبری طلیحه، لشکر بنو عامر به زعامت عامر بن طفیل، لشکر بنی سلم به فرماندهی ابوالاعور سلمی، لشکر بني قریضه از یهود به ریاست کعب بن اسد و لشکر نصیر از یهود به ریاست حی بن اخطب، که مجموع این احزاب به حدود ده یا دوازده هزار نفر بالغ می شدند، الله متعال بر سر این لشکر بزرگ کفار و مشرکین تندبادی عظیمی را فرستاد تا بدانجا که دیگهایشان را چپه و فرو انداخت و خیمه هایشان را واژگون کرد، و الله سبحان لشکرهاي فرشتگان را به یاری پیامبر - صلی الله عليه وسلم - و صحابه کرام فرستاد تا آنها را در مقابل این لشکر عظیم یار نماید، پس میخهای خیمه هایشان را کشیده و طنابهای خیمه ها را بردند، آتشهایشان را خاموش ساختند، دیگهایشان را واژگون کردند و اسب هایشان به همدیگر تاختند و در هم شوریدند، از سوي دیگر تندباد همه چیز را بر سر آنان فرو پاشاند و در عین حال الله - تبارک و تعالی - بر آنان رعب و وحشت را حاکم ساخت؛ که سرانجام مشرکان پا به فرار گذاشته و از اطراف مدینه متواری شدند، و پیروزی از آن مسلمانان گردید؛ خلاصه اینکه در رعب و وحشت این روز روایت های - مختلف را نقل نموده اند که همه آن به شدت و سختی این نبرد دلالت دارد؛ دیده شود: تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر، ج ۶، ص ۳۸۳-۳۸۷؛ و جامع البیان فی تاویل القرآن، ابن جریر الطبری، ج ۲۰، ص ۲۱۴-۲۲۳؛ و فتح القدر، ج ۴، ص ۳۰۵-۳۰۷.

امام قرطبی - رحمه الله - در تفسیر این آیه می فرماید: « هنگام که مؤمنین و صحابه کرام احزاب را که پیرامون حمله به مدینه منوره جمع شده بودند، شاهد نمودند گفتند: این وعده الله متعال است که الله متعال

برای ما در مقابل آنها فتح و پیروزی وعده نموده است (۱)، مراد آنها این قول الله متعال می باشد:

﴿ أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسَّتْهُمُ الْبَأْسَاءُ وَالضَّرَّاءُ وَزُلْزِلُوا حَتَّىٰ يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَىٰ نَصْرُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ ﴾ (البقرة: ۲۱۴).

ترجمه: « آیا گمان برده اید که وارد بهشت شوید حال آنکه هنوز آنچه بر سر گذشتگان آمد بر سر شما نیامده است؟ آنان دچار سختی و زیان شدند و پریشان گشتند تا آنجا که پیامبر و کسانی که همراه او بودند، گفتند: پس یاری الله سبحان چه وقت خواهد رسید؟ بدانید که نصرت الهی نزدیک است. »

در حدیث شریف به روایت ابوسعید - رضی الله عنه - پیرامون مشقت و سختی غزوه (احزاب) چنین روایت گردیده است:

« قال: قلنا يوم الخندق يا رسول الله - صلى الله عليه وسلم - هل من شيء نقوله فقد بلغت القلوب الحناجر، قال: نعم اللهم استر عوراتنا وآمن روعاتنا، قال فضرب الله عز وجل وجوه أعدائه بالريح فهزمهم الله عز وجل بالريح » (۲).

ترجمه: « در روز خندق به رسول الله - صلى الله عليه وسلم - گفتیم: یا رسول الله - صلى الله عليه وسلم -! آیا چیزی هست که بخوانیم تا به آرام گیریم، زیرا دلهایمان (از اضطراب و وحشت) به گلوی مان رسیده است؟ رسول الله - صلى الله عليه وسلم - فرمودند: بلی! بگوئید: اللهم استر عوراتنا و آمن روعاتنا و بار خدایا! عیوب و نقاط آسی پذیر ما را از شر دشمن بپوشان و بی قراری های ما را آرامش ببخش. »
هم چنان پیامبر - صلى الله عليه وسلم - در حدیث دیگری فضیلت صحابه کرام را چنین بیان نموده است:

« عن سهل بن سعد - رضي الله عنه - قال: كنا مع رسول الله - صلى الله عليه وسلم - في الخندق وهم يحفرون ونحن ننقل التراب على أكتافنا فقال رسول الله - صلى الله عليه وسلم -، اللهم لا عيش الا عيش الآخرة فاغفر للمهاجرين والأنصار » (۳).

(۱) الجامع لأحكام القرآن = تفسیر القرطبی، ج ۱۴، ص ۱۵۶-۱۵۷.

(۲) مسند احمد ابن حنبل، ج ۱۷، ص ۲۷، حدیث (۱۰۹۹۶).

(۳) صحیح بخاری، کتاب المغازی، باب غزوة الخندق وهي الأحزاب، ج ۴، ص ۱۵۰۴، حدیث (۳۸۷۲).

ترجمه: « سهل بن سعد - رضی الله عنه - روایت نموده که گفت: ما همراه رسول الله - صلی الله علیه وسلم - در خندق بودیم، آنان می‌کنندند، و ما خاک آن را بر روی شانۀ جابه جا می‌کردیم، و حضرت رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - در مقام دعا و نیایش می‌فرمودند: خدایا جز زندگی آخرت، زندگی دیگری در کار نیست؛ حال که چنین است، تو خود مهاجران و انصار را مشمول غفران و آمرزش خویش قرار ده.»

مطلب هفتم: اعلان رضامندی الله از اهل بیعة الرضوان و وعده غنائم به آنها

الله متعال صحابه کرام را در صلح حدیبیه^(۱) به پیروزی و نصرت و فتح خیبر مژده داده که این نیز از جمله ای فضائل است که الله - تبارک و تعالی - در این غزوه صحابه کرام عنایت نموده است، چنانچه می‌فرماید:

﴿لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا * وَمَعَازِمَ كَثِيرَةً يَأْخُذُونَهَا وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا * وَعَدَّكُمْ اللَّهُ مَعَازِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا فَعَجَلَ لَكُمْ هَذِهِ وَكَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنْكُمْ وَلِتَكُونَ آيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ وَيَهْدِيَكُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا * وَأُخْرَى لَمْ تَقْدِرُوا عَلَيْهَا قَدْ أَحَاطَ اللَّهُ بِهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا﴾ (الفتح: ۲۱).

ترجمه: « به درستی که الله متعال از مؤمنان راضی گردید هنگامیکه زیر آن درخت با تو بیعت می‌کردند، پس آنچه را که در دل هایشان بود دانست، در نتیجه بر آنان آرامش فرود آورد و وفتح نزدیکی را پاداش شان کرد؛ و غنیمت های فراوانی که آنرا به دست خواهند آورد، و خداوند متعال پیروزمند فرزانه است؛ الله متعال غنیمت های فراوانی را به شما وعده داده است که آنها را به چنگ می‌آورد و یا آن (غنائم) را هرچه زودتر به شما داد و دست تعدی مردم را از شما باز داشت؛ تا نشانه ای برای مؤمنان باشد و شما را به راه راست رهنمود کند؛ و غنیمت های دیگری (را نیز نصیب شما خواهد کرد) که هنوز بر آن دست

(۱) صلح حدیبیه در ذی القعدة سال ششم هجری پیامبر - صلی الله علیه وسلم - با (۱۵۰۰) نفر قصد کرد که به سوی مکه رفته و حج عمره را انجام دهد، مشرکین از این سفر جلوگیری کردند و چون به حدیبیه رسیدند پیشنهاد صلح دادند و گفتند: سال دیگر شما حج کنید، در همین غزوه (بیعت الرضوان) صورت گرفت، و علت بیعت این بود که مسلمانان گمان کردند مشرکین فرستاده پیامبر - صلی الله علیه وسلم - (حضرت عثمان) را شهید کردند لذا همه متحد شدند تا انتقام خون حضرت عثمان - رضی الله عنه - را از مشرکین بگیرند؛ دیده شود: الرحیق المختوم، مبارکفوری، ترجمه: دکتر محمدعلی لسانی فشارکی، ج ۲، ص ۲۷.

نیافته اید، به راستی که الله متعال بر آن احاطه دارد و خداوند - تبارک و تعالی - بر هر چیزی تواناست؛ و اگر کافران با شما می جنگیدند به یقین پشت می کردند آنگاه کارساز و یاور می یافتند.»
امام ابن جریر الطبری - رحمه الله - در تفسیر این آیه می فرماید: « مراد این آیه صحابه کرام که در بیعت الرضوان شرکت نموده بودند می باشند، الله - تبارک و تعالی - آنها را به فتح نزدیک (فتح خیبر) مزده داده است »^(۱).

مطلب هشتم: عنایت الهی برای صحابه به فتح و پیروزی در غزوه حنین

فتح مکه بزرگترین پیروزی مسلمانان در برابر مشرکین و کفار بود که بر پیکر اعراب صورت گرفت، این حمله ناگهانی، قبایل مجاور مکه را با واقعیت عملی روبرو کرد و آنان را در برابر کار انجام شده ای قرار داد، به همین خاطر همه تسلیم شدند به جز برخی از طوایف سرکش و طغیانگر قوی که طوایف هوازن و ثقیف در رأس آنها قرار داشتند، قبایل دیگری مانند نصر، جشم و سعدبن بکر و گروهی از بنی هلال که همگی از شاخه های قیس عیلان بودند، با آنان متحد شدند، این طوایف، آنچنان مغرور بودند که خود را فراتر از آن می دانستند که در برابر پیروزی اسلام، سر تسلیم فرود آورند، بنابر این همه طوایف مذکور به مالک بن عوف نصری پیوستند و برای جنگ با مسلمانان آماده شدند، این غزوه در شوال سال هشتم بعد از فتح مکه به وقوع پیوست، و خداوند مسلمین را بر هر دو قبیله ثقیف و هوازن پیروزی عطا کرد، هوازن فرار کرد و گروهی از آنان کشته و برخی اسیر شدند^(۲).

الله - تبارک و تعالی - فضیلت صحابه کرام را که عبارت از فتح و پیروزی آنها در مقابل دشمنان شان است در این غزوه چنین بیان نموده است:

﴿لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَيَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا وَضَاقَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحَبَتْ ثُمَّ وَابَيْتُمْ مُدْبِرِينَ * ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْزَلَ جُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَعَذَّبَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ﴾ (التوبه: ۲۵-۲۶).

ترجمه: « بی گمان الله متعال شما را در مواقع زیادی یاری کرد، و نیز در جنگ حنین آنگاه که فزونی خودتان شما را به شگفت آورد ولی آن لشکریان فراوان چیزی را از شما دفع نکردند، و زمین با همه فراخی

(۱) دیده شود: جامع البیان فی تاویل القرآن، ابن جریر الطبری، ج ۲۲، ص ۲۲۸.

(۲) دیده شود: الریح المختوم، مبارکفوری، ترجمه: دکتر محمدعلی لسانی فشارکی، ج ۲، ص ۱۵۸.

اش بر شما تنگ آمد، از آن پس پشت کردید و پا به فرار نهادید، سپس الله متعال آرامش خویش را بر پیامبرش - صلی الله علیه وسلم - و بر مؤمنان نازل کرد و لشکرهای را فرو فرستاد که شما آنها را نمی دیدید، و کافران را عذاب داد، و این کیفر کافران است.»

امام ابن کثیر - رحمه الله - در تفسیر این آیه می فرماید: «الله - تبارک و تعالی - در این آیه فضل و احسان را که عبارت از نصرت و کامیابی پیامبر - صلی الله علیه وسلم - و صحابه کرام عنایت نموده یاد آور می شود، زیرا این کامیابی آنها در کثرت افراد و تعداد آنها نبوده، بلکه نصرت و کامیابی یک فضیلت است که از جانب الله متعال به صحابه کرام در غزوه حنین عنایت گردیده است»^(۱).

سیره نگاران غافلگیر شدن سپاه اسلام را چنین نگاشته اند: شب چهارشنبه دهم شوال سپاهیان مسلمان به حنین رسیدند؛ اما مالک بن عوف از آنها سبقت گرفته و شب هنگام سپاهش را وارد وادی حنین کرده و جنگجویانش را بر سر راه های مسلمین در کمینگاهها متفرق کرده بود و بدین سان جنگجویان دشمن تمام دره ها و تنگه ها را گرفته بودند، و دستور داشتند به مجرد این که سپاهیان اسلام ظاهر شوند، آنان را تیر باران کنند و همگی به یکباره بر آنان یورش برند، پیامبر - صلی الله علیه وسلم - سحرگاه سپاهیان را آماده ساخت و صفها را مرتب نمود و پرچم ها را بست و آنها را به لشکریان داد، پیامبر - صلی الله علیه وسلم - برنامه رفتنش را طوری تنظیم کرده بود که مسلمانان، سپیده دم به وادی حنین رسیدند و در حالی که از کمین دشمن بی خبر بودند، وارد وادی شدند و در همان حال که به سرعت از وادی پایین می رفتند، رگبار تیر بر سرشان بارید و دسته های مرتب و یکپارچه دشمن، بر آنها حمله ور شدند و مسلمانان پا به فرار گذاشتند؛ طوری که کسی متوجه کسی دیگر نبود! شکست واضح و روشنی بود؛ چنانچه ابوسفیان گفت: فرار لشکر تا "دریای احمر" ادامه خواهد یافت؛ رسول الله - صلی الله علیه وسلم - در همین حال به سمت راست سپاه رفت و پیوسته می گفت: ای مردم نزد من باز گردید! من، رسول الله هستم! من محمد پسر عبدالله هستم! و در موضع ایشان کسی جز شمار اندکی از مهاجرین و تعدادی از انصار، باقی نمانده بود؛ این جا بود که شجاعت بی نظیر پیامبر - صلی الله علیه وسلم - نمایان شد و سوار بر شترش به سمت دشمن حرکت نمود^(۲).

(۱) تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر، ج ۴، ص ۱۲۵.

(۲) الریحق المختوم، مبارکفوری، ترجمه: دکتر محمدعلی لسانی فشارکی، ج ۲، ص ۱۶۲.

مطلب نهم: فضائل صحابه کرام در غزوه تبوک

غزوه تبوک در رجب سال نه هجری پیش آمد، رومیان و همراه با لشکر بزرگ قصد تهاجم به سرزمین مسلمانان را نمودند، هوا گرم و موقع رسیدن میوه ها بود و آزمایش از جانب پروردگار بود بسیاری از منافقین از جنگ باز ماندند، حضرت عثمان - رضی الله عنه - کمک فوقالعاده ای به این جنگ کرد، تعداد لشکر مسلمین (۳۰) هزار نفر بود لشکر روم، قدرت و نیروی مسلمانان را دیدند، از آن سخت در خوف و هراس قرار گرفتند و از ترس جرأت نکردند تا بالای سرزمین های مسلمانان نزدیک شود(۱).

﴿لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ مِنْ بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبَ فَرِيقٍ مِنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ إِنَّهُ بِهِمْ رَءُوفٌ رَحِيمٌ﴾ (التوب: ۱۱۷).

ترجمه: «به درستی که الله متعال توبه پیامبر - صلی الله علیه وسلم - و توبه مهاجرین و انصار را پذیرفت، آنهایی که در هنگام سختی از او پیروی کردند بعد از آنکه نزدیک بود دلهای گروهی از آنان منحصر شود. سپس توبه آنان را پذیرفت، همانا او تعالی نسبت به آنها رئوف و مهربان است.»

امام ابن کثیر - رحمه الله - به نقل از مجاهد - رحمه الله - روایت می کند که این آیه در غزوه تبوک نازل گردیده است، زیرا پیامبر - صلی الله علیه وسلم - و صحابه کرام در نهایت درجه سختی و شدت گرمی و کمبود وسائل و توشه راه و سفر به این غزوه اقدام نمودند، الله متعال فضیلت صحابه کرام را در این غزوه قبولی توبه آنها داده است(۲).

مطلب دهم: فضائل اهل کتاب صحابه کرام

﴿لَكِنَّ الرَّاْسِخُونَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَالْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ وَالْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالْمُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أُولَئِكَ سَنُؤْتِيهِمْ أَجْرًا عَظِيمًا﴾ (النساء: ۱۶۲).

ترجمه: «اما کسانی از آنان که راسخان در دانش اند (و احکام الله متعال را به نیکی می داند)، و (نیز) مؤمنان، به آنچه که بر تو نازل شده و به آنچه که پیش از تو نازل گردیده است، ایمان می آورند، و نماز را بر پای می دارند، و زکات اموال را می پردازند و به الله متعال و روز قیامت ایمان دارند به زودی به ایشان پاداشی بزرگ خواهیم داد.»

(۱) سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۲۶۸.

(۲) تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر، ج ۴، ص ۲۲۸.

در این آیه فضائل اهل کتاب که اسلام آورده اند بیان گردیده است، مانند: عبدالله بن سلام، زیرا آنها نیز از جمله ای یاران و اصحاب گرامی آنحضرت - صلی الله علیه وسلم - محسوب می گردند.

امام ابن کثیر - رحمه الله - در بیان سبب نزول این آیه می گوید: «آیه کریمه درباره عبدالله بن سلام، ثعلبه بن سعیه، اسد و زید بن سعیه و اسد بن عبید نازل شد که به اسلام در آمده و رسالت حضرت محمد - صلی الله علیه وسلم - را تصدیق کردند»^(۱).

امام ابن جریر الطبری - رحمه الله - در تفسیر این آیه می فرماید: «الله - تبارک و تعالی - در این آیه صفات اهل کتاب (یهود) را بیان نموده و آنها را به اجر عظیم مژده داده است، و مراد از راسخون کسانی هستند که به کتاب های که از جانب الله متعال بالای انبیاء - علیهم السلام - نازل گردیده ایمان دارد و به آن علم دارند، یعنی: این اهل کتاب به قرآن کریم و کتاب های که قبل از قرآن کریم نازل گردیده ایمان دارند»^(۲).

«مراد از راسخون در این آیه اهل کتاب هستند که به پیامبر - صلی الله علیه وسلم - ایمان آوردند و مسلمان شدند و از جمله ای اصحابه آنحضرت - صلی الله علیه وسلم - بشمار می روند، آنها در علم ثابت قدم بودند و به قرآن کریم و کتاب های دیگری آسمانی ایمان داشتند مانند عبد الله بن سلام و کسانی که با او بودند، الله متعال آنها را به واسطه این عمل نیک فضیلت عظیم داده که عبارت از جنت جاودان می باشد عنایت نموده است»^(۳).

خلاصه اینکه الله متعال در قرآن کریم آیاتی زیادی را پیرامون فضائل صحابه کرام بطور خاص بیان نموده است، و آنها را در مراحل مختلف به قربانی و از فداکاری در راه دین و دعوت بسوی حق و شریعت الهی تشویق و ترغیب نموده است، که فوقاً به برخی از فضائل مهم آنها اشاره نمودیم، لکن پیرامون فضائل صحابه کرام کتابها و معلومات مفصلی از جانب دانشمندان علوم اسلامی به رشته تحریر در آمده است که خوانندگان محترم می توانند بدان مراجعه نمایند.

(۱) تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر، ج ۲۴، ص ۴۶۸.

(۲) جامع البیان فی تاویل القرآن، ابن جریر الطبری، ج ۹، ص ۳۹۳.

(۳) روح البیان، اسماعیل حقی، ج ۲، ص ۳۲۱.

مطلب یازدهم: فضائل تعداد معین از صحاب کرام در قرآن کریم

الله - تبارک و تعالی - در قرآن کریم فضائل صحابه کرام و نخستین مسلمانان را به شیوه های گوناگون بیان نموده است، طوریکه پیرامون فضائل آنها در این رساله طی مطالب و موضوعات جداگانه در صفحات گذشته بحث نمودیم، لکن در قرآن کریم فضائل برخی از اصحاب گرامی آنحضرت - صلی الله علیه وسلم - مشخص و معین تذکر یافته است طوریکه اکثراً شأن نزول آیات قرآن کریم نیز در باره صحابه کرام می باشد، که آنرا مفسرین در تفاسیر و محدثین در کتابهای حدیثی بیان نموده است، که ذکر همه آن از محدوده این رساله خارج می باشد، مگر در این مطلب صرف به فضیلت چند تن از صحابه کرام در روشنی آیات قرآن کریم ذیلاً می پردازیم:

۱- فضیلت ابوبکر صدیق در قرآن کریم:

حضرت ابوبکر صدیق - رضی الله عنه - نخستین مسلمان و تصدیق کننده وحی الهی بالای پیامبر - صلی الله علیه وسلم - است، در فضیلت او آیات واحادیث زیادی وارد شده است، زیرا وی زحمات و مشکلات را که مسلمانان صدر اسلام متحمل شدند دوشا دوش آنحضرت - صلی الله علیه وسلم - متقبل گردیده و قرآن کریم را که توسط جبرئیل امین بالای پیامبر - صلی الله علیه وسلم - نازل گردیده است تصدیق نموده است، چنانچه الله - تبارک و تعالی - می فرماید:

﴿وَالَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ﴾ (الزمر: ۳۳).

ترجمه: «و کسیکه حقیقت و راستی را با خود آورد و آن را تصدیق کرد، اینان اند که پرهیزگار اند.»

امام ابن جریر الطبری - رحمه الله - به نقل از علی بن ابی طالب - رضی الله عنه - روایت می کند که مراد از این جزء آیه: ﴿وَالَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ﴾ محمد - صلی الله علیه وسلم - می باشد، و مراد از آیه: ﴿وَصَدَّقَ بِهِ﴾ ابوبکر صدیق - رضی الله عنه - می باشد «(۱)».

هم چنان الله - تبارک و تعالی - هنگام هجرت پیامبر - صلی الله علیه وسلم - از مکه معظمه به مدینه منوره، و همکاری و همراهی (فضیلت) حضرت ابوبکر صدیق - رضی الله عنه - با آنحضرت - صلی الله علیه وسلم - را چنین بیان نموده است:

(۱) جامع البیان فی تاویل القرآن، ابن جریر الطبری، ج ۲۱، ص ۲۸۹.

﴿ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيًا إِتَيْنِي إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ ﴾ (التوبة: ٢٠).

ترجمه: « هنگامی که آن دو در غار (ثور جای گزیدند و در آن سه روز ماندگار) شدند (ابوبکر صدیق نگران شد که از سوی قریشیان به جان پیامبر - صلی الله علیه وسلم - گزند می رسد، در این هنگام پیامبر - صلی الله علیه وسلم - خطاب به رفیقش گفت: غم مخور که الله متعال با ما است (و ما را حفظ می نماید و کمک می کند و از دست قریشیان رهای می بخشد و به عزت و شوکت می رساند، در این وقت بود که خداوند متعال آرامش خود را بهره او ساخت (و ابوبکر از این پرتو الطاف، آرام گرفت) «.

مفسرین کرام می گویند: مراد از این جزء آیه ﴿ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ ﴾ ابوبکر صدیق - رضی الله عنه - می باشد، طوریکه پیامبر - صلی الله علیه وسلم - در هجرت اش به مکه نخستین کسی که با او مشوره نمود حضرت ابوبکر صدیق - رضی الله عنه - بود، و او با آنحضرت - صلی الله علیه وسلم - یکجا هجرت نمودند، و هنگامی که در غار ثور پنهان شدند الله متعال سکون و آرامش را برای آنها عنایت فرمود، به قولی این سکون و آرامش به خاطر اضطراب حضرت ابوبکر صدیق - رضی الله عنه - بود، زیرا وی هراس داشت که دشمن به جان آنحضرت - صلی الله علیه وسلم - نرسد، الله متعال این هراس را از او دور نمود، که این خود بیانگر فضیلت او می باشد «(۱).

هم چنان الله - تبارک و تعالی - فضیلت حضرت ابوبکر صدیق - رضی الله عنه - را در قرآن کریم در آیه دیگر چنین بیان نموده می فرماید:

﴿ إِنَّ تَتُوبًا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ ﴾ (التحریم: ٢).

ترجمه: « اگر به سوی الله متعال برگردید و توبه کنید (خداوند - تبارک و تعالی - برگشت و توبه شما را می پذیرد) چرا که دلهایتان منحرف گشته است؛ و اگر بر ضد او همدست شوید (و برای آزارش

(۱) تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر، ج ۴، ص ۱۵۵؛ التفسیر المنیر فی العقیة والشریعة والمنهج، د. وهبه الزحیلی، ج ۱۰، ص ۲۱۳؛ فتح القدیر، امام شوکانی، ج ۲، ص ۴۱۶.

بکوشید، باکی نیست) الله متعال یاور او است، و علاوه از الله متعال، جبرئیل، و مؤمنان خوب و شایسته، و فرشتگان پشتیبان پیامبر - صلی الله علیه وسلم - هستند.»

امام ابن جریر الطبری - رحمه الله - می فرماید: مراد از این جزء آیه: ﴿وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ﴾ ابوبکر و عمر فاروق - رضي الله عنهما - می باشد «(۱)».

۲- فضیلت حضرت عائشه صدیقه در قرآن کریم

﴿إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِنْكُمْ لَا نَحْسَبُوهُ شَرًّا لَكُمْ بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ * لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنْفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ﴾ (النور: ۱۱-۱۲).

ترجمه: «همانا کسانی که این تهمت بزرگ را عنوان کردند گروهی از خود شما هستند، این را برای خود بد نپندارید، بلکه آن برایتان خیر است، و هر کدام از آنان به گناه کاری که کرده است گرفتار می آید، و کسی از آنان که بخشی عظیمی از آن (ماجرای) را به عهده داشته است عذابی بزرگ دارد؛ چرا هنگامی که این تهمت را شنیدید مردان و زنان مؤمن در حق خویش گمان نیک نبردند و نگفتند: این دروغی آشکار است.»

این آیه کریمه بطور صریح در باره براءت و فضیلت ام المؤمنین حضرت عائشه صدیقه - رضي الله عنها - می باشد، چنانچه مفسرین می فرماید: «افك: دروغ و بهتان و تهمت است مراد از آن در اینجا: آن بهتانی است که بر سیدتنا عایشه صدیقه ام المؤمنین - رضي الله عنها - زدند، مفسرین و محدثین و اصحاب کتب حدیث، حدیث طولانی حضرت عائشه - رضي الله عنها - را در بیان سبب نزول این آیات روایت کرده اند که حاصل آن این است: عائشه - رضي الله عنها - به حکم قرعه در غزوه بنی مصطلق با رسول الله - صلی الله علیه وسلم - همراه شد، در برگشت از آن غزوه، کاروان در نزدیک مدینه منزل زد، در این اثنا گردن بند حضرت عائشه - رضي الله عنها - به هنگام قضای حاجت از هم گسست و او بعد از آن که به کجاوه خویش برگشت، متوجه این امر شد و برای یافتن گردن بند خویش از کجاوه بیرون آمد، کاروان؛ به گمان این که عائشه - رضي الله عنها - در کجاوه خویش است حرکت کرد، وقتی عائشه - رضي الله عنها - بخاطر جستجوی گردن بند خویش برگشت، دید که از کاروان خبری نیست و کاروان

(۱) جامع البیان فی تأویل القرآن، ابن جریر الطبری، ج ۲۳، ص ۴۸۶.

حرکت کرده است پس در محل که کاروان ساکن گردیده بود باقی ماند، در این هنگام چون صفوان بن معطل - رضی الله عنه - که در عقب کاروان و نگهدار کاروان بود از دنبال کاروان رسید، او که عائشه - رضی الله عنها - را قبل از نزول آیات حجاب دیده بود، وی را شناخت، وقتی او به آنجا رسید، عائشه - رضی الله عنها - را خواب در رفته بود پس صفوان استرجاع: (إنا لله وإنا إليه راجعون) گفت، عائشه - رضی الله عنها - با شنیدن صدای استرجاع صفوان از خواب بیدار شد و بی درنگ چهره خویش را پوشانید، صفوان حتی يك كلمه با عائشه - رضی الله عنها - سخن نگفته شترش را فرو خوابانید و بر دست شتر پای فشرد تا عائشه - رضی الله عنها - بر آن سوار شود، عائشه - رضی الله عنها - سوار شتر صفوان شد و صفوان زمام شتر را گرفته حرکت کرد تا به کاروان رسید، پس چون اهل (افك: بختان) از این واقعه آگاه شدند، عائشه - رضی الله عنها - را به فحشاء متهم کردند، اما الله - تبارک و تعالی - با نازل کردن هجده آیه، براءت حضرت عائشه - رضی الله عنها - را از این بختان اعلام کرد «(۱)». چنانچه الله - تبارک و تعالی - جزا و عقوبت این تهمت کنندگان را در آیه دیگر چنین بیان نموده می فرماید:

﴿ إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْعَافِيَّاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لُعِنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴾
(النور: ۲۳).

ترجمه: «همانا کسانی که زنان پاکدامن و بی خبر و مؤمن را به زنا متهم می سازند در دنیا و آخرت نفرین شده اند، و عذابی بزرگ برای آنها آماده گردیده است.»

هم چنان پیامبر - صلی الله علیه وسلم - در احادیث زیادی از فضائل و منزلت حضرت عائشه - رضی الله عنها - یاد آوری نموده است، که در این صرف به دو مورد آن ذیلاً اکتفا می نمائیم:

« إن عائشة - رضی الله عنها - قالت: قال رسول الله - صلی الله علیه وسلم - یوما یا عائش هذا جبریل یقرئک السلام، فقلت وعلیه السلام ورحمة الله وبرکاته تری ما لا أری «(۲)».

(۱) مسند احمد بن حنبل، ج ۴۲، ص ۴۰۴، حدیث (۲۵۶۲۳)؛ تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر، ج ۶، ص ۱۹؛ التفسیر المنیر فی

العقیده والشریعة والمنهج، وهبه الزحیلی، ج ۱۸، ص ۱۷۱.

(۲) صحیح بخاری، کتاب الفضائل، باب فضائل عائشة رضی الله عنها، ج ۳، ص ۱۳۷۴، حدیث (۳۵۵۷).

ترجمه: « حضرت عائشه - رضی الله عنها - می گوید: رسول الله - صلی الله علیه وسلم - روزی از روزها فرمود: ای (عایش)، این جبرائیل - علیه السلام - است و به شما سلام می رساند، من برایش گفتم: (وعلیه السلام ورحمة الله وبرکاته) تو او را دیده می توانی، لکن من او را دیده نمی توانم». هم چنان از حضرت هشام - رضی الله عنه - روایت است که در باره عائشه - رضی الله عنها - چنین فرمودند:

« يا أم سلمة لا تؤذيني في عائشة فإنه والله ما نزل علي الوحي وأنا في لحاف امرأة منكن غيرها »(۱).

ترجمه: « ای ام سلمه! درباره ی عایشه مرا اذیت نکن، به الله قسم! وحی در هیچ یک از خانه های همسران من، غیر از خانه ای عایشه - رضی الله عنها - بر من نازل نشده است ».

۳- فضیلت حضرت خوله بنت ثعلبه در قرآن کریم

﴿ قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ فِي زَوْجِهَا وَتَشْتَكِي إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ يَسْمَعُ تَحَاوُرَكُمَا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ * الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْكُمْ مِنْ نِسَائِهِمْ مَا هُنَّ أُمَّهَاتِهِمْ إِنْ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُنْكَرًا مِنَ الْقَوْلِ وَزُورًا وَإِنَّ اللَّهَ لَعَفُوفٌ غَفُورٌ ﴾ (المجادلة: ۱-۲).

ترجمه: « به راستی خداوند متعال سخن آن زنی را شنید که درباره همسرش با تو گفتگو می کرد و به خداوند متعال شکایت می برد، و الله متعال گفتگوهایتان را می شنود، بی گمان او تعالی شنوای بینا است؛ کسانی از شما که با زنانشان ظاهر می کنند آنان مادرانشان نیستند، بلکه مادرانشان تنها زنانی هستند که ایشان را زائیده اند و همانا آنان سخن زشت و دروغ می گویند و بدون شک الله متعال بخشنده آمرزگار است ».

« عن عروة قال: قالت عائشة - رضی الله عنها - : تبارك الله الذي وسع سمعه كل شيء إني لأسمع كلام خولة بنت ثعلبة ويخفي علي بعضه وهي تشتكي إلى رسول الله - صلی الله علیه وسلم - زوجها وهي تقول: يا رسول الله - صلی الله علیه وسلم - أكل شبابي ونثرت له بطني حتى إذا كبرت سني وانقطع له ولدي ظاهر مني اللهم إني أشكو إليك؛ قالت عائشة - رضی الله عنها - : فما برحت حتى نزل جبريل عليه السلام بهؤلاء الآيات (قد سمع الله قول التي تجادلك في زوجها) قال: وزوجها أوس بن الصامت »(۲).

(۱) صحیح بخاری، کتاب الفضائل، باب فضائل، ج ۳، ص ۱۳۷۶، حدیث (۵۳۶۴).

(۲) السنن الکبریٰ وفي ذیله الجوهر النقی، أبو بکر أحمد بن الحسین بن علی البیهقی، مجلس دائرة المعارف النظامية الکائنة در

شهر حیدر آباد هند، طبع اول سال ۱۳۴۴ هـ، ج ۷، ص ۳۸۲، حدیث (۱۵۶۳۷).

ترجمه: « از عروه - رضی الله عنه - روایت است که حضرت عائشه - رضی الله عنها - می گوید: بسیار بزرگ و با برکت است ذاتی که سمع و شنوایی او همه چیز را فراگرفته است؛ من سخن خوله دختر ثعلبه را شنیدم آن گاه که از شوهرش نزد رسول الله - صلی الله علیه وسلم - شکایت می کرد و درحالی که برخی از آنرا از من مخفی می کرد، می گفت: یا رسول الله - صلی الله علیه وسلم -! شوهرم اوس بن صامت جوانی ام را خورد، شکم را برای او پراکندم (یعنی فرزندان بسیاری برای او به دنیا آوردم) تا آنکه چون سن و سال من بالا رفت و از بچه آوردن ماندم، اینک از منظهار کرده است، بار الهی! من به سویی تو شکایت می کنم، عائشه - رضی الله عنها - می افزاید: پس او پیوسته به بارگاه الهی ناله و زاری می کرد تا آنکه جبرئیل - علیه السلام - این آیات را نازل نمود.»

« اوس بن صامت انصاری در خلال يك جنگ لفظي خوله بنت ثعلبه (همسر اش) راظهار نمود، همین بود که خوله - رضی الله عنها - نزد پیامبر - صلی الله علیه وسلم - آمد و به نجات از این حکم مبادرت ورزید، در تأیید این قول حضرت خوله بنت ثعلبه - رضی الله عنها - الله - تبارک و تعالی - آیات قرآن کریم را نازل نموده که این بزرگترین فضیلت و برتری این بانوی مسلمان را نشان می دهد» (۱).

۴ - فضیلت حضرت زید و زینب بنت جحش در قرآن کریم

زید بن جحش از جمله ای صحابه کرام بود که نام ایشان به طور صریح در قرآن کریم بیان گردیده است که این خود از بزرگترین درجه ای فضیلت محسوب می گردد، چنانچه الله متعال می فرماید:

﴿وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ وَخُفِيَ فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا﴾ (الاحزاب: ۳۷).

ترجمه: « و به یادآور زمانی را که به کسیکه خداوند متعال به او نعمت داده بود و تو (نیز) بدو لطف کرده بودی، می گفتم: همسرت را برای خود نگاه دار و از خداوند متعال بترس و در دل خود آنچه را که خداوند سبحان پدیدار کننده اش است پنهان می ساختی، و از مردم می ترسیدی و خداوند متعال به آنکه از او بترسی سزاوارتر است، هنگامیکه زید نیاز خود را از او به پایان برد او را به نکاح تو درآوردیم

(۱) جامع البیان فی تاویل القرآن، ابن جریر الطبری، ج ۲۳، ص ۲۲۰.

تا مشکلی برای مؤمنان در ازدواج با همسران پسرخواندگانشان نباشد، بدانگاه که نیاز خود را بدانان پایان ببرند، و فرمان الله متعال انجام یافتنی است.»

اکثر مفسرین در سبب نزول این آیه کریمه می گویند: «زید بن حارثه - رضی الله عنه - نزد رسول الله - صلی الله علیه وسلم - آمده و از زینب بنت جحش همسر اش - رضی الله عنها -، به رسول الله - صلی الله علیه وسلم - شکایت نمود، الله - تبارک و تعالی - در فضیلت حضرت زید - رضی الله عنه - این آیه کریمه را نازل نمود چنانچه الله متعال زید - رضی الله عنها - را با نعمت اسلام مورد انعام قرار داد، هم چنان ذکر ازدواج حضرت زینب بنت جحش از جانب الله - تبارک و تعالی - برای پیامبر - صلی الله علیه وسلم - گواه و دال بر فضیلت حضرت زینب - رضی الله عنها - می باشد،»^(۱).

داستان ازدواج حضرت زینب بنت جحش - رضی الله عنها - را محدثین و مفسرین کرام و سیرت نگاران به تفصیل بیان نموده است، جهت معلومات بیشتر در این مورد به تفاسیر و دیگر کتابهای حدیثی و سیرت مراجعه گردد.

۵- فضیلت أمهات المؤمنین در قرآن کریم:

﴿يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا﴾ (الأحزاب: ۳۲).

ترجمه: «ای زنان پیامبر - صلی الله علیه وسلم -! شما مانند هیچ يك از (سایر) زنان نیستید، اگر تقوا دارید پس در سخن گفتن نرمی نکنید تا مبادا آن کسی که در دل خویش بیماری دارد به طمع بیفتد و سخنی شایسته بگوید.»

الله - تبارک و تعالی - در این آیات ازواج مطهر پیامبر - صلی الله علیه وسلم - را نسبت به دیگر زنان امت مسلمه مستثنی ذکر نموده آنها را بطور خاص مورد خطاب قرار می دهد، و می فرماید: که شما به سبب صحبت مداوم با پیامبر - صلی الله علیه وسلم - افضلترین و اشرف ترین زنان هستید»^(۲).

هم چنان الله - تبارک و تعالی - زنان مطهر پیامبر - صلی الله علیه وسلم - را مادران مؤمنان معرفی نموده است، که این از فضائل عظیم آنها می باشد، چنانچه می فرماید:

(۱) الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، جار الله زمخشری، ج ۳، ص ۵۴۱.

(۲) روح البیان، اسماعیل حقی، ج ۷، ص ۱۶۹.

﴿النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ﴾ (الاحزاب: ٦).

ترجمه: « پیامبر - صلی الله علیه وسلم - به (تصرف در کارهای) مؤمنان نسبت به خود آنها سزاوارتر است، و همسران پیامبر - صلی الله علیه وسلم - مادران مؤمنان هستند.»

﴿وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تُنكِحُوا أَزْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا﴾ (الاحزاب: ٥٣).

ترجمه: « و شما را نسزد که پیامبر خدا را آزار دهید و حق ندارید که پس از مرگ او همسرانش را به همسری خویش درآورید این کار نزد خداوند گناهی بزرگ است.»

یعنی: « شما این حق را ندارید که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - را در امر از امور برنجانید و اذیت نمایید؛ و نباید زنانش را پس از وفات او به نکاح خود درآورید زیرا آنان مادران مؤمنان هستند و نکاح مادران برای فرزندان حلال نیست بی گمان به نکاح گرفتن همسران پیامبر - صلی الله علیه وسلم - بعد از رحلتشان نزد الله متعال گناه بزرگ»^(۱).

همان طوریکه در ابتداء گفته شد، فضائل این چند تن از صحابه گرامی آنحضرت - صلی الله علیه وسلم - را در قرآن کریم بطور الگو و نمونه بیان نمودیم، لکن در قرآن کریم آیات زیادی موجود است که یا بشكل صریح و یا هم بشكل شأن نزول آیات گواه به فضائل اصحاب کرام می باشد.

(۱) دیده شود: تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر، ج ٦، ص ٤٥٥-٤٥٦.

نتائج بحث

همان طوریکه محور اصلی این بحث (صفات و فضائل صحابه کرام در قرآن کریم) می باشد، و از طرف دیگر هر عمل انسان در نهایت امر باید نتایج و ثمرات داشته باشد، بناء در اخیر نتایج مهم که از این بحث ثابت می گردد قرار ذیل است:

- ۱- راجح ترین و جامع ترین تعریف در باره صحابه کرام این است که آنها کسان هستند که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - را در حالت ایمان ملاقات نموده و در حالت اسلام از دنیا رفته باشند.
- ۲- صحابه کرام مبلغین دین و حلقه وصل بین امت و پیامبر - صلی الله علیه وسلم - می باشند، که قطع این حلقه به معنی قطع وصل میان امت و پیامبر - صلی الله علیه وسلم - می گردد.
- ۳- تعداد اصحاب رسول الله - صلی الله علیه وسلم - بیشتر از صد هزار بوده است.
- ۴- تمامی صحابه - رضوان الله علیهم اجمعین - بعد از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - خیر این امت می باشند.
- ۵- صحابه کرام کسانی هستند که سنت نبوی - صلی الله علیه وسلم - را نقل نموده اند و بر وحی الهی شاهد بودند، آنها کسانی بودند که نفس های شانرا در راه دین الله متعال وقف و نذر نموده اند، به همین خاطر آنها مستحق فضل و مرحمت عظیم از جانب الله متعال گردیدند.
- ۶- اعطای فضل و مرحمت به الله متعال تعلق دارد، به هر کسی بخواهد آنرا عنایت می فرماید، که این فضل به صحابه کرام داده شده.
- ۷- برای هیچ فرد امت جواز نیست تا خود را به صحابه کرام مقایسه نماید.
- ۸- صحابه کرام به صفات خیر و ایمان متصف می باشند، بناء بر امت مسلمه واجب است تا به آنها اقتداء نموده و از آنها متابعت نماید.
- ۹- اخوت و برادری از اساسات شریعت اسلام بوده، و صحابه کرام نخستین کسان بودند که میان آنها پیوند مواخات منعقد گردید، لذا به هر فرد مسلمان متابعت از آنها واجب است تا در بین خود این رابطه را مستحکم نماید.

- ۱۰- کسانی که به ساحات مقدس صحابه کرام دست درازی می کنند و یا در حصه آنها مرتکب عمل قبیح طعن می شوند، از دشمنان اسلام بوده و زندیق هستند، زیرا صحابه کرام از ریشه های اساسی دین هستند در صورت طعن به آنها طعن به قرآن کریم و سنت نبوی - صلی الله علیه وسلم - می باشد.
- ۱۱- از صفات بارز و کلیدی صحابه کرام در برخورد با خالق: ایمان و یقین، عبادت و اصلاح، اخلاص، طلب خشنودی الله متعال ترس و خشیت از عذاب الله متعال، متابعت از پیامبر - صلی الله علیه وسلم -، هجرت در راه الله متعال، نصرت و یاری نمودن دین الله تعالی، می باشد.
- ۱۲- هم چنان از صفات صحابه کرام در تعامل با مخلوق صفات ذیل می باشد: امر به معروف و نهی از منکر، جهاد و مبارزه، صداقت و راستی، سخت گیری در مقابل دشمنان الله، الطاف و ترحم با مؤمنین، ایثار و فداکاری، وسطیت و اعتدال و علم.
- ۱۳- الله - تبارک و تعالی - صحابه کرام و یاران گرامی آنحضرت - صلی الله علیه وسلم - را در قرآن کریم به فضائل زیاد ستوده است، و آنها را به کامیابی دنیا و آخرت مژده داده است.
- ۱۴- از فضائل بارز صحابه کرام پیروزی آنها در هنگام مقابله با کفار و مشرکین می باشد.
- ۱۵- اهل سنت و جماعت عقیده دارند، که صحابه کرام امامان دین مقدس اسلام می باشند.
- ۱۶- مسلمانان مکلف هستند تا از صحابه کرام در دین متابعت، و از آنها ابراز رضایت نمایند.
- ۱۷- بالای مسلمانان لازم است تا برای صحابه کرام از الله متعال طلب مغفرت و آمرزش بخواهند.
- ۱۸- اهل سنت و الجماعت عقیده دارند که صحابه کرام معصوم نمی باشند.

پیشنهادات بحث

در جریان این تحقیق با برخی از موضوعات و مطالب جالب پیرامون زندگی نامه اصحاب کرام برخوردیم که نسبت قلت و قوت و عدم گنجایش این موضوعات نتوانستم آنرا شامل این تحقیق نمایم، لذا تحقیق آنرا برای دانشمندان و محققین عرصه علوم اسلامی ذیلاً پیشنهاد می نمایم:

۱- برای طلبه کرام، محصلین، و دانشمندان علوم اسلامی پیشنهاد می گردد، تا پیرامون احوال و زندگی نامه سلف صالح بخصوص صحابه کرام و تابعین جهت آگاهی از کارنامه های آنه تحقیقات لازم را انجام دهند

۲- پوهنتون سلام باید راجع به زندگی نامه هر فرد از صحابه کرام و عدالت آنها تحقیقات بیشتر انجام دهد، و موضوعات پایان نامه های دوره لیسانس و ماستری محصلین را در این باره انتخاب نماید.

۳- تحقیقات پیرامون: حیات صحابه کرام از منظر قرآن کریم، احادیث نبوی - صلی الله علیه وسلم - باید طی موضوعات جداگانه تحقیقات بیشتر گردد.

۴- برای سائر نهادی های آکادمیک و وزارت تحصیلات عالی کشور پیشنهاد می گردد، تا راجع به صحابه کرام موضوعات تحقیقی و علمی را از طریق بورد ماستری و دکتورا در پوهنتون های کشور برای محصلین مقطع ماستری بخاطر پایان نامه دوره ماستری انتخاب نمایند.

۵- هم چنان وزارت اطلاعات و فرهنگ، معارف، تحصیلات عالی، حج و اوقاف و وزارت عدلیه باید راجع به (صحابه کرام و جهود آنها در رساندن نصوص شریعت اسلامی) از طریق استادان پوهنتون ها، دارالعلوم ها، مدارس، مساجد، منابر، رسانه های اسلامی مناقشات و سمینارهای علمی را دائر نمایند.

فهرست آیات قرآن کریم

صفحه	سوره و آیه	آیات قرآن کریم
۱۲	(البقره: ۱۳)	﴿ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ آمِنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ ﴾
۹۱	(البقره: ۴۴)	﴿ أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ ﴾
۴۰	(البقره: ۱۴۳).	﴿ وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ ﴾
۱۱۷	(البقره: ۱۲۹).	﴿ رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ ﴾
۵۳	(البقره: ۱۳۷).	﴿ فَإِنْ آمَنُوا بِمِثْلِ مَا آمَنْتُمْ بِهِ فَقَدْ اهْتَدَوْا ﴾
۱۱۷	(البقره: ۱۵۱).	﴿ كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ ﴾
۱۰۷	(البقره: ۱۷۷).	﴿ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينَ ﴾
۱۶۱	(البقره: ۲۱۴).	﴿ أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخِلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا ﴾
۸۰، ۷۷	(البقره: ۲۱۸).	﴿ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ﴾
۸۱	(البقره: ۲۵۰)	﴿ وَأَنْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴾
۱۲۷	(البقره: ۲۷۴).	﴿ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَاهُمْ أَجْرُهُمْ ﴾
۱۰۶	(البقره: ۲۸۶).	﴿ رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا ﴾
۹۰	(آل عمران: ۱۰۴)	﴿ وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ ﴾
۱۳۳، ۸۷	(آل عمران: ۱۱۰)	﴿ كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ ﴾
۴۹	(آل عمران: ۱۳۹).	﴿ وَلَا يَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴾
۴۸	(آل عمران: ۱۲۱).	﴿ وَإِذْ عَدَوْتَ مِنْ أَهْلِكَ تُبَوِّئُ الْمُؤْمِنِينَ مَقَاعِدَ لِلْقِتَالِ ﴾
۱۵۳، ۴۹	(آل عمران: ۱۲۴).	﴿ وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرِ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴾
۱۴۹، ۷۳	(آل عمران: ۱۳۳)	﴿ سَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ ﴾
۱۵۶	(آل عمران: ۱۵۴)	﴿ ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ بَعْدِ الْعَمِّ أَمْنًا نُعَاسًا يَغْشَى طَائِفَةً مِنْكُمْ ﴾
۱۵۷	(آل عمران: ۱۵۷)	﴿ وَلَئِنْ قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مُتُّمْ لَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَحْمَةٌ ﴾
۱۳۸	(آل عمران: ۱۹۵)	﴿ فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِمَّنْ ذَكَرَ ﴾
۱۱۵، ۴۴	(آل عمران: ۱۶۴)	﴿ لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ ﴾
۱۳۰، ۵۱	(آل عمران: ۱۷۲)	﴿ الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ ﴾
۱۳۱، ۵۱	(آل عمران: ۱۷۳)	﴿ الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ ﴾

١٣٢	(آل عمران: ١٧٤)	﴿ فَأَنْقَلِبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَمْ يَمَسْسْنَهُمْ سُوءٌ وَاتَّبَعُوا ﴾
١٧٣	(الأحزاب: ٣٢).	﴿ يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ نِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ ﴾
٧٧	(النساء: ٣٤)	﴿ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ ﴾
٢٨	(النساء: ٣٦).	﴿ وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا ﴾
٦٢	(النساء: ٨٠).	﴿ مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ ﴾
١٤٣	(النساء: ٩٥).	﴿ لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ ﴾
٧٧	(النساء: ١٠٠).	﴿ وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاعِمًا ﴾
٥٢	(النساء: ١٣٦).	﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ ﴾
١٦٥	(النساء: ١٦٢).	﴿ لَكِنِ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَالْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أَنْزَلَ ﴾
١١	(المائدة: ٣).	﴿ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي ﴾
٩٥	(المائدة: ٣٥).	﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي ﴾
١٠٢، ١٢	(المائدة: ٥٤).	﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ ﴾
٨٤	(الانعام: ٨٩).	﴿ أُولَئِكَ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنَّبُوءَةَ ﴾
١٠٤	(الاعراف: ٥٦).	﴿ إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ ﴾
١٣٥	(الاعراف: ١٢٨).	﴿ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا ﴾
١٥٠	(الانفال: ٩).	﴿ إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِ ﴾
١٥٥	(الانفال: ٢٦).	﴿ وَادْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ أَنْ ﴾
٧٢	(الأنفال: ٣٣).	﴿ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ ﴾
١٥٨	(الانفال: ٣٦).	﴿ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ﴾
١٥٤	(الانفال: ٤١).	﴿ وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي ﴾
٥٠	(الانفال: ٦٢).	﴿ هُوَ الَّذِي أَيْدِكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ ﴾
١٤٩	(الانفال: ٦٥).	﴿ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ ﴾
١٤٥، ١٣٨، ١٢٥، ٦٠، ٤٥، ٤١	(الأنفال: ٧٤).	﴿ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ﴾
٤٥	(الانفال: ٧٥).	﴿ وَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْ بَعْدِ وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا مَعَكُمْ ﴾
١٤٤، ٩٧	(التوبة: ٥)	﴿ فَإِذَا انْسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرْمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ ﴾
١٣٦	(التوبة: ٢٠).	﴿ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ ﴾
٩٦	(التوبة: ٢٩).	﴿ قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ ﴾

١٦٣	(التوبة: ٢٥-٢٦).	﴿ لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَيَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ ﴾
٩٦	(توبه: ٣٦).	﴿ وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً ﴾
٢٨	(التوبة: ٤٠).	﴿ تَأْيِي أَنبِيئِنِ إِذْ هُمَا فِي الْعَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ ﴾
٩٢	(التوبة: ٤١).	﴿ انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ﴾
٩٤	(التوبة: ٤٤).	﴿ لَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ﴾
٩١	(التوبة: ٤٧).	﴿ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ ﴾
٨٨	(التوبة: ٧١).	﴿ وَ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ ﴾
١٢٨، ١٢٤، ٩٣	(التوبة: ٨٨).	﴿ لَكِنَّ الرَّسُولَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ ﴾
١٣٩، ٧٤، ٧٢، ٤١	(التوبة: ١٠٠).	﴿ وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ ﴾
١٤٦	(التوبة: ١١١).	﴿ إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ هُمْ الْجَنَّةَ ﴾
١٦٥، ١٤٠، ٨٠	(التوبة: ١١٧).	﴿ لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ ﴾
٩٩	(التوبة: ١١٩).	﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ ﴾
١٠٣	(التوبة: ١٢٣).	﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا ﴾
١٥٢	(يوسف: ١٠٨).	﴿ قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي ﴾
١٢٢	(النحل: ٣٠).	﴿ وَقِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا مَاذَا أَنْزَلْ رَبُّكُمْ قَالُوا خَيْرًا لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا ﴾
١٢٦، ٧٩	(النحل: ٤١).	﴿ وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنَبْوَنَّهُمْ فِي الدُّنْيَا ﴾
١١	(النحل: ٤٤).	﴿ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ ﴾
١	(الاسراء: ٩).	﴿ إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ ﴾
٩٨	(الاسراء: ٨٠).	﴿ وَقُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مَخْرَجَ صِدْقٍ ﴾
٢٩	(الكهف: ٣٤).	﴿ فَقَالَ لِصَاحِبِهِ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَنَا أَكْثَرُ مِنْكَ مَالًا وَأَعَزُّ نَفَرًا ﴾
٢٩	(الكهف: ٣٧).	﴿ قَالَ لَهُ صَاحِبُهُ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَكْفَرْتُ بِالَّذِي خَلَقَكَ ﴾
٢٧	(الكهف: ٧٦).	﴿ قَالَ إِنْ سَأَلْتِكَ عَنْ شَيْءٍ بَعْدَهَا فَلَا تُصَاحِبْنِي ﴾
٩٧	(الحج: ٣٩).	﴿ أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ ﴾
١٢٤	(الحج: ٥٨).	﴿ وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوا أَوْ مَاتُوا لَيَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا ﴾
٩٥، ٩٢	(الحج: ٧٨).	﴿ وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ ﴾
٧٣	(المومنون: ٤١).	﴿ أُولَئِكَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ ﴾
٥٢	(المومنون: ١٠٩).	﴿ إِنَّهُ كَانَ فَرِيقٌ مِنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا ﴾

١٦٩	(النور: ١١).	﴿ إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِنْكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَكُمْ ﴾
١٧٠	(النور: ٢٣).	﴿ إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْعَافِيَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لَعُنُوا ﴾
١٣٤	(النور: ٥٥).	﴿ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ ﴾
٧٧	(الفرقان: ٣٠).	﴿ وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا ﴾
١٤٨	(العنكبوت: ٦٩).	﴿ وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ ﴾
٢٨	(لقمان: ١٥).	﴿ وَإِنْ جَاهَدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ ﴾
١٧٤	(الاحزاب: ٦).	﴿ النَّبِيُّ أَوْلىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ ﴾
١٥٩، ٥٠	(الاحزاب: ٩).	﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ ﴾
٥١	(الاحزاب: ١١).	﴿ هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زِلْزَالًا شَدِيدًا ﴾
١٦٠	(الاحزاب: ٢٢).	﴿ وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ ﴾
٥١	(الاحزاب: ٢٣).	﴿ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ ﴾
١٢١	(الاحزاب: ٣٥).	﴿ إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ ﴾
١٧٢	(الاحزاب: ٣٧).	﴿ وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ ﴾
٧٠	(الاحزاب: ٣٩).	﴿ الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا ﴾
١٧٤	(الاحزاب: ٥٣).	﴿ وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تَنْكِحُوا أَزْوَاجَهُ ﴾
١١٣	(سبأ: ٦).	﴿ وَيَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ هُوَ الْحَقُّ ﴾
٢٩	(سبأ: ٤٦).	﴿ قُلْ إِنَّمَا أَعْظَمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَىٰ وَفَرَادَىٰ ﴾
١١٣	(فاطر: ٢٨).	﴿ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ ﴾
٦٧	(الزمر: ٢).	﴿ إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ ﴾
٧١	(الزمر: ٢٣).	﴿ اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَابًا تَتَشِعَّرُ مِنْهُ جُلُودٌ ﴾
١٦٧	(الزمر: ٣٣).	﴿ وَالَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ ﴾
١١٢	(يس: ٨١).	﴿ وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ ﴾
٧٢	(الشورى: ١٤).	﴿ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَفُضِيَ بَيْنَهُمْ فِيمَا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴾
١٠١	(محمد: ٤).	﴿ فَإِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبِ الرِّقَابِ حَتَّىٰ إِذَا أَنْتَحْتُمُوهُمْ ﴾
١٥٢، ٨٢	(محمد: ٧).	﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَصَبَّرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ ﴾
١١٤	(محمد: ١٦).	﴿ حَتَّىٰ إِذَا خَرَجُوا مِنْ عِنْدِكَ قَالُوا لِلَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ ﴾
١٢٨، ٥٨	(الفتح: ٤).	﴿ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيُزِدُوا إِيمَانًا ﴾

٥٨	(الفتح: ١٠).	﴿ إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ ﴾
١٦٢٤١٢٨٠١٢٧٠٧٦٤١٠٢١٠١٢	(الفتح: ١٨).	﴿ لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ ﴾
١٢٦	(الفتح: ٢٦).	﴿ إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ حَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ ﴾
١٢٠٠٧٦٤٦٥٠٦٢٠٤٢	(الفتح: ٢٩).	﴿ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا ﴾
٥٦	(الحجرات: ٧-٨).	﴿ وَاعْلَمُوا أَنَّ فِيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِنَ الْأَمْرِ ﴾
٥٦٠٤٤	(الحجرات: ٧).	﴿ وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ ﴾
١٠٥	(الحجرات: ١٠).	﴿ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ ﴾
٩٤	(الحجرات: ١٥).	﴿ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا ﴾
١٠١	(ق: ٢٦).	﴿ الَّذِي جَعَلَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَأَلْقِيَاهُ فِي الْعَذَابِ الشَّدِيدِ ﴾
٢	(الذاريات: ٥٦).	﴿ وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ ﴾
٢٩	(النجم: ٢).	﴿ مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَى ﴾
٧٢	(الواقعه: ١٠).	﴿ وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ * أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ ﴾
٧٣	(الحديد: ٢١).	﴿ سَابِقُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ ﴾
٨٢	(الحديد: ٢٥).	﴿ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ ﴾
١٧١	(المجادلة: ١).	﴿ قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ فِي زَوْجِهَا وَتَشْتَكِي إِلَى اللَّهِ ﴾
١١٤	(المجادلة: ١١).	﴿ يَرْزُقَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ ﴾
١٥٨	(المجادلة: ٢١).	﴿ كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ ﴾
١٣٧٠٨٣٠٧٧	(الحشر: ٨).	﴿ لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ ﴾
٨٣	(الحشر: ٩).	﴿ وَيُؤْتُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شَحْحًا ﴾
٥٤	(الحشر: ١٠).	﴿ وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ﴾
١٥١	(الصف: ١٠).	﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَى بَحَارَةٍ تُنَجِّيْكُمْ مِنْ عَذَابٍ ﴾
٨١	(الصف: ١٣).	﴿ نَصْرٍ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٍ قَرِيبٍ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ ﴾
٨٢	(الصف: ١٤).	﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ ﴾
١١٥	(الجمعة: ٢).	﴿ هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ ﴾
١٦٨	(التحريم: ٤).	﴿ إِنَّ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ ﴾
٩٨	(المنافقون: ١٠).	﴿ وَأَنْفِقُوا مِنْ مَا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ ﴾
١٠١	(التحريم: ٦).	﴿ مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ ﴾

١٠٩	(الانسان:٨).	﴿ وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا ﴾
٧٢	(النازعات:٤)	﴿ فَالسَّابِقَاتِ سَبْقًا ﴾
١٠٣	(البلد:١٧).	﴿ ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ ﴾
٦٧	(البينه:٥).	﴿ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ ﴾
٦٩	(البينه:٧-٨).	﴿ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ ﴾

فهرست احاديث

شماره	طرف حديث	صفحه
١	أرواحهم في جوف طير خضر لها قناديل معلقة بالعرش	١٤٥
٢	أريت دار هجرتكم ذات نخل بين لابتين	٧٩
٣	ألا ليبلغ الشاهد منكم الغائب	٤٢
٤	أمرنا رسول الله - صلى الله عليه وسلم -، أن نتصدق فوافق ذلك ما لا فقلت	١٠٩
٥	إن الله تعالى حرم علي النار من قال لا إله إلا الله يبتغي بذلك وجه الله	٧٠
٦	إن أهل الجنة يأكلون فيها ويشربون ولا يتفلون ولا يبولون ولا يتغوطون	١٢٥
٧	أن رجلا أتى النبي - صلى الله عليه وسلم - فبعث إلى نسائه فقلن	١٠٨
٨	أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال عشرة في الجنة أبو بكر في الجنة و عمر	٣٢
٩	إن في الجنة مائة درجة أعدها الله للمجاهدين في سبيل الله ما بين الدرجتين	١٤٧
١٠	إن من أعظم الجهاد كلمة عدل عند سلطان جائر	٩٠
١١	ان من كتاب رسول الله - صلى الله عليه وسلم - قال: لقيني أبو بكر	٦٦
١٢	الأنصار لا يحبهم إلا مؤمن ولا يبغضهم إلا منافق فمن أحبهم أحبه الله ومن	١٤١
١٣	إني بين أيديكم فرط وإني عليكم لشهيد وإن موعدكم حوض	١٥٩
١٤	أوصي الخليفة بالمهاجرين الأولين أن يعرف لهم حقهم وأوصي الخليفة	٨٤
١٥	أي الصدقة أفضل؟ قال: جهد المقل وابدأ بمن تعول	١٠٧
١٦	إياكم والجلوس في الطرقات	٨٩
١٧	آية الإيمان حب الأنصار وآية النفاق بغض الأنصار	١٤١
١٨	تبارك الله الذي وسع سمعه كل شيء إني لأسمع كلام حولة	١٧١
١٩	ترى المؤمنين في تراحمهم وتوادهم وتعاطفهم كمثل الجسد	١٠٥
٢٠	تفترق أمتي على ثلاث وسبعين ملة كلهم في النار إلا ملة واحدة	٤٥

٥٥	جاء رجل إلى رسول الله - صلى الله عليه وسلم - فقال	٢١
٩٢	جاهدوا المشركين بأموالكم وأنفسكم وأستنكم	٢٢
١٣٤	خير الناس قرني ثم الذين يلونهم ثم الذين يلونهم ثم يجيء قوم تسبق	٢٣
٨٨	خير الناس للناس تأتون بهم في السلاسل في أعناقهم حتى يدخلوا في الإسلام	٢٤
٣١،٢	خَيْرُ أُمَّتِي قَرْنِي ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ	٢٥
٨٤	دعا النبي - صلى الله عليه وسلم - الأنصار إلى أن يقطع لهم البحرين	٢٦
٧٩	رأيت في المنام أبي أهاجر من مكة إلى أرض بها نخل	٢٧
١٥٧	رفعت رأسي يوم أحد فجعلت أنظر وما منهم يومئذ أحد إلا يمد تحت حجفته	٢٨
٤٥	عليكم بسنتي وسنة الخلفاء الراشدين المهديين بعدي	٢٩
٨٨	قال خير الناس للناس تأتون بهم في السلاسل في أعناقهم	٣٠
١١٢	قال هم الذين هاجروا مع محمد - صلى الله عليه وسلم - إلى المدينة	٣١
١٤٩	قوموا إلى جنة عرضها السموات والأرض	٣٢
١٦١	كنا مع رسول الله - صلى الله عليه وسلم - في الخندق وهم يحفرون ونحن ننقل	٣٣
١٢١،٤٣	لا تَسُبُّوا أَصْحَابِي فَلَوْ أَنَّ أَحَدَكُمْ أَنْفَقَ مِثْلَ أُحُدٍ ذَهَبًا مَا بَلَغَ مُدَّ أَحَدِهِمْ وَلَا	٣٤
٢٠	لَعَلَّ اللَّهَ أَنْ يَكُونَ قَدْ أَطَّلَعَ عَلَى أَهْلِ بَدْرٍ فَقَالَ اعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ	٣٥
١٥٠	لما كان يوم بدر نظر النبي - صلى الله عليه وسلم - إلى أصحابه، وهم ثلاثمائة	٣٦
٨٩	ما من نبي بعثه الله في أمة قبلي إلا كان له من أمته حواريون	٣٧
١٤٧	مثل المجاهد في سبيل الله، والله أعلم بمن يجاهد في سبيله كمثل الصائم القائم	٣٨
٢٣	مضى رسول الله - صلى الله عليه وسلم - وخرج لعشر مضين من رمضان	٣٩
٩٠	من رأى منكم منكرا فليغيره بيده فإن لم يستطع فبلسانه فإن	٤٠
١٠٥	المؤمن للمؤمن كالبنيان يشد بعضه بعضا، ثم شبك بين أصابعه	٤١
١٠١	النجوم أمانة للسماء فإذا ذهب النجوم أتى السماء ما توعد وأنا أمانة لأصحابي	٤٢

١٤١	والذي نفسي بيده إنكم أحب الناس إلي مرتين	٤٣
١٩٩	يا أم سلمة لا تؤذيي في عائشة فإنه والله ما نزل علي الوحي وأنا في لحاف امرأة	٤٤
١٧١	يجاء بالرجل يوم القيامة فيلقى في النار فتندلق أقتابه	٤٥
١١١	يجيء نوح وأمته فيقول الله تعالى هل بلغت؟ فيقول نعم أي رب فيقول لأمته	٤٦
١٥٥	يوم بدر هذا جبريل آخذ برأس فرسه عليه أداة الحرب	٤٧
١٧٠	يوما يا عائش هذا جبريل يقرئك السلام، فقلت وعليه السلام ورحمة الله وبركاته	٤٨

فهرست اعلام

شماره	اسم	صفحه
۱	ابو عمرو عثمان ابن المفتی صلاح الدین عبدالرحمان بن عثمان	۱۹
۲	ابو زرعه رازی ملقب سید الحفاظ عبید الله بن عبد الکریم	۲۴
۳	أبو عبد الله محمد بن عمر بن الحسن بن الحسين التيمي الرازي	۱۲۳
۴	ابو عبدالله عبدالرحمان بن ناصر بن عبدالله بن ناصر السعدی	۵۰
۵	ابو الفرج عبدالرحمان بن ابی الحسن علی بن محمد القرشی التیمی البکری	۶۳
۶	عزالدين عبدالعزيز بن عبدالسلام السلمی	۹۹
۷	علی بن محمد بن حبیب ابو الحسن الماوردی البصری	۶۱
۸	مجاهد بن جبر ابو الحجاج المکی، المقرئ	۶۳
۹	محمد بن عبد الله بن محمد بن حمدويه مشهور به (حاكم)	۲۳
۱۰	محمد بن احمد بن ابی بکر بن فرح الانصاری الخزرجی ابو عبدالله القرطبی	۴۰
۱۱	محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب مشهور به ابو جعفر طبری	۴۹

فهرست مصادر و منابع

- ١- إتحاف ذوي النجابة بما فى القرآن والسنة من فضائل الصحابه، محمد العربى بن التبانى المغزى السطيفى، مراجعة و تدقيق: محمد عبد الله ناصر الموزعى، مؤسسة قرطبة.
- ٢- إرشاد الفحول إلى تحقيق الحق من علم الأصول، محمد بن علي بن محمد الشوكاني (درگذشت: ١٢٥٠هـ)، تحقيق: الشيخ أحمد عزو عناية، دمشق: دار الكتاب العربي، طبع: اول سال: ١٤١٩هـ - ١٩٩٩م.
- ٣- أرشيف ملتقى أهل التفسير، أعده أبو محمد المصرى.
- ٤- الإستيعاب في معرفة الأصحاب، ابن عبد البر، مصدر الكتاب: موقع الوراق.
- ٥- أسد الغابة في معرفة الصحابة، عز الدين علي بن محمد بن الأثير الجزري، طبع: دار الشعب، قاهرة، ١٣٩٠هـ مطابق ١٩٧٠م.
- ٦- الإصابة في تمييز الصحابة، أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي، دار الجيل - بيروت، طبع اول سال: ١٤١٢هـ ق، تحقيق: علي محمد البجاوي.
- ٧- أصول الدين، ابو منصور عبدالقاهر بغدادادي، دارالكتب العلميه بيروت، چاپ دوم، ١٤٠٠هـ. ق.
- ٨- أصول السرخسي، محمد بن أحمد بن أبي سهل شمس الأئمة السرخسي (درگذشت: سال: ٤٨٣هـ)، دار المعرفة - بيروت.
- ٩- إعلام الموقعين عن رب العالمين، محمد بن أبي بكر أيوب الزرعي أبو عبد الله، دار الجيل - بيروت ، ١٩٧٣، تحقيق: طه عبد الرؤوف سعد.
- ١٠- الاعلام قاموس تراجم اشهر الرجال والنساء من العرب والعجم والمستعمرين والمستشرقين، خير الدين الزركلى، دارالعلوم الملايين بيروت، لينا، طبع ششم سال ١٩٨٤م.
- ١١- أوضح التفاسير، محمد محمد عبد اللطيف بن الخطيب (درگذشت: ١٤٠٢هـ)، مطبعه مصر، طبع: ششم، رمضان ١٣٨٣هـ - فبراير ١٩٦٤م.
- ١٢- الآحاد والمثاني، أحمد بن عمرو بن الضحاك أبو بكر الشيباني، تحقيق: د. باسم فيصل أحمد الجوابرة، دار الراية - الرياض، طبع: اول سال: ١٤١١ - ١٩٩١.
- ١٣- الباعث الحثيث في اختصار علوم الحديث، ابن كثير، موقع الوراق.

- ١٤- البحر المحيط في التفسير، أبو حيان محمد بن يوسف بن علي بن يوسف بن حيان أثير الدين الأندلسي (المتوفى: ٧٤٥هـ)، تحقيق: صدقي محمد جميل، دار الفكر - بيروت، طبع: (١٤٢٠ هـ).
- ١٥- بحوث في تاريخ السنة المشرفة : للدكتور أكرم ضياء العمري، طبع پنجم سال (١٤١٥هـ)، مكتبة العلوم والحكم المدينة.
- ١٦- تدريب الراوي في شرح تقريب النواوي، عبد الرحمن بن أبي بكر السيوطي، مكتبة الرياض الحديثة، الرياض، تحقيق: عبد الوهاب عبد اللطيف.
- ١٧- تفسير الجامع لأحكام القرآن (تفسير القرطبي)، أبو عبد الله محمد بن أحمد بن أبي بكر بن فرح الأنصاري الخزرجي شمس الدين مشهور به قرطبي (درگذشت: سال: ٦٧١هـ)، تحقيق: أحمد البردوني وإبراهيم أطفيش، دار الكتب المصرية - القاهرة، طبع: دوم، ١٣٨٤هـ - ١٩٦٤ م.
- ١٨- تفسير القرآن، ابي محمد عزالدين عبدالعزيز بن عبدالسلام السلمى الدمشقى ملقب به (سلطان العلماء)، تحقيق د. عبدالله بن ابراهيم الوهبي.
- ١٩- تفسير جامع البيان في تأويل القرآن، محمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن غالب الأملي، أبو جعفر مشهور به طبري (درگذشت: سال ٣١٠هـ)، تحقيق: أحمد محمد شاكر، مؤسسة الرسالة، طبع: اول سال: ١٤٢٠ هـ - ٢٠٠٠ م.
- ٢٠- تفسير القرآن العظيم، أبو الفداء إسماعيل، بن عمر بن كثير القرشي الدمشقي [٧٠٠ - ٧٧٤ هـ]، تحقيق ودراسه: سامي بن محمد سلامة، دارطبية للنشر والتوزيع، طبع: دوم سال: ١٤٢٠ هـ - ١٩٩٩ م.
- ٢١- التفسير المنير في العقيدة والشريعة والمنهج، دوهبة بن مصطفى الزحيلي، دار الفكر المعاصر - دمشق، طبع : دوم، ١٤١٨ هـ.
- ٢٢- التفسير الواضح، محمد محمود الحجازي، دار الجيل الجديد - بيروت، طبع: دهم سال - ١٤١٣ هـ.
- ٢٣- تفسير جلالين، جلال الدين محمد بن أحمد المحلي (درگذشت: ٨٦٤هـ) وجلال الدين عبد الرحمن بن أبي بكر السيوطي (درگذشت: ٩١١هـ)، دار الحديث - القاهرة، طبع: اول.
- ٢٤- تقريب التهذيب، ابن حجر عسقلاني، درگذشت سال: (٨٥٢ هـ) دراسة وتحقيق مصطفى عبد القادر عطا كه أنرا به نسخه اصلی به خط مولف نیز تطبيق نموده است، دار المكتبة العلمية بيروت - لبنان ، موقع يعقوب.

- ٢٥- تيسير الكريم الرحمان، عبدالرحمان السعدى، ص ٧٩٦؛ و جامع البيان في تأويل القرآن، محمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن غالب الآملي، أبو جعفر الطبري، تحقيق: أحمد محمد شاكر، مؤسسة الرسالة، طبع: اول سال:، ١٤٢٠ هـ - ٢٠٠٠ م.
- ٢٦- تيسير التحرير، محمد أمين . المعروف بأمر بادشاه درگذشت: سا (٩٧٢ هـ)، دار الفكر.
- ٢٧- الجامع الصحيح البخاري، محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار ابن كثير بمامه بيروت، طبع: سوم، ١٤٠٧ - ١٩٨٧ تحقيق : د. مصطفى ديب البغا أستاذ حديث وعلوم آن در بخش علوم شرعى پوهنتون دمشق.
- ٢٨- الجامع الصحيح المسمى صحيح مسلم، أبو الحسين مسلم بن الحجاج بن مسلم القشيري النيسابوري، دار الجليل بيروت + دار الأفق الجديدة، بيروت.
- ٢٩- الجامع سنن الترمذي، محمد بن عيسى أبو عيسى الترمذي السلمي، دار إحياء التراث العربي - بيروت، تحقيق: أحمد محمد شاكر وآخرون، امام آلباني بالاي أحاديث اين كتاب حكم نموده.
- ٣٠- خورشيد نبوت (الرحيق المختوم)، شيخ صفي الرحمن مباركفوري ترجمه فارسي، ترجمه: دكتور محمدعلي لساني فشاركي.
- ٣١- دفاع عن السنة، د. محمد محمد أبو شهبة، دار اللواء، طبع: دوم، رياض ١٤٠٧ هـ.
- ٣٢- زاد المسير في علم التفسير، جمال الدين أبو الفرج عبد الرحمن بن علي بن محمد الجوزي (المتوفى: ٥٩٧ هـ)، تحقيق: عبد الرزاق المهدي دار الكتاب العربي - بيروت، طبع اول سال: - ١٤٢٢ هـ.
- ٣٣- زهرة التفاسير، محمد بن أحمد بن مصطفى بن أحمد المعروف بأبي زهرة (المتوفى: ١٣٩٤ هـ)، دار الفكر العربي.
- ٣٤- سنن أبي داود، أبو داود سليمان بن الأشعث السجستاني، دار الكتاب العربي . بيروت، مصدر الكتاب: وزارت اوقاف مصر، كتاب السنه، باب فى لزوم السنه.
- ٣٥- سيراعلام النبلاء، امام شمس الدين محمد بن أحمد بن عثمان الذهبي درگذشت: ٧٤٨ هـ ١٣٧٤ م، طبع: مؤسسة الرسالة بيروت - خيابان سوريا، فهرست: الفقير إلى الله عبد الرحمن الشامي، موقع يعسوب.
- ٣٦- السيره النبويه، أبو محمد عبد الملك بن هشام بن أيوب الحميري المصري ابن هشام ، دارالجيل، بيروت، ١٤١١ هـ، چاپ اول، تصحيح محمد سيعد بسيوني زغلول.

- ٣٧- صحابه از دیدگاه قرآن و اهل بیت، عبدالله بن جوران الخضير، مترجم : مریم محمدی تحقیق: شیخ عبدالله عبدالرحمن الراشد.
- ٣٨- الصحاح فی اللغة، اسماعیل بن حماد الجوهري، تحقیق عبدالغفور عطار، طبع دوم ١٣٩٩.
- ٣٩- طبقات الشافعية، أبو بكر بن أحمد بن محمد بن عمر بن قاضي شهبه، عالم الكتب - بيروت - ١٤٠٧ هـ، طبع: اول، تحقیق : د. الحافظ عبد العليم خان.
- ٤٠- العبودية، تقي الدين أبو العباس أحمد بن عبد الحلیم بن تیمية الحراني رحمه الله تحقیق : محمد زهير الشاويش، المكتب الإسلامي - بيروت، طبع: هفتم سال: ١٤٢٦ هـ.
- ٤١- علوم الحديث، الحافظ أبي عمرو بن الصلاح، مؤسسة الكتب الثقافية، بيروت، طبع: سوم، ١٩٩٥ م.
- ٤٢- فتح البيان فی مقاصد القرآن، محمد صديق خان.
- ٤٣- فتح المغیث شرح ألفية الحديث، شمس الدين محمد بن عبد الرحمن السخاوي، دار الكتب العلمية - لبنان، طبع: اول ، ١٤٠٣ هـ
- ٤٤- الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل، جار الله زمخشري، أبو القاسم محمود بن عمرو بن أحمد، الزمخشري جار الله، دار الكتاب العربي - بيروت، طبع سوم سال: ١٤٠٧ هـ
- ٤٥- الكشكول، الشيخ بهاء الدين محمد بن حسين العاملي، دار الكتب العلمية - بيروت - لبنان سال - ١٤١٨ هـ - ١٩٩٨ م، طبع اول، تحقیق : محمد عبد الكريم النمري.
- ٤٦- الكفاية في علم الرواية، أحمد بن علي بن ثابت أبو بكر الخطيب البغدادي، المكتبة العلمية - المدينة المنورة، تحقیق : أبو عبدالله السورقي , إبراهيم حمدي المدني.
- ٤٧- كنز العمال في سنن الأقوال والأفعال، علاء الدين علي بن حسام الدين المتقي الهندي البرهان فوري، محقق : بكري حياني - صفوة السقا، مؤسسة الرسالة، طبع پنجم سال ١٤٠١ هـ.
- ٤٨- گلزارهاي شاداب در دفاع از سنت ابوالقاسم - صلى الله عليه وآله وسلم - (با حواشي جماعتي از علما از جمله امير صنعاني)، ترجمه: الروض الباسم في الذب عن سنة أبي القاسم - صلى الله عليه وآله وسلم -، امام مجتهد محمد بن ابراهيم الوزير (رحمه الله)، (٧٧٥ - ٨٤٠ هـ).

- ٤٩- لبااب التأويل في معاني التنزيل، علاء الدين علي بن محمد بن إبراهيم بن عمر الشياحي أبو الحسن، المعروف بالخانن (المتوفى: ٧٤١هـ)، تصحيح: محمد علي شاهين، دار الكتب العلمية - بيروت، طبع اول سال : ١٤١٥ هـ.
- ٥٠- لسان العرب، محمد بن مكرم بن منظور الأفريقي المصري، دار صادر - بيروت، طبع اول، كلمة (صحب).
- ٥١- مباحث في التفسير الموضوعي، الدكتور مصطفى مسلم، دار القلم دمشق طبع سوم ١٤٢١هـ - ٢٠٠٠م.
- ٥٢- محاسن التأويل، محمد جمال الدين بن محمد سعيد بن قاسم الحلاق القاسمي، تحقيق: محمد باسل عيون السود، دار الكتب العلمية - بيروت. طبع: اول - ١٤١٨ هـ.
- ٥٣- محاضرات في علوم الحديث، د. ماهر ياسين الفحل، رئيس قسم الحديث - كلية العلوم الإسلامية - جامعة الأنبار، ندوة علوم الحديث علوم وآفاق.
- ٥٤- مختار الصحاح، محمد بن أبي بكر بن عبدالقادر الرازي، مكتبة لبنان، بيروت، طبع جديد ١٤١٥ - ١٩٩٥، تحقيق : محمود خاطر.
- ٥٥- مختصر المنتهى الأصولي، عثمان بن عمر بن الحاجب، تحقيق شعبان محمد إسماعيل، مكتبة الكليات الأزهرية قاهره، ١٣٩٣هـ.
- ٥٦- المستصفي، أبو حامد محمد بن محمد الغزالي الطوسي (المتوفى: ٥٠٥هـ)، تحقيق: محمد عبد السلام عبد الشافي، الناشر: دار الكتب العلمية، الطبعة: الأولى، ١٤١٣هـ - ١٩٩٣م.
- ٥٧- مسند إمام أحمد بن حنبل، أحمد بن حنبل، المحقق: شعيب الأرنؤوط وآخرون، مؤسسة الرسالة، طبع : دوم ١٤٢٠ هـ ، ١٩٩٩م، موقع الإسلام.
- ٥٨- المصباح المنير في غريب الشرح الكبير للرافعي، أحمد بن محمد بن علي المقرئ الفيومي، مكتبه علمي بيروت.
- ٥٩- مصطلح حديث (قواعد و ضوابطي كه به وسيله ي آن حديث صحيح از ضعيف تشخيص داده مي شود)، علامه محمد بن صالح العثيمين، ترجمه و تعليق و اضافات:؛ محمدعبداللطيف.
- ٦٠- معجم اللغة العربية المعاصرة، الاستاذ الدكتور احمد مختار عمر.

- ٦١- معجم الوسيط، إبراهيم مصطفى. أحمد الزيات. حامد عبد القادر. محمد النجار، دار الدعوة، تحقيق: مجمع اللغة العربية.
- ٦٢- معجم كلمات القرآن الكريم، د. محمد زكي محمد خضر، طبع: محرم ١٤٢٦هـ - آذار ٢٠٠٥م، إعداد: نورعلي يف فردوسي.
- ٦٣- معرفة علوم الحديث، أبو عبد الله الحاكم محمد بن عبد الله بن محمد بن حمدويه النيسابوري مشهور به ابن البيع، تحقيق: السيد معظم حسين، دار الكتب العلمية - بيروت، طبع: دوم سال ١٣٩٧هـ - ١٩٧٧م.
- ٦٤- مفاتيح الغيب = التفسير الكبير، أبو عبد الله محمد بن عمر بن الحسن بن الحسين التيمي الرازي، ملقب به فخر الدين الرازي خطيب الري (درگذشت: ٦٠٦هـ)، دار إحياء التراث العربي - بيروت، طبع: سوم - ١٤٢٠.
- ٦٥- مفردات ألفاظ القرآن. نسخة محققة، الحسين بن محمد بن المفضل المعروف بالراغب الأصفهاني أبو القاسم، دار القلم. دمشق.
- ٦٦- مفردات في غريب القرآن، المؤلف: أبو القاسم، الحسين بن محمد، تحقيق محمد سيد كيلاني، دار المعرفة، لبنان، مادة العبد.
- ٦٧- مفهوم عدالة الصحابة، أبو عبد الله الذهبي، مكتبه: مشكات.
- ٦٨- المنتخب في تفسير القرآن الكريم، لجنة من علماء الأزهر، المجلس الأعلى للشئون الإسلامية - مصر، طبع: مؤسسة الأهرام، طبع: ١٨، ١٤١٦هـ - ١٩٩٥م.
- ٦٩- الموافقات، إبراهيم بن موسى بن محمد اللخمي الغرناطي مشهور به امام شاطبي (درگذشت: سال: ٧٩٠هـ)، تحقيق: أبو عبيدة مشهور بن حسن آل سلمان، دار ابن عفان، طبع: اول سال: ١٤١٧هـ/ ١٩٩٧م.
- ٧٠- الموسوعة القرآنية، إبراهيم بن إسماعيل الأبياري (درگذشت: ١٤١٤هـ)، مؤسسة سجل العرب، طبع سال: ١٤٠٥هـ.

٧١- نزهة النظر في توضيح نخبة الفكر في مصطلح أهل الأثر، أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلاني (درگذشت: ٨٥٢هـ)، تحقيق: عبد الله بن ضيف الله الرحيلي، طبع: اول، مطبعة سفير رياض سال (١٤٢٢هـ).

٧٢- النكت والعيون = تفسير الماوردي، أبو الحسن علي بن محمد بن محمد بن حبيب البصري البغدادي، مشهور به ماوردي محقق: سيد ابن عبد المقصود بن عبد الرحيم، دار الكتب العلمية - بيروت لبنانو

٧٣- الواضح في فن التخريج و دراسة الأسانيد، مولفون جمع من علماء الحديث شريف، اصدار جمعية الحديث الشريف و إحياء التراث، دارالحامد للنشر والتوزيع، عمان اردن، محقق: عبدالرحمان النجدي.

٧٤- وفيات الأعيان وأنباء أبناء الزمان، أبو العباس شمس الدين أحمد بن محمد بن أبي بكر بن خلكان، تحقيق: إحسان عباس، دار صادر - بيروت.

فهرست موضوعات

اهداء.....	(ب)
خلاصه بحث.....	(ج)
شکران و سپاس گزاری.....	(هـ)
مقدمه.....	۱-۲
اسباب اختیار موضوع.....	۲
سوالات تحقیق.....	۳
اهمیت موضوع.....	۳
اهداف تحقیق.....	۳
پیشینه تحقیق.....	۴-۵
روش تحقیق.....	۵-۷
خطه بحث.....	۷-۱۰

فصل تمهیدی

تعریف و جایگاه صحابه کرام

مدخل.....	۱۱-۱۲
مبحث اول: شناخت و معرفت صحابه کرام.....	۱۳
مطلب اول: معنی لغوی واصطلاحی لفظ صحابی.....	۱۳
معنی لغوی صحابی.....	۱۳-۱۴
معنی اصطلاحی صحابی.....	۱۴-۱۷
مطلب دوم: طبقات صحابه کرام.....	۱۷-۲۳
مطلب سوم: تعداد صحابه کرام.....	۲۳-۲۴
مطلب چهارم: برخی تألیفات در باره صحابه کرام.....	۲۵-۲۷
مطلب پنجم: کاربرد کلمه (الصحبه) درقرآن کریم.....	۲۷-۲۹
مبحث دوم: مرتبه و جایگاه صحابه کرام.....	۳۰

مطلب اول: مرتبه صحبت.....	۳۱-۳۰
مطلب دوم: طرق معرفت صحابه کرام.....	۳۵-۳۱
مطلب سوم: عدالت صحابه کرام.....	۳۶-۳۵
تعریف عدالت.....	۳۸-۳۶
مفهوم عدالت صحابه کرام.....	۳۹-۳۸
مطلب چهارم: دلائل عدالت و صداقت صحابه کرام.....	۳۹
تعدیل صحابه کرام در قرآن کریم.....	۴۲-۳۹
تعدیل صحابه کرام در احادیث.....	۴۳-۴۲
تعدیل صحابه کرام نزد اجماع امت.....	۴۴-۴۳
همه ای صحابه کرام عادل هستند.....	۴۶-۴۴

فصل اول

صفات صحابه کرام در پرتو آیات قرآنی

مدخل.....	۴۷
مبحث اول: صفات صحابه کرام مرتبط به عبادت و بندگی و تعامل با خالق.....	۴۸
مطلب اول: وصف صحابه کرام به ایمان و یقین.....	۵۳-۴۸
صحابه کرام الگوی ایمان برای بشریت.....	۵۵-۵۳
حب ایمان در قلب های صحابه کرام.....	۵۸-۵۶
صحابه کرام بندگان رستگار.....	۵۹-۵۸
تحمل مشقت صحابه جهت نائل آمدن به مدارج والای ایمانی.....	۶۰-۵۹
مطلب دوم: وصف صحابه کرام در عبادت.....	۶۳-۶۰
مطلب سوم: وصف صحابه کرام به اخلاص.....	۶۷-۶۴
مطلب چهارم: وصف صحابه کرام در رضا مندی و خشنودی الله.....	۶۹-۶۷
مطلب پنجم: وصف صحابه کرام به ترس و خشت از الله.....	۷۲-۷۰
مطلب ششم: وصف صحابه کرام به سبقت در دین و متابعت از پیامبر.....	۷۶-۷۲

مطلب هفتم: وصف صحابه کرام به اولین هجرت کنندگان در راه دین الله متعال.....	۷۶-۷۹
جایگاه مهاجرین صحابه کرام در قرآن کریم.....	۷۹-۸۰
قبولی توبه مهاجرین صحابه کرام در قرآن کریم.....	۸۰-۸۱
مطلب هشتم: وصف صحابه کرام به نصرت و یاری دین الله.....	۸۱-۸۵
مبحث دوم: صفات صحابه کرام در تعامل با مخلوق.....	۸۶
مطلب اول: صفت صحابه کرام به امر به معروف و نهی از منکر.....	۸۶-۹۲
مطلب دوم: صفت صحابه کرام به جهاد و مبارزه.....	۹۲-۹۴
دستور جهاد به صحابه کرام.....	۹۴-۹۵
مأمور شدن صحابه کرام به جهاد در برابر کفار.....	۹۶
فرمان یافتن صحابه کرام به جهاد در برابر مشرکین.....	۹۶-۹۷
مطلب سوم: صفت صحابه کرام به صداقت و راستی.....	۹۸-۱۰۱
مطلب چهارم: صفت صحابه کرام به سخت گیری در مقابل کفار.....	۱۰۱-۱۰۳
مطلب پنجم: صفت صحابه کرام به الطاف و ترحم با مؤمنین.....	۱۰۳-۱۰۶
مطلب ششم: صفت صحابه کرام به ایثار و فداکاری.....	۱۰۶-۱۰۹
مطلب هفتم: صفت صحابه کرام به وسطیت و اعتدال.....	۱۰۹-۱۱۲
مطلب هشتم: صفت صحابه کرام به علم.....	۱۱۲-۱۱۵

فصل دوم

فضائل صحابه کرام در پرتو آیات قرآنی

مدخل.....	۱۱۶-۱۱۸
مبحث اول: فضائل عموم صحابه کرام در قرآن کریم.....	۱۱۹-۱۲۰
مطلب اول: فضیلت صحابه کرام به اجر عظیم.....	۱۲۰-۱۲۲
مطلب دوم: فضیلت صحابه کرام به وعده جنت.....	۱۲۲-۱۲۶
مطلب سوم: فضیلت صحابه کرام به عنایت سکون و آرامش.....	۱۲۶-۱۲۸
مطلب چهارم: مزده صحابه کرام به فتح و نصرت.....	۱۲۸-۱۳۲

- مطلب پنجم: فضیلت صحابه کرام به خیر امت..... ۱۳۲-۱۳۴
- مطلب ششم: وعده صحابه کرام بر خلافت زمین..... ۱۳۴-۱۳۵
- مبحث دوم: فضائل تعداد خاص صحابه در قرآن کریم..... ۱۳۶**
- مطلب اول: فضائل مهاجرین صحابه کرام..... ۱۳۶-۱۳۹
- مطلب دوم: فضائل انصار صحابه کرام..... ۱۳۹-۱۴۱
- مطلب سوم: فضائل مجاهدین صحابه کرام..... ۱۴۱-۱۴۲
- فضیلت مجاهدین صحابه کرام به اجر اعظیم..... ۱۴۲-۱۴۳
- فضیلت مجاهدین صحابه کرام به رحمت..... ۱۴۳-۱۴۴
- فضیلت مجاهدین صحابه کرام به مغفرت و آسایش..... ۱۴۴-۱۴۶
- فضیلت مجاهدین صحابه کرام به وعده جنت..... ۱۴۶-۱۴۸
- فضیلت مجاهدین صحابه کرام به فتح و کامیابی..... ۱۴۹-۱۵۱
- مژده صحابه کرام به فتح مکه..... ۱۵۱-۱۵۲
- تعقیب راه صحابه کرام سبب فلاح و رستگاری..... ۱۵۲-۱۵۳
- مطلب چهارم: فضائل اهل بدر از صحابه کرام..... ۱۵۳-۱۵۵
- مطلب پنجم: فضیلت صحابه کرام در غزوه احد..... ۱۵۶-۱۵۹
- مطلب ششم: نصرت الهی برای صحابه کرام در غزوه (خندق)..... ۱۵۹-۱۶۲
- مطلب هفتم: اعلان رضامندی الله از اهل بیعة الرضوان و وعده غنائم به آنها..... ۱۶۲-۱۶۳
- مطلب هشتم: عنایت الهی برای صحابه به فتح و پیروزی در غزوه حنین..... ۱۶۳-۱۶۴
- مطلب نهم: فضائل صحابه کرام در غزوه تبوک..... ۱۶۵
- مطلب دهم: فضائل اهل کتاب صحابه کرام..... ۱۶۵-۱۶۶
- مطلب یازدهم: فضائل تعداد مشخص از صحاب کرام در قرآن کریم..... ۱۶۷
- فضیلت ابوبکر صدیق در قرآن کریم..... ۱۶۷-۱۶۹
- فضیلت حضرت عائشه صدیقه در قرآن کریم..... ۱۶۹-۱۷۱
- فضیلت حضرت خوله بنت ثعلبه در قرآن کریم..... ۱۷۱-۱۷۲

۱۷۳-۱۷۲.....	فضیلت حضرت زید و زینب بنت جحش در قرآن کریم.....
۱۷۴-۱۷۳.....	فضیلت أمهات المؤمنین در قرآن کریم.....
۱۷۶-۱۷۵.....	نتایج بحث.....
۱۷۷.....	پیشنهادات.....
۱۸۳-۱۷۸.....	فهرست آیات.....
۱۸۶-۱۸۴.....	فهرست احادیث.....
۱۸۷.....	فهرست اعلام.....
۱۹۴-۱۸۸.....	فهرست منابع ومصادر.....
۱۹۹-۱۹۵.....	فهرست موضوعات.....

Summary of argument

In summary of argument, under the title (Attributes and virtues of the great companions in the light of the Holy Qur'an), in the form of a factual interpretation by the Education Department of the University of Salam, he has been given the following authority in order to obtain a degree of Mastery: The introduction of this treatise includes all the items that should be mentioned in the principles of monograph including: Hamd and Suna Allah Almighty, salute to the Prophet (PBUH), the issue of authority, the research objectives, the questions that this book answers and the subject of discussion. Before describing the purity and virtues of the Holy Companions in the light of the verses of the Holy Quran, a separate chapter titled "primary" was written, which includes the following: Recognition and knowledge of the Sahabah of Karam, the definition of the word and idiom of the word Sahabah word, the classes of the Kareem by the scholars and the monks, the number of saints of Karam, the writings of the biography and the description of the prayer of Karam and the use of the word (al-Shahab) in the Holy Quran are discussed.

In the first chapter of this essay, the traits of Karam's proclamation are discussed in the light of the verses of the Holy Qur'anic verses, which include the following:

In the attributes of the Companions of Karam in the service and worship of Allah Almighty and dealing with the creator, faith and certainty, worship and servitude, reformation, sincerity, the grace of Allah Almighty, their superiority, the overrule of the instruction of Karam to Nosrat(victory) and the religion of Allah which This purity and character of the companions of the Holy Qur'an (pbuh) are explained in detail in the light of the verses of the Holy Qur'an.

Also in the attributes of the Great Companions in the clash of the creature, the description of the Holy Believers in the name of the famous and forbidding evil, jihad and struggle for the sake of nursing and protecting the religion and the law of Islam, honesty and truth, hardening against the enemies of God, excellence, grace and pity With devotees, sacrifice and sacrifice, their description of the moderation and moderation of the companions of Karam to science is included. These attributes of the Companions of Karam are also explained in this chapter in separate subjects in the clear verses of the Holy Qur'an.

The second chapter of this collection is distinct from the first chapter, because its title (the virtues of the Companions of Karam in the light of the verses of the Holy Qur'an), in this chapter the virtues of the Companions of Karam are expressed in general, including: The virtues of the Companions of Karam to the great revenge, paradise, Rizq or daily bread and clean daily bread, Peace and tranquility, Fatah and Nosrat, their choice of expressing the other community and the virtue of the Companions of Karam to the promise of the caliphate on earth in the clear verses of the Holy Qur'an is stated.

Later on the virtues of the Companions of Karam have been specifically discussed, which include: virtues of refugees, virtues of Ansar, virtues of the Mujahideen Virtues in peace of Hadidibiya, Virtues of the Kareem, who participated in the Ghana of Hani and Tabuk And the virtues of the companions of Karam, who were formerly from the book, and have been overlooked in the holy religion of Islam.

In the recent edition of this treatise, the results of the discussion, discussion suggestions, list of verses, hadiths, announcements, editions and references and topics of discussion have been incorporated.

Key words:

Traits of prophet's companions of karam in the Quran, attributes, virtues



The Government of the Islamic Republic of Afghanistan

Ministry of Higher Education

Salam University

Faculty of Sharia

Department of Islamic studies

Master schooling program

Master's thesis

Attributes and virtues of the great companions

In Holy Quran

Under Supervision of Professor Dr.Faseehullah

Abdulbaqi

Researcher:Noorullah

Noori

Academic year 2019



The Government of the Islamic Republic of Afghanistan

Ministry of Higher Education

Salam University

Faculty of Sharia

Department of Islamic studies

Master schooling program

Master's thesis

Attributes and virtues of the great companions